



البینیانی
الاسلامی شهرہدی
سنستھنی

12th International Traditional, Ritual Theatre Festival

(asia)

12-18 oct-2003

پاکستان
مکون
شہرہدی

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام خمینی (ره)

ساختن تئاتری که مطابق با موازین انسانی و اسلامی باشد، زحمت دارد.

To produce a theatrical work which leads to be in accord with Islam and humanity is laborious.

Imam Khomeini (PUH)

تئاتر در جمهوری اسلامی، اصالت والای خود را در بیان دردها و بازگویی قصه مظلومیت بشریت دربند میباید.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

Theatre, in the Islamic Republic, gains its noble originality in expressing agony and narrating the story of the fettered and oppressed human beings.

Ayatollah Seyed Ali Khamene'i, the leader

نسل آینده بایداز طریق هنر کارآمد دوران ما را زش‌های این تحول عظیم اجتماعی و این معجزه بزرگ روزگار مارا دریابد.

ریاست جمهوری سید محمد خاتمی

It is through efficient Art of our age that the next generation can perceive the values of the contemporary drastic social reformation and its great miracle.

Seyed Mohammad Khatami, the president

**Catalogue of the Twelfth International Traditional, Ritual Theatre Festival
Ministry of Culture and Islamic Guidance / Dramatic Arts Center**

Director: Majid Sharif-Khodaei

Evacuative Manager: Mas'oud Pakdel

Editor-in-chief: Afshin Hashemi

The head of the Editorial Board: Sasan Pirouz

Editorial Board: Mohammad-Reza Hosseini-Zadeh, Abbas Qaffari

Editor: Yahya Gilak

Translator: Rouzbeh Eftekhar

Art Manager: Mehdi Pakdel

Layouts & Designer: Mas'oud Nowrouzi

Typesetting: Mahboubeh-Sadat Qazi, Edna Houshyar

Photographer: Mas'oud Pakdel

Publishing Counsellor: Azar Khanlary

Publishing Supervisor: Ras Coporation, Behnam Behravesh

Thanks to: Mohammad-Hosein Naser-Bakht, Amir-Houshang Ferdows, Mohammad Bahrami, Mansour Khalaj, Mahmoud Ostad-Mohammad, Davoud Fathali-Beigi, Houshang Javid, Kamran Malek-Moti'i, Laleh Tagian, Negin Eidi, Fatemeh Kobarian, Hamid Amjad, Hasan Azimi, Farah Yeganeh, Negar Banaye-Sahebi, Sousan Khosravi, Ali Hashemi, Mehdi Agahi, Majid Jowzani, Mahnaz Abd-Behzad, Mohsen Banasaz, Zahra Hosein-Zadeh, Mitra Alavi-Tabar, Khosrow Mahmoudi, Rahmat Hoseini, Ali Amir-Lou, Hatam Davoudi, Javad Khalili, Adel Molla-Zadeh, Zohreh Vakil-Zadeh, Farshad Mohammadi, Sa'id Siadat, Hasan Joudaki, Behrouz Karimi

Lithography: Farayand Gouya

Kia-Naqsh Publishing House

Cover Designer: Mas'oud Nowrouzi

فهرست

List

۴	پیام
۸	هیأت‌های بازخوانی و بازبینی
۱۱	مسابقه
۴۹	خارج از مسابقه
۶۳	بین الملل
۷۵	تعزیه
۸۳	میدانی
۸۹	نقل موسیقایی
۹۵	جنبی
۹۹	بزرگداشت
۱۰۳	ضمیمه ۱ (مقاله)
۱۱۵	ضمیمه ۲ (به یاد گذشته)
۱۲۱	ضمیمه ۳ (مروری بر دوره‌های گذشته)
4	Messages
8	Review & Selection Boards
11	Competition
49	Non-Competition
63	International
75	Ta'ziyeh
83	Open Theatre
89	Music
95	Peripheral
99	Homage
103	Appendix 1
115	Appendix 2
121	Appendix 3

کاتالوگ دوازدهمین جشنواره بین‌المللی (آسیا) نمایش‌های سنتی و آیینی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ مرکز هنرهای نمایشی

مدیر مسئول: مجید شریف خدابنی

مدیر اجرایی: مسعود پاکدل

سردبیر: افسن هاشمی

دیبر تحریریه: ساسان پیروز

تحریریه: محمد رضا حسن‌زاده عباس غفاری

ویراستار: بحیری گلیک

متوجه: روزبه افتخاری

مدیر هنری: مهدی پاکدل

طراحی و صفحه‌آرایی: مسعود نوروزی

حروف‌چینی: محبوبه السادات قاضی، آدنا هوشیار

عکس: مسعود پاکدل

مشاور چاپ: آذر خانلری

ناظر چاپ: شرکت رث، بهنام پهلوش

با سپاس از همکاری:

محمدحسنی ناصر بخت، امیرهوشنگ فردوس، محمد بهرامی، منصور خاج، محمود استاد محمد، داود فتحعلی‌ییگی، هوشنگ جاوید، کامران ملک‌مطیعی، لاله تقیان، نگین عیدی فاطمه کباریان، حیدر احمد، حسن عظیمی، فرح یگانه، نگار بنای صاحبی، سوسن خسروی، علی هاشمی، مهدی آگاهی، مجید جوانی، مهناز عبدی‌هزاد، محسن بناسار، زهرا حسین‌زاده میترا علیوی طلب، خسرو محمدی، رحمت حسینی، علی امیرلو، حاتم داودی، جواد خلیلی، عادل ملازاده، زهره وکیل‌زاده، فرشاد محمدی، سعید سیادت، حسن جودکی، بهروز کریمی، شیرمز سعید مطهر تهرانی، مریم پناهی، حسین شفاعتی، پیمان شریعتی، سعید زین‌العابدینی، بهرام خواجه میرکی، زهرا صیری، وحید لک با تشکر از:

کارکنان محترم کتابخانه‌ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتابخانه‌ی تئاتر شهر، امور بین‌الملل مرکز هنرهای نمایشی، روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، دبیرخانه‌ی مرکز هنرهای نمایشی، کارکنان اداره‌ی تئاتر، واحد انتشارات مرکز هنرهای نمایشی، واحد رایانه مرکز هنرهای نمایشی، امور مالی انجمن نمایش، حراست تئاتر شهر

لیتوگرافی: فرآیند گویا

چاپ: کیان نقش

طرح روی جلد: مسعود نوروزی

جشنواره، راهی شناخت دیگر فرهنگ‌ها

توجه به میراث فرهنگ معنوی، امروز اصلی مهم در جهان است، این بخش از فرهنگ شفاهی ملت‌ها که تا چند سال اخیر کمتر مورد توجه بود، امروز از مهمترین عناصر فرهنگ‌ساز به شمار می‌آید. نمایش‌های آئینی سنتی نیز بخشی از میراث فرهنگ معنوی ملت ما است و از این رو دارای ارزش‌های والای فرهنگی است.



می‌دانیم که فرهنگ اصیل همواره بر سنت‌ها و آئین‌های ارزشمندش تکیه دارد و به همین دلیل، شناخت، حفظ و حراست و احیای این هنرها اهمیتی فراوان دارد. جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آئینی که امسال برای دوازدهمین بار برگزار می‌شود، به درستی بکی از مهمترین رویدادهای فرهنگ معنوی کشور ما است. که می‌تواند به استحکام و بنیان فرهنگ امروز نیز یاری برساند؛ به ویژه در جشنواره‌ی کنونی که به صورت آسیایی گسترش یافته است، سنت‌ها و آئین‌های نمایشی دیگر کشورهای این قاره که بی‌تردید ریشه‌های مشترک فرهنگی شان با ما عجین تر است، می‌تواند بر کیفیت تئاتر و نمایش ما تأثیری بسزایداشته باشد. بنابراین باید این جشنواره را راهی شناخت دیگر فرهنگ‌ها دانست. موقفیت هنرمندان و رضایت دوستداران هنر نمایش را از خداوند مستلت دارم.

احمد مجید جامعی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

Festival ,as an Opportunity for Becoming Familiar with other Cultures

Today, cultural heritage has become the focus of international attention. And this part of the oral culture of the nations, which had been ignored in the course of time, is regarded as one of the most significant elements in the process of culture creating. In addition, traditional, ritual theatre as a part of our national cultural heritage is considered to be highly valuable.

It is widely known that an original culture is always based on its great rituals and traditions, so to know, to preserve and to revive these arts are of ultimate importance.

The Twelfth Tehran International Traditional, Ritual Theatre Festival is considered to be one of the most significant cultural events in our country which can strengthen the foundation of our contemporary culture. Moreover, the widespread range of the Asian countries participated with which our culture has a lot in common will undoubtedly enhance the quality of our theatre. Consequently, this festival can be regarded as an opportunity to becoming familiar with other cultures. I hope for the success of the artists and satisfaction of the art fans.

Ahmad Masjed-Jame'i
The Minister of Culture and Islamic Guidance

نمایش؛ اندوخته‌ی پایان ناپذیر داشته‌ها

بنام خدا

انسان معاصر علیرغم زیست در گسترده‌ی متوجه جغرافیای جهان امروز، با شتابی توفنده در معرض انواع و اقسام تهاجمات رسانه‌ای است. دیگر تقریباً هیچ نقطه‌ای از کره‌ی زمین مصون از امواج پرنفوذ موزیک‌دانه‌ی همانند سازی نیست. بشامروز نمی‌تواند حتی گوش‌های کوچک و بی‌دغدغه برای خلوت سلایق خود پیدا کند. همه ساکنان سیاره‌ی کوچک شده‌ی زمین مجبورند براساس دستورالعمل‌های لحظه‌ای صادره عمل کنند. علایق، احساسات، حساسیت‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و حتی ذائقه‌ها، نوع و رنگ پوشش انباء عالم تحت تأثیر است. پاره‌فرهنگ‌ها، آداب، رسوم، سنت‌ها، آینین‌ها و هر آن‌په یک قوم یا بخشی از یک جغرافیا را تعریف می‌کند مدام در معرض حذف و فراموشی با برنامه است. در این مسیر جوامع انسانی تهی زودتر تسلیم می‌شوند ولی ملل پایدار و با اصالت عموماً با تکیه بر قرن‌ها پشتونه‌ی فکری و عرفتی بقا و دوام خود را بهتر می‌توانند تضمین کنند.

جامعه‌ی ما علیرغم اینکه بیش از سایرین، در معرض هجوم است ولی با تکیه بر تاریخ کهن و تمدنی محکم، اعتقاداتی قوی و انسان‌ساز، سنت‌ها و آینین‌های جذاب و ریشه‌دار، خود را بایمه کرده و حتی جهان را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

هنازین نمایش با پشتونه‌ی محکم و عقبه‌ی قدرتمند ادبیاتی که دارد همیشه پیش رو در نوآوری و عرضه‌ی اصالت فرهنگی این مرزو بوم بوده است.

در مجال دوازدهمین دوره‌ی جشنواره نمایش‌های سنتی و آیینی، بار دیگر اندوخته‌ی پایان ناپذیر داشته‌های فرهنگی و اعتقادی خود را به نمایش می‌کناریم.



مرتضی کاظمی

معاون امور هنری و فرهنگی و ارشاد اسلامی

Theatre , as the Boundless Source of our Achievements

Modern man, in spite of living in a variety of geographical range of the world, is under various sorts of the media assaults. Almost no region on earth has warded off the penetrable waves of identicalisation. Modern man is not even able to find a cosy place for his pure tastes. All of the inhabitants on the microcosm of our planet are to behave according to the prescriptions and forget about their inclinations, feelings, friendships and hostilities, and the colour of their clothing. Consequently, the rituals, customs, cultures, traditions and what specifies a geographical region are constantly in danger of ignorance. It is obvious that in such a process, bare societies yield and submit sooner while ancient and original ones by relying upon their past achievements can safely protect themselves.

Although our society has been exposed more than the others, it has been successful in even influencing the world and its inhabitants by relying on its great civilisation, firm beliefs and morals, and attractive, ancient rituals.

The art of Theatre in Iran supported by great literature has always been pioneer in innovation and presenting originality. During The Twelfth Tehran International Traditional, Ritual Theatre Festival, we have got an opportunity to reveal our own boundless cultural sources and achievements.

سنت و آیین، میراث معنوی بشری

اگر در سال‌ها و دهه‌های پیشین در لزوم حفظ سنت‌ها تردید بود، چیستی و چگونگی کارکرد آن‌ها در جوامع مدرن و توسعه یافته محل بحث امروز است. اما به خوبی می‌دانیم نوگرایی، پیشرفت و توسعه بدون تکیه بر سنت‌ها بی‌شك ناممکن خواهد بود. جامعه‌ی ما که با شعار کفتو، صلح و معنویت، داعیه‌ی حضوری سریلندانه در عرصه‌ی جهانی را دارد، بر این تکیه به خوبی واقف است و می‌داند که این حضور و سریلندی منوط به شناخت، پاسداشت و بهره‌برداری از سنن دیرپا و غنی فرهنگ ملی - دینی است.



ما به همان اندازه که به قرائت‌های نو، بازآفرینی و نوآوری در عرصه‌ی سنت نیازمندیم، حفظ و تکواداشت سنت‌ها و آیین‌ها را به همان شکل اصیل و ناب برخود واجب می‌دانیم مباداً که در جریان روزآمدسازی‌ها و نوگرایی‌ها، قالب و ساختار کهن هنرهای ملی به فراموشی سپرده شود. برپایی جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی و آیینی، به این معناست که خانواده‌ی جهانی تاثیر خصوصاً مشرق زمین، جملگی دل‌نگران حفظ و تداوم سنت‌های کهن نمایشی می‌باشد و این هم از امتیازات میراث غنی کشور ما از فرهنگ و تمدن دیرپای ایران اسلامی است که هرگونه نوگرایی و جهانی شدن را با تکیه بر سنت‌ها مقبول می‌داند.

محمید شریف خدایی

دیرپا زده‌مین جشنواره‌ی بین‌المللی نمایش‌های سنتی آیینی

Tradition and Ritual, the Man's Spiritual Heritage

If during the earlier years and decades, preserving traditions was in doubt, or what their function is and how they function in modern, developed societies has become so controversial nowadays, it is believed that modernism and development cannot be achieved unless they are based on traditions.

With emphasis on Dialogue, Peace and Spirituality, our society is to have honourable participation in different arenas of the world. Undoubtedly, such a presence is due to celebrating and utilizing our rich and ancient national religious culture.

We need new-readings, recreations and innovations in traditions to the same degree that we have to preserve and encourage them in their original, noble form, lest our national arts structures should be ignored in the course of these reformations and innovations. Consequently, holding these traditional, ritual festivals means gathering of the theatre families of the world, especially those in the east, which have their hearts in perseverance and preservation of ancient traditional theatre. This is the very advantage of our rich cultural heritage and great Islamic civilisation that accepts any sort of modernism and globalisation based on traditions and rituals.

Majid Sharif-Khoda'i

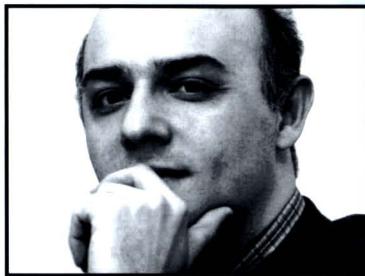
Secretary of The Twelfth Tehran International Traditional,
Ritual Theatre Festival





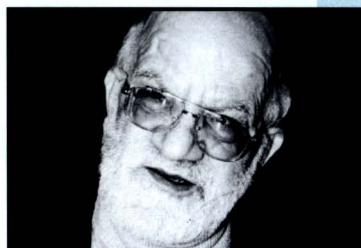
سنتی و آئینی
یالملانی ما یا شه
دوازده همیشنه ولاد

متولد ۱۳۴۷، تهران
 نویسنده، کارگردان، مدرس پژوهشگر
 فرق لیسانس سینما و دکترای پژوهش هنر
 تدریس دروس مختلف سینما و تئاتر در دانشکده‌های هنری
 نگارش نمایشنامه‌های: تراژدی آقای قانع (۱۳۶۷)، بادیان‌ها (۱۳۶۹).
 خرس (۱۳۶۹)، محبس (۱۳۷۰)، بی شیر و شکر (۱۳۷۶) بخش نامه (۱۳۷۶).
 شام غریبان (۱۳۷۸)، شب نامه (۱۳۷۸)، رائز (۱۳۸۰)، سرنخ (۱۳۸۱)
 تاستانی (۱۳۸۰) و کارگردانی نمایش‌های: قضیه‌ی تراخیس زارون، نیلوفر آبی،
 پستخانه، شب سیزدهم مهر و آینه‌ها و رائز
 نگارش فیلم‌نامه‌های: دیدار (۱۳۶۶)، میان اشباح (۱۳۷۱)، خواهان آتش (۱۳۷۷)
 (۱۳۷۷)، زندگی خصوصی (۱۳۷۷)، بازی بی بازی (۱۳۸۱)
 انجام پژوهش‌های: تیاتر قرن سیزدهم (۱۳۷۳)، حکام قدیم-حکام جدید (۱۳۷۹)،
 گردآوری و ویرایش سه تیاتر از مؤید الممالک فکری ارشاد (۱۳۷۹).
 مضحکه‌ی ناصری (پژوهشی در نخستین کمدی‌های ایرانی در عصر قاجار- (۱۳۸۲).



حمید امجد
Hamid Amjad

Born in 1968, Tehran
 B.A. in Cinema & Ph.D. in Art Research
 As a professor in art universities
 As playwright in 'The Tragedy of Mr. Ghane', 'The Sails', 'The Bear', 'Shab Nameh', 'The Pilgrim', 'The Pure Air', etc.
 As both playwright & director in 'Zaroun', 'The Thirteenth Night', 'The Love and the Mirrors', etc.
 As scenarist in 'The Meeting' (1992), 'The Sisters of Fire' (1998), 'The Private Life' (1998), etc.
 Carrying out researches such as 'The Thirteenth Century Theatre' (1994), 'Mazhake-ye Naseri' (2003), etc.



رضا کرم‌رضایی
Reza Karam-Rezaei

متولد ۱۳۱۶، سقرا آباد (از توابع کرمانشاه)
 نویسنده، مترجم، کارگردان، بازیگر
 تحصیل تئاتر در هنرستان هنرپیشگی (۱۳۳۵-۳۸) و سپس در انتیتوی تئاتر و فیلم و تلویزیون دانشگاه مونیخ (آلمان)
 شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۳۳ در جامعه‌ی باریز زیرنظر رفیع حالتی و اسماعیل مهرتاش و بازی در نمایش فتنه (رفیع حالتی - ۱۳۳۳) به عنوان اولین کار هنری
 ترجمه‌ی آثار نویسنده‌گانی چون دورنمای، یونسکو، کروتس، برشت و کارگردانی نمایش‌های: تاسیان (۱۳۴۸)، قیمت آهن (۱۳۵۴)، شاه می میرد (۱۳۵۶)، فیزیکدان‌ها (۱۳۵۲)، نطفه‌ی شوم (۱۳۶۰)، توران‌دخت (۱۳۶۴)، مستاجر جدید (۱۳۶۵)، یک مضحکه (۱۳۶۹)، سوگ مضحکه‌ی آدم (۱۳۷۳) و...
 بازی در پیش از ۴ فیلم سینمایی از جمله: خواستگار (علی حاتمی - ۱۳۵۱)، کندو (فریدون گله - ۱۳۵۴-۱۳۵۶)، نازنین (علیرضا آزادنژاد - ۱۳۵۵-۱۳۵۶)، نرگس (رخشان بنی‌اعتماد - ۱۳۷۰) و...
 بازی در سریال‌های تلویزیونی: طلاق (مسعود اسداللهی)، سریداران (محمدعلی نجفی)، امام علی (ع) (ادومنیرافری) و...

Born in 1937, Kermanshah
 Studied Theatre in Acting School (1956-59) & Munich University
 Active since 1954 in Barbad Theatre Society under the supervision of rafi' Halati & Esma'il Mehrtash
 Translating the works of Brecht, Durrenmatt, Ionesco, etc.
 As director in 'The Summer' (1969), 'Touran-Dokht' (1985), 'One Mazhakeh' (1990), etc.
 As an actor in more than forty movies such as 'The Suitor' (1972), 'The Beehive' (1975), 'Darling' (1976), 'Narges' (1991), etc.
 As an actor in TV serials such as 'Divorce', 'Imam Ali', etc.

متولد ۱۳۳۸
 نویسنده، پژوهشگر موسیقی نواحی کشور و فرهنگ مردم
 فوقدیلم فیلمبرداری و نورپردازی
 تحصیل درس فرهنگ‌شناسی در مکتب مرحوم استاد انجوی شیرازی
 عضو کانون پژوهشگران موسیقی - خانه موسیقی
 عضو کانون هنرهای ستی آینی
 طراح و مدیر برگزاری نخستین جشنواره‌ی موسیقی نی نوازان ایران (۱۳۷۰)
 دیبر، طراح و مدیر اجرایی جشنواره‌های موسیقی آینی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۰) و نخستین
 جشنواره‌ی موسیقی نی نوازان ایران (۱۳۸۲)
 نگارش نمایش نامه‌های: مرثیه‌ای برای یک بازیگر (۱۳۷۲)، آخرین بازی
 (۱۳۷۶)، این شرح بی‌نهایت (۱۳۸۲) و فیلم‌نامه‌ی پوتین (ساخته‌ی عبدالله
 باکیده) / نگارش آثاری چون: آواهای روح نواز (مجموعه‌ی لاله‌های
 ایرانی - ۱۳۷۱)، موسیقی آینی (کتاب اول و دوم - ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱)، موسیقی آینی -
 مذهبی ترکمن‌های ایران (۱۳۸۲) / پژوهش در زمینه‌ی موسیقی تعزیه،
 موسیقی طنز در نمایش‌های کهن ایرانی، موسیقی پیش پرده، موسیقی
 نمایش‌های منطقه‌ای ایران، موسیقی نقش روایت و موسیقی در آینه‌های
 ایرانی
 عضو هیأت داوران دوین جشنواره‌ی تئاتر کردی و جشنواره‌های موسیقی خوزستان، کاشمر و خراسان

Born in 1959
 Diploma in Photography & Light Designing
 Student of S.A. Enjavi Shirazi in cultural studies
 A member of Music Researchers Centre, Music House
 A member of Traditional, Ritual Arts Centre
 Designer & secretary of The First Iranian Ney Players Festival
 Secretary, designer & executive manager of ritual music festivals (2002,2003) & The First Iranian Women's Regional Music Festival (2003)
 As playwright in 'An Elegy for an Actor' (1993), 'The Last Game' (1997), etc.
 Writing works such as 'The Spiritual Sounds' (1992), 'Ritual Music' (2001), etc.
 Carrying out researches on Ta'ziyah music, comic music in Iranian traditional theatre, narrative and music in Iranian rituals, Iranian regional music, etc.
 A jury member of Kurdish Theatre Festival & music festivals in Khouzestan, Khorasan & Kashmar



هوشنگ جاوید
Houshang Javid

Selection Board

Stage Theatre

هیأت انتخاب

(بخش صحنه‌ای)

متولد ۱۳۴۹، تهران

نویسنده، کارگردان، بازیگر

شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۴۴ از طریق آشنایی با نصرت رحمانی و سپس بیژن مفید

بازی در نمایش‌های شهر قصه (بیژن مفید-دومین جشن هنر شیراز)، ماه و پلک (بیژن مفید-سومین جشن هنر

شیراز)، نظارت عالیه (زان زن-ایرج انور)، ریل (مهدی فتحی-که هرگز روی صحنه نرفت)

ورود به گروه هنر ملی در سال ۱۳۵۰ و بازی در نمایش سنگ و سرنا (نصرت پرتوی)

نگارش و کارگردانی نمایش‌های: آسید کاظم (اجرا شده در خانه نمایش و ستلچ) با حمایت عباس جوانمرد-

۱۳۵۰)، شب پیست و یکم (۱۳۵۸)، آخرین بازی (۱۳۷۸)، دیوان تئاترال (۱۳۸۰)

نگارش نمایش‌نامه‌های: گل یاس، وهم عکس، خانه سالمدان، خویان و خوزیان و...

نگارش سریال‌ها و فیلم‌نامه‌هایی چون: رسم زنانه (وکارگردانی ۱۳۵۱)، گذر خلیل ده مرده (وکارگردانی ۱۳۵۱-۱۳۵۲).

پژواک (۱۳۵۲)، جنگ اطهر (به کارگردانی محمدعلی نجفی)، زیرسايه‌ی همسایه، سیاه راه و...

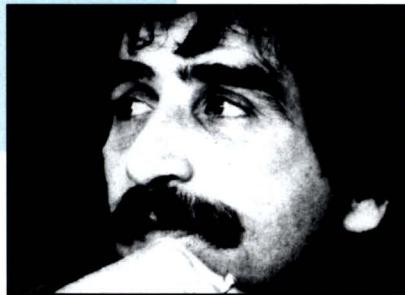
همکاری با ناصر رحمانی نژاد در شروع به کار تئاتر البرز و نگارش نمایش‌نامه‌های متعدد برای تئاترهای لاله‌زار

از جمله: تیغ و ترنا (هادی اسلامی-۱۳۶۰)، غفریته (بهروز نژاد)، چلچراغ، سرمه و...

داور یازدهمین دوره‌ی جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آینه

محمد استاد محمد

Mahmoud Ostad-Mohammad



Born in 1950, Tehran

Active since 1965 & familiarity with Nosrat Rahmani, Bizhan Mofid

As an actor in 'The Story Town', 'The Moon and the Tiger', etc.

Becoming a member of National Art Group (1971)

As both playwright & director in 'Seyed Kazem', 'The Twenty and the First Night', 'The Last Game', etc.

As playwright in 'The Lilac', 'The Photo's Illusion', etc.

Writing serials & plays such as 'Women's Tradition', 'The Resonance', etc.

Co-operation with Naser Rahmani-Nezhad in Alborz Theatre & writing several plays for Laleh-Zar Theatres

As the judge of The Eleventh Traditional, Ritual Theatre Festival

متولد ۱۳۲۲، تهران

نویسنده، مترجم و کارگردان

دکترای تئاتر از دانشگاه سورین پاریس، کارشناسی تکنیک و استیک تئاتر

عضو هیأت موسس و عضو دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

ترجمه‌ی آثاری چون: سوءتفاهم (کامو)، هفت درس بازیگری (لویی ژوه)، شکوه مرگ

ژوائین موریتا (پابلونلا)

کارگردانی نمایش‌های: تبعیدی، اقلیما، یونس، پرنده‌ی سبن، مسلم بن عقیل، همسرانی

مختر، سرشت سوزناک زندگی، حررو...

محمد عزیزی

Mahmoud Azizi

Born in 1944, Tehran

Ph.D. in Theatre, Sorbonne University

An expert in theatre techniques & statics

A member of Jahad Daneshgahi as one of the founders Translated 'The Misunderstanding', 'Seven Lessons on Acting', etc.

As director in 'Younes', 'The Green Bird', 'The One in Exile', 'Hor', 'The Plaintive Nature of Life', etc.

Born in 1959, Tehran

B.S. in Psychology & M.A. in Direction

An expert in Traditional, Ritual Theatre Centre since 1987

As director in 'Hey! Matadors', 'In the Cold Streets of the Town', etc.

As director in TV plays such as 'The French Queens', 'The Misunderstanding', 'The Puzzle of a Murder', etc.

As director in TV serials such as 'The Neighbours', 'Tomorrow Is Late', 'The Tenth Night', etc.

متولد ۱۳۳۸، تهران

نویسنده، کارگردان

لیسانس روانشناسی و فوق لیسانس کارگردانی

کارشناس کانون نمایش‌های سنتی آینه از سال ۱۳۶۶

کارگردانی نمایش‌های: هی ماتادورها، مضمکه‌ی پهلوان و پری، داوری ایندیرا، در خیابان‌های سرد شب و...

کارگردانی نمایش‌های تلویزیونی: ملکه‌های فرانسه، معماه یک قتل، سوءتفاهم، تله موش، جان گابریل بورکمن و...

کارگردانی سریال‌های تلویزیونی: همسایه‌ها، پهلوانان هرگز نمی‌میرند، فردا دیر است، شب دهم و...

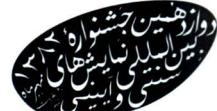
حسن فتحی

Hasan Fathi



کارگردانی نمایش‌های سنتی آینه از سال ۱۳۶۶

کارگردانی نمایش‌های تلویزیونی: ملکه‌های فرانسه، معماه یک قتل، سوءتفاهم، تله موش، جان گابریل بورکمن و...



Selection Board of Provincial Plays

Stage Theatre



محمدحسین ناصربخت
Mohammad-Hosein Naser-Bakht

متولد ۱۳۴۳، کرج

نویسنده، کارگردان، طراح، پژوهشگر، مدرس تئاتر، متفق

تحصیل ادبیات نمایشی در فرهنگسرای نیاوران، لیسانس طراحی صحنه از دانشکده سینما تئاتر، فوق لیسانس و دکترای پژوهش هنر از دانشگاه‌های هنرو

تریبیت مدرس آغاز فعالیت هنری از سال ۱۳۵۷ به عنوان بازیگر، نویسنده و کارگردان در گروه

تئاتر یامداد-کرج

نگارش و کارگردانی نمایش‌های: توکا و قفس، موش‌ها و گربه‌ها، مواطبه

کلاهت باش، قصه‌ی گرگ گرسنه، حکایت مردی بی‌صاحب و...

طراحی صحنه‌ی نمایش‌های: تخت و خنجر، نمایش منوع، قصه‌ی باعزعزالک

راز عروسک، افسانه‌ی پهلوان و نویهار، یوسف و زلیخا، حسن کپل و...

نگارش مقالات متعدد از جمله: شیوه‌خوانی-نمایش مقدس، شیوه‌گردانی، پرده‌های درویشی و...

عضو شورای مرکزی کانون نمایش‌های سنتی آذینی (۱۳۶۸)

عضو کانون ملی متقدان تئاتر و کانون جهانی متقدان تئاتر (AICT)

عضو انجمن طراحان صحنه‌ی خانه‌ی تئاتر

عضو هیأت موسس و هیأت مدیری گروه تئاتر تماشا

Born in 1964, Karaj

Studied Dramatic Literature in Niavaran Cultural Centre

B.A. in Stage Designing, Cinema and Theatre University, M.A. in Art Research, University of Arts & Ph.D. in the same field, Tarbiat Modarres University

Active since 1978 as an actor, playwright & director in Bamdad (Dawn) Theatre

As both playwright & director in 'Toka and the Cage', 'The Mice and the Cats', 'Take Care of Your Hat', etc.

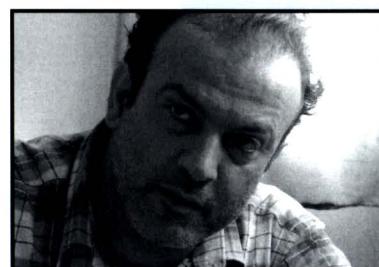
As stage designer in 'The Forbidden Play', 'Yousef and Zoleikha', 'The Bald Hasan', 'Puppet's Secret', etc.

Writing various articles such as 'Shabih-Khani, the Holy Theatre', 'Shabih-Gardani', etc.

A member of The traditional, Ritual Theatre Centre Committee (1989)

A member of The National Theatre Critics Centre & AICT

As one of the founders of Tamasha Theatre



مسعود عابدین نژاد

Mas'oud Abedin-Nezhad

متولد ۱۳۴۱، تهران

نویسنده، متفق

لیسانس روانشناسی از دانشگاه تهران

سردیبر برنامه‌های نمایشی صدای جمهوری اسلامی ایران و متفق

تئاتر در برنامه‌ی رادیویی جمیع‌ها با تئاتر عضو گروه کارشناسان

شورای نظارت و ارزشیابی مرکز هنرهای نمایشی

نگارش نمایش‌نامه‌های: بلخند، زندگی اسرارآمیز یک مرد کوچک،

دنیای کمرنگ و زندگی پررنگ، همه‌ی فرزندان مادر من و...

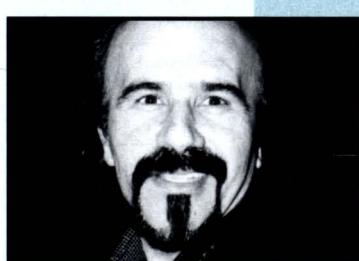
Born in 1962, Tehran

B.S. in Psychology, Tehran University

The head of the theatrical programmes of The Voice of Islamic Republic of Iran & also the critic of 'Weekends with Theatre'

As an expert & supervisor in The Dramatic Arts Centre

As playwright in 'All of My Mother's Children', 'The Mysterious Life of a Little Man', etc.



اردشیر صالح‌پور
Ardeshir Saleh-Pour

متولد ۱۳۳۶، چهارمحال بختیاری

نویسنده، مدرس تئاتر

لیسانس کارگردانی از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، فوق لیسانس

کارگردانی از دانشگاه تربیت مدرس و دانشجوی دکترای پژوهش هنر

ریس دیرخانه‌ی دائمی چشواره‌های تئاتر کشور

نگارش نمایش‌نامه‌های: دختر انار، قوز بالا قزو و...

Born in 1957

B.A. in Direction, Faculty of Fine Arts, Tehran University

M.A. in Direction, Tarbiat Modarres University

Ph.D. student of Art Research

The head of The Continual Secretariat of Theatre Festivals

As playwright in 'The Pomegranate Girl', 'The Kick in the Pants', etc.



Competition

مسابقه

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

سنگی و آئینی

الملائکہ

دوازدهمین نووار



بحرالغرائب

براساس نمایشنامه‌ی "طوفان" اثر ویلیام شکسپیر
کاری از گروه تئاتر بازی

نویسنده و دراما تورز: محمد چرم‌شیر
کارگردان و طراح: آتیلا پسیانی

بازیگران: آتیلا پسیانی، ستاره پسیانی، امیر دژاکام، پیام دهکردی، قاسم زارع، سیامک صفری، حمیدرضا

فلاحی، حسین محباهری، حسن معجونی، فاطمه نقوی، سیروس همتی

دستیار کارگردان: سیروس همتی

موسیقی: گروه تئاتر بازی

مدیر صحنه: خسرو پسیانی

طراح پوستر و بروشور: علی رضا فانی

مدیر روابط عمومی: حمیدرضا گرشناسی

عکاس: رکسانا مهرافزون

مدت زمان نمایش: ۷۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

جهازی به جادو به جزیره می‌نشینند. جزیره‌نشینان در پس خاطره‌ای دور، کشتی‌نشینان را به خود آورده پشیمان می‌کنند. همه چیز می‌رود به خوشی تمام شود که... .

یادداشت کارگردان:

همیشه دوست داشتم براساس اجنه و پریان نمایشی بسازم. "بحرالغرائب" این امکان را فراهم کرد تا دوباره بازی کنم؛ بازی با جادو و رویا.

آتیلا پسیانی

متولد ۱۳۳۶، تهران؛ لیسانس بازیگری و کارگردانی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران؛ شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۴۶؛ همکاری با کارگاه نمایش از سال ۱۳۵۴؛ تشکیل گروه تئاتر بازی از سال ۱۳۶۸ و اجرای ۴۳ نمایش به کارگردانی خود و دیگر اعضای گروه



Atilla Pisyani

1957, Tehran; B.A. in Acting and Direction,
Faculty of Fine Arts; active since 1967; co-operation with Theatre Workshop since 1975; performed forty-three plays as the head of Bazi Theatre

The Bizarre Sea

(based on ‘The Tempest’ by William Shakespeare)
Bazi (Play) Theatre



Playwright & Dramatist: Mohammad Charm-Shir

Director & Designer: Atila Pesyani

Actors: Atila Pesyani, Setareh Pesyani, Amir Dezhakam, Payam Dehkordi, Qasem Zare', Siamak Safari, Hamid-Reza Fallahi, Hosein Moheb-Ahari, Hasan Ma'jouni, Fatemeh Naqavi, Sirous Hemmati

Director Assistant: Sirous Hemmati

Music: Bazi (Play) Theatre

Stage Manager: Khosrow Pesyani

Poster & Brochure Designer: Ali-Reza Fani

General Affairs: Hamid-Reza Garshasbi

Photographer: Roksana Mehr-Afzoun

Duration: 70 mins.

Synopsis

MAGICALLY, a vessel runs aground on an island. The islanders dissuade the sailors by means of an old remembrance. Everything's going to end happily that ...

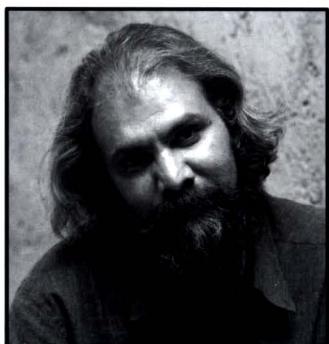
Director's Note

I've always loved to work on fairy tales. The 'Bizarre Sea' made it possible for me to act and play again; to play with fancy and dream.

تاج محل



کاری از گروه تئاتر ماهان



امیر دژاکام

متولد ۱۳۴۱؛ مدرس بازیگری و کارگردانی، عضو هیأت علمی، مدیر دپارتمان کارگردانی مؤسسه سوره (اصفهان)؛ اجرای بیش از ۴۰ اثر نمایشی و تدوین نزدیک به ۲۰ نمایش نامه؛ نگارش و کارگردانی نمایش‌های: شمس، شهرزاد سیاوش خوانی، دزد دریابی، ضیافت شیطان و...

Amir Dezhakam

1962; the head of the Acting Department of Sooreh, Isfahan; performed more than forty plays and edited more than twenty plays; as playwright and director in 'Shams', 'Devil's Feast', 'Shahrzad', etc.

نویسنده و کارگردان: امیر دژاکام
بازیگران: بهزاد جاودان فرد، نادیا فرجی، فائزه کشاورزیان، بهاره نصرتی، لیلی اسکندری،
صغرای گودرزی، کنانه افشاری نژاد، می گل زندیه، ندا حسن نژاد، بهاره سعوه، هاجر صادقی،
مهری ساکی

مشاور کارگردان: محمود قبه زین
دراما تورز: سیمین امیریان

دستیاران کارگردان: حسن سرچاهی، مهدی ساکی
طراح صحنه و لباس: آتبلا پسیانی

طراح نور: حمید مصدق

طراح چهره پردازی: عباس صالحی

موسیقی: سعید ذهنی

نوازنده کان: حمید فلاحتی، محسن عرب‌امیری، سعید ذهنی و...
طراح حرکات موزون: بهزاد جاودان فرد

مدیر صحنه: عباس صفا

منشی صحنه: نیره صدقیان

طراح پوستر و بروشور: اردشیر رستمی

مدت زمان نمایش: ۶۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

تاج محل، همه‌ی آن چیزی است که آن جایی که نمی‌دانیم و در آن زمان که نمی‌دانیم باید اجرا شود.

یادداشت کارگردان:

نمایش ایرانی به خانه تکانی نیاز دارد، نه به ستایش بی حساب و نه به جمله‌های روشنفکرانه. بیایید سازنده‌ای خلاق و پویا و منتقدی منصف و هوشمند باشیم، پدرانمان سهم خود را به جا آوردن، اکنون نوبت ماست.



Taj Mahal

Mahan Theatre

Playwright & Director: Amir Dezhakam

Actors: Behzad Javdan-Fard, Nadia Faraji, Fa'eze Keshavarzian, Bahareh Nosrati, Leili Eskandari, Soqra Goudarzi, Kataneh Afshari-Nezhad, Meigol Zandieh, Neda Hasan-Nezhad, Bahareh Sa'veh, Hajar Sadegi, Mehdi Saki

Director Counsellor: Mahmoud Qobbeh-Zin

Dramatist: Simin Amirian

Director Assistants: Hasan Sarchahi, Mehdi Saki

Stage & Costume Designer: Atila Pesyani

Light Designer: Hamid Mosaddeq

Make-Up Designer: Abbas Salehi

Music: Sa'id Zehni

Musicians: Hamid Fallah, Mohsen Arab-Amiri, Sa'id Zehni, etc.

Choreographer: Behzad Javdan-Fard

Stage Manager: Abbas Safa

Continuity: Nayyereh Sedqian

Poster & Brochure Designer: Ardesir Rostami

Duration: 60 mins.

Synopsis

Taj Mahal is the whole thing that has to be performed in a place we don't know and at a time we don't know as well.

Director's Note

Iranian theatre needs an evolution; it needs neither countless appreciations nor sophisticated statements. Let's try to be an active, creative producer and a clever, just critic. Our ancestors have done their own part, now it is our turn to do ours.

جگر هندی

براساس داستانی از "گلستان سعدی"

کاری از گروه فرهنگی هنری نیایش
(با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اسلامشهر)

نویسنده: رحمت امینی
کارگردان و طراح: حسن وارسته جفوودی
DRAMATURG: بهزاد صدیقی
بازیگران: اکبر قهرمانی، طوفان مهردادیان، بهرام سروری نژاد، علیرضا صالحی، امیر پورصفا، مسعود رحیم پور
مشاور کارگردان: بیژن پورغلام
دستیار کارگردان: علیرضا صالحی
طراح لباس: مقصوده چابک
موسیقی: محمد بلوکات
مدیر صحنه: علی افشاری
منشی صحنه: ساغر مختاری
طراح پوستر و بروشور: میترا صالحی
مدیر روابط عمومی: فهیمه سیاحیان
مدت زمان نمایش: ۵۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

پادشاهی بیمار می‌شود. طبیبان علاج درداورا خوردن جگر انسان می‌پنداشد. درباریان پسر دهقانی را می‌یابند و ...

قاضی فتواداد که خون یکی از رعیت ریختن سلامت پادشاه را روآ باشد. جlad قصد کرد. پسر سر به سوی آسمان برآورد و تبسیم کرد ...

"برگرفته از "گلستان سعدی"

یادداشت کارگردان:

این جشنواره هم بین المللی شد. خدا را شکر، بازیگران من هم جهت ارتزاق به کارهای دیگر مشغولند. اما اینها ربطی به تماشاگر ندارد. او می‌خواهد کار خوب ببینند.



۱۳۸۲
جشنواره
بین‌المللی نمایش‌های هنری
و زیبایی و تئاتر

The Indian Liver

(based on a story from Sa'di's 'Golestan')

Niayesh (Worship) Theatre

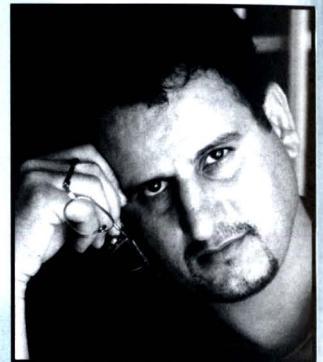
Playwright: Rahmat Amini
Director & Designer: Hasan Varasteh-Jafroudi
Dramatist: Behzad Sediqi
Actors: Akbar Qahremani, Toufan Mehrdadian, Bahram Sarvari-Nezhad, Alireza Salehi, Amir Poursafa, Mas'oud Rahim-Pour
Director Counsellor: Bijan Pour-Qolam
Costume Designer: Ma'soumeh Chabok
Music: Mohammad Boloukat
Stage Manager: Ali Afshari
Continuity: Saqar Mokhtari
Poster & Brochure Designer: Mitra Salehi
General Affairs: Fahimeh Sayyahian
Duration: 50 mins.

Synopsis

A king falls ill. He is recommended to eat human liver to cure his illness. A peasant son is chosen by the court and ...

Director's Note

And finally this festival became international. Thank god. And my actors are still busy doing other jobs to win some bread. But these are none of the spectators' business. They have come to witness an acceptable performance.



حسن وارسته جفروودی
متولد ۱۳۴۸، تهران؛ لیسانس کارگردانی از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر و فوق لیسانس ادبیات نمایشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران؛ عضو کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران؛ کارگردانی نمایش‌های: یالانچی، بارعام، توول و حشت، جریان عصبی، خرس و چشم، همسر چینی، حسنک کجایی، شیر و موش، پنج قصه و ...

Hasan Varasteh-Jafroudi

1969, Tehran; B.A. in Direction, Cinema and Theatre Collage; M.A. in Dramatic Literature, Faculty of Fine Arts; a member of Iranian National Theatre Critics Centre; as director in 'The Lion and the Mouse', 'Five Tales', 'Where Art Thee, Hasanak?', etc.

چهل گیس خاتون

کاری از گروه تئاتر آفرینش چیستا



نویسنده: محمود طیاری

کارگردان: زهرا بردبار

بازیگران: مرضیه بردبار، سارا بردبار، محمد رسائلی، حمیده اسدی، فاطمه

کلانتری، مصطفی مصیبزاده

دramaTorz: محمد پور جعفری

طراح صحنه و حرکات مووزون: زهرا بردبار

طراح لباس: پرند رمضان پور

طراح نور: حسین صادقی

طراحان چهره پردازی: سروش نمیری، سارا روشن خیال

موسیقی: حمیدرضا رنجبر

نوازنده‌گان: حمیدرضا رنجبر (ستور، سهتار)، امیر نعمتی (دف)، علی هاشمی

(آواز)

مدیر صحنه: سارا بردبار

منشی صحنه: سحر گیاهی

طراح پوستر و بروشور: محمد ثابت

مدیر روابط عمومی: محمد پور جعفری

اجراه دکور: مهدی کربیمی

ساخت ماسک: مجتبی کوهکن

بخش فنی: حمیدرضا علیزاده

مدت زمان نمایش: ۸۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

پیرمرد هیزم‌شکن جفت ماری رامی کشد. مار به قصد انتقام، دختر او را به همسری بر می‌گیردند. مار را زی دارد و آن اینکه روزها به شکل مار است و شب ها سردار. دختر به راز او بی می‌بردو با ترفند و نیرنگ کنیز، جلدش را آتش می‌زند. دختر پس از طی مرحلی به مدت هفت سال در سرزمین دیوان به سردار می‌رسد.

یادداشت کارگردان:

صحنه تئاتر بیش از هر بیناد آموزشگاهی کشور، محل آموزش است.

شیلر

امید است برپایی این جشنواره در راستای شناساندن فرهنگ، آداب و سنت کشورمان موفق باشد.



Chehel-Gis Khatoun

Afarinsh-e Chista (Chista's Creation) Theatre

Playwright: Mahmoud Tayyari

Director: Zahra Bordbar

Actors: Marzieh Bordbar, Sara Bordbar, Mohammad Rasaeli, Hamideh Asadi, Fatemeh Kalantari, Mostafa Mosayyeb-Zadeh

Dramatist: Mohammad Pour-Jafari

Stage Designer & Choreographer: Zahra Bordbar

Costume Designer: Parand Ramezan-Pour

Light Designer: Hosein Sadeqi

Make-Up Designers: Soroush Namiri, Sara Roushan-Khial

Music: Hamid-Reza Ranjbar

Musician: Hamid-Reza Ranjbar (Santour, Setar), Amir Ne'mati (Daf), Ali Hashemi (Vocals)

Stage Manager: Sara Bordbar

Continuity: Sahar Giahi

Poster & Brochure Designer: Mohammad Sabet

General Affairs: Mohammad Pour-Jafari

Decorator: Mehdi Karimi

Mask Maker: Mojtaba Kouhkan

Technician: Hamid-Reza Alizadeh

Duration: 80 mins.

Synopsis

An aged woodcutter kills a snake's mate. The snake who is enchanted in a way that he appears to be a snake in days and a commander at nights, marries the man's daughter in compensation. The girl becomes aware of the secret and ...

Director's Note

Shiller says, 'The stage of Theatre can be more instructive than any other academy all over the country. We hope this festival to be successful in introducing our culture, costumes and traditions.'

زهرا بردبار

متولد ۱۳۵۳؛ دیبلم فرهنگ و ادب؛ شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۷۵ با بازی در نمایش "یک گل برای جولیا"؛ بازی در نمایش‌های: معرفه‌ی پسران خورشید (۱۳۷۷) شیخ صنعتان (۱۳۷۸)؛ کارگردانی نمایش‌های: راز آفرینش، عربان در گردباد، واپسین سودا، آتش به آدم بیاموزیم، آمین گفتن مردگان در عنبر، تناک و ...

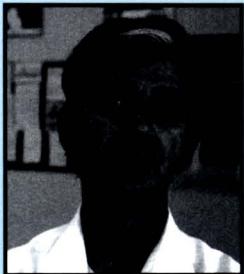


Zahra Bordbar

1974; diploma; first presence on stage as the actor of 'A Flower for Julia' (1996) and then in 'The Sons of Sun', etc.; as director in 'The Secret of Creation', 'The Last Fancy', 'Stripped in the Whirlwind', etc.

حسن کچل

کاری از گروه تئاتر آینه - اهواز
براساس "حسن کچل" اثر علی حاتمی



حسین سلیمی فر
متولد ۱۳۳۲، اهواز؛ آغاز فعالیت
هنری از سال ۱۳۵۳ و ۳۰ سال
فعالیت مستمر در تئاتر و سینما

Hosein Salimi-Far
1953, Ahvaz;
active since 1974
in both cinema and
theatre

نویسنده و کارگردان: حسین سلیمی فر
بازیگران: خدیجه بابادی، یاسمون پی داودی، دنیا صفری، فریده جلیلی، مینو موسوی،
الهام سیامکانی، آزو ادهم، مرتضی نورپور
طراح صحنه، لباس و چهره‌پردازی: مریم سقالرزاده
طراح نور: پروانه سلحشور
موسیقی: بهزاد سلیمی فر
مدیر صحنه و طراح بروشور: مریم سقالرزاده
همکاران: جمال فروغیان، بهزاد چراغی
مدت زمان نمایش: ۵۶ دقیقه

خلاصه نمایش:
حسن کچل پس از مرگ پدر، تصمیم می‌گیرد متحول شود. او درین راه با حکیم و شاعر
و پهلوان و... روبرو می‌شود تا اینکه سرانجام پس از کشته شدن دیو، به مشوقه‌اش -
چهل گیس - می‌رسد.

یادداشت کارگردان:
آرزوی موقیت بهترین آرزوی است که می‌توان برای دوستان آرزو کرد این آرزوی
گروهی است در یکی از مناطق محروم در اهواز، که همه‌ی بازیگرانش خانم هستند.

The Bald Hasan

(based on 'Hasan Kachal' by Ali Hatami)

Ayeneh (Mirror) Theatre

Playwright & Director: Hosein Salimi-Fard

Actors: Khadijeh Babadi, Yasaman Peidavoudi, Donya Safari, Farideh Jalili, Minou Mousavi, Elham Siamakani, Arezou Adham, Morteza Nowzar-Pour

Stage, Make-Up & Costume Designer: Maryam Saqal-Zadeh

Light Designer: Parvaneh Salahshour

Music: Behzad Salimi-Fard

Stage Manager & Brochure Designer: Maryam Saqal-Zadeh

Co-Workers: Jamal Forouqian, Behzad Cheraqi

City: Ahvaz

Duration: 65 mins.

Synopsis

After his father's death, Hasan makes up his mind to evolve. The sage, the poet and the hero are some of the characters he meets on his way. But the last one is an ogre. Hasan kills the ogre and rescues his beloved, Chehel Gis.

Director's Note

Success is the best thing I wish for my friends! This is actually the wish of our group in a deprived corner of Ahvaz which all its actors are female.



حکایت الکتریک عاشق

کاری از گروه تئاتر و ناگهان



نویسنده و کارگردان: روزبه حسینی
بازیگران: حافظ آهي، سیاوش جامع، نگار جواهريان، سید جواد حسیني، اميد
صادقي، آرش (علی) فلاحت پيشه، مریم معيني، افشن هاشمي
دراما تور: جلال تهراني
دستيار کارگردان و طراح پوستر و بروشور: ليلا مدن يور
طراح صحنه: نرمين نظمي
طراح لباس: مریم معینی
مشاور موسيقی: محمد فرشته نژاد
مدیر صحنه: بهارک نهضت
منشي صحنه: الميرا طالبي
مدیر روابط عمومي: زهراب على
عکاس: پیام امیر عبداللهی، آذن ثمرمند
همکاران گروه: رحمان حسینی، مونا بیگی، الهام شکیب
مدت زمان نمایش: ۴۵ دقیقه

خلاصه نمایش:

ارباب و جواهر در کار خود به اضمحلال رسیده‌اند؛ دو قاباز در لالمزار به قمار مشغولند؛ باقالی فروش دوره‌گرد که انگار از دنیابي دیگر است باهالی لالمزار گپ می‌زند؛ زینت - فروشنده‌ی دوره‌گرد فال می‌گیرد؛ عاشق در فضای الکتریکی‌های لالمزار دچار ضاد و تاقض است و ... حالا امشب همه در انتظار عروسی لیلا، دختر ادریس خان بالربندند...

يادداشت کارگردان:

تلاش کرده‌ایم با بهره‌گيری از عناصر نمایش ايراني و طرح آن گونه نمایش در بستری بیگانه - که همین روزگار خودمان است - نمایشي، قابل تحمل ارایه کنیم.



The Story of the Electrician in Love

Va Nagahan (And Suddenly) Theatre

Playwright & Director: Rouzbeh Hoseini

Actors: Hafez Ahi, Siavash Jame', Negar Javaherian, Seyed Javad Hoseini, Omid Sadeqi, Arash (Ali) Falahat-Pisheh, Maryam Mo'ini, Afshin Hashemi

Dramatist: Jalal Tehrani

Director Assistant & Poster & Brochure Designer: Leila Modon-Pour

Stage Designer: Narmin Nazmi

Costume Designer: Maryam Mo'ini

Music Counsellor: Mohammad Fereshteh-Nezhad

Stage Manager: Baharak Nehzat

Continuity: Elmira Talebi

General Affairs: Zahra Abou-Ali

Photographer: Payam Abdollahi, Azin Samar-Mand

Co-Workers: Rahman Hoseini, Mona Beigi, Elham Shakib

Duration: 45 mins.

Synopsis

Tonight, Leila, Edris Khan's daughter, is going to marry Arbab (the master). Now everyone's waiting for the wedding.

Director's Note

We've done our best to present a tolerable play by utilizing Iranian theatre capacities and performing it in a strange situation, which is our own age.

روزبه حسینی

متولد ۱۳۵۷، تهران؛ دانشجوی حقوق در دانشگاه تهران؛ سردبیر نشریه‌ی پرونده تاثر؛ نگارش نمایشنامه‌های؛ روایت محبوب‌توی تلفن، ای کاش منفورترین آدم زندگی ات بودم همینه، این دیوارهاز قدو قواره‌ی ما بلنتر است، وقتی تو نیستی با تو حرف می‌زنم و...؛ کارگردانی نمایش‌های: سهراپ-اسپ-سنباچک (بیژن مفید، گل یاس (محمود استاد محمد)، عکس خانوادگی (محمود استاد محمد)؛ نگارش و کارگردانی نمایش‌های: با مسیح به صلیب می‌کشند با ما چه می‌کنند، بینداون دهنو، هشت دقیقه تو کت من نمی‌ره



Rouzbeh Hoseini

1978, Tehran; B.A. student of Law, Tehran University; editor-in-chief of 'Theatre Dossier'; as playwright in 'That's It', 'When You Are Not Here, I Talk with You', etc.; as director in 'The Horse', 'Sohrab', 'The Dragon-Fly', 'The Jasmine', etc.; as both playwright and director in 'Shut That Mouth', 'I'm not Satisfied with Eight Minutes', etc.

کوراوغلو

براساس افسانه‌های کهن آذربایجانی و داستان‌های عاشیقی
کاری از گروه تئاتر کُل - تبریز



نویسنده، کارگردان و طراح: یعقوب صدیق جمالی
بازیگران: حامد منافی، سعیده حامد، محمد ملکی، فاطمه

حسینی، بابک نهرین، محسن شکری، محمد تقی اسپوتن،
خلیل غلامی حامد، عاطفه خیاط‌ناصری، عباس زارع

دستیار کارگردان: نیر غایب‌زاده

طراح لباس: پانته‌آ صدیق جمالی

طراح نور: عباس زارع

موسیقی: غلام‌رضا میرزا زاده

نوازنده‌گان: محمدرضا میرزا زاده سعید میرزا زاده محمدرضا

جباری، حمیدرضا جباری، رضا نباشت

طراحان حرکات موزون: خلیل غلامی حامد، محمد تقی

اسپوتن

مدیر صحنه: شاهد معین پور

منشی صحنه: آیلین ارجمندی

طراح پوستر: حسین صدری

طراح بروشور: صادق باقری

مدیر روابط عمومی: سعید نجفیان

مدت زمان نمایش: ۷۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

حسن خان از آلی کیشی "ایلخی" بان خود می‌خواهد که دو اسب برای هدیه به "توقات پاشا" برگزیند. "آلی" دو کره‌های افسانه‌ای را برمی‌گزیند. حسن خان از این انتخاب عصبانی شده و چشم‌های "آلی" را کور می‌کند. "روشن" پسر "آلی" به انگیزه‌ی انتقام سربه طغیان برمی‌دارد و... از اینجاست که حمامه‌ی کوراوغلو شکل می‌گیرد.

یادداشت کارگردان:

بادستی خالی و دلی پر به تمرين تئاتر می‌پردازم، بادستی خالی تر و دلی پرتر بازمی‌گردم. آرزو هرچه هست، تنفس هرچه بیشتر در فضای پاک تئاتر است و بس.

یعقوب صدیق جمالی
متولد ۱۳۵۳، تبریز؛ دانشجوی
کارشناسی ادبیات نمایشی؛ کارگردانی
نمایش‌های: اسماعیلی، خدا کودکان را
دوست دارد، شعبدہ و طلسیم، جمعه دم
غروب، ماهی سیاه کوچولو، خدا حافظ
سردار، آرشین مالالان و...



Ya'qoub Sediq-Jamali
1974, Tabriz; B.A.
student of Dramatic
Literature; as director in
'The Little Black Fish',
'Esma'il', 'Farewell
Commander', 'God
Loves Children', etc.

Kurughlu

(based on Ashighi legends and tales)
Kotal Theatre

Playwright, Director & Designer: Ya'qoub Sediq-Jamali

Actors: Hamed Manafi, Sa'ideh Hamed, Mohammad Maleki, Fatemeh Hoseini, Babak Nahrein, Mohsen Shokri, Mohammad-Taqi Espoutin, Khalil Qolami-Hamed, Atefeh Khayyat-Naser, Abbas Zare'

Director Assistant: Nayyer Qayeb-Zadeh

Costume Designer: Pantea Sediq-Jamali

Light Designer: Abbas Zare'

Music: Qolam-Reza Mir-Zadeh

Musicians: Qolam-Reza Mir-Zadeh, Sa'id Mir-Zadeh, Mohammad-Reza Jadiri, Hamid-Reza Jadiri, Reza Nebahat

Choreographers: Khalil Qolami-Hamed, Mohammad-Taqi Espoutin

Stage Manager: Shahed Mo'in-Pour

Continuity: Ailin Arjmandi

Poster Designer: Hosein Sadri

Brochure Designer: Sadeq Baqeri

General Affairs: Sa'id Najafian

City: Tabriz

Duration: 70 mins.

Synopsis

Hasan Khan asks Ali Kishi, his stud master, to choose two horses in order to present Touqat Pasha, but Ali chooses two colts. This infuriates Hasan Khan and he makes Ali blind. In compensation, Roushan, Ali's son, revolts against Hasan khan and ...

That's how the epic of Kurughlu begins.

Director's Note

Barehanded and gloomily, I go to practice theatre and return home more barehanded and more gloomy. I say Wish means to breathe in the pure atmosphere of Theatre. That's all.



دلک باشی

کاری از گروه تناتر تقلید معرفت



نویسنده: فرهاد نقدعلی

کارگردان: سیدمحسن تقییان

بازیگران: مهدی خزلانی، میرطاهر مظلومی، مصطفی قربانی، رضا حمامی، مهدی طهماسبی

دستیاران کارگردان: فرشاد زاهدی، رضا ذاکرزاده

طراحان صحنه و لباس: سیدمحسن تقییان، فرهاد نقدعلی

نوازندهان: سعید امیرزاپور، مهدی حسینی، کمیل حسن بیگی، رامین نیکبخت، فرزام چهره‌گشا، علی کریمی‌زاده، امیر آسترکی

مدیران صحنه: خامه چیان، خردمند

منشی صحنه: سمیرا بادپا

طراح پوستر: فرشاد زاهدی

طراح بروشور: داود نقدعلی

مدیر روابط عمومی: علی برنجیان

همکاران: محمد مجذوبی، سعید انصاری، علی اصغر کشمیری، عباس بهمنش، محمد اعلابی، داود ولی پور

مدت زمان نمایش: ۷۵ دقیقه

خلاصه نمایش:

یک دسته‌ی تقلید در حمام خانبدان دامادی غلوم، نمایشی را برگزار می‌کنند، اما این عروسی به سرانجام نخواهد رسید. تقلیدچی‌ها آخرین نمایش روایتی خود را در صحنه سرینه اجرا می‌کنند. آنان باجرای "دلک باشی" حقیقتی را به غلام می‌فهمانند که پشت او رامی لرزاند و...

یادداشت کارگردان:

قصد این نمایش حکایت رنج دسته‌جات تقلید نمایش‌های سنتی است و رنج ما، سه سال از نوشتن متن گذشت. شش هفت ماه درگیر کار بودیم، در جشنواره‌ی فجر موفق نشدیم. بازیگری آمد و بازیگری رفت و مرگ پدر کارگردان و رنج، رنج، رنج و...



Dallak-Bashi

Taqlid-e Ma'refat (Wisdom Imitation) Theatre

Playwright: Farhad Naqd-Ali

Director: Seyed Mohsen Naqibian

Actors: Mehdi Khazal-Bani, Mir-Taher Mazloumi, Mostafa Qorbani, Reza Hamati, Mehdi Tahmasbi

Director Assistants: Farshad Zahedi, Reza Zaker-Zadeh

Stage & Costume Designers: Seyed Mohsen Nqibian, Farhad Naqd-Ali

Musician: Sa'id Amirza-Pour, Mehdi Hoseini, Komeil Hasan-Beigi, Ramin Nikbakht, Farzam Chehregosha, Ali Karimi-Zadeh, Amir Astaraki

Stage Managers: Khame-Chian, Kherad-Mand

Continuity: Samira Badpa

Poster Designer: Farshad Zahedi

Brochure Designer: Davoud Naqd-Ali

General Affairs: Ali Berenjian

Co-Workers: Mohammad Majd-Zadeh, Sa'id Ansari, Ali-Asqar Keshmiri, Abbas Behmanesh, Mohammad A'laei, Davoud Vali-Pour

Duration: 75 mins.

Synopsis

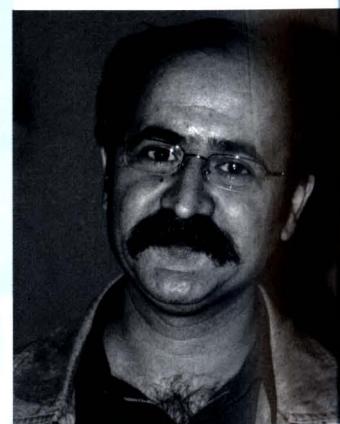
A group of imitators are performing a play in Qoloum's wedding ceremony but it is believed that the marriage would not end in happiness. Meanwhile, the imitators perform the last act of Rou-Hozi. This act is called 'Dallak-Bashi' which makes Qoloum aware of the truth he had ignored.

Director's Note

The aim of this play is to depict the pain of traditional plays imitators and our own pains as well. Three years have passed since I wrote the play. About six or seven months we were busy practising. We were not successful in Fajr festival. An actor came, the other went, and the death of the director's father, and pain and pain and pain.

بد محسن نقیبیان

لد ۱۳۴۴، تهران؛ فوق دیبلم اپتیک؛ شروع بیت هنری از سال ۱۳۵۹ با نمایش "رحلت" و پنجم شیبانی؛ بازی در نمایش‌های جنوب ری‌های تنها (احمد رضا درویش)، بلوج سینی، پنچری (جهانگیر طاهری)، روی عنده (جهانگیر طاهری)، بازی نامه (و کارگردانی فهراب حسین کربلایی طاهر)، تایتانیک (و کردانی به همراه حسین کربلایی طاهر)



Seyed Mohsen Naqibian
1965, Tehran; Diploma in Optics; active since 1981 as an actor in 'Titanic', 'On the Stage', 'Baluch', etc

دومرغ آخر عشق

براساس "منطق الطير" و "اللهى نامه" اثر عطار نیشابوری



کاری از گروه تئاتر افاقی - اندیمشک

نویسنده: چستا یثربی

کارگردان: مهدی شفیعی

بازیگران: مریم ذحن، مهران گیز قلاوند

مشاوران کارگردان: مریم ذحن، کرم قلاوند

طراحان صحنه: مهدی شفیعی، سید حسین فنایی حسین

طراح لباس: مریم ذحن

موسیقی: کرم قلاوند

نوازنده‌گان: کرم قلاوند، فواد صفری

مدیر صحنه: احمد علی نژاد فرد

طراح بروشور: فرزاد موسوی

سرپرست گروه: شهرور یزدانی

مدت زمان نمایش: ۵۵ دقیقه

خلاصه نمایش:

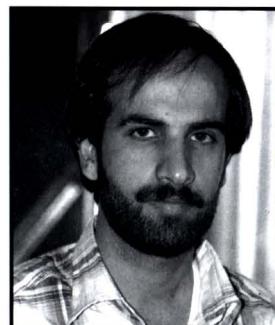
دو مرغ از سی مرغ "عطار" از پرواز مانده‌اند و طلسیم پرواز آنان زمانی گشوده می‌شود

که هر یک قصه‌ی خود را بگویند.

یادداشت کارگردان:

متن نمایش "دومرغ آخر عشق" اخیراً چاپ گردیده و توسط نویسنده به گروه افاقی

تقدیم شده است. امیلوواریم در اجرای آن موفق بوده باشیم.



مهدی شفیعی

متولد ۱۳۵۳، اندیمشک؛ لیسانس

عمران؛ شروع فعالیت هنری از سال

۱۳۷۱؛ کارگردانی و بازی در

نمایش‌های: بانو، پای درخت افاقی،

دختران قالی‌باف، شب‌مویه‌ها و ...

Mehdi Shafii

1974, Andimeshk;
B.S. in Civil
Engineering; active
since 1992; as an actor
and director in 'The
Lady', 'The Acacia
Tree', etc.

The Last Two Birds of Love

Aqaqi (Acacia) Theatre



Playwright: Chista Yasrebi

Director: Mehdi Shafi'i

Actors: Maryam Zehn, Mehrangiz Qalavand

Director Counsellors: Maryam Zehn, Karam Qalavand

Stage Designers: Mehdi Shafi'i, Seyed Hosein Fadaei-Hosein

Costume Designer: Maryam Zehn

Music: Karam Qalavand

Musicians: Karam Qalavand, Foad Safdari

Stage Manager: Ahmad-Ali Nezhad-Fard

Brochure Designer: Farzad Mousavi

City: Andimeshk

Duration: 55 mins.

Synopsis

Two birds of the thirty birds of Attar are not able to fly. The spell on them can be broken only if they begin to tell their own story.

Director's Note

The text of the play has recently published and is dedicated to Aqaqi Theatre. We hope for a successful performance in the festival.



نویسنده و کارگردان: حمید امجد

بازیگران: مهرداد ضیایی، حمید حمزه، ناهید مسلمی، علی میلانی، کامران ملک‌مطیعی، علی سلیمانی، افشن هاشمی، علا محسنی، شبنم مقدمی، کامران تقی، سحر دولتشاهی، سارا فرزادفر، شیدا خلیق، محمد بنان، فرهنگ ملک، سیامک پاک‌نژاد، داریوش فائزی، هومون خدادوست، حمید رضازاده‌افشین غیاثی، بهادر مالکی، امیر عطرچی، رضانجفی، وحید کاظمی، مجید آتشی، طاهر سلیمانی، شاهرخ میرزاپی، علا سیادت

طراح صحنه و لباس: امیر اثباتی

دستیاران کارگردان: سحر دولتشاهی، مهدی شایقی حق

موسیقی: سعید تهرانی

مدیران صحنه: طاهر سلیمانی، مجتبی احمدی

طراح پوستر و بروشور: ژیلا اسماعیلیان

دستیاران طراح صحنه و لباس: سپیده صیفوری، آزاده دلیر

مدت زمان نمایش: ۱۲۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

مرغ بخت بر شانه‌ی جوانی می‌نشیند و او شبی تا صبح فرصت می‌یابد که آرزوی خود را اعلام کند...

یادداشت کارگردان:

آینه‌های بخت و آینه‌های قربانی در تاریخ ما عمالاً همیشه روی یک سکه بوده‌اند؛ و در هر دو، فرآیند خودآگاه یا ناخودآگاه گردیدن آن که بختیار یا قربانی می‌شود، اشتراک‌های بسیار داشته است. و آینه - نمایش‌های شادی آور

حمید امجد

متولد ۱۳۴۷، تهران؛ لیسانس سینما، فوق لیسانس و دکترای پژوهش هنر؛ تجاری در نویسنده‌گی، کارگردانی و بازیگری در نمایش و فیلم؛ پژوهش در زمینه‌ی تئاتر، نمایش شرقی، و تئاتر ایرانی؛ تدریس دروس مختلف سینما و تئاتر در دانشکده‌های هنری؛ نگارش نمایش‌نامه‌های تراژدی آقای قانع، بادیان‌ها، گردش تابستانی و...؛ نگارش و کارگردانی نمایش‌های: قضیه‌ی تراخیس، زارون، نیلوفر آبی، پستوچله، شب سیزدهم، مهر و آینه‌ها



Hamid Amjad

1968, Tehran; B.A. in Cinema, M.A. & Ph.D. in Art Research; playwright, director, researcher & actor; as professor in different art faculties; as playwright in 'The Tragedy of Mr. Qane', 'The Sails', etc.; as director in 'The Thirteenth Night', 'Love and the Mirrors', 'The Blue Lilies', 'The Closet', etc.

The Pilgrim

Parchin (Hedge) Theatre

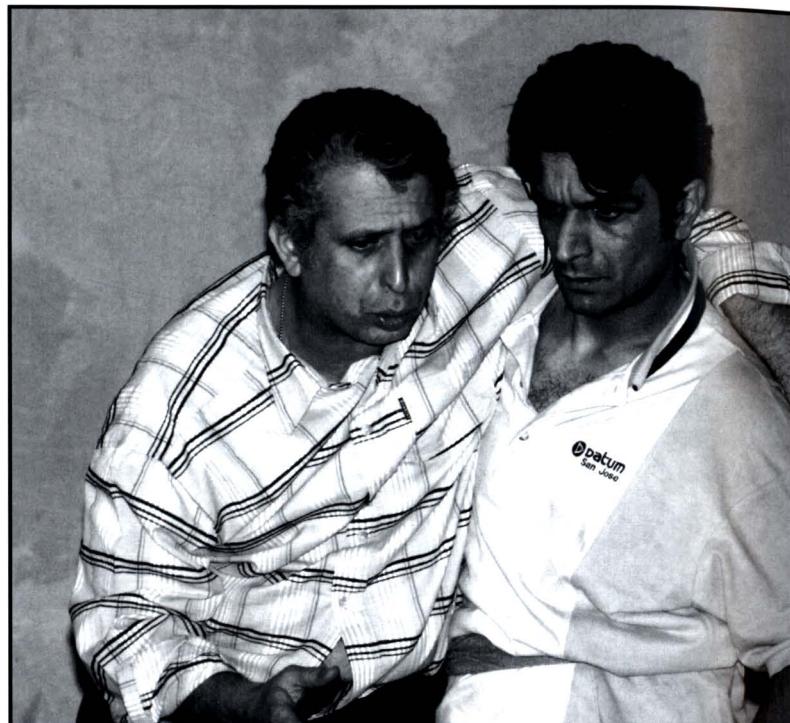
Playwright & Director: Hamid Amjad
Actors: Mehrdad Ziae, Hamid Hamzeh, Nahid Moslemi, Ali Milani, Kamran Malek-Moti'i, Ali Soleimani, Afshin Hashemi, 'Ala Mohseni, Shabnam Moghaddami, Kamran Tafti, Sahar Dowlat-Shahi, Sara Farzad-Far, Sheida Khaliq, Mohammad Banan, Farhang Malek, Siamak Pak-Nezhad, Dariush Fa'ezi, Houman Khodadoost, Hamid Reza-Zadeh, Afshin Qiasi, Bahador Maleki, Amir Atrchi, Reza Najafi, Vahid Kazemi, Majid Atashi, Taher Soleimani, Shahrokh Mirzaei, Ala Siadat
Director Assistants: Sahar Dowlat-Shahi, Mehdi Shayeqi-Haq
Stage & Costume Designer: Amir Esbati
Stage & Costume Designer Assistants: Sepideh Seifouri, Azadeh Dalir
Stage Managers: Taher Soleimani, Mojtaba Ahmadi
Poster & Brochure Designer: Zhila Esma'ilian
Duration: 120 mins.

Synopsis

The bird of Fortune lands on a young man's shoulder and gives him time to make known his will till morning.

Director's Note

Fortune Rituals and Sacrifice Practises in our history have always been two sides of the same coin. In both of them, the process of conscious or unconscious selection of the one who becomes fortunate or is sacrificed, have had a lot in common. And these are the origins of Iranian joyful or plaintive ritual plays (themselves as the two sides of the same coin).



دروزه همین روز شنواره
دویین ایلدن شنواره
سیستی و آیسی



دوزدهمین جشنواره
بین‌المللی نارضایی
استhetیک و ایپسی

نویسنده و کارگردان: بنفشه توانایی

بازیگران: بهاره ازندریان، سمية برجی، بهرام سروری نژاد، سپیده شریعت مقدم، الهام شعبانی، سهیلا صالحی، میترا ضیایی کیا، نگین عیدی، هالة گرجی، علیرضا محمدی، مهشاد مخبری، شبنم مقدمی

دستیار کارگردان: حمید خرم طوسی

طراح صحنه: رامین سیار دشتی

طراح لباس: افسانه علیی

طراح چهره پردازی: سارا سکندری

موسیقی: سعید تهرانی

نوازنده‌گان: وحید امیرانی، فرید روحانی، سعید تهرانی

منشی صحنه: ترگل قاضی‌زاده

مدیر صحنه: مسعود سالمی

طراح پوستر و بروشور: علی علوی کامران

دستیار صحنه: بهروز ابراهیمی

مدت زمان نمایش: ۹۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

ناصرالدین شاه از فرنگ بازگشته ولی هیچ توجهی به زنان حرم سراندار است. او بالاخره به اندرونی می‌آید تا خبر مهمی را به همه گوشزد کند...

یادداشت کارگردان:

ست بخود پدیده و حشتناکی است! نفوذناپذیر و غیرقابل تغییر. اماثله استی کارمی کنیم به امید آنکه تک روی ست را به هم گرایی تبدیل کنیم.

Thirteen

Khala' (Vacuum)Theatre

Playwright & Director: Banafsheh Tavanaei

Actors: Bahareh Azandarian, Sommayeh Borji, Bahram Sarvari-Nezhad, Sepideh Shariat-Moqaddam, Elham Sha'bani, Soheila Salehi, Mitra Ziae-Kia, Negin Eidi, Haleh Gorji, Ali-Reza Mohammadi, Mahshad Mokhberi, Shabnam Moqaddami

Director Assistant: Hamid Khorram-Tousi

Stage Designer: Ramin Sayyar-Dashti

Costume Designer: Afsaneh Elliei

Make-Up Designer: Sara Eskandari

Music: Sa'id Tehrani

Musician: Vahid Amirani, Farid Rouhani, Sa'id Tehrani

Stage Manager: Mas'oud Salemi

Continuity: Targol Qazi-Zadeh

Poster & Brochure Designer: Ali Alavi-Kamran

Stage Assistant: Behrouz Ebrahimi

Duration: 90 mins.

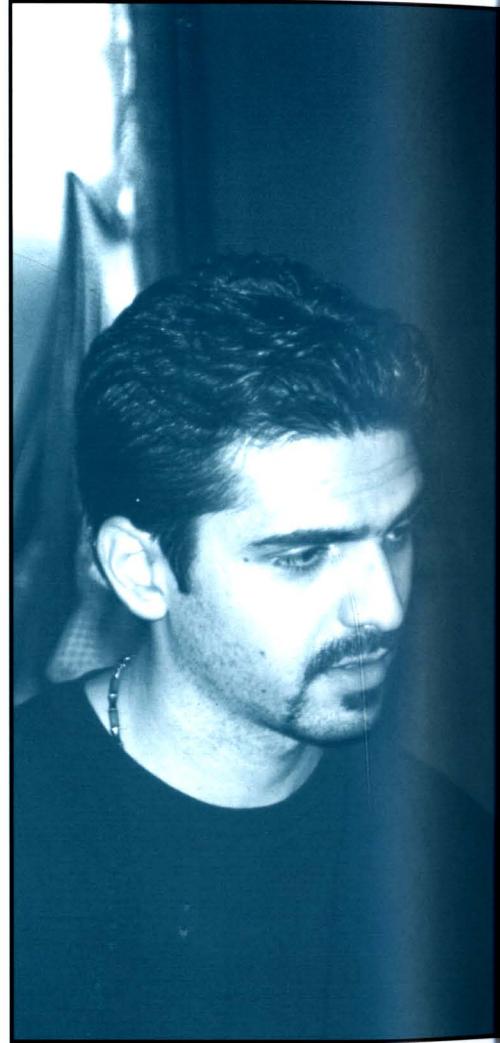
Synopsis

Nasereddin Shah has returned from the west but ignored his harem. Finally, when he goes to tell his mistresses an important message, ...

Director's Note

Tradition by itself is something terrible! It is neither penetrable nor changeable. But we work on traditional theatre so that we can change its one-sidedness into convergence.

بنفسه توانایی
متولد ۱۳۵۱، شمسیران؛ فوق لیسانس ادبیات نمایشی از
دانشگاه آزاد؛ کارگردانی نمایش‌های: خلا، اسبه روز از
نوروزی از نو؛ تکلش و کارگردانی نمایش‌های: داستان
باورنکردنی سه آدم‌کش که آدم‌کش نبودند، بازی
تمام شد؛ بازی در نمایش‌های: همان طور که بودایم،
آموروسو، آهای تو دیگه کی هستی، پارک نیش خیابان،
مردی که می‌خواست مرد بماند، محو



Banafsheh Tavanaei

1972, Tehran; M.A. in Dramatic Literature, Azad University; as director in 'The Vacuum', 'The Horse', etc.; as both playwright and director in 'The Unbelievable Story of Three Murderers Who Were Not Murderers', 'The Game Is Over'; as actor in 'Amoroso', 'Hey Who the Hell Are You?', 'The Man Who Wanted to Remain a Man', etc.

شبی با آغا محمدخان (آغا مبارک خان قاجار)

تاری از گروه تئاتر باران

نویسنده و کارگردان: داریوش رعیت

بازیگران: مرتضی آفاحسینی، محمد پویا، روح الله حق‌گوی لسان، محمد محمود سلطانی،

حیدر ساجدی، پریسا موسوی، پاییزه سیار، ایرج عباسی

دستیار کارگردان: مرتضی آفاحسینی

طراح صحنه و لباس: سپهر گودرزی

طراح نور: داریوش رعیت

موسیقی: حیدر ساجدی

منشی صحنه: لیلی رهنما

طراح پوستر و بروشور: بیزان سعدی

مدیر روابط عمومی: پیمان شیخی

مدت زمان نمایش: ۹۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

روح آغا محمدخان قاجار در بدن مبارک حلول کرده است. آغا محمدخان از زبان مبارک مجرای

قتل عام بازیگران تئاتر تفلیس را بازگو می‌کند. در این نمایش دو روایت قتل عام بازیگران و

نمایش نامه‌ی هملت بهمراهات هم پیش می‌رود.

یادداشت کارگردان:

همیشه تجربه کردن را دوست داشته‌ام و این کار تجربه‌ای است بسیار متفاوت با کارهای قبلی.



A Night with Aqa Mohammad Khan

Baran (Rain) Theatre

Playwright & Director: Dariush Ra'iyat

Actors: Morteza Aqa-Hoseini, Mohammad Pouya, Rouhollah Haqqouye-Lesan, Mohammad-Mahmoud Soltani, Heidar Sajedi, Parisa Mousavi, Pa'ize Sayyar, Iraj Abbasi

Director Assistant: Morteza Aqa-Hoseini

Stage & Costume Designer: Sepehr Goudarzi

Music: Heidar Sajedi

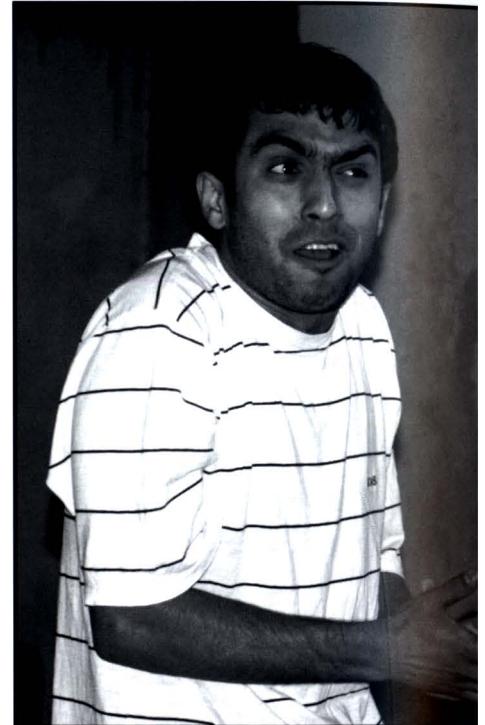
Light Designer: Dariush Ra'iyat

Continuity: Leili Rahnama

Poster & Brochure Designer: Yazdan Sa'di

General Affairs: Peiman Sheikhi

Duration: 90 mins.



Synopsis

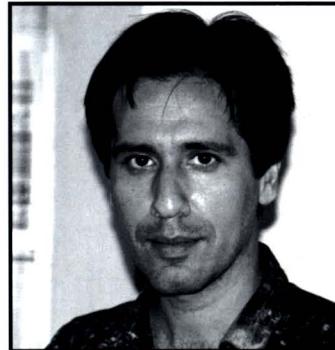
The ghost of Aqa Mohammad Khan Qajar has haunted Mobarak. Aqa Mohammad Khan tells us about actors' massacre of Teflis Theatre in Mobarak's words. In this play, the two narratives, 'Hamlet' and the actors' massacre go on equally and side by side.

Director's Note

I've always loved to experience. And this play is totally a different experience compared with the previous ones.

داریوش رعیت

متولد ۱۳۴۶، تهران؛ لیسانس ادبیات نمایشی از دانشگاه آزاد؛ دریافت جوایز نمایش نامه‌نویسی از جشنواره‌های فجر و ایران زمین برای نمایش نامه‌های "حاشیه‌ای بر خسرو و شیرین" و "میمون میمون است"



Dariush Ra'iyat

1967, Tehran; B.A. in Dramatic Literature, Azad University; as playwright in 'Monkey is Monkey', 'A Note on Khosrow and Shirin', etc.

شش و پیش

کاری از گروه تئاتر شهر



نویسنده: محمد چرمشیر

کارگردان و طراح صحنه: نادر شهسواری

بازیگران: حسن فلاح زاده، رحیم هروی، مجید شناور، فاطمه دسترنج، مهسا صادقی، حبیب بختیاری، آزو معصومی، امیر روحانی، یوسف احمدی، نگار فرشیدیان، مهدی فوزی، محمد خسروی، مهدی دقت، غلامحسین رهبر، افشنین شهسواری

ساخت دکور: کاوهوس مؤمنی، محمود علمدار

طراح لباس: فاطمه محمدی

دوخت لباس: رویا معصومی

طراح نور و اجراء: کاوهوس مؤمنی

طراح چهره پردازی: کاظم صراطی

موسیقی: هوشگ قویینجی

مدیران صحنه: محمد دسترنج، مصطفی آقامیری

منشی صحنه: رویا معصومی

طراح پوستر: ناهید معماری

مدیر روابط عمومی: رضا خایابانی

سرویرست گروه: کاظم صراطی

تدارکات: کاوهوس مؤمنی

مدت زمان نمایش: ۱۰۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

در سیزی بی امان و لجو جانه‌ی دو صاحب خانه‌ی صاحب قدرت، بنایه یک ضرورت تاریخی فرزندان نمادین آن‌ها به تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز می‌رسند.

یادداشت کارگردان:

بی‌گمان نمایش سنتی بسازش تئاتر ملی ماست. اگر پذیرفته باشیم که نمایش‌های استاد یپضایی (همچون "جنگنامه غلامان" در حیطه‌ی تخت حوضی و "مجلس قربانی سنمار" در قالب تعزیه) فرآیند طبیعی تعزیه و تخت حوضی باشد در این مقطع نمایش‌هایی چون "پستو خانه" (حیدر امجد)، و "شش و پیش" (محمد چرمشیر) ادامه‌ی راهی است که به جلو می‌رود.

Shesh-o Besh

Shahr (City) Theatre

Playwright: Mohammad Charm-Shir

Director & Stage Designer: Nader Shahsavari

Actors: Hasan fallah-Zadeh, Rahim Heravi, Majid Afshar-Zadeh, Fatemeh Dast-Ranj, Mahsa Sadeqi, Habib Bakhtiari, Arezou Ma'soumi, Amir Rouhani, Yousef Ahmadi, Negar Farshidian, Mehdi Fouzi, Mohammad Khosravi, Mehdi Deqqat, Qolam-Hosein Rahbar, Afshin Shahsavari

Decorators: Kavous Mo'meni, Mahmoud Alam-Dar

Costume Designer: Fatemeh Mohammadi

Costume Sewer: Roya Ma'soumi

Light Designer: Kavous Mo'meni

Make-Up Designer: Kazem Serati

Music: Houshang Qavi-Panjeh

Stage Managers: Mohammad Dastranj, Mostafa Aqa-Miri

Continuity: Roya Ma'soumi

Poster Designer: Nahid Me'mari

General Affairs: Reza Ziaian

Preparation Manager: Kavous Mo'meni

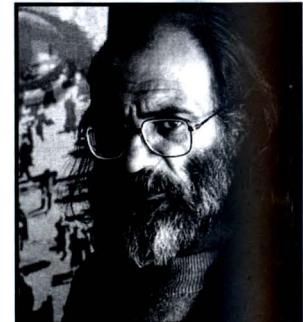
Duration: 100 mins.

Synopsis

Through an obstinate, constant quarrel of two landlords, their symbolic children in a historical necessity reach mutual understanding and peaceful co-existence.

Director's Note

Undoubtedly, traditional theatre is regarded as the foundation of our national theatre. If we consider Beizaei's plays as the authentic works of Ta'ziye and Takht-e Hozi, then at this time, the plays such as 'The Closet' (H. Amjad) and 'Shesh-o Besh' (M. Charm-Shir) are certainly following the same procedure.



نادر شهسواری

متولد ۱۳۲۰، شیراز؛ طفل خوانی در مجلس تعزیه‌ی زنانه به عنوان اولین رویارویی با هنر بازیگری؛ تحصیل تئاتر در کلاس‌های مرکز آموزش تئاتر (۴۹-۱۳۴۸)؛ همکاری با گروههای: ملی، پارس، آتیلا و تاپسیس گروه تئاتر شهر در سال ۱۳۵۵؛ اجرای نمایش‌های: ارباب پونتیلا و نوکر شماتی و ...

Nader Shahsavari

1941, Shiraz; first experience of acting in a feminine Ta'ziye; co-operation with Atila, National, Pars and finally City Theatres

گرز گاو رو

براساس "تنگسیر اثر صادق چوبک و شاهنامه فردوسی
کاری از گروه تئاتر فرباد

نویسنده و کارگردان: افشنین چمکوری

بازیگران: غلامرضا احمدی، سعیدی، سمیه بدیه، هاله نیازی علی‌آبادی، مهدی ضیغمی نژاد، احمد قربانی، میثم حسینی

مشاور کارگردان: حسین دهقانی

طراح صحنه و نور: مهدی جلالی سروستانی

طراح لباس: احمد مظفری

طراح چهره‌پردازی: رضا زینونی

موسیقی: غلامرضا احمدی

نوازنده‌گان: حمیده نیازی علی‌آبادی، محسن حیدریه، حسین سنگر

طراح حرکات موزون: مجید میرزایی

منشی صحنه: شهرزاد شاکر درگاه

طراح پوستر و بروشور: واحد گرافیک حوزه هنری بوشهر

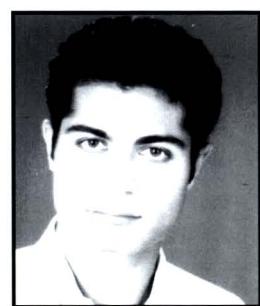
مدیر روابط عمومی: مهدی صمیمی

مدت زمان نمایش: ۷۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

زائر وزارادر نخلستانی بر زمین می‌کوبد. عقاب‌ها حمله می‌کنند و نخلستان را زیست می‌برند. شهر و همسر زائر به همراه رستم و مونس نخلستان را ترک می‌کنند و پس از چندی رستم به قصد آزادی نخلستان بازمی‌گردد. او در راه خود با فریدون-قهرمان شاهنامه- برخورد می‌کند و با گرز او به جنگ نخلستان می‌رود.

یادداشت کارگردان:
۴ سال است که "گرز گاو رو" به روح پاک "صادق چوبک" دخیل بسته شده و از درون آن صدای سنج و دمام و نی انبان بوشهر به گوش می‌رسد.



افشنین چمکوری

متولد ۱۳۵۶، بوشهر؛ شروع فعالیت

هنری از سال ۱۳۷۶ و تحصیل تئاتر

نژد حسین دهقانی و احمد آرام

Afshin Chamkouri

1977, Boushehr;

active since 1997;

studied Theatre

under the

supervision of

Hosein Dehqani and

Ahmad Aram

The Cow-Faced Mace

Faryad (Cry) Theatre

Playwright & Director: Afshin Chamkouri

Actors: Qolam-Reza Ahmadi, Sa'idi, Somayyeh Badieh, Haleh Niazi-Aliabadi, Mehdi Zeiqami-Nezhad, Ahmad Qorbani, Meisam Hoseini

Director Counsellor: Hosein Dehqani

Light & Stage Designer: Mehdi Jalali-Sarvestani

Costume Designer: Ahmad Mozaffari

Make-Up Designer: Reza Zeitouni

Music: Qolam-Reza Ahmadi

Musicians: Hamideh Niazi-Aliabadi, Mohsen Heidarieh, Hosein Sangar

Choreographer: Majid Mirzaei

Continuity: Shahrzad Shaker-Dargah

Poster & Brochure Designer: Arts Centre, Boushehr

General Affairs: Mehdi Samimi

City: Boushehr

Duration: 70 mins.

Synopsis

Zaer knocks Varza down. The eagles attack and ruin the palm-grove. Shahrou, Zaer's wife, and Rostam and Mounes leave the palm-grove but Rostam comes back after some time in order to liberate the land. In his way, Rostam comes across Fereidoun, one of the heroes of Shahnameh, and borrows his mace to fight with the palm-grove.

Director's Note

Four years it is that 'The Cow-Faced Mace' has been tied to Sadeq Choubak's virtuous spirit and the sound of boushehr's Dammam and Neyanban can be heard deep within.



مجلس شبیه‌خوانی شازده کوچولو

براساس "شازده کوچولو" نوشته‌ی آنتوان دوستن اگزپری (با استفاده از ترجمه‌های احمد شاملو و محمد قاضی)
کاری از گروه تئاتر خوید



نویسنده‌گان: محمد مطلق، علی اصغر دشتی

اشعار: محمد مطلق

کارگردان: علی اصغر دشتی

بازیگران: علی عقیقی، حسن عقیقی، مسعود حجازی مهر، یونس لطفی، میثم

امیراصلانی، رامین سیار دشتی، هدایت هاشمی، محمد باباوند

مشاوران کارگردان: مهدی میرمحمدی، یونس لطفی

دستیار کارگردان: مسعود حجازی مهر

طراح صحنه: علی اصغر دشتی

طراح لباس: مژگان عوضی

طراح نور: مهدی میرمحمدی

موسیقی: سعید نبئی

نوازندگان: سعید نبئی، بهرام یحیایی، فرشاد فروزنی

مدیر صحنه: محمد باباوند

منشی صحنه: مریم مرادی

طراح فی‌و ناظر ساخت دکور: علیرضا بیرقی

طراحی و اجرای صورتک: رضا شاپورزاده

مدیر روابط عمومی: عباس حبیبی

مدت زمان نمایش: ۹۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

شازده کوچولو از گل سرخ سیاره‌اش دلگیر شده اخترکش را ترک می‌کند. در بین راه به شش سیاره‌ی دیگر سفر می‌کند، سیاره هفتم زمین است و ...

یادداشت کارگردان:

خوانی به نام "مجلس شبیه‌خوانی شازده کوچولو"

یک شب خواب دیدم "شازده کوچولو" در زمین ما سوگوار گل سرخ زمزمه می‌کند گوشه‌ای از موسیقی تعزیه را، و رو به اخترکش دست می‌جنباند، شال سبزرنگش در باد می‌لرزید و موهای طلایی اش می‌رقصید. آسمان آبی بود و ناگهان سرخ شد آسمان، به رنگ گل سرخ شازده و رجزخوان؛ بر طبل کوپیدند و بر شیبور دمیدند و انگار که شازده و آسمان بر پا کرده بودند مجلس شبیه‌خوانی. آسمان مخالف می‌خواند و شازده موفق؛ از خواب جستم، شازده کوچولو را دوباره خواندم و این بار داستان شازده کوچولو در ذهن من همچون یک مجلس شبیه‌خوانی بود، در تکیه‌ای کوچک به اندازه کف دست ...

علی اصغر دشتی
متولد ۱۳۵۵، بیزد؛ لیسانس طراحی
صحنه از دانشگاه آزاد و دانشجوی
فوق لیسانس کارگردانی در دانشگاه
تریبیت‌مدرس؛ کارگردانی
نمایش‌نامه‌های: ننه دلاور و فرزندان او،
نقل شبیه‌خوانی زن، خیمه شکسته
(نمایش عروسکی)، گفتگوی
عاشقانه‌ی دو پلیس پشت چراغ قرمز
(نمایش خیابانی)، دست و پا فروش
(نمایش خیابانی) و ...



Ali-Asqar Dashti

1976, Yazd; B.A. in Stage Designing,
Azad University, and M.A. student of
Direction, Tarbiat Modarres University;
as director in 'The Broken Tent', 'Nane-Delavar and Her Children', etc.

The Feast of Shabih-Khani of the Little Prince

(based on 'The Little Prince' by A. de Saint-Exupery)

Khid (Corn) Theatre

Playwrights: Mohammad Motlaq, Ali-Asqar Dashti

Lyrics: Mohammad Motlaq

Director: Ali-Asqar Dashti

Actors: Ali Aqiqi, Hasan Aqiqi, Mas'oud Hejazi-Mehr, Younes Lotfi, Meisam Amir-Aslani, Ramin Sayyar-Dashti, Hedayat Hashemi, Mohammad Babavand

Director Counsellors: Mehdi Mir-Mohammadi, Yownes Lotfi

Director Assistant: Mas'oud Hejazi-Mehr

Stage Designer: Ali-Asqar Dashti

Costume Designer: Mozhgan Eivazi

Light Designer: Mehdi Mir-Mohammadi

Music: Sa'id Nabe'i

Musicians: Sa'id Nabe'i, Bahram Yahyaei, Farshad Fozouni

Stage Manager: Mohammad Babavand

Continuity: Maryam Moradi

Technician & Decorator: Ali-Reza Beiraqi

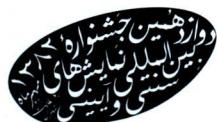
Mask Designer & Maker: Reza Shapour-Zadeh

General Affairs: Abbas Habibi

Duration: 90 mins.

Synopsis

The Little Prince is hurt by the red rose of his planet, so he leaves his star. On his way, he travels to seven planets. The seventh one is the earth.



مُضْحِكَهُي قَابِلَمَهَا

براساس یک قصه‌ی قدیمی تخت حوضی
کاری از گروه تئاتر شیدا

نویسنده و کارگردان: سیلوحید ترجمی

بازیگران: حسین محب‌اهری، عباس محبوب، مجید افشار، حسین پرستار، حسین لطیفی، مجید شهریاری، فربیا حیدری،
علی طاهری، محمد خداوری، گیتی ساجدی، مریم احمدوند

دستیار اول کارگردان: امیر حشمتی

دستیار دوم کارگردان: آشیاس شجاعزاده

طراحان صحنه: سیلوحید ترجمی، محمد خداوری

طراح لباس و حرکات موزون: سیلوحید ترجمی

موسیقی: سیلوحید ترجمی

نوازندگان: علی شاعری (کمانچه)، امیر حشمتی (تنبل)، مهدی محزمی

مدیر صحنه: محمدرضا ابوالقاسمی

منشی صحنه: مهستی ایزدی

مدیر روابط عمومی: فرج عظیم زاده

همکاران: شبنم شمادیان، ماهنوش ایزدی، مهدی سرخوش

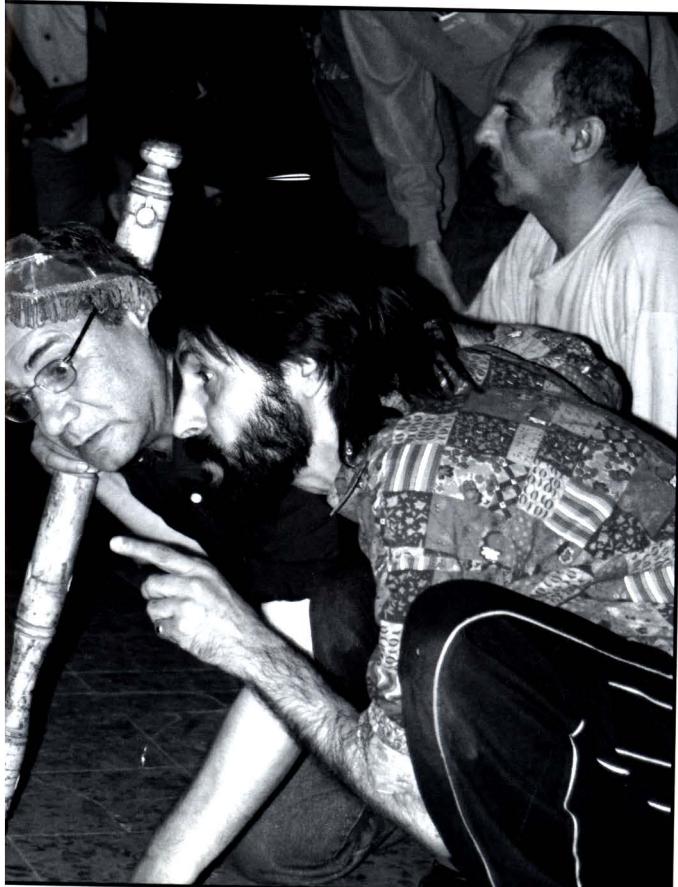
مدت زمان نمایش: ۱۰۵ دقیقه

خلاصه نمایش:

به جان سلطان سوء قصد شده ولی توطنده توسط برادر سلطان با شکست مواجه می‌شود. سلطان سوء قصد کننده رامی خواهد.
وحیله‌البوله بلعنه که وزیر اعظم است و توطنده از طریق او صورت گرفته، نزول درجه می‌شود و برادر سلطان که توسط وجیه و با
توطنده‌های او خانه‌نشین شده، کرسی وزارت اعظمی را به چنگ می‌آورد و تلاش در کشتن و به زیر تیغ نشاندن وجیه دارد. "زمرد"
(سیاه) به کمک "مهربان صنم" (دختر سلطان) اورایاری می‌رسانند و...

یادداشت کارگردان:

شناخت ابعاد و زوایای نمایش‌های سنتی آیینی و ماندگاری سبک و سیاق اجرایی آن‌ها، نیاز به برگزاری سالانه‌ی جشنواره دارد.



دَوَازْ هَسْبَنْ بَرْ جَشْنَوَاهْ
دَبَرْ بَلَدْ نَارْ عَنْهَیْ
سَسْتَنْ وَأَيْسَنْ

Mazhakeh of Qabla'me i-ha

(based on an old tale of Takhte-Hozi)

Sheida Theatre

Playwright & Director: Seyed Vahid Tarahhomı

Actors: Hosein Moheb-Ahari, Abbas Mahboub, Majid Afshar, Hosein Parastar, Hosein Latifi, Majid Shahriari, Fariba Heidari, Ali Taheri, Mohammad Khoda-Verdi, Giti Sajedi, Maryam Ahmad-Vand

Director Assistants: Amir Heshmati, Ashidas Shoja'-Zadeh

Costume Designer & Choreographer: Seyed Vahid Tarahhomı

Music: Seyed Vahid Tarahhomı

Musicians: Ali Shakeri (Kamancheh), Amir Heshmati (Tonbak), Mehdi Moharrami

Stage Designers: Seyed Vahid Tarahhomı, Mohammad Khoda-Verdi

Stage Manager: Mohammad-Reza Abol-Qasemi

Continuity: Mahasti Izadi

General Affairs: Farrokh Azim-Zadeh

Co-Workers: Shabnam Shemadian, Mahnoush Izadi, Mehdi Sarkhosh

Duration: 105 mins.

Synopsis

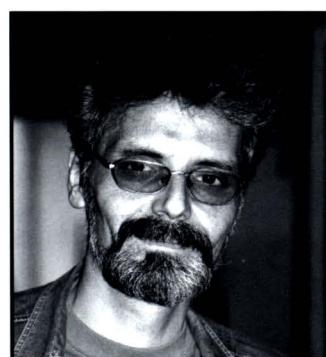
The King has been attempted on his life, but failed. Now the king is asking for the guilty person.

Director's Note

Familiarity with different perspectives and dimensions of traditional, ritual theatre and continuation in performing them in the same style and technique need these festivals to be conducted annually.

سیدوحید تراهمی

متولد ۱۳۴۰؛ آغاز فعالیت تئاتری از سال ۱۳۴۹؛ تحصیل بازیگری کارگردانی در فرهنگ و هنر و یادگیری ترومپت زیر نظر عبدالحکمید علی‌آبادی، بازی در بیش از چهل نمایش و سریال تلویزیونی، کارگردانی بیش از بیست نمایش صحنه‌ای، میدانی و خیابانی، تگارش بیش از چهل نمایش نامه، فیلم‌نامه و سریال تلویزیونی؛ عضو و کارشناس کانون نمایش‌های سنتی آذینی؛ حضور در جشنواره‌های سنتی آذینی، استانی، فتح، معراج، شاهد و... به عنوان بازخوان، بازبین و داور



Seyed Vahid Tarahhomı

1961; active since 1970; a trumpet player, actor, director, playwright, scenarist; as an expert in The Traditional, Ritual Theatre Centre; as a judge and reviewer in various festivals

هتل ایران

نویسنده و کارگردان: افشن هاشمی

بازیگران: مجید فروغی، سهیلا صالحی، اصغر شریعتی، ملیحه کیادریندسرا، افشن هاشمی، نوشین تبریزی

طراح صحنه و لباس: نرمن نظمی

مشاور بخش سیاه بازی: مجید فروغی

موسیقی: افشن هاشمی (با همکاری بابک میرزاخانی)

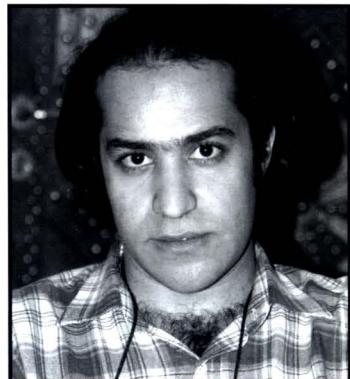
مدیران صحنه: هومن خدابوست، جعفر رجبی

منشی صحنه: تگار مجرد تاکستانی

مدت زمان نمایش: ۸۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

از زمانی که مرحوم "فرهنگ" فوت کرده، " حاج عبدالغنى" - دوست سابق "فرهنگ" - سرپرستی "مامی" و "گلی" (همسر و دختر مرحوم فرنگ) و هتل شان - که هتل ایران نام دارد - را برعهده گرفته است. او قصد دارد "گلی" را به عقد "سیبل جان" - تاجر عثمانی - درآورده تا پس از آن اموال مامی و گلی را از آن خود کند. نعمه - کلفت هتل - و گلی که از نقشه های حاج عبدالغنى آگاهند، کیان - محصل مدرسه هنری پیشگی و عاشق و دلبخته‌ی گلی - را فرامی خواهند تا...



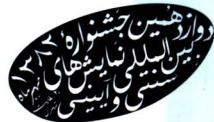
افشن هاشمی

متولد ۱۳۵۴، تهران؛ لیسانس مهندسی شیمی از دانشگاه نفت؛ تحصیل بازیگری و تئاتر در مؤسسه‌ی دانشگاهی رسام هنر؛ بازی در نمایش‌های: تک سلوی‌ها (جلال تهرانی)، مدهآ (سهراب سلیمی)، دیر راهبهان (فرهاد مهندس پور)، حسن سنتوری (معصومه تقی پور)، هیس (عبدالحسین مرتضوی) و ...؛ نگارش نمایش‌نامه‌های: درستکارترین قاتل دنیا، چنانست دوست می‌دارم، کاتالیزور، سخنرانی

...

Afshin Hashemi

1975, Tehran; B.S. in Chemistry Engineering; studied Theatre in both theory and practise, Rassam Honar Institute; as an actor in 'The Single-Cell Creatures', 'Medea', 'Hasan Santouri', 'Hush', etc.; as playwright in 'The Most Honest Murderer of the World', 'The Lecture', 'Catalysis' etc.



Hotel Iran



Playwright & Director: Afshin Hashemi

Actors: Majid Forouqi, Soheila Salehi, Asqar Shariati, Maliheh Kia-Darband-Sari, Afshin Hashemi, Noushin Tabrizi

Stage & Costume Designer: Narmin Nazmi

Siyah-Bazi Counsellor: Majid Forouqi

Music: Afshin Hashemi (Babak Mirza-Khani, as the co-operator)

Stage Managers: Houman Khoda-Doust, Jafar Rajabi

Continuity: Negar Mojarrad-Takestani

Duration: 80 mins.

Synopsis

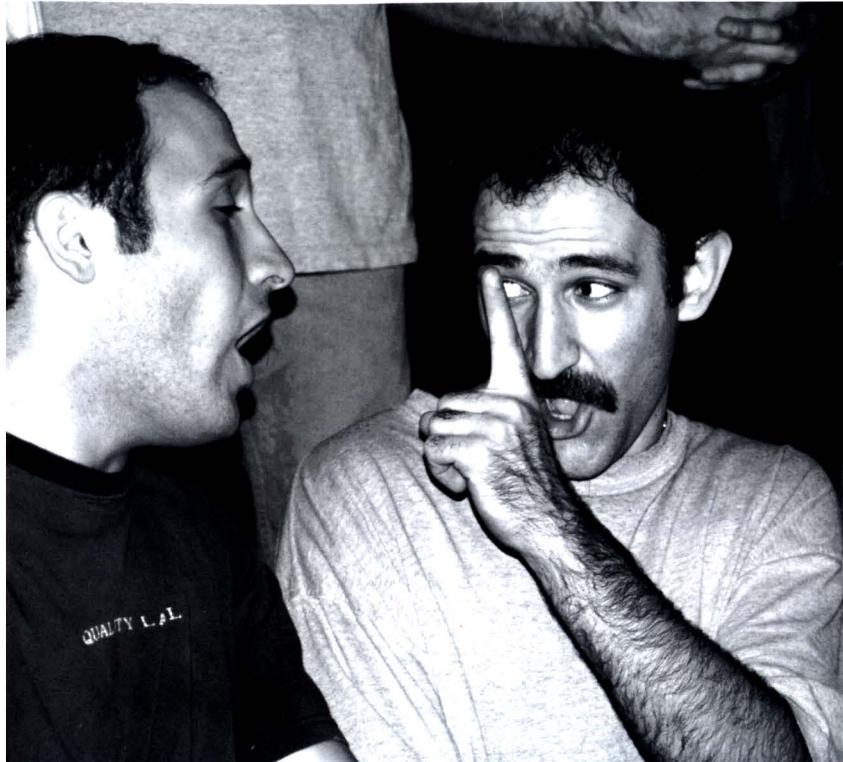
Since Farhang has passed away, Haj Abdol-Qani, an old friend of Farhang, looks after Mami and Goli, Farhang's wife and daughter, and their Hotel which is called Hotel Iran. He is to force Goli to marry Sibil Jan, the Ottoman merchant, so that he can swindle them out of their money. Goli and Naqmeh, the maid, who are aware of Haj Abdol-Qani's intention, calls Kian, the student of Acting and Goli's lover, so that ...

Director's Note

By exploring capabilities, one can gain great achievements; those kinds of achievements that in spite of their worn-out appearances are deeply fresh and sparkling.

هرچی دلت بخواهاد

براساس نمایشنامه‌ی "شب دوازدهم آثر ویلیام شکسپیر"
کاری از گروه تئاتر پاپتی‌ها



حمید پورآذری
متولد ۱۳۴۷، تهران؛ لیسانس تئاتر از دانشگاه آزاد
تهران؛ کارگردانی نمایش‌های: "خرس" (چخوف)، "ساعت بمباران" (محمد رحمانیان)،
یک نوکر و دو ارباب (گلدونی، بازخوانی آتیلا پسیانی)، "اندرانیک" (حسین مهکام)

Hamid Pour-Azari
1968, Tehran; B.A. in
Theatre, Azad University;
as director in 'The Bear'
(or 'The Brute'), 'A
Servant and Two
Masters', 'Andranic', etc.

نویسنده و دراما تورز: مجید حیدری
طراح و کارگردان: حمید پورآذری
بازیگران: هدایت هاشمی، علی سرابی، آتیه جاوید، نگار عابدی،
سینا رازانی، جواد پورزنده، علی اصغر حیدری، رسول ادهمی، الناز
شعبانیان، سارا پورصیری، معصومه قاسمی پور، حامد عابدی،
هادی عامل، مصطفی ایزدی، نیما شکوهی، پریسا کاشفی
دستیاران کارگردان: هادی عامل، مهدی پورآذری
طراح لباس: زری کواری
نوازنده‌گان: پریسا کاشفی، هادی عامل، مصطفی ایزدی، نیما
شکوهی
مدیران صحنه: مهدی شادمانی، حامد عابدی
منشی صحنه: شمینه نوروزی
طراح بروشور: امیر شفیعی
مدیر روابط عمومی: حسین مهکام
مدت زمان نمایش: ۷۰ دقیقه

خلاصه نمایش:
خواهر و برادری در دریا دچار حادثه شده و هر کدام به طریقی وارد
سرزمین "خاتون آباد" می‌شوند. خواهر سعی می‌کند با پوشش
مردانه به خدمت امیر آن شهر درآید. امیر، خود دلناکه زنی به نام
"ملک خاتون" است و سعی می‌کند دل او را به دست آورده تابا و
ازدواج کند. در آن سو، خواهر مردپوش که وارد دربار امیر شده
حوادث دیگری را رقم می‌زند و ...

یادداشت کارگردان:
پرداختن به نمایش‌های سنتی آیینی در سرزمینی که سرشار از
اندوخته‌ها و سرمایه‌های بالقوه‌ی این هنر است، پیش از هر چیز
ادای دینی است برای پاسداشت آنچه از گذشتگان به یادگار مانده
است.

Everything You Wish

(based on ‘Twelfth Night’ by William Shakespeare)

Papati-ha (The Barefooted) Theatre

Playwright & Dramatist: Majid Heidari

Director & Designer: Hamid Pour-Azari

Actors: Hedayat Hashemi, Ali Sarabi, Atieh Javid, Negar Abedi, Sina Razani, Javad Pour-Zand, Ali-Asqar Heidari, Rasoul Adhami, Elnaz Sha’banian, Sara Pour-Sabri, Ma’soumeh Qasemi-Pour, Hamed Abedi, Hadi Amel, Mostafa Izadi, Nima Shokouhi, Parisa Kashefi

Director Assistants: Hadi Amel, Mehdi Pour-Azari

Costume Designer: Zari Kovari

Musicians: Parisa Kashefi, Hadi Amel, Mostafa Izadi, Nima Shokouhi

Stage Managers: Mehdi Shadmani, Hamed Abedi

Continuity: Shamineh Nowrouzi

Brochure Designer: Amir Shafi’i

General Affairs: Hosein Mahkam

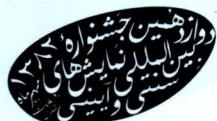
Duration: 70 mins.

Synopsis

Having got into trouble in the sea, the water takes the brother and the sister to a land called ‘Khatoun Abad’. The sister under the guise of a man goes to serve the king of the land who is deeply in love with a woman named ‘Malek Khatoun’. The king does his best to win her beloved’s heart but the presence of the sister changes the course of the events and ...

Director’s Note

Turning to traditional, ritual theatre of a country full of such potential capacities and talents of this form of art would be regarded as an appreciation of the past heritage.





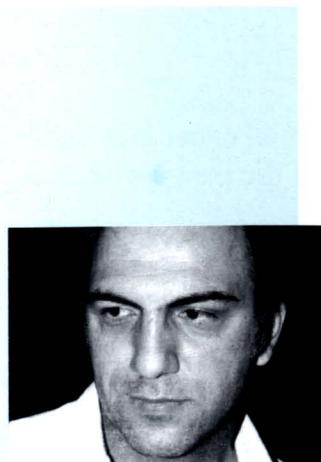
محمد رحمانیان
Mohammad Rahmanian

متولد ۱۳۴۱، تهران
نویسنده، کارگردان، مدرس تئاتر
 فوق لیسانس ادبیات نمایشی
نگارش و کارگردانی نمایش‌های: نهر فیروزآباد، مصاحبه، مجلس نامه، لباسی
برای میهمانی، خروس شهادت خوانی قدمشاد مطرب در تهران پل مرغ
دریایی من یا چخوف - سادو...
نگارش نمایش‌نامه‌های: سرود سرخ برادری، مصاحبه، اتاق گریم، ساعت
مباران و...



محمد عزیزی
Mahmoud Azizi

متولد ۱۳۲۳، تهران
نویسنده، مترجم و کارگردان
دکترای تئاتر از دانشگاه سوربن پاریس، کارشناسی تکنیک و استتیک تئاتر
عضو هیأت موسس و عضو دفتر مرکزی جهاددانشگاهی
ترجمه‌ی آثاری چون: سوءتفاهم (کامو)، هفت درس بازیگری (لویی ژوه)، شکوه مرگ
ژواپین موریتا (پابلو نلا)
کارگردانی نمایش‌های: تبعیدی، اقلیما، یونس، پرنده‌ی سین، مسلم بن عقیل، همسایه
مختار، سرشت سوزناک زندگی، حرو...



حسن فتحی
Hasan Fathi

متولد ۱۳۳۸، تهران
نویسنده، کارگردان
لیسانس روانشناسی و فوق لیسانس کارگردانی
کارشناس کانون نمایش‌های ستی آیینی از سال ۱۳۶۶
کارگردانی نمایش‌های: هی ماتادورها، مضحکه‌ی پهلوان و پیری، داوری ایندیرا، در خیابان‌های سرد شب و...
کارگردانی نمایش‌های تلویزیونی: ملکه‌های فرانسه، معماهی یک قتل، سوءتفاهم، تله موش، جان گابریل بورکمن و...
کارگردانی سریال‌های تلویزیونی: همسایه‌ها، پهلوانان هرگز نمی‌میرند، فردادر است، شب دهم و...
Born in 1959, Tehran
B.S. in Psychology & M.A. in Direction
An expert in Traditional, Ritual Theatre Centre since 1987
As director in 'Hey! Matadors', 'In the Cold Streets of the Town', etc.
As director in TV plays such as 'The French Queens', 'The Misunderstanding', 'The Puzzle of a Murder', etc.
As director in TV serials such as 'The Neighbours', 'Tomorrow Is Late', 'The Tenth Night', etc.





ستی و آیینی

الملانی ماپرهات

دوازدهمین جشنواره

Non-Competition

خارج از مسابقه

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

خنک خاک وطن

براساس داستان‌ها و قصه‌های کهن ترکمنی
کاری از گروه تئاتر ملانفس (وابسته به انجمن نمایش و اداره فرهنگ و ارشاد بندر ترکمن)



موسی جرجانی
متولد ۱۳۲۸، روستای پیرواش (استان گلستان)؛ ۱۵ سال فعالیت مداوم و نگارش و کارگردانی ۱۰ نمایش و انتشار ۱۰ کتاب در معرفی فرهنگ قوم ترکمن؛ دریافت جوایز متعدد از جشنواره‌های مختلف

Mousa Jorjani
1949, Golestan; active for about fifteen years in writing (plays and books) and introducing Turkmen folklore; received several awards in different festivals

نویسنده و کارگردان: موسی جرجانی
بازیگران: حاجی محمد امیری، مارال خوشبین، لقمان محمد عظیمی، آیدین گُر، قادر گُر، یکشمش قلی گُر، عالیه گل، ناصر شیروانی، رابعه نیازی، آروغدی وجان، آی سوناقرهچه، آراز دردی خواجه، آلتین جرجانی، گوزل عظیمی، امید کلتله، ام کلثوم جرجانی، عبدالرحمن فراخی، دانیال امیری، گل شیرین امیری، گل آیم امیری

مشاور کارگردان: هوشنگ جاوید
دراما توڑز: الله قلی نظری

دستیار کارگردان، طراح لباس و چهره‌پردازی و موسیقی: حاجی محمد امیری

طراح صحنه: آلتین جرجانی
طراح نور: قربان محمد نیکجو

نوازنده‌گان: آراز دردی خواجه، عبدالرحمان فراخی، حاجی محمد امیری

منشی صحنه و طراح بروشور: آلتین جرجانی

مدیر پشتیبانی و تدارکات: الله قلی نظری

مدت زمان نمایش: ۶۵ دقیقه

خلاصه نمایش

قبيله‌ی آمان خان در جنگ با "شقان خان" شکست خورده و قادر به ادامه‌ی جنگ نیست. اما "شقان خان" از جنگ و حیله دست برنمی‌ارد و در اینام حبوب و سپس دختر آمان خان را طلب می‌کند. آمان خان "که حاضر نیست یک وجب از خاک سرزمینش به دست دشمن بیفتد در برابر آن ها صفت می‌آراید و ..."

یادداشت کارگردان

مادر این نمایش به دنیال احیای آداب و رسومی در قوم ترکمن هستیم که اکنون رو به فراموشی است؛ انتقال اندیشه، فرهنگ و باورهای گذشته به نسل امروز.

Fatherland's Earth

(based on Turkmen stories and tales)

Molla Nafas Theatre

Playwright & Director: Mousa Jorjani

Actors: Haji Mohammad-Amiri, Maral Khoshbin, Loqman Mohammad-Azimi, Aidin Kor, Qadir Kor, Yaksham-Qoli Kor, Alieh Gol, Naser Shirvani, Rabe'e Niazi, Arouqdi Vejan, Aisouna Qaracheh, Araz Dardi-Khajeh, Altin Jorjani, Gozal Azimi, Omid Kalteh, Omme-Kolsoum Jorjani, Abdo-Rahman Farakhi, Danial Amir, Gol-Shirin Amiri, Golayem Amiri

Director Counsellor: Houshang Javid

Dramatist: Allah-Qoli Nazari

Stage Designer: Altin Jorjani

Light Designer: Qorban Mohammad-Nikjou

Musicians: Araz Dardi-Khajeh, Abdo-Rahman Farakhi, Haji Mohammad-Amiri

Continuity & Brochure Designer: Altin Jorjani

Preparation Manager: Allah-Qoli Nazari

City: Turkmen Port

Duration: 65 mins.

Synopsis

Taqan Khan defeats Aman Khan and asks him his beloved and his daughter in compensation. Aman Khan accepts and gives him what he had asked. But when Taqan Khan demands a part of Aman Khan's territory, he refuses and ...

Director's Note

We are to revive Turkmen customs and rituals that are going to be ignored. Moreover, we are to transfer our ancestors' cultural heritage to the present generation.



دار و دلدار

کاری از گروه تئاتر تماشا

نویسنده: پرویز زاهدی

کارگردان: داود فتحعلی بیگی

بازیگران: داود داداشی، مرتضی رستمی، علی یداللهی، ملیحه موسوی، ساسان
مهرپویان، حامد آقایی، قاسم طاهر احمدی، شادی خان بابایی، زری اماد شهرام

مسعودی، منیژه داوری، رضا پایی، حمید موسوی، بهرام شاکری

مشاور کارگردان: احمد علامه دهر

DRAMATURG: پرویز زاهدی

Dramaturg: Sasan Mehrpoian

Stage Manager: Ali Yedallehi

Costume Designer: Pirooz Zahedi

Musical Director: Daman Staisgar

Lighting Designer: Abolفضل کلانتری

Scenic Designer: Shadi Khan Babaii

Production Designer: Qasim Taher Ahmadi

Duration: 120 minutes

خلاصه نمایش:

اطرافیان سلطان قصد دارند او را خوب کنند ولی "مشکی" (سیاه) مانع خوایدن سلطان
شده، وی را به گشت و گذار در شهر و از آن جایه سفری در آینده می برد و ...

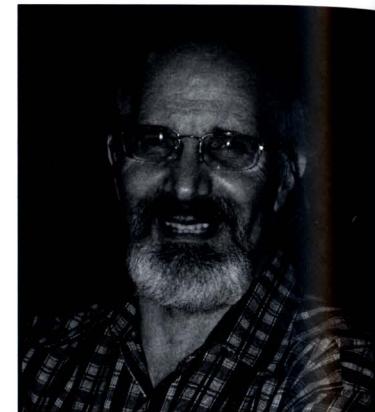
یادداشت کارگردان:

نمایش سنتی و آیینی ایران را بچه های خود بیشتر دوست دارم و همیشه دلم برای
حیات جاودانه‌ی آن می تبد.



The Tree and the Sweetheart

Tamasha (Vision) Theatre



Playwright: Parviz Zahedi

Director: Davoud Fath-Ali-Beigi

Actors: Davoud Dadashi, Morteza Rostami, Ali Yadollahi, Maliheh Mousavi, Sasan Mehr-Pouyan, Hamed Aqaei, Qasem Taher-Ahmadi, Shadi Khan-Babaei, Zari Emad, Shahram Mas'oudi, Manizheh Davari, Reza Papi, Hamid Mousavi, Bahram Shakeri

Director Counsellor: Ahmad Allameh-Dahr

Dramatist: Parviz Zahedi

Director Assistant: Sasan Mehr-Pouyan

Costume Designer: Parviz Zahedi

Music: Damoun Setayeshgar

Stage & Brochure Designer: Ali Yadollahi

Stage Manager: Abolfazl Kalantari

Continuity: Shadi Khan-Babaei

General Affairs: Qasem Taher-Ahmadi

Duration: 120 mins.

Synopsis

The associates of Soltan (the king) are to make him sleep, but Meshki (the black) hinders and takes him to visit the city and finally to a long trip toward future.

Director's Note

I love Iranian traditional, ritual theatre more than my children and my heart always beats for its immortality.

متولد ۱۳۲۹ نویسنده، کارگردان، پژوهشکر؛ دانش آموخته‌ی رشته‌ی تئاتر در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران (۱۳۵۷)؛ نگارش و کارگردانی نمایش‌های: سلطان مبدل، راز عروسک، نمایش ممنوع، تخت و خجر، دختران فضل‌فروش، رام کردن زن سرکش، یوسف و زلیخا و...؛ نگارش مقالات و کتاب‌های متعدد در زمینه‌ی تعریف، تقالی، شیوه‌های طنزآوری، موسیقی، تخت حوضی و... با همکاری افرادی چون هاشم فیض، محمدحسین ناصریخت، مرشد ترابی، رجایی زفره‌ای و...؛ از پایه‌کذاران گروه تئاتر تاما؛ دیر و قائم مقام ده دوره‌ی جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی

Born in 1950; Educated in Theatre, Faculty of Fine Arts (1978) ; As both playwright & director in 'The Puppet's Secret', 'Yousef and Zoleikha', 'The King in Guise', 'The Forbidden Play'. etc ; Writing books & articles on Ta'ziye, Naqqali, music, Takht-e Hozi, etc ; Co-operation with Hashem Fayyaz, Morshed Torabi, Rajaei Zofre'i, etc; One of the founders of Tamasha (Vision) Theatre ; Secretary & deputy secretary of ten festivals of traditional, ritual theatre

سعدی هملت می شود

براساس نمایش نامه‌ی "هملت" اثر ویلیام شکسپیر

نویسنده: حسن عظیمی

کارگردان: محمود عزیزی

بازیگران: سعدی افشار، حسن عظیمی، غلام بابوته، محسن افشار، مجید فروغی،
احمد محراجی، فریبا حیدری، فاطمه شادیزاده، ملیحه موسوی، ارشیلر شهرابی، محسن مقامی،

علی محمدصادقی، علی مرجان

مشاور کارگردان: عباس اقسامی

دستیار کارگردان: حسن عظیمی

طراح صحنه: صالح پناهی

طراح لباس: محمود عزیزی

نوازنده‌گان: بهروز قنسولی (قانون)، اصغر فلاخ (کمانچه)، محمود صفاریه (تنبک)

مدیر صحنه: حسین رحمانی آزاد

منشی صحنه: مسعود غفارزاده

مدت زمان نمایش: ۹۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

شب عروسی عموم و مادر سعدی است. روح پدر سعدی وارد خانه می‌شود و از سعدی می‌خواهد که انتقام قتل فجیع او را ز قاتل (برادرش - عمومی سعدی) بگیرد. سعدی در این راه از عده‌ای نمایش گر کمک می‌گیرد تا صحنه‌ی قتل پدرش را بازسازی کنند. عمومی سعدی می‌فهمد که سعدی به موضوع پیرده است، در نتیجه او را به ناکجا آبداد می‌فرستد. در آن سو "میر ابرام" که از مرگ پدرش به دست سعدی و خودکشی خواهersh از دست سعدی (!) آگاه شده، قمه‌ای آغشته به زهر برای انتقام به دست می‌گیرد. آن‌ها رو در روی هم قرار می‌گیرند و در نبردی نابرابر، سعدی زخمی می‌شود. میر ابرام می‌میرد، مادر سعدی هم که باز هر مسموم شده دار فانی را وداع می‌گوید. سعدی با حالت مجرح رو در روی عمومیش می‌ایستد، با قمه‌ی زهر آلودا و رابه قتل می‌رساند و خود نیز کشته می‌شود.

یادداشت کارگردان:

تئاتر سنتی دوران پریچ و خمی را در پس زندگی سخت خود پشت سر گذاشته و لحظات بسیار خوبی را هم در طول زندگی خود دیده است. امروز که دوازدهمین جشنواره‌ی خود را جشن می‌گیرد، حضور آموزش یافتنگان دانشگاهی، آینده‌ی روشنی را برای این گونه اشکال نمایشی نوید می‌دهد. امیدوار باشیم.

محمود عزیزی

متولد ۱۳۲۳، تهران؛ نویسنده، مترجم و کارگردان؛
دکترای تئاتر از دانشگاه سورین پاریس، کارشناسی
تکنیک و استیک تئاتر

عضو هیات موسس و عضو دفتر مرکزی جهاد
دانشگاهی؛ ترجمه‌ی آثاری چون: سو توافهان
(کامو)، هفت درس بازیگری (لوپی ژوه)، شکوه
مرگ ژوائین موریتا (پاپلو نلا)
کارگردانی نمایش‌های: تبعیدی، اقلیما، یونس،
پرنده‌ی سبز، مسلم بن عقیل، همسرایی مختار،
سرشت سوزناک زندگی، حرو ...

Mahmoud Azizi

Born in 1944, Tehran;
Ph.D. in Theatre, Sorbonne
University; An expert in theatre
techniques & statics
A member of Jahad
Daneshgahi as one of the
founders ; Translated 'The
Misunderstanding', 'Seven
Lessons on Acting', etc.
As director in 'Younes', 'The
Green Bird', 'The One in
Exile', 'Hor', 'The Plaintive
Nature of Life', etc.

Sa'di Becomes Hamlet

(based on 'Hamlet' by William Shakespeare)



Playwright: Hasan Azimi

Director: Mahmoud Azizi

Actors: Sa'di Afshar, Hasan Azimi, Qolam Babouteh, Mohsen Afshar, Majid Forouqi, Ahmad Mehrabi, Fariba Heidari, Fatemeh Shadi-Zadeh, Maliheh Mousavi, Ardesir Sohrabi, Ali Mohammad-Sadeqi, Mohsen Maqami, Ali Marjan

Director Counsellor: Abbas Aqsami

Director Assistant: Hasan Azimi

Stage Designer: Saleh Panahi

Costume Designer: Mahmoud Azizi

Musicians: Behrouz Qonsouli (Qanoun), Asqar Fallah (Kamancheh), Mahmoud Saffarieh (Tonbak)

Stage Manager: Hosein Rahmani-Azad

Continuity: Mas'oud Qaffar-Zadeh

Duration: 90 mins.



Synopsis

Tonight's the wedding of Sa'di's uncle and mother. The ghost of Sa'di's father enters the house and asks him to take his revenge against his brother (Sa'di's uncle). In order to reconstruct the scene of his father's murder, Sa'di seeks help from some players. When his uncle realizes the case, he orders to send Sa'di to a far-away land. On the other hand, Mir Ebram who knows Sa'di guilty of his father's murder and his sister's suicide, takes a poisoned dagger and goes to him to take revenge of his family. In an unequal battle, Sa'di gets wounded and Mir Ebram killed. Sa'di's mother who is also poisoned passes away. Eventually, deeply wounded Sa'di goes to his uncle and kills him with the poisoned dagger. He himself is also killed at the end.

Director's Note

Our traditional theatre has surpassed meandering stages in its complicated lifetime and at the same time witnessed joyful moments, too. Today that we are celebrating the twelfth festival of such theatre, a glorious future is predicted by the presence of fresh, well-educated persons in this field.

شب هزار و یکم

کاری از گروه تئاتر لیسار

نویسنده و کارگردان: بهرام بیضایی
بازیگران: یانه آبرهام، بهنار جعفری، حمید فخر نژاد (نمایش یکم)، مژده شمسایی، ستاره
اسکندری، اکبر زنجان پور (نمایش دوم)، شبمن طلوعی، شبینم فرشادجو، علی عمرانی (نمایش
سوم)

دستیاران کارگردان: آناهیت بنایی، علیرضا فولادشکن

طراح لباس: ملکجهان خزایی

طراح نور: علی اکبر افشاری نیا

طراح چهره پردازی: عباس صالحی

موسیقی: محمد رضا درویشی

مدیران صحنه: علی رضا جلالی تبار، حامد محمدی

طراح پوستر و بروشور: محسن ولحی

مدیر اجرایی دکور: علی خندان

گروه کارگردانی: علیرضا فولادشکن، سامان خادم، حافظ روحانی

مدت زمان نمایش: ۱۸۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

شب هزار و یکم ۱: نمونه‌ی پیشین و گم شده‌ی افسانه‌ی ضحاک بازسازی شده، داستان ۵۰۰
نشده‌ی ضحاک و همراهانش شهرناز و ارنواز، که نویسنده فکر می‌کند سرچشمه‌ی اصلی
داستان پایه‌ای و بنیادین کتاب نابود شده‌ی هزار افسان است.

شب هزار و یکم ۲: داستان ۵۰۰ نشده‌ی مترجم گمنامی است که هزار افسان از پارسی به عربی
گرداند و نام آن ألف لیله و لیلة کرد، کتابی که قرن‌ها بعد در بازگردان دوباره به پارسی نام هزار و
یک شب گرفت.

شب هزار و یکم ۳: حتی‌آ چند دهه پس از تاریخ چاپ بازگردان هزار و یک شب به فارسی (۱۲۸۰)
هـ ق) می‌گزد و به روزگار مانزدیکتر است؛ داستان ۵۰۰ نشده‌ی سراج‌جام زنی است که هزار و یک
شب خواند.

یادداشت کارگردان:

نام نامی اش شهرزاد است. خواهری دارد، دین آزاد. دختران وزیرند گویا. پادشاه بدخيال را که هر
شب با کره‌ای ترویج می‌کند و صبح می‌کشد چاره می‌جویند. این شهرزاد به تبییر خود همسروی
می‌شود یک شب، اما به یاری دین آزاد هزار شب به سحر کلام سلطان رادر خواب می‌کند تا ز
کشتن دوشیزگان بادی نکند، و این طور هزار و یک جوانه زن را زیغ سیاف و جلاذ خلاصی
می‌بخشد...
«از متن نمایش نامه»



Synopsis

(Act 1) The reconstructed version of the antecedent and missing legend of Zahhak (Azhidahak); and the untold tale of Zahhak and his companions, Shahrnaz and Arnavaz; that the playwright considers them as the main origins of the basic tale of the destroyed 'Hezar Afsan' (A Thousand Legend).

(Act 2) Is the untold tale of an anonymous translator who translates the Persian 'Hezar Afsan' into Arabic entitled 'Alf Lailat-o-Lailah'; the book is named 'Hezar-o-Yek Shab' after retraslated into Persian again centuries later.

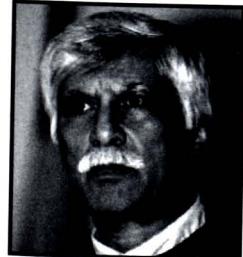
(Act 3) Certainly since the publishing date of the translated 'Hezar-o-Yek Shab', a number of decades has passed and it has got closer to our time; and it is the untold tale of a woman who narrates a thousand and a night.

Director's Note

Her famed fame is Shahrzad. There is a sister of hers, non-religious. Probably are they the minister's daughters. They are to remedy the king who in the morning kills the virgin with whom he has spent a night. By her prudence, this Shahrzad goes to him just for a single night. But assisted by the non-religious, she sends the king to sleep by the magic of words so that he remembers not the virgins. And in this way a thousand and one mistresses are rescued from the sword of the executioners.

بهرام بیضایی

متولد ۱۳۱۷، تهران؛ نگارش نمایش‌نامه‌های: بهلوان اکبر می‌میرد، غروب در
دیاری غریب، پرده‌خانه، سیاوش خوانی و...؛ نگارش و کارگردانی نمایش‌های:
مرگ بزدگرد، کارنامه‌ی بندار بیدخش، پژوهش‌های متعدد در زمینه‌ی
نمایش‌های شرق و نگارش آثاری چون: نمایش در زبان، نمایش در چین،
نمایش در ایران و...؛ نگارش و کارگردانی فیلم‌های: رگار، غریبه و مه، کلاح،
چریکه‌ی تارا، شاید وقتی دیگر، باشو غریبه‌ی کوچک، مسافران، سگ کشی
و...



Bahram Beyzaie

1938, Tehran; as playwright in 'Pahlevan Akbar Dies', 'Pardeh Khaneh', etc.; as both playwright and director in 'Death of Yazdgerd', 'Bondar Bidakhsh', etc.; as an expert in Eastern theatre; writing several works such as 'Theatre in China', 'Theatre in Japan', 'Theatre in Iran'; as scenarist and movie director in 'The Stranger and the Fog', 'The Crow', 'Bashou, the Little Stranger', 'The Traveller', etc.

A Thousand and the First Night

Lisar Theatre

Playwright & Director: Bahram Beizaei

Actors: Pantea Bahram, Behnaz Jafari, Hamid Farrokh-Nezhad (Act 1), Mozhdeh Shamsa'i, Setareh Eskandari, Akbar Zanjan-Pour (Act 2), Shabnam Tolou'i, Shabnam Farshad-Jou, Ali Omrani (Act 3)

Director Assistants: Anahit Banaei, Ali-Reza Foulad-Shekan

Costume Designer: Malek-Jahan Khazaei

Light Designer: Ali-Akbar Afshin-Nia

Make-Up Designer: Abbas Salehi

Music: Mohammad-Reza Darvishi

Stage Managers: Ali-Reza Jalali-Tabar, Hamed Mohammadi

Poster & Brochure Designer: Mohsen Valihi

Decorator: Ali Khandan

Directorial Board: Ali-Reza Foulad-Shekan, Saman Khadem, Hafez Rouhani

Duration: 180 mins.



فالگوش

براساس شعر بلند فالگوش نوشته‌ی منوچهر یکتایی

نویسنده: محمد اسکندری
کارگردان: منیژه م Hammond

بازیگران: محمد اسکندری، محمد شیری، حبیب دهقان نسبه، مهوش افشاریناھ علی سلیمانی، کامران تقی، نعیم جبلی،
حسین قره، بهنام تشكیر، رامونا شاه، مهدی بهزادی، افسین رهنمون، ندا حاج‌بابایی، پرویز حاجی‌زاده دانیال سرجی و ...

دستیاران کارگردان: محمد اسکندری، محمود رضا رحیمی، ارشام مودیان

طراح صحنه: آیت‌نجفی

مدیر اجرا و طراح لباس: مریم غیورزاده

موسیقی: ارشام مودیان

نوازنده‌گان: نعیم جبلی، محمد شیری

مدیر صحنه: شکوفه هاشمیان

منشی صحنه: رامونا شاه، شکوفه هاشمیان

طراح پوستر و بروشور: یاسین خلیلی

مدت زمان نمایش: ۹۰ دقیقه

خلاصه نمایش:

گروهی از اقوام مختلف ایرانی در دوران رضاخان به تهران می‌آیند تا باه جا آوردن سنت فالگوش حاجت بگیرند و ...

یادداشت کارگردان:

توجه به آینه‌ها و سنت‌های فراموش شده در بستر تئاتر می‌تواند به دریافتی ناب از فرهنگ عامه در گذشته بینجامد.



منیژه م Hammond

متولد ۱۳۳۴، تهران؛ فوق لیسانس تئاتر و دکترای تئاتر درمانی از کالیفرنیای آمریکا؛ عضو انجمن تئاتر درمانی آمریکا و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛ تدریس در دانشگاه‌های ایران و Mime Troup در آمریکا؛ کارگردانی Sanfrancisco نمایش‌های: روز سن والتن (ملفی - ۱۳۵۲)، کلفت‌ها (زان ژنه - ۱۳۵۵)، پرواز بر فراز آشیانه‌ی فاخته (۱۳۶۴)، مسافر بی‌توشه (زان آنی)، روز از نو (داریوفو، دادگاه نورنبرگ)، سوووشون، دایره بسته، مسئله‌ای نیست و ...

Manizheh Mohammedi

1955, Tehran; M.A. in
Theatre and Ph.D. in
Theatre Therapy, California;
as professor in the
universities of Iran and the
United States; co-operation
with the Sanfrancisco Mime
Troup; as director in 'Saint
Valentine Day' (1973), 'The
Maids' (1976), etc.

Eavesdropping

(based on a long poem by Manouchehr Yektaei)



Playwright: Mohammad Eskandari

Director: Manizheh Mohamedi

Actors: Mohammad Eskandari, Mohammad Shiri, Habib Dehqan-Nasab, Mahvash Afshar-Panah, Ali Soleimani, Kamran Tafti, Na'im Jebeli, Hosein Qarah, Behnam Tashakkor, Ramona Shah, Mehdi Behzadi, Afshin Rahnama, Neda Haj-Babaei, Parviz Haji-Zadeh, Danial Serji, etc.

Director Assistants: Mohammad Eskandari, Mahmoud-Reza Rahimi, Arsham Moaddabian

Stage Designer: Ayat Najafi

Executive Manager & Costume Designer: Maryam Qayour-Zadeh

Music: Arsham Moaddabian

Musicians: Na'im Jebeli, Mohammad Shiri

Stage Manager: Shokoufeh Hashemian

Continuity: Ramona Shah, Shokoufeh Hashemian

Poster & Brochure Designer: Yasamin Khalili

Duration: 90 mins.



Synopsis

A number of Iranian clans in the reign of Reza-Khan comes to Tehran in order to do the Eavesdropping Tradition.

Director's Note

Close attention to extinct rituals and traditions through theatre can lead us to have a noble perception of our rich folklore.

مریم و مردآویج

کاری از گروه تئاتر کوچ

طراح چهره‌پردازی: فریبا نورشعاع حسینی

موسیقی: بهرنگ بقایی

نوازندگان: بهرنگ بقایی، سینا خشک بیجاری، مرتضی شمس، حیر ساجدی

طراح حرکات مووزون: سیلویا گلپاشین

منشی صحنه: نگار عزیز مرادی

طراح پوستر و بروشور: مرتضی نبی پور

مدت زمان نمایش: ۱۸۰ دقیقه

نویسنده، کارگردان و طراح: بهزاد فراهانی

بازیگران: فهیمه رحیم‌نیا، میکایل شهرستانی، مرتضی مسجدجامعی، شفایق فراهانی، تقی

سیف‌جمالی، هومن برق‌نورد، عباس شادروان، منظر لشگری، نرگس امینی، مهدی صباغی،

عباس توفیقی، محمد آقامحمدی، گل شیفتنه فراهانی، هدا ناصح و ...

مشاوران کارگردان: عباس شادروان، مهدی صباغی

دستیار کارگردان و مدیر صحنه: محمد رضا جابر انصاری

طراح لباس: شفایق فراهانی



خلاصه نمایش:

دو خانواده بزرگ در شهری بندری، باوصلت دختر و پسر خود موافقند ولی دختر که مریم است شاگرد نوازنده‌ای است که در گذشته به دست خانواده‌ی پدر به قتل رسیده. پسر این استاد و همسرش هنوز در ارتباط با این خانواده‌اند. پسر که مردآویج است، توسط دشمن خانواده‌ی مقابل اجیر می‌شود تا در مقابل خانه‌ی مریم، معركه‌ی عشق راه بیاندازد و خود را عاشق مریم نشان دهد تا آبروی دختر ریخته شود اما...

یادداشت کارگردان:

در جهان سوم و حکومت‌های جبار، مرگ عشق‌های پاک امریست ناگزیر.



Maryam and Mardavij

Kouch (Migration) Theatre

Playwright, Director & Designer: Behzad Farahani

Actors: Fahimeh Rahim-Nia, Michael Shahrestani, Morteza Masjed-Jame'i, Shaqayeq Farahani, Taqi Seif-Jamali, Houman Barq-Navard, Abbas Shadravan, Manzar Lashgari, Narges Amini, Mehdi Sabbaqi, Abbas Toufighi, Mohammad Aqa-Mohammadi, Gol-Shifteh Farahani, Hoda Naseh, etc.

Director Counsellors: Abbas Shadravan, Mehdi Sabbaqi

Director Assistant & Stage Designer: Mohammad-Reza Jaber-Ansari

Costume Designer: Shaqayeq Farahani

Make-Up Designer: Fariba Nour-Shoja'-Hoseini

Music: Behrang Baqaei

Musicians: Behrang Baqaei, Sina Khoshke-Bijari, Morteza Shams, Heidar Sajedi

Choreographer: Silvia Golpashin

Continuity: Negar Aziz-Moradi

Poster & Brochure Designer: Morteza Nabi-Pour

Duration: 180 mins.

Synopsis

Two families of the port are in agreement with their son and daughter's marriage but the girl, Maryam, had been the student of a musician who is killed by the father's family. Mardavij, the son of the murdered musician, is hired by the enemy of the opposite family so that he performs a love's show before Maryam's house and pretends to love her to disgrace Maryam, but ...

Director's Note

In the third world countries and dictatorial regimes, death of pure love is something inevitable.

بهزاد فراهانی

متولد ۱۳۲۳، تفرش؛ دانش آموخته‌ی تئاتر در تئاتر ناسیونال استرالسیورگ؛ نویسنده بازیگر و کارگردان در رادیو، تلویزیون، تئاتر و سینما؛ تشکیل گروه «تئاتر کوچ»، چهل سال فعالیت ملأوم و همکاری بالفرازی چون: فهیمه رحیم‌نیا، نسرین پاک خو، مینه فردو، پرویز برستوی، مهدی میامی، نقی سیف‌جمالی، عبدالراضک‌اکبری، محمود جعفری، مجید کربلایی، مجده امیرکیا، مرتضی مسجدجامعی، کریم اکبری مبارکه و ...



Behzad Farahani

1944, Tafresh; studied Theatre in Strasburg National Theatre; playwright, director, scenarist and actor; co-operation with Fahimeh Rahim-Nia, Parviz Parastouei, Mahmoud Jafari, Nasrin Pak-Khou, Mehdi Amir-Kia, etc.



**Tradition
and ritual,
The Man's**

Spiritual Heritage

سنّت و آیین، میراث معنوی بشری



دوازدهمین جشنواره
المللی میراث رسانی و آیینی سنتی

International
بین المللی

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

کارگردان: تیانی وو
مدیر صحنه: بینگ لی
پژوهشگر: لیوی کو
نوازنده‌گان: روئیلیان چو (طبی)، جیان چین ژنگ (سازهای کوبه‌ای)
بازیگران: مین گینگ هوانگ، کینگ لانگ لین، کجینگ چیا، جین بی وو، هانگ چو وو،
کینگ لای ژنگ، شون فوهانگ، لینان شنگ کای، مینگ لی هونگ، کیوجیا ینگ
شوینگ ژنگ، گوبی چیا چن، چیولیان لین

خلاصه نمایش

خانواده‌ی «فوژیانگ» بر آینین بودایند و همگی سبزیجات می‌خورند. پس از مرگ «فوژیانگ»، همسرش، «لیوشی زن» یک سگ رامی کشد تراهی بودایی را سیر کند؛ کاری که برخلاف آینین بودا تلقی می‌شود. عالم ارواح از آین گاه خبردار می‌شوند و «ووشنگ» را که سوره تمامی ارواح است به همراه پنج روح دیگر به پشت باع «فوژیانگ» می‌فرستند تا «لیو» را به چهان سفلی ببرند. «لیو» را آنچه به غایت تتبیه و شکجه می‌کنند تا ینکه «مولیان» پسر «لیو»، از سوی بودا دستور می‌گیرد که راهب شود. او با تصویر و نوشته‌ای که از مادر بر شانه خویش دارد، هزارها فرسنگ را به سوی غرب می‌پیماید تا ستایش بودا کند. بودا نیز نیروی فراطبیعی به او می‌بخشد تا «مولیان» بتواند دروازه‌ی جهنم را با عصایی سحرآمیز بگشاید و مادر و دیگر ارواح گناهکار را بهاند.

درباره‌ی نمایش

اپرای داچنگ گونه‌ای نمایش محلی در ایالت فوجی «مقابل جزیره‌ی تایلند» است که از اپرای ورقن «نوأ» گرفته شده است. «نوأ» در زبان چینی پروردگاری است که دفع طاعون می‌کند. این گونه‌ی نمایشی، سیار قدیمی است و سابقه‌ی اجرای آن به کوهستان‌های دور افتداده‌ی مرکز و جنوب غربی چین بازمی‌گردد. اپرای «داچنگ» از مراسم آینین «تاوایست» سرچشمه گرفته است. «داچنگ» در لغت به معنای کوپیدن بر دیوار شهر (دیوار بهشت) است. در این نمایش، حرکات ماریونت مانند هرم‌های انسانی، بندیازی، هنرهای رزمی، آتش پرانی و دیگر حرکات دله‌های بسیار است. موسیقی این نمایش، به تأثیر از موسیقی تاوایستی، آمیزه‌ای است از موسیقی بودایی و اپرای پکن و نمایش‌های عروسکی. به طور کلی «سویه‌ی مذهبی» موسیقی این نمایش بسیار برجسته است.

پیشینه

نخستین گروه اپرای «داچنگ»، رادو برادر بانام‌های «یونگ لیاوو» و «یونگ شی وو» به نام گروه «چینگ یوان»، در میانه‌های سلسله‌ی کینگ (۱۹۱۱ - ۱۹۴۴) بنیاد نهادند. در سال ۱۹۰۵، معبد بودایی کیان یوان گروه دیگری را بنام «کای یوان» در کوان ژو (شهری در ایالت فوجی) تشكیل داد. در سال ۱۹۵۲ وزیر نظر مرکز فرهنگی کوان ژو، «گروه شگرد موسیقی‌ای کوان ژو» از ادغام دو گروه پیشین آغاز به کار کرد و این همان گروهی است که در سال ۱۹۶۰ به گروه اپرای «داچنگ» کوان ژو تغییر نام داد. فعالیت‌های این گروه در سال‌های انقلاب (۱۹۶۷-۷۶) متوقف شد تا ینکه آقای «تیانی وو» از بازماندان خانواده‌ی اپرای داچنگ، به همراه همسرش خانم «ین چینگ» هوانگ در سال ۱۹۹۰ کلاس‌های آموزش بازیگری این گروه را تأسیس کردند. از آن زمان تاکنون، این گروه در جشنواره‌های مختلف داخلی و خارجی و نیز در تلویزیون نمایش‌های گوناگونی اجرا کرده است که هر یک بر محبوبیت این گروه در جای جای کشور چین و حتا خارج از آن افزوده است.

تیانی وو

او در دسامبر ۱۹۸۳ در شهر «کوان ژو» متولد شده است و از هنرمندان نسل چهارم خانواده‌ی اپرای داچنگ است. از ۸ سالگی زیر نظر پدر بزرگ فقید خود که بنیان‌گذار این گروه است، با شگردهای اجرای این نمایش آشنا شد. از سال ۱۹۵۲، او به عنوان کارگردان و بازیگر در گروه حضور دارد. او در سال ۱۹۷۵ در اجرای مشترک تئاتر «کوان ژو» جایزه‌ی بهترین بازیگر، و در سال ۱۹۷۸ در کنسرت «بهار کوهستانی بی وو» جایزه‌ی بهترین طراح حرکات موزون را دریافت کرده است. او هم اکنون دستیار مدیر مرکز فرهنگی «کوان ژو» و نیز نایب ریس گروه تئاتر عروسکی «کوان ژو» است.

در سال ۱۹۹۰، او بادریافت بودجه بار دیگر گروه اپرای «داچنگ» را گرد هم آورد. نمایش‌هایی که این گروه به کارگردانی او اجرا کرده است، همگی مورد تشویق کارشناسان این هنر قرار گرفته‌اند. نمایش «مولیان مادرش رامی‌هاند» در آرشیو استودیوهای بزرگ چن ثبت و ضبط شده است.



Mulian Save His Mother

The Dacheng Opera Troupe (China)

Director: Tianyi Wu

Stage Manager: Bing Li

Scholar: Liuyi Qu

Musicians: Ruilian Xu (Drum), Jianxin Zheng (Percussion)

Actors: Yingying, Huang, Qing-Long Lin, Kejing Xia, Jinbi Wu, Hongchu Wu, Qinglai Zheng, Shunfu Huang, Liansheng Cai, Mingli Hong, Qiuxia Yang, Shuping Zheng, Guixia Chen, Xiulian Linl

Synopsis

Fuxiang's family believes Buddhism and all members eat vegetarian food. After the death of Fuxiang, his wife Liu Shizhen killed a dog and provided the meat to a Buddhist monk, which is a violence to the Buddhist doctrine. The Hades heard about the crime and sent Wuchang, head of ghosts, led five small ghosts, to the back garden of Fuxiang's to catch Liu and escort her to the nether world. Liu was severely punished and tortured there. Liu's son Mulian got advice from kwan-yin Buddha and became a monk. Burdening the Buddhist scripture and picture of his mother on his shoulder, Mulian traveled thousands of miles to the west to worship Buddha. Buddha gave Mulian supernatural power to enter into the hell to search for his mother. Afterwards, he opened the gate of the hell with a magic stick and rescued his mother and a number of ghosts who had been wrongly accused of.

Dacheng opera is a local theatrical form in Fujian Province (opposite to Taiwan Island). It was originated from Nuo dance and Nuo Opera. 'Nuo' in Chinese means a god who can drive away the plague. Nou Opera is a primitive theatrical form than can be found in some remote mountainous regions in central and South-western part of China. Dacheng Opera is evolved from a Taoist ritualistic activity. 'Dacheng' literally means to hit the city wall (the city of paradise). Dacheng Opera features marionette-like movements, human pyramid, acrobatics and martial arts, eating fire and spouting fire, and some other fearful scenes. The music of Dacheng Opera is characterized by Taoist music, Buddhist music combined with some elements borrowed from puppet shows and Peking Opera. The music has a strong religious character.

The first Dacheng Opera troupe was established some time in the middle of Qing Dynasty (1644-1911), by two brothers named Wu Yongliao and Wu Yangshi, the troupe wan named *Xing Yuan Troupe*. In 1905, Quanzhou (city in Fujian Province) KaiYuan Buddhist Temple formed another troupe called *KaiYuan Troupe*. In 1952, under the auspice of Quanzhou Culture Center, a new troupe was established by combining Xing Youan Troupe and Kai Touan troupe, and the new troupe named Quanzhou Musical Technique Troupe. In 1960 it was formally renamed as The State-owned Quanzhou Dacheng Opera Troupe. During the cultural revolution (1966-1976), the troupe was forced to be disbanded. After the political movement, Mr. Wu Tianyi, a descendant of the Dacheng Opera family, and his wife Ms. Huang Yingying started actors' training classes in 1990. Since then, The Third Quanzhou International Puppet Festival, The Summer of Wie Yuan Tower Theatre Festival, The ritualistic performances of Silk Road on The Sea Cultural Activities which was sponsored by UNESCO, The First Fujian Provincial Tourist Arts Festival, The Quanzhou Southern Shaolin Temple Martial Arts Festival, etc. the performance of the troupe was documented by china News Film Studio and Fujian Provincial Film Studio. Dacheng Opera, with its unique performing art style and its religious character has won a good reputation both at home and abroad.

Tianyi Wu

Wi Tianyi was born in Quanzhou City, Fujian Province in December, 1938. He is the fourth generation of Dacheng Opera Family (his great grand father created the Dacheng Opera in 1885). He has been trained as performer of Dacheng Opera ever since he was just eight years old. In 1952, he was employed by the State Owned Dacheng Opera Troupe as actor, director, and artistic director. In 1975, he won the actor's award of Quanzhou Theatre Joint Performance. In 1978, he won the best choreographer's award at The Spring of Wu Yi Mountain Concert. Afterwards, Mr. Wu Tianyi was appointed as vice-director of Quanzhou Cultural Center, and vice-director of Quanzhou Puppet Troupe.

In 1990, he raised funds to re-establish Quanzhou Dacheng Opera Troupe. He collected material and directed plays such as *Mulian Saves His Mother*, *Kwan-yin Buddha Adopts Red Boy*, etc. which were highly acclaimed by ritualistic theater experts. The play *Mulian Saves His Mother* was documented by China News Film Studio and Fujian Film Studio and sold to overseas.

Now Mr. Wu Tianyi is board member of China Nou Opera Research Institute, Quanzhou Region Opera Research Institute, Quanzhou Laozi Research Institute.

کیوگن‌های ژاپنی

گروه نمایشی یاماتو

اجراکنندگان: سومیکو اوندو، هیروآکی کانهیسا، نوبوموتو آندو (سرپرست گروه)، یاسو ایندو، ماساکی اووا، میشل کیس جکسون، یوکو اوداگیری

خلاصه نمایش

حلزون (کوکایو کاتاتسو ماری)

کشیش خسته و درمانده در بیشه‌زاری می‌آمد. استاد برای نجات جان پدربرگش به خدمتکار دستور می‌دهد تا برو و حلزونی بیابد. پس خدمتکار به بیشه‌زاری می‌رود که کشیش در آن آزمده است. او کشیش رایبیدار می‌کند و از او می‌پرسد که آیا او حذرون است؟ کشیش هم به شوخی خود را حذرون معرفی می‌کند و پس از آنکه گفته‌اش را به او ثابت می‌کند، می‌پذیرد که با او همراه شود. استاد که نگران تأخیر خدمتکارش است به قصد یافتن او و یزون می‌رود و کشیش و خدمتکار را می‌بیند که در راهاند. چون کشیش داستان را به رقص و آواز بارمی گوید و اشتباه خدمتکار روشن می‌شود کشیش آنان را می‌ترساند و می‌جهد و خنده زنان بر حمact آن در راه خویش پیش می‌گیرد.

رعد (کلینباری)

طبیی در راه صدای عجیبی می‌شنود. ناگهان رعد پایش بر چاله‌ای در ابرها می‌لغزد و بر راه طبیب می‌افتد. رعد از طبیب که ترسیله استه در خواست کمک می‌کند. طبیب نیز پس از بازبینی و تشخیص سرماخوردگی و جراحته او را درمان می‌کند. چون طبیب دستمزدش را می‌طلبد، رعد بالو عهد می‌بنند که هشت صد سال هوا را برای او مساعد کند، و پر سر و صدا راه خویش پیش می‌گیرد.

کشیش و خرچنگ (کانی-یاما بوشی)

کشیش و دستیارش پس از پس سر گذاشتن دوره‌ی دانش آموزی و تفکر و تعمق، در راه بازگشت به خانه صدایی می‌شنوند که هر دویشان را می‌هراساند. پس از آنکه کشیش به خود می‌آید و جسارت و شجاعت را باز می‌یابد در بی می‌رود تا چیستی اش را دریابد. موجودی که پاسخ می‌دهد، چشم‌هایی دارد که رو به بالا بیند، لایکی که تماسی با زمین ندارد، دو پای بزرگ و هشت پای کوچک و تنها به چپ و راست می‌تواند بخزد. چون دستیار کشیش نزدیک جانور می‌شود تا بهتر بینندش، خرچنگ با یکی از چنگال‌هایش گوش او را می‌گیرد. پس کشیش ناساییش می‌گوید و نفرین اش می‌کند. تا اینکه سرانجام، هنگامی که کشیش نیز نزدیک جانور می‌شود، خرچنگ با چنگال دیگر کشش گوش او را نیز می‌گیرد و هر دویشان را بر زمین می‌کوبد و می‌رود. سپس هر دو برمی‌خیزند و ادامه‌ی راه را ترسان و لرزان پیش می‌گیرند.

پیشینه

گروه یاماتو مشکل از گروه‌های نمایشی "نو" و "کیوگن" است که در آنکه هنرهای سنتی ژاپنی استه بینان نهاده شد. این گروه از استادان، دانشجویان طرفداران "نو" و بازیگران "کیوگن" تشکیل شده است که پیشینه‌اش را به قرن سیزدهم نسبت می‌دهند. گرچه "نو" و "کیوگن" از منظر بن‌مایه و شیوه‌ی اجرا یکدیگر متفاوتند اما هر دوی آنها را به دلیل هم ریشه بودنشان "نه‌گاکو" می‌نامند. "نه" نوعی نمایش موزیکال و یارقص است که بن‌مایه‌ی فلسفی و معنوی دارد در حالی که "کیوگن" زندگی روزمره‌ی مردم را در قالب طنز به تصویر می‌کشد. با وجود چنین تناقضی می‌توان کمدی "کیوگن" و تراژدی "نه" را از یکدیگر بازشناخت.

پروفسور نوبوموتو آندو

او در سال ۱۹۳۵ در آزادایه دنیا آمد. در سال ۱۹۶۴، عضو مرکز "نوگاکو" شد و در مدرسه‌ی آنها شروع به آموختن بازیگری کرد. هم اکنون او استاد دانشکده‌ی "هوگورمو" و سخنران دانشگاه هنرهای شهر کیوتو است و همچنین اداره‌ی گروه نمایش یاماتو را به قصد پیشبرد دو گونه‌ی نمایشی "نو" و "کیوگن" بر عهده دارد. پروفسور آندو، این روزها مشغول یافتن پیوندهای موسیقی غربی و قومی خویش است که از سال ۱۹۸۴ چنین ترکیبی بارها در جای جای دنیا اجرا شده است.



Japanese Kyougens

Yamato Theater

Performers

Sumiko Undo, Hiroaki Kanehisa, Nobumoto Ando (Team Leader), Yasou Indoue, Masaaki Oda, Micheal Keith Jackson, Yoko Odagiri

Synopsis

The Priest and the Crab (kani Yamabushi)

A Priest and an acolyte are on their way home after a period of study and meditation. Suddenly they hear a strange sound which frightens them both. They are both scared stiff, but finally the Priest works up enough courage to go and ask what it is.

The creature answers that it is the spirit of an animal which has two eyes looking straight up, a shell that doesn't touch the ground, two big legs and eight small ones, and goes through life moving to the left and right. The Yamabushi realizes that it is the spirit of the crab, and orders the Acolyte to break its shell with his stick. The Acolyte gets too close and gets caught by the ear by one of its pinchers. The Priest scolds him for being so clumsy and proceeds to pray him loose. Finally the Priest gets too close and gets caught in the other pincher. The crab throws them both down and disappears. They pick themselves up and continue on their way, but less brave.

Thunder (Kaninari)

A Quack doctor, on his way hears a loud noise. Suddenly Thunder stumbles through a hole in the clouds and falls to the earth in the doctor's path.

The doctor is frightened out of his wits when Thunder demands his services. The doctor examines him, and finds he has a cold and has hurt his hips in the fall. When the doctor cures him and demands his pay, Thunder promises him good weather for the eight hundred years to come for him, and goes noisily on his way.

The Snail (Kwagyuu Katatsumari)

A Priest gets tired and lies down in a thicket to rest. The master tells his servant to go and look for a snail to cure his grandfather.

The servant comes to the thicket where the Priest is sleeping, wakes him up and asks him if he is a snail. The Priest decides to have some fun with the servant, so tells



him that he is a snail and agrees to go with him.

The master gets worried because the servant, is taking so long to return, toes out to look for him and meets the servant and the Priest on the road. The servant explains while singing and dancing, and the master tells him he has been tricked. The yamabushi hides, jumps out and scares them; and goes on his way laughing at their stupidity.

Yamato Theater

Yamato Theater Kyougen Office is the Noh and Kyougen theatrical performance group created in Osaka, the Kansai area of Japan where Japanese classic traditional entertainment was born. This group is composed of scholars, fans of Noh, teachers, students and Kyougen actors who are in a central position. Japanese classic traditional entertainment (Noh and Kyougen) was formed in the 13th century. Noh and Kyougen are different to each other in themes and the way of performance, but generically they are called 'Nahgaku' because of the same original root. Noh is the dance and music play with spiritual themes and Kyougen in the conversation play showing daily lives through comedy. With this contrast, we can recognise 'Tragedy-Noh' and 'Comedy-Kyougen' as the category of the play.

Nobumoto Andou

Professor Nobumoto Andou born in Osaka, 1935. In 1964, he became a member of the Nahgaku Association and an actor of the Okura School. At present, he is a professor of Hagoromo Junior College and a part time lecturer of Kyoto City Art University, Osaka Art University and Osaka East Sumiyoshi High School. He runs 'Yamato Theater Kyougen Office' with doing activities for promoting Noh and Kyougen. These days he has tried an experimental collaboration of western music and ethnic music, and performed often in many countries since 1984. In 2001, he was recognized as the national important intangible cultural asset, and became a member of Japan Nahgaku Association.

نویسنده: کیونگ یوک چون

کارگردان: سانگ سیک یانگ

بازیگران: کیون نوک چو، ینگ بوم دانگه سان بایک دانگه

چول هو چین، چین هیون سانگه هیون کیون لی، کیون هواسان لی

موسیقی: یانگ هوان ها

نوازندهان: سان بون دانگ (تانگ سو)، ینگ بون اوه (تانگ سو)،

یئون کیل چون (طبل)، کنگ کونگ جونگ (جینگ)

طراح حرکات موزون: کیون هواسان لی

طراح صحنه: سانگ یونگ کیم

مدیر داخلی: سون هوا چوی

طراح لباس: سون هوا پوی

طراح نور: کوئن پول جوی

طراح چهره پردازی: دانگ مین لی

سرپرست گروه: دکتر های سوکی ینگ

مدت زمان نمایش: ۳۰ دقیقه

خلاصه‌ی نمایش

پرده‌ی ۱: شخصی در نقش راهنمای پدیدار می‌شود که وظیفه‌اش هماهنگی جریان نمایش است. سپس خدمتکاری (کوک سایه) به همراه ارباب اش بر صحنه می‌آیند و درباره‌ی رقص شیر گفتگو می‌کنند.

پرده‌ی ۲: رقص زیبای "آونگ سانگ" است که به همراه آوازهای فولکور شمال کره به همین نام اجرا می‌شود.

پرده‌ی ۳: دور قصنه‌ی زن (سن دانگ) و دور قصنه‌ی مرد (گوهسا) بر صحنه می‌آیند و می‌رقصند. (سن دانگ و گوهسا اشاره به کسانی دارد که در خیابان‌ها می‌رقصند و می‌خوانند.)

پرده‌ی ۴: کودکان بر شانه‌های بزرگ ترها می‌رقصند.

پرده‌ی ۵: رقصندگان گوژپشت بالاشت‌هایی بر سینه و پشت اش می‌رقصند.

پرده‌ی ۶: دور قصنه شمشیره‌اشان را برمی‌کشنند و به رقص درمی‌آینند.

پرده‌ی ۷: رقصندگانی که نقاب شیر بر چهره دارند می‌رقصند. این بخش از رقص شیر از سه بخش مجزا تشکیل شده است که هر بخش حرکاتی مخصوص به خود دارد.

یادداشت کارگردان

هدف اصلی نمایش همان‌امیل به گریزاندن روح شیطانی و نیز حاصل‌خیزی هرجه بیشتر است که در آن، بازی بمناقب‌های شیر، نماد نابودی روح شیطانی است. مردم بر این باورند که ره‌او رد اجرای رقص شیر پوک چانگ به مثابه‌ی نمایشی آینی، آرامش و همنگی است. به سخن دیگر، کارکرد رقص شیر همان یکپارچگی میان اهالی روستاهاست. و درست به همین دلیل، هریار مردمان زیادی از اهالی روستای پوک چانگ خود را برای این مراسم مهیا می‌کنند. بدین ترتیب که پس از اجرای رقص شیر در شب چهاردهم ژانویه، اجرا کنندگان از روز شانزدهم ژانویه با رفتن از این خانه به آن خانه می‌کوشند تاروح شیطانی را از آن ها برانند. اهالی هر خانه نیز با اهدای صمیمانه‌ی مقداری برنج و پول به نوعی خود را در فعالیت‌های اجتماعی محل سکونت‌اش شریک می‌کند. و این گونه است که بنیاد همدلی و یکپارچگی به شیوه‌ای غیرهنجی نهاده می‌شود.



Pukchong Lion Dance

Pukchong Lion Dance Play Theatre (Tibat)

Playwright: Kyoung - Uok Chun

Director: Sung-Sid Jang

Actors: Keun-Neuk Cho, Yang-Bum Dang, Sun-Beak Dong, Chul-Hu Chin, Jin-Hyun Sung, Hyun-Keun Lee, Keun-Hwa-Sun Lee

Music: Young-Hwan Ha

Musicians: Sun-Bon Dong(Flute), Yang-Jun, Auh (Flute), Yeon-Kil Chun (Drum), Kang-Kung Jeonng (Jing)

Choreographer: Keun-Hwa-Sun Lee

Stage Designer: Sung-Yong Kim

Interior Director: Soon-Hwa Chai

Costume Designer: Soon-Hwa Choi

Light Designer: Kuen-Yul Choi

Make-Up Designer: Dong-Min Lee

Team Leader: Hyesook Yang Ph.D.

Duration: 30 mins.

Synopsis

1st scene: a person playing as a guidance shows up and coordinates process of play, then a servant, Kucksae and his master appear on the stage conversing about the Pukchong Lion Dance.

2nd scene: Beautiful 'Aewonsong' dance in harmony with the tune of northern Korean folk song titled 'Aewosong' is played.

3rd scene: Two female dancers (Sandang) and another two male dancers (Goh-Sa) come forth and dance. (Sandang and Goh-Sa refer to group of people who sing and dance wandering through different avenues.)

4th scene: The children dance on the adults' shoulders.

5th scene: A hunchback dancer with pillows on the chest and on the back dances. (6th scene) Two dancer bring out small swords and start dancing.

7th scene: The dancers wearing lion masks perform the lion dance. The lion dance is divided into three parts: beginning, middle, and final.

Director's Note

The main purpose of the play originates from the desire of getting rid of evil spirits for good luck and abundant harvest in which the process of transferring the lion masks signifies expulsion of evil spirits. People believe Pukchong Lion Dance Play as a ritual ceremony that would bring peace and harmony to the villages.

Therefore, the lion dance functioned as social integration in the villages. For that very reason, majority people in each village prepared for the lion dance in several dozens of Pukchong county villages. After the performance of the lion dance at the night of 14th of January, the performers go house by house to play again and cast out the evil spirits starting on the 16th of January. People from each house give them rice and money wholeheartedly in order to promote public affairs of their villages. As a result of it, strong bondage and harmony were built an artless way.

نقش و اهمیت دفتر منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه "آی تی آی"

فرح بیگانه

نوع نگاه به زندگی و تغییرات فرهنگی بلکه نقطه نظرات نسبت به روش زندگی نیز به طور شگفت‌انگیزی تغییر خواهد کرد. مردم منطقه آسیا-اقیانوسیه، اعضا می‌هم جامعه جهانی خواهند بود و سهم خود را برپایه‌ی دیدگاه‌های مستقیم با توجه به همکاری با فرهنگ‌های دیگر بنیان خواهند گذاشت. ایجاد اتحادیه‌ی اروپا نزدیک به سیصد سال طول کشیده‌امار در شرایط کنونی که جهانی شدن و فناوری گزاری، یگانگی فرهنگ‌های منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه را فتوپ و تشیدمی کند هنرمندان این منطقه با بازاری میراث فرهنگی خود و پدید آوردن هویتی تازه نقشی مهم اما متفاوت از آنچه امروز به عهده دارند، خواهند یافت.

سوم. ارتباطات و مبادلات فرهنگی مهم‌ترین بخش زندگی انسان‌قرن بیست و یکم خواهد بود و جای سیاست و اقتصاد را خواهد گرفت. در این مرکز امکانی است برای کشف و ارایه‌ی فرهنگ‌های گوناگون منطقه، محمول برای مردم این خطه‌ی جغرافیایی برای بیان داشته‌ها و راهی است برای هنرمندان تا نقش مهم خود را در این عصر ارتباطات به خوبی ایفا کنند. مسلم است که برای این منظور هیچ محملی بهتر از هنر نیست. تلاش این مرکز به سازنده‌ترین شکل خود روی آینده تمکز کر است.

همچنین همکاری بین هنرمندان، سازمان‌های هنری، بخش‌های دولتی، خصوصی و ملی به منظور حفاظت از فرهنگ و هنر منطقه و در عین حال تشویق در راستانی ایجاد تنوع و خلاقیت که ضرورت هنر استه از دیگر وظایف این مرکزی می‌باشد.

اولین مورد مطرح شده پس از شکل گیری کنوانسیون منطقه‌ای، لزوم شناخت کشورهای منطقه از سنت‌ها و منابع گسترده‌ی فرهنگی خود و قدردانی از آنها بود. اعضا مرکز پس از کنکاش در علل کمبود تبادل متقابل فرهنگی در منطقه، به تدریج متوجه شbahات‌های بسیار در تاریخ این کشورها شدند. در این راستانه‌های فرهنگی شروع به راهاندازی جشنواره‌ها و رویدادهای نمایشی مختلف به منظور توسعه‌ی صنعت جهانگردی و جستجو برای هویت فرهنگی کردند و با توجه به اهمیت داشتن اطلاعات درباره‌ی دیگر فرهنگ‌های ابری دستیابی به درک متقابل، تصمیم بر برگزاری سلسله نشست‌های علاوه بر کنوانسیون‌های سالانه شد. دومنی نشست این مرکز در دل جشن روز زبان مادری (جشنواره‌ای که توسط سازمان یونسکو به منظور گرامیداشت زبان‌های اقلیت برگزار می‌شود) برگزار شد و اعضای مرکز به يك جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر در بنگلادش (فوریه ۲۰۰۱) دعوت شدند. در این جشنواره که میزبانی آن بر عهده‌ی شخص نخست وزیر بنگلادش بود نمایندگان مناطق غیر آسیایی (مانند آلمان) نیز حضور داشتند و در آن نمایش هایی از کشورهای هند، نپال، ریان، چین و منطقه سایران اجراء شد. پس از این اتفاق، نمایندگان شبه قاره هند نیز تصمیم به راهاندازی جشنواره‌های مشترک گرفتند و کشور نپال نیز در خواستی مبنی بر میزانی جشنواره‌ای در بهار یا پاییز سال ۲۰۰۲ را مطرح کرد. مرکز منطقه‌ای نیز خواستار دعوت به جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر چین (در شهر نانینگ) به منظور برپایی سومین نشست خود شد. از فعالیت‌های اخیر این دفتر، می‌توان به برپایی مجمعی با شرکت سیاستمداران، هنرمندان و شخصیت‌های فرهنگی جهان کرد که حرکتی است برای توجه بخشیدن دوباره به "آی تی آی" و موقعیت مناسی است برای بررسی امکان وجود حمایت مالی. تشکیل بنیاد تئاتر فرهنگی آسیا-اقیانوسیه و نشست مجمع فرهنگی در شهر سوئل با حضور وزرای فرهنگ منطقه از جمله ایران، از دیگر فعالیت‌های این مرکز در سال اخیر است. این مرکز همچنین نشریاتی به منظور اطلاع رسانی به چاپ رسانده که آخرین شماره‌ی آن به زودی به مرکز "آی تی آی" ارسال خواهد شد.

در قرن بیست و یکم، کشورهای منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه نه تنها نقش مهمی در زمینه‌ی دیپلماسی سیاسی، اقتصادی ایفا خواهد کرد بلکه در زمینه‌ی فرهنگ و هنر نیز اهمیت به سزاوی خواهد داشت. اهمیتی که جهان برای این منطقه قابل است در بیست و هشتین کنگره‌ی جهانی "آی تی آی" اشکار شد. پیشنهاد تاسیس دفتر منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه با شیوه‌ی فراوان از سوی نمایندگان نود کشور جهان بذیرفتند. این پیشنهاد که توسط کشور کره صورت گرفته بود توسط کشور بنگلادش در کنگره‌ی جهانی مطرح گشت و از طرف نمایندگان شش کشور آسیایی دیگر از جمله مغولستان، کره، چین، ریان، فیلیپین، نپال و هند نیز پذیرفته شد. پیشنهاد مذکور در کنگره‌ی ایله گردید تصویب شد و به تشکیل رسمی کنوانسیون آسیا-اقیانوسیه "آی تی آی" در هفتمین جشنواره "به سه تو" (اکتبر ۲۰۰۰) انجامید. اکنون مرکز منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه نقشی اساسی در تشویق مبادلات بین کشورهای آسیایی دارد و هدف آن، نه تنها افزایش همکاری

بین‌المللی در زمینه‌ی هنرها و اجرایی بلکه بروش درک متقابل از طریق شرکت روزافزون مردم عادی منطقه در این زمینه است. نمایندگان آسیایی "آی تی آی" به منظور تشویق تبادل نمایش و تبادلات بین هنرمندان تئاتر در منطقه، حفاظت و حراست از میراث سنتی منحصر به فرد کشورهای آسیایی و توجه به پیشرفت آنها از طریق استفاده از راهکارهای جدید در شرایط فرهنگی قرن بیست و یکم که به سرعت به پیش می‌رود، ضرورت سازماندهی چنین کمیته‌ای را الحساس می‌کردد. این ذهنیت توسط اعضای کشورهای مختلف حاضر در کنگره‌ی مارسی ۲۰۰۰، رسمیت یافتد و پس از آن مرکز منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه بر اساس موافقت‌نامه‌ای در یک جلسه عمومی (اکتبر ۲۰۰۲-سئول) تأسیس گردید. در تاریخ نوزدهم تا بیست و دوم اکتبر سال ۲۰۰۲، یازده نماینده از کشورهای آسیایی به همراه هفده نماینده از چهارده کشور دیگر به همراه پرزیدنت کل کیم یونگ‌اک، آندره لوی پرینتی (دبیرکل) و آن ماری انگل (مدیر مرکز منطقه‌ای اروپای شمالی) در جلسه فوق در پارکنل المپیک حضور یافته و مرکز منطقه‌ای آسیا-اقیانوسیه برای اولین بار موجودیت بخشیدند. پس از این کنفرانس دو روزه محل مرکز به طور رسمی گشایش یافت و کشور کره به عنوان بیرونی و کشور میزبان اداره کننده تعیین گردید. در واقع، چنانچه اعضای مرکز منطقه‌ای طبق فهرست سازمان یونسکو انتخاب شوند این مرکز می‌تواند تا مرزهای عربستان و کویت گسترش یابد. مبادلات میان کشورهای منطقه، تغییرات اساسی در فرهنگ جهانی قرن بیست و یکم به بار خواهد آورد. این مرکز در جستجوی رویکردهای جدید نسبت به جهانی شدن فرهنگی و در عین حال، حفظ هویت بومی با تأکید بر تنوع، وحدت و انتشار اطلاعات خواهد بود و بالته زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک کشورهای این منطقه، به ایجاد حس همکاری پیشتر کمک خواهد کرد. از جمله دلایل به وجود آمدن این مرکز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول. برخلاف فرهنگ غربی که گفتمان فرهنگی اش بر اساس تضاد غرب و شرق است، گونه‌ی پیشنهادی مرکز منطقه‌ای بر اساس احترام به فرهنگ دیگران شکل گرفته است که در نتیجه‌ی این احترام و توجه متقابل، کشورهای به سهم خود در پیشرفت فرهنگ جهانی بی خواهد برد.

دوم. به دلیل وسعت ابعاد جغرافیایی منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه و گستردنی جمعیت در این منطقه (حدود سه میلیارد نفر، تقريباً نصف جمعیت جهان)، این مجمع، محملی است برای حل مشکل هویت فرهنگی برای نسل‌های آینده. قرن جدید نیازمند آگاهی و بازنگری به فرهنگ خودی، همکاری و ارتباط با مردمی با فرهنگ‌های دیگر و رویکردی جدیدیه زندگی است. نقطه عطف قرن بیستم پذیرش منفعل فرهنگ غربی توسط قاره آسیا بود اما در قرن بیست و یکم نه تنها

در جلسات تشکیل شده در بیست و نهمین کنگره‌ی جهانی (آن. ۲۰۰۲) نکات زیر به تصویب رسید:

۱- عضویت در مرکز منطقه‌ای به صورت عضو پیوسته وابسته صورت می‌گیرد. سازمان‌ها و موسسات تئاتری می‌توانند اعضای وابسته‌ی این مرکز باشند. این اعضاد تضمیم گیری ها حق رای نخواهد داشت. حق عضویت سالانه یکصد دلار امریکا خواهد بود. این مبلغ برای اعضای وابسته در سال اول عضویت، صفر و در سال‌های بعد معادل پنجاه دلار تعیین می‌شود.

۲- کشورهایی که از مرکز "آی‌تی آی" نیستند، برای عضویت پیوسته در این مرکز می‌باشد. این مبلغ برای دوره‌ی بعد نیز به اتفاق آراه عنوان مدیر خانم پروفوسور هیسوک یانگ برای دوره‌ی بعد نیز به اتفاق آراه عنوان مدیر و هماهنگ کننده‌ی دفتر انتخاب گردید.

۳- مرکز در فعالیت‌های آینده خود برآموزش تئاتر برای کودکان بی‌پاسخته، تبادل هنرمندان جوان، سندنگاری و جمع‌آوری و توزیع اطلاعات تمرکز خواهد کرد.

۴- نمایندگان ایران، تمایل خودمنی بر میزانی یک محصول مشترک تئاتری آسیایی را برای پایه‌ی مشارکت بین کشورهای آسیایی اعلام کردند.

۵- اعضاز تشکیل بین‌المللی اقیانوسیه حمایت کردند.

۶- مرکز، امکان برگزاری نشست در شهر کیوتو در تاریخ دوم تا چهارم مارس ۲۰۰۳ به میزانی مرکز ژاپن، در شهر سنتول در ژوئن ۲۰۰۳ توسط مرکز کره و در هلی در اکتبر ۲۰۰۳ توسط مرکز هند را داشته است.

۷- پروژه‌ی آموزشی "فرهنگ صلح کالاهی برای فقرا" از نوزدهم تا بیست و دوم نوامبر سال ۲۰۰۲ توسط مرکز فیلیپین برگزار شد.

فعالیت‌های مرکز منطقه‌ای آسیا - اقیانوسیه ۲۰۰۰-۲۰۰۲

(اولین نشست مرکز (نشست آغاز به کار) در جشنواره به سه‌تود شهر سئول کره (اکتبر ۲۰۰۰)

۱- دومن نشست مرکز در شهر داکا بنگلادش (فوریه ۲۰۰۰)

۲- سومین نشست مرکز در شهر نائینگ، چین (نومبر ۲۰۰۱)

۳- چهارمین نشست مرکز در شهر سئول کره (۲۰۰۲ مه) در چارچوب مجمع فرهنگی آسیا - اقیانوسیه و بزرگداشت نشست آی پی دی (اتفاق بین‌المللی مجلس‌های کشورهای آسیا اقیانوسیه برای تنوع و تشویق فرهنگ‌ها). در ضمن، بین‌المللی اقیانوسیه نیز با حضور هفده نماینده از فرانسه، استرالیا، بنگلادش، چین، کره، ژاپن، مغولستان، نپال، فیلیپین و سریلانکا شکل گرفت. این مرکز منطقه‌ای در راستای وظایف خود سیاست‌داران آسیا - اقیانوسیه را به سازمان‌های اتفاق بین‌المللی مجلس‌های کشورهای آسیا - اقیانوسیه برای ایجاد تنوع و پیشرفت فرهنگ‌ها شویق کرده است و اینوار است که این تلاش، منطقه در عین حال، کشورهای باید روش‌های خاص خود را به منظور حفظ هویت فرهنگ و هنر خویش، حمایت از منصوصات فرهنگی و پرورش هنرمندان خلاق و نوگرایانه کنند. گرچه بین‌المللی اقیانوسیه با هدف تشویق هنرها اجرای و نتایج متعاقب آن به وجود آمده است اما اقصد بر این است که تامرزه‌های هنرها دیگر پیش‌رفته و به سازمانی اشتراک‌گیری برای حفظ هویت فرهنگ و هنر منطقه تبدیل شود. این بین‌المللی برای تحقیق بخشیدن به این نیاز زمانه، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱- ایجاد مرکزی برای تبادلات بین فرهنگ‌ها و هنرها اجرای منطقه‌ای هنرهای اجرایی

۲- تبادل منابع انسانی و غیرانسانی در راستای توسعه‌ی هنرها اجرایی

۳- ایجاد و حمایت از روابط و همکاری‌های بین‌المللی به منظور اشاعه‌ی

亨رهای اجرایی منطقه و ایجاد شبکه‌های مربوطه

۴- حمایت از هنرها اجرایی آسیا اقیانوسیه

در عین حال، کشورهای باید روش‌های خاص خود را به منظور حفظ هویت

فرهنگ و هنر خویش، حمایت از منصوصات فرهنگی و پرورش هنرمندان خلاق و

نوگرایانه کنند. گرچه بین‌المللی اقیانوسیه با هدف تشویق هنرها اجرای و

ونتایج متعاقب آن به وجود آمده است اما اقصد بر این است که تامرزه‌های هنرها

دیگر پیش‌رفته و به سازمانی اشتراک‌گیری برای حفظ هویت فرهنگ و هنر منطقه

تبدیل شود. این بین‌المللی برای تحقیق بخشیدن به این نیاز زمانه، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱- ایجاد مرکزی برای تبادلات بین فرهنگ‌ها و هنرها اجرای منطقه‌ای آسیا

۲- منعکس ساختن وضعیت هر کشور در زمینه‌های فرهنگی هنری

۳- ایجاد امکانات برای یافتن راهکارهایی برای توسعه در آینده

این اهداف همچنین به هدف نهایی بین‌المللی بر تحرک بخشیدن به روح بشر

که در این عصر دانش و فناوری، "ایین و رقص" را به فراموشی سپرده است، کمک

خواهد کرد. هیئت ایرانی که در بیست و نهمین کنگره‌ی جهانی در آن شرکت کرد

طرح خودمنی بر تبدیل جشنواره‌ی ملی تئاتر آینی سنتی، به یک واقعه‌ی تئاتری

"آی‌تی آی" را باموقیت به کنگره‌ای راه‌داد. اکنون، کشور ماضیت خود در مرکز

منطقه‌ای آسیا اقیانوسیه را جشن گرفته و دوازدهمین جشنواره ملی تئاتر

سنتمی آینینی را "اولین جشنواره منطقه‌ای تئاتر سنتی آینینی" اعلام می‌کند که در

تاریخ ۱۸-۱۲ اکتبر ۲۰۰۳ (۲۰-۰۶ مهرماه ۱۳۸۲) در تهران برگزار می‌شود.

Diversity and a Cultural Forum Meeting in Seoul, with the participation of the ministries of culture of the region including Iran. The Bureau has also published information bulletins, the last of which will soon be sent to all ITI centres. In the meetings held during the 29th World Congress in Athens 2002, the followings were decided to be built on firm foundation:

1. The membership of the AP-ITI will consist of full members and associate members. Theatre organizations and institutes can become associate members. The associate members will not have voting power in the decision making process of the AP-ITI. The annual membership fee for full members is US\$ 100. Associate members need not pay any fee for the first year. From the next year the annual fee for them will be US\$ 50.
2. In order to become full members, those from countries without ITI centres must also become cooperating members of ITI.
3. The meeting unanimously decided to re-elect Prof. Hyesook Yang as the coordinator of AP-ITI for the next term.
4. The AP-ITI in its future activities will focus on theatre training of underprivileged children, exchange of young theatre artists and documentation as well as collection and dissemination of information.
5. The Iranian delegation expressed the willingness of ITI Iranian Centre to host an Asian theatre production on a collaborative basis with, for example, director and artists from different parts of Asia-Pacific region working together.
6. The meeting expressed its support to the endeavours of the Asia-Pacific Culture Foundation and wished it success.
7. The AP-ITI has the possibility of meeting in Kyoto from 2 to 4 March 2003 to be hosted by Japanese Centre of ITI, in Seoul to be hosted by Korean Centre of ITI in June 2003 and in Delhi, India, in October 2003 to be hosted by Indian Centre of ITI.
8. Kalahi Culture of Peace for the Poor Training Project will take place from November 19th through November 22nd, 2002, and is co-ordinated by Philippines Centre.

Activities of AP-ITI 2000-2002

1. The 1st AP-ITI Meeting (the Establishment Meeting) held in Seoul, Korea during the BeSeTo Festival in Oct 2000
 2. The 2nd AP-ITI Meeting held in Dhaka, Bangladesh in Feb 2000
 3. The 3rd AP-ITI Meeting held in Nanning, China in Nov 2001
 4. The 4th AP-ITI Meeting held in Seoul, Korea in May 2002
- during Asia-Pacific Culture Forum in commemoration of the meeting AP-IPCD (Asia-Pacific International Parliamentarian's Coalition for Culture Diversity and Promotion). At the same time, Asia Pacific Culture Foundation was established with seventeen delegates from France, Australia, Bangladesh, China, Japan, Korea, Mongolia, Nepal, Philippines and Sri-Lanka.

As one of its first major undertakings, A-P ITI has inspired some Asia-Pacific politicians to organize the International Parliamentarians Coalition for Cultural Diversity and Protection (A-P IPCD) hoping that these efforts will be a cornerstone for the mutual exchange and prosperity of Asian culture in the near future. This body which will be composed of elected parliamentarians serving as cultural representatives from their respective countries. Their meeting in Seoul will take the form of a cultural forum, among other topics, its agenda will consist of a proposal to establish an Asia-Pacific Cultural Foundation conceived as the parent organization of the future Asia-Pacific Cultural Centre.

A-P IPCD is the first step in establishing policies and institutions related to culture and art which befit cultural identity and diversity of each country, and in building an organizational structure for long-

term human and material exchanges and support measures according to each government policies on culture and arts.

Regionalism, racism and religious tensions that continue to exist in the 21st century could be healed by artists rather than politicians. AP-IPCD contributes greatly in realizing such a cultural democracy. Through different meetings, Asian countries have learned more about each other's different cultures and their own historical background. The 4th meeting in Seoul launched a new organization, through which Asian countries have more opportunities to exchange cultures and ideas.

The Asia-Pacific Culture Foundation was established to continuously expand regional cultural resource throughout the Asian region, thereby fostering culture and the arts. It will play a critical role in helping Asian performing arts gain international status in the world. Artists themselves in the region should come forward and portray their sub-region's identity, based on local sentiments and national spirit. Furthermore, they should, through exchanges of human and material resources, seek ways to diversify and modernize the performing arts of each country in the region. Artists should play a leading role in determining the direction of the regional cultural industry in the 21st century.

The Asia-Pacific Culture Foundation will thus serve as a focal point for further research and study of areas relating to its mission. It will set up a pan-regional network in the Asia-Pacific to introduce cultural products of the Asia-Pacific to overseas markets. Establishing the International Culture Forum for Cultural Diversity and Promotion will be the initial step, preparing the way for the Asia-Pacific Culture Foundation. The assemblymen related to culture, and ITI delegates from ten countries in the Asia-region have already met as the organizing committee of the foundation.

The Asia-Pacific Culture Foundation has been established for maintaining diversity and universality of culture and arts in the Asia-Pacific, and plans to carry out the following duties:

1. developing policies regarding culture and arts to secure worldwide recognition of Asia-Pacific performing arts
2. exchanging human and material resources and the expansion thereof for performing arts
3. building and supporting international relationships and cooperation to spread Asia-Pacific performing arts and forming a network
4. giving support for Asia-Pacific performing arts

Accordingly, countries have to find methods to maintain the identity of our cultures and arts, secure reliable support for our culture industries and foster creative and innovative artists.

Although the Asia-Pacific Culture Foundation has begun with performing arts and successful results, it will reach out even farther to other fields of art and become a communal organization to secure worldwide recognition of Asia-Pacific culture and arts.

In order to meet such a demand of time, this Foundation has the goal 1) to establish a centre to vitalize the intercultural exchange of performing arts of Asian region and by this, 2) to reflect each country's present status in the field of art and culture, and 3) to provide a chance to find ways to make future development.

Furthermore, these goals contribute in animating human spirit which has forgotten "dance" in our age of science and technology.

The Iranian Delegation which attended the 29th ITI World Congress in Athens was successful in proposing to the Congress to make the National Ritualistic-Traditional Theatre Festival an ITI event. Now, our country is celebrating its being elected as a member of AP ITI by announcing the 12th National Ritualistic-Traditional Theatre Festival as the 1st Regional Ritualistic-Traditional Theatre Festival held in Tehran, 12-20 October 2003.

The Role and Significance of the Asia-Pacific Regional Bureau of the ITI

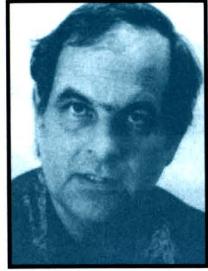
Farah Yeganeh

In the 21st Century, the countries around Asia-Pacific region are expected to play a great role not only in the field of economic and political diplomacy but also in the field of art and culture. Especially in the latter field, the interest the world has on Asia-Pacific region has been reconfirmed during the 28th ITI World Congress. The proposal to establish the Asia-Pacific Regional Centre was accepted enthusiastically by delegates of ninety countries. It was proposed by Korea, initiated in the World Congress by delegates of Bangladesh, and consented by delegates of six other Asian countries, including Mongolia, China, Japan, Philippines, Nepal, and India. The proposal was presented and ratified at the Congress, and led to the decision to officially form the Asia-Pacific ITI convention at the 7th BeSeTo festival held in Korea in October 2000. The Regional Asia-Pacific Bureau, now, assumes a leading role in the promotion of opportunities for exchanges between the people of the Asia-Pacific region. Its goal is not only to increase international cooperation in the performing arts but also to foster increased mutual understanding through wider participation of the general public in performing arts experiences throughout the Asia-Pacific. The Asian ITI representatives had felt the necessity of organizing such a committee within the ITI which would promote the interchange of performance theatre in the region. This initiative was subsequently authorized by members of various nations in attendance at the Marseilles meeting. Its mandate was to organize a regional committee to promote interchange between the performance artists in Asia-Pacific region and to preserve and protect the irreplaceable traditional heritages of Asian countries by fostering their development in a modern way in the context of the rapid developing cultural circumstance of the 21st century. Based on mutual agreement, the AP-ITI was formally established at the Inauguration General Meeting of Asian-Pacific Regional Committee held in Seoul in Oct. 2002. From October 19th to the 22nd, 2002, eleven representatives from Asian countries and seventeen representatives from fourteen other countries along with the president of the international headquarters, Kim Jeong Ok, secretary-General A.L. Perinetti, and the director of Northern European headquarters Ann-Marie Engel formed the Asia-Pacific Regional Conference and officially named it the Asia-Pacific Regional Bureau of ITI (AP ITI) at Olympic Parktell in Seoul. Forming the A-P ITI, the participants felt very proud and confident that they had established a valuable forum where people of the Asian region could communicate and learn to better understand each other. After the intensive conference of two days, A-P ITI set up an official office. Appointed as the directing and secretariat country, Korean ITI has received both honour and responsibilities. In fact, if the UNESCO designation of the members of the Asian region is followed, A-P ITI could potentially encompass cultures of a vast area which extends as far as Saudi Arabia, and Kuwait. Exchanges between the countries of the area will energize and bring about important changes in the global culture of the 21st century if they share the new approach to cultural globalization and localization, both, which emphasizes variety, unity, and information. The fact that the countries of the Asia-Pacific region share similar cultures and similar historical background should also contribute to the spirit of cooperation. In contrast to Western culture whose model of cultural dialogue sets up a dichotomy of East and West, the first significant point of the Asia-Pacific model for the 21st century is that each sub-region and each culture will finally look at others and respect them. Accordingly, this will lead to an opportunity to think about their respective contributions to the improvement of global culture. Secondly, due to its geographical dimensions and population size of about three billion which represents half of the world's population, the Asia-Pacific region is poised to

become the forum for finding solutions to the problem of cultural identity for upcoming generations. A new century demands awareness and review of one's own culture, cooperation and relation with people of other cultures, and a new approach to living. The hallmark of the 20th century was Asia's passive acceptance of Western culture, but in the 21st century, not only will the view toward life and cultural change, but also the attitude about lifestyle is certain to undergo drastic changes. People of the Asia-Pacific region will become important members of the world community, making their own contributions based on their independent perspective with a view to cooperating with other cultures. The European Union took nearly three hundred years to become the organization that it is today. However, in the present condition of globalization and technologization which accelerate the unification of the cultures of Asia-Pacific region, Asia-Pacific artists will assume an important position quite different from the one they occupy today by renewing their cultural heritage and forging new identities.

Thirdly, communication and cultural exchanges will become the most important part of human life in the 21st century, rather than politics or economics. In this, the efforts of A-P ITI are directed constructively as to the future. It is obvious that the exchange of performing arts and the role of performing artists will become more important than ever before in this area of emphasis on visual and auditory communication. It is crucial that peoples of the Asian region have opportunities to explore and express their attitudes toward their own cultures and there is no better forum for such exploration and expression than arts. Also on the agenda is the need for a joint cooperation from artists, arts organizations, public and private sectors, civic organizations and the public to preserve regional culture and art yet at the same time promote diversity and creativity which are the essence of art. After the formation of the regional convention, the first thing realized was that the Asia-Pacific region appreciates and is proud of its vast resources and traditions in performing arts. Members began to ask why mutual exchanges in the region had been ignored for so long. Gradually, the numerous similarities in the history of these countries became more obvious. Thus, cultural institutions in each country put on numerous festivals and events of their own, both for purposes of developing tourism and to search for cultural identity. Therefore, taking for granted that it is essential to learn about each other for better mutual understanding, it was decided to work on the growth of A-P ITI through a series of meetings to be scheduled in addition to the annual conventions. The second meeting of A-P ITI was incorporated into the Mother Tongue Day festivities, a festival founded by UNESCO to celebrate the languages of minority groups, and was invited to the international drama festival hosted by Bangladesh in February 2001. At this 2nd convention, performances representing India (Bengal area), Nepal, Japan, China, and Saipan along with representatives from non-Asian regions (e.g. Germany) were presented. It was hosted by the prime minister of Bangladesh and was successfully accomplished. Consequently, representatives from the Indian sub-continent decided to launch cooperative festivals, and Nepal expressed the wish to host the festival in the spring or fall of 2002. A-P ITI asked for an invitation to the Chinese international drama festival held in Nanning, China in 2001, and that is where the A-P ITI held its third convention. Among its most recent activities is a forum with the participation of politicians, artists and personalities from the world of culture: an extremely beneficial meeting for ITI's visibility, which has also provided a good opportunity to discuss about the search for financial support. In 2003, ITI Asia-Pacific Regional Bureau will announce the creation of an Asia-Pacific Foundation on Cultural

پیامی از رئیس مؤسسه تئاتر بین الملل (ITI)



من در مقام پرزیدنت مؤسسه بین المللی تئاتر، صمیمانه‌ترین درودهای خود را از سوی اهالی تئاتر جهان که ورای تمامی مژده‌های هنری، سیاسی و جغرافیایی، همگی اعضاخانواده ما هستند به شما می‌فرستم.

مرکز آی تی آی "ایران، اکنون برای اولین بار جشنواره‌ی منطقه‌ای سنتی آیینی آسیا را برگزار می‌کند. شما، اهالی و مخاطبان تئاتر، فرست اشتغال با اشکال مختلف آثار سنتی و آیینی را خواهید داشت. تجربه‌ی سنت‌هایی که قرن‌ها پیش تجربه شده‌اند به معنای کشف دوباره آن‌ها آزمودن و زندگی دوباره بخشیدن به آداب کهن است. این جشنواره سفری است به ریشه‌های تئاتر و فرهنگ. در عین حال، شما به ورای مژده‌های ملی صعود خواهید کرد و مشرکات و تفاوت‌های میان سنت‌ها و آداب مردمان مختلف شرق را در خواهید یافت. و البته شما خطر آزمودن، تأویل و دگرگونی آنچه که به شما به ارت رسیده است را به جان خواهد خرید. بر عهده شماست که این میراث را حفظ کرده و نگهداری کنید. می‌دانم که شما شجاعت و اراده‌ی کافی برای انجام این مهم را به پهلوانان و شایسته‌ترین نحو دارید.

شاید پرسیم که ارزش سنت‌ها و آینه‌های دنیا اموز چیست؟ چطور می‌توان این ثروت ارزشمند را در عصر جهانی شدن محفوظ داشت؟ چگونه می‌توان به شکل دهی این روند تغییر در جهان یاری رساند؟

و اقفهم که کنکاش‌های شما با ظرافت خاصی با زندگی و اعتقادات تان گره خورده‌اند و می‌بینم که آن‌ها را به درون خود سوق نداده‌اند بلکه در واژه‌ها را از طریق یک جشنواره بین المللی به سوی جهان باز کرده‌اند. در اساسنامه آی تی آی "که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید هدف مؤسسه ما" ایجاد صلح و دوستی بین مردم جهان، تعمیق درک مقابل و افزایش همکاری‌های خلاق بین همه‌ی اهالی هنرهای نمایشی" ذکر گردیده است. اولین جشنواره‌ی آسیایی سنتی آیینی با هدف جستجو در ریشه‌های فرهنگی مان و گفتمان بادیگران شکل گرفته است و امیدواریم که بذر موافقه صلح آمیز بین مردمان جهان، درک مقابل فرهنگ‌ها، تاریخ‌ها و اعتقادات را بیفساند. برای جشنواره ارزوی موفقیت دارم و امید دارم که شاهد درخشش اجراهای نمایشی خلاق و بحث‌های الهام‌بخش در آن باشیم.

مانفرد بایلهارتز
پرزیدنت مؤسسه بین المللی تئاتر

In my capacity as President of the International Theatre Institute I should like to bring you the most cordial greetings of the theatre people from all over the world, who are members of our network-beyond all artistic, political and geographical borders.

For the first time, the Iranian ITI Center is presenting the Traditional-Ritualistic Regional (Asian) Festival.

You, theatre people and audiences, will have the opportunity to familiarize yourselves with the many different forms of traditional and ritualistic presentations. It will be a chance to experience traditions that have been practiced for centuries as well as to rediscover, experiment with and revive old customs. This is a daring journey to the roots of the theatre, if not to the very roots of culture. At the same time, you will also be transcending national borders, uncovering commonalities and differences with regard to the traditions and customs of the peoples of the Orient. And you will be risking an experiment, a reinterpretation and transformation of what has been handed down to you. The challenge is yours to maintain and preserve this legacy, and I know that you have the courage and will to engage it in dynamic ways.

One might ask: What do the world's traditions and rituals mean in the world in which we live today? How can we preserve these riches in an age of globalization? How are we helping to shape this process of global change?

I am deeply impressed by the fact that in your explorations, which are so tightly bound to your lives and beliefs, you have not chosen to turn inward, but have opened your doors to the world with an international festival.

The ITI Charter, adopted in 1948, states the mission of our institute: "to consolidate peace and friendship between peoples, deepen mutual understanding and increase creative co-operation between all people in the theatre arts."

In seeking out cultural roots and a conversation with the foreign, the first Traditional-Ritualistic Regional (Asian) Festival is informed by this spirit. May it sow the seeds of peaceful encounters between peoples and the mutual understanding of their cultures, histories and beliefs.

I would like to wish the festival great success, performances that sparkle with creative energy and inspiring debates.

Manfred Beilharz
President, ITI



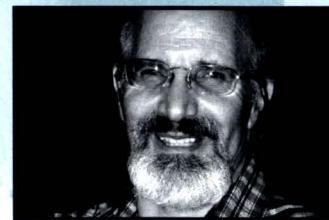


سنتی و آیینی الجملانی مایش ها دواردهنمیں نواہ

Ta'ziyeh

تعزیه

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003



متولد ۱۳۲۹، سلطانیه زنجان

نویسنده، کارگردان، پژوهشگر

دانش آموخته‌ی رشته‌ی تئاتر برداشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران (۱۳۵۷)

تئاتر و کارگردانی نمایش‌های: سلطان مبدل، راز عروسک، نمایش منوع، تخت و خجر، دختران فضل فروش، رام کردن زن سرکش، یوسف و زلیخا...

تئاتر و کتاب‌های متعدد در زمینه‌ی تعزیه، نقالی، شیوه‌های طنزآوری، موسیقی، تخت حوضی و... با همکاری افرادی چون هاشم فیاض، محمد حسین ناصریخت، مرشد ترابی، رجایی زفره‌ای و...

از پایه‌گذاران گروه تئاتر تماشا

نیرو قائم مقام ده دوره‌ی جشنواره‌ی نمایش‌های ستی آینی

دادو فتحعلی بیگی

Davoud Fathali-Beigi

Born in 1950

Educated in Theatre, Faculty of Fine Arts (1978)

As both playwright & director in 'The Puppet's Secret', 'Yousef and Zoleikha', 'The King in Guise', 'The Forbidden Play', etc.

Writing books & articles on Ta'ziye, Naqqali, music, Takht-e Hozi, etc.

Co-operation with Hashem Fayyaz, Morshed Torabi, Rajaei Zofre'i, etc.

One of the founders of Tamasha (Vision) Theatre

Secretary & deputy secretary of ten festivals of traditional, ritual theatre



محمدحسین ناصر بخت

Mohammad-Hosein Naser-Bakht

Born in 1964, Karaj

Studied Dramatic Literature in Niavarans Cultural Centre

B.A. in Stage Designing, Cinema and Theatre University, M.A. in Art Research, University of Arts & Ph.D. in the same field, Tarbiat Modarres University

Active since 1978 as an actor, playwright & director in Bamdad (Dawn) Theatre

As both playwright & director in 'Toka and the Cage', 'The Mice and the Cats', 'Take Care of Your Hat', etc.

As stage designer in 'The Forbidden Play', 'Yousef and Zoleikha', 'The Bald Hasan', 'Puppet's Secret', etc.

Writing various articles such as 'Shabih-Khani, the Holy Theatre', 'Shabih-Gardani', etc.

A member of The Traditional, Ritual Theatre Centre Committee (1989)

A member of The National Theatre Critics Centre & AICT

As one of the founders of Tamasha (Vision) Theatre



متولد ۱۳۴۳، کرج

نویسنده، کارگردان، طراح، پژوهشگر، مدرس تئاتر، متقد

تحصیل ادبیات نمایشی در فرهنگسرای نیاوران، لیسانس طراحی صحنه از

دانشکده سینما تئاتر، فوق لیسانس و دکترای پژوهش هنر از دانشگاه‌های هنر و

تریبیت مدرس آغاز فعالیت هنری از سال ۱۳۵۷ به عنوان بازیگر، نویسنده و کارگردان در گروه

تئاتر بامداد-کرج

تئاتر و کارگردانی نمایش‌های: توکا و قفس، موش‌ها و گربه‌ها، مواط

کلاهات باش، قصه‌ی گرگ‌گرسنه، حکایت مردی بی‌صاحب و...

طراحی صحنه‌ی نمایش‌های: تخت و خجر، نمایش منوع، قصه‌ی باع زالزالک

راز عروسک، افسانه‌ی پهلوان و نوبهار، یوسف و زلیخا، حسن کچل و...

تئاتر و کتاب‌های متعدد از جمله: شیوه‌خوانی-نمایش مقدس، شیوه‌گردانی، پرده‌های

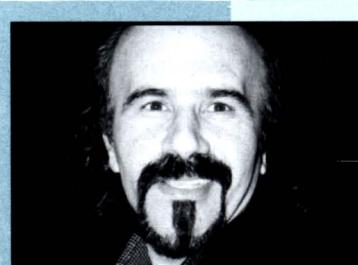
در رویشی و...

عضو شورای مرکزی کانون نمایش‌های ستی آینی (۱۳۶۸)

عضو کانون ملی متقدان تئاتر و کانون جهانی متقدان تئاتر (AICT)

عضو انجمن طراحان صحنه‌ی خانه‌ی تئاتر

عضو هیأت موسس و هیأت مدیری گروه تئاتر تماشا



اردشیر صالح‌پور

Ardeshir Saleh-Pour

Born in 1957

B.A. in Direction, Faculty of Fine Arts, Tehran University

M.A. in Direction, Tarbiat Modarres University

Ph.D. student of Art Research

The head of The Continual Secretariat of Theatre Festivals

As playwright in 'The Pomegranate Girl', 'The Kick in the

'Pants', etc.

متولد ۱۳۳۶، چهارمحال و بختیاری

نویسنده، مدرس تئاتر

لیسانس کارگردانی از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران، فوق لیسانس

کارگردانی از دانشگاه تربیت مدرس و دانشجوی دکتراپی پژوهش هنر

ریس دیرخانه‌ی دایمی جشنواره‌های تئاتر کشور

تئاتر نمایش‌نامه‌های: دختران، قوز بالاقزو و...

آتش نمروودی Namroud's Fire

شیوه گردن: ابراهیم میرزا علی

شیوه خوانان: اسماعیل محمدی، مرتضی صفاریان، محسن میرزا علی، محمد رضایی، حسین حیدری، علی سعیدی، امیر سلیمانی مقدم

موسیقی: عباس حیدری

نوازنده‌گان: ابراهیم میرزا علی، عباس حیدری، حمید گرگانی، حسن مجتبه‌دی

خلاصه

بُت‌ها به دست حضرت ابراهیم شکسته می‌شود. نمروود فرمان به در آتش اندختن او می‌دهد و ...

ابراهیم میرزا علی

یادگیری تعزیه خوانی از کودکی نزد خانواده

کاری از گروه تعزیه خوانان تهران

Shabih Gardan: Ebrahim Mirza-Ali

Shabih Khan(s): Esma'il Mohammadi, Morteza Saffarian, Mohsen Mirza-Ali, Mohammad Rezaei, Hosein Heidari, Ali Sa'idi, Amir Soleimani-Maqaddam

Music: Abbas Heidari

Musicians: Ebrahim Mirza-Ali, Abbas Heidari, Hamid Gorgani, Hasan Mojtabehdi

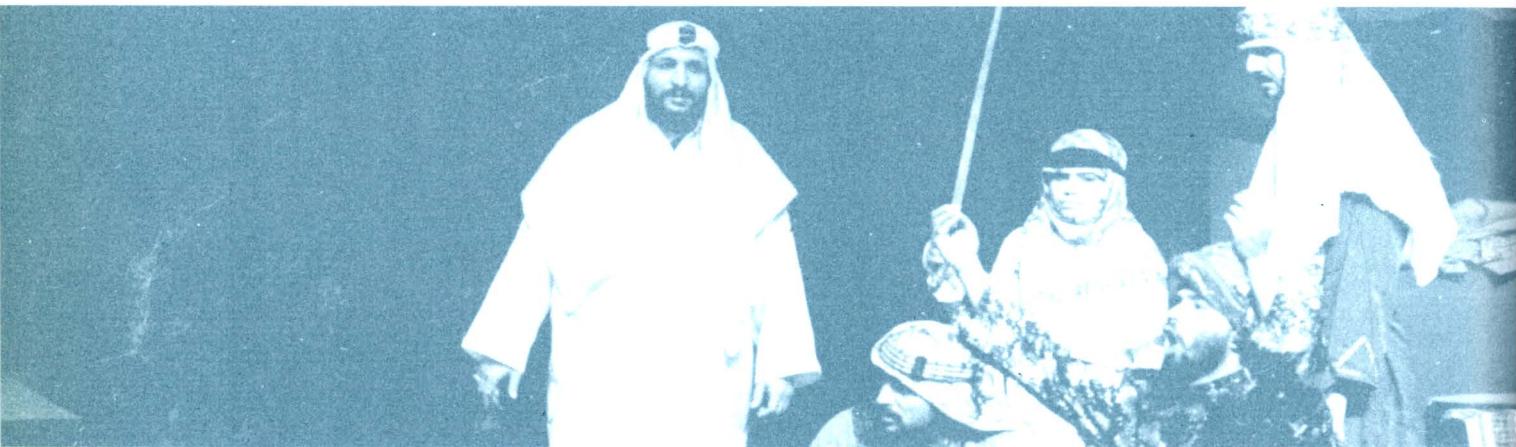
Synopsis:

The idols are destroyed by Ebrahim, Namroud orders to throw Ebram into the fire and...

Ebrahim Mirza-Ali

He works on ta'ziyeh since childhood.

Tehran Ta'ziyeh khanan Troupe



تعزیه امام حسن مجتبی (ع)

قزوین

شیوه گردن: محرم خان بابائی

شیوه خوانان: محرم خان بابائی، حبیب خان بابائی، ابراهیم بخشی، محمد قدیم‌آبادی، سیداصغر موسوی، اکبر نوروزی، رضا مشایخی، قاسم صفردری

موسیقی: عباس صالحی، رمضان یوسفی

خلاصه

معاویه از امام حسن بیعت می‌خواهد ولی امام بالا و بیعت نمی‌کند. معاویه به جده زن امام حسن متولی می‌شود تا او را مسموم کند. امام بار اول به زیارت قبر پیامبر می‌رود و شفافیت‌یابی دارد. امام بار دوم در اثر مسمومیت به شهادت می‌رسد و پیکر ایشان در هنگام تشییع توسط اشقياء تیر بازان می‌شود.

The Martyrdom of Imam Hasan (PUH)

Shabih Gardan: Moharram Khan-Babaei

Sahbih Khan(s): Moharram Khan-Babaei, Habib Khan-Babaei, Ebrahim Bakhshi, Mohammad Qadim-Abadi, Seyed Asqar Mousavi, Akbar Norouzi, Reza Mashayekhi, Qasem Safdari

Music: Abbas Salehi, Ramezan Yousefi

City: Qazvin

Synopsis:

Mo'avieh asks Imam Hasan to shake hand with him, but Imam Ali refuses. Mo'avieh asks Ja'deh, Imam's wife, to Poison Imam. In the first time, Imam goes to the Prophet's grave and recovers, but in the second time, he passes away.



تعزیه روز قیامت The Day of Judgement

اراک

شیعیه گردان: محمدحسن مجلى

شیعیه خوانان: محمدحسن مجلى،

اسماعیل مجلى، مصطفی مجلى، مرتضی

شاهحسینی، تقی عبادزاده عابدین رحمانی

موسیقی: فرامرز زمانی، سیدمحمد جدید

خلاصه

روز قیامت می شود، تمام مرده ها زنده

می شوند، آن ها شنه اند، ندا می آید که به نزد

پیامبران بروند و آخر الامر این امام حسین

است که آن ها را شفاعت می کند.

Shabih Gardan: Mohammad-Hasan Mojallali

Shabih Khan(s): Mohammad-Hasan

Mojallali, Esmail Mojallali, Mostafa Mojallali,

Morteza Shah-Hoseini, Taqi Abdollah-Zadeh,

Abedin Rahmani

Music: Faramarz Zamani, Seyed Mohammad

Joneid

City: Arak

Synopsis:

In the day of Judgement, all the dead become alive. They are all thirsty. They hear a voice that says, 'go to the Prophet'. But the one who intercedes them is Imam Hosein.

به چاه انداختن یوسف Throwing Yousef into the Well

شیعیه گردان: محمدرضا رجبزاده

شیعیه خوانان: محمدرضا رجبزاده، رجیلی رجبزاده، هاشم رجبزاده

حسن فلاحتی، مهدی فلاحتی و ...

نوازندگان: علی شهری، غلامحسین شهری

خلاصه:

برادران یوسف نسبت به او حسادت می کنند. آنها از پدر خود یعقوب اجازه

می خواهند تا یوسف را با خود به چرای گوسفندان ببرند و ...

Shabih Gardan: Mohammad-Reza

Rajab-Zadeh

Shabih Khan(s): Mohammad-Reza

Rajab-Zadeh, Rajab-Ali RajabZadeh,

Hashem Rajab-Zadeh, Hasan Falahati,

Mehdi Falahati, etc.

Musicians: Ali Shahri, Qolam Hosein-

Shari

Synopsis:

Yousef's brothers are jealous of him, they ask their father to let them take Yousef with themselves and...



مخلب و قنبر

Makhlab and Qanbar.

شیبه‌گردان: ابوالفضل میرزا‌الحمدی
شیبه‌خوانان: رضا میناوندچال، ابوالفضل میرزا‌الحمدی،
حاج‌حسین مداد، قوام‌اللین قاسمی، داوود‌اسکندری، مجید
خسروانی، سیداکبر هاشمی، عبدالحسین غلامی، حمیدرضا‌گانی
نوازندگان: عباس‌حیدری، رضا‌غلامی، محمدرضا میرزا‌الحمدی
مدت زمان: ۷۰ دقیقه

خلاصه

حجاج ابن یوسف در صدد بود که تمام سادات را زین برده نسل
پیغمبر اکرم (ص) را نابود نماید و ...

ابوالفضل میرزا‌الحمدی

شروع به فعالیت در زمینه‌ی شیبه‌خوانی از سال ۱۳۳۷؛ دارای رتبه‌ی
درجه‌ی چهار هنری (معادل فوق دیپلم) از وزارت ارشاد

Shabih Gardan: Abolfazl Mirza-Ahmadi

Shabih Khan(s): Reza Minavand-chal,
Abolfazl Mirza-Ahmadi, Haj-Hosein
Maddah, Qavamoddin Qasemi, Davoud
Eskandari, Majid Khosravani, Seyed Akbar
Hashemi, Abdol-Hosein Qolami, Hamid-
Reza Gorgani

Musicians: Abbas Heidari, Reza Qolami,
Mohammad-Reza Mirza-Ahmadi.

Duration: 70 mins.

Synopsis:

Hajajebn Yousef is to kill the family of the Prophet.



میثم تمار

Meisam Tammar

رجبعی معینیان

شیبه‌خوانان: رجبعی معینیان، محمدرضا رضایی، مرتضی نمکی، بیژن
معینیان، علی سعیدی، عباس صالحی، حمید معینیان، مجید معینیان، عباس
صوری، حبیب ماهری، عبدال حاجی‌حسن

مشاور: محمدرضا معینیان

دستیار: بیژن معینیان

نوازندگان: عباس صالحی، حمید معینیان، مجید معینیان

رجبعی معینیان

متولد ۱۳۱۸؛ شروع به فعالیت در زمینه‌ی شیبه‌خوانی از ۷ سالگی؛ تعزیه‌خوانی
در شهرستان‌ها و تهران

کاری از گروه تعزیه شهید فلاحی

Shabih Gardan: Rajab-Ali Mo'inian

Shabih Khan(s): Rajab-Ali Mo'inian, Mohammad-Reza Rezaei, Morteza Namaki, Bijan Mo'inian,
Ali sa'idi' Abbas Salehi, Hamid Mo'inian, Majid Mo'inian, Abbas Sabouri, Habib Maher, Abdollah Haji-Hasan

Counsellor: Mohammad-Reza Mo'inian

Assistant: Bijan Mo'inian

Musicians: Abbas Salehi, Hamid Mo'inian, Majid Mo'inian

Rajab-Ali Mo'inian

Born in 1939; active since childhood in Shabih Khani

Shahid Fallahi Ta'ziyeh Troup

چوگان بازی با سر شهداء

معین البکاء: هاشم (محمدعلی) فیاض
شیبیه خوانان: داود آبایی، عبدالله بنی علی، احمد رضا گلایی خوزانی، محمد برکتی،
سید مرتضی هاشمی، سید حسن میرنقی، محمد رضا بنی علی، عباس باریکانی، حسین
صالحی، مرتضی بنی علی
نوازندگان: عباس فیاض، علی رضا بنی علی

خلاصه

اشقایه با سر شهداء کربلا چوگان بازی می‌کنند. زنی مؤمن که از این عمل آشفته حال
شده است سر حضرت قاسم را با تقطیع ایشان برای یک شب وام می‌گیرد و به جای آن
سر فرزند خود را می‌دهد و...

هاشم (محمدعلی) فیاض

متولد ۱۲۹۵: بچه خوانی در تعزیه از ۵ سالگی در تکیه دولت با سید کاظم میرغم فرزند
سید مصطفی میرعزای کاشانی؛ جمع آوری تعداد زیادی نسخ قدیمی تعزیه که در دفاتر
تعزیه و فصل نامه‌های تئاتر انتشارات نمایش منتشر شده است.

کاری از گروه فیاض (پیر میکده)

Playing Polo with the Martyrs' Heads Fayyaz (Tavern's Sage) Theatre

Shabih Gardan: Hashem (Mohammad-Ali) Fayyaz

Shabih Khan(s): Davoud Abaei, Abdollah Bani-Ali, Ahmad-Reza Galaei-Khouzani, Mohammad Barekat, Seyed Morteza Hashemi, Seyed Hosein Mirnaqi, Mohammad-Reza Bani-Ali, Abbas Barikani, Hosein Salehi, Morteza Bani-Ali

Musicians: Abbas Fayyaz, Ali-Reza Bani-Ali

Synopsis:

The villains are playing polo with the heads of the martyrs. A female believer who has got angry, borrows the head of Qasem for a single night and replace it by her own child's head.

Hashem (Mohammad-Ali) Fayyaz

Born in 1916; his first performance in Tekkiyah Dowlat in 1921 accompanied by Seyed Kazem Mirqam; the owner of a great Taziye collection

مجلس شست بستن دیو

شیراز
شیبیه گردان: علیرضا حیدرپور
شیبیه خوانان: سید عبدالله طاهری، علیرضا حیدرپور، صمد شعبانی، حسن صفائی،
مهدی زارعی، محمدحسین غلامی، محمد حیدرپور، فرهاد ارقمنی، سید رحمان
قیاسی
نوازندگان: غلام رنجبر، قریب رنجبر
طراح لباس و عکاس: مصصومه حیدرپور
زمان: ۱۲۰ دقیقه

خلاصه

در زمان پیش از خلقت حضرت آدم دیوی که گرسنگی ا manus را بریده است شروع به
کفرگویی می‌کند و تصمیم می‌گیرد که پس از این هر جنبندهای را که بینند بگیرد و
بردو بکشد. دست بر قضا دیو در اولین مواجهه با حضرت علی (ع) روپرو می‌شود و
آن حضرت در این مبارزه دیو را تنیبه می‌کند و دو شست دست‌های دیو را به هم
می‌بندد. دیو که از بازگردان دست خود عاجز می‌ماند و برای گشودن دست‌هایش
یکایک نزد تمام پیامبران می‌رود و در نهایت به حضور حضرت محمد (ص) می‌رسد.
اما ایشان به دیومی فرمایند که برای گشودن دست‌هایش باید به نزد علی (ع) برود...

Shast Bastan-e Div (The Tying of the Demon's Thumb)

Shabih Gardan: Ali-Reza Heidar-Pour

Shabih Khan(s): Seyed Abdollah Taheri, Ali-Reza Heidar-Pour, Samad Sha'bani, Hasan Safaei, Mehdi Zare'i, Mohammad-Hosein Qolami, Mohammad Heidar-Pour, Farhad Arqami, Seyed Rahman Qiasi

Musicians: Qolam Ranjbar, Qarib Ranjbar

Costume Designer & Photographer: Ma'soumeh Heidar-Pour

City: Shiraz

Duration: 120 mins.

Synopsis:

The hungry Div meets Imam Ali. When Div attacks him, Imam defeats and ties the thumbs of the Div. In order to fasten the tie, Div goes to all of the prophet but in vain. At last, he is directed to refer to Imam Ali so that he can solve Div's problem.

عبدالله عفیف

Abdollah Afif
Seyedol Shohada (Imam Hosein) Theatre

شیبیه گردان: احمد عزیزی
شیبیه خوانان: احمد عزیزی، رحمت الله اسکندری، رضا لنکرانی، محمود معینی،
مهدی آقائی، حسن عقیقی
طراح لباس: تقی عزیزی
نوازنندگان: علی صدیقیان، محمد عزیزی، میلاد عزیزی، مسعود عزیزی
مدت زمان: ۶۰ دقیقه

خلاصه

غلام این زیاد خبر از کربلا می‌آورد. این زیاد دستور می‌دهد مردم در مسجد جمع شوند.
عبدالله عفیف و بارانش که همکنی از باران امام حسین بودند در مسجد حاضر می‌شوند.
این زیاد شروع به وصف یزید و پیروزی سپاه او در جنگ کربلا می‌کند و ...

احمد عزیزی

شروع به فعالیت در زمینه‌ی شیبیه‌خوانی از سنین کودکی و یادگیری این هنر نزد تقی
عزیزی؛ ۲۲ سال فعالیت مستمر در این زمینه؛ سرپرست گروه شیبیه‌خوانی حضرت
سیدالشهداء

کاری از گروه حضرت سیدالشهداء



خسرو جمشید

Khosrow Jamshid

تفرش
شیبیه گردان: رضا حیدری
شیبیه خوانان: رضا حیدری، مرتضی صفاریان، علی قاضی مرادی،
ابراهیم رضایی، مجتبی حیدری، حسین حیدری، حمید حیدری، حسین
حیبی، غلام تکاپو
موسیقی: عباس حیدری، حمید گرگانی، حسن حیدری

خلاصه

در زمان پیغمبر فقیری به مسجد می‌آید و برای آزادسازی کودکش
دوازده هزار درهم بول طلب می‌کند. امام علی (ع) قبول می‌کند که این
بول را به فقیر بدهد. حضرت علی (ع) به همراه قنبر به نزد مردمی به نام
جمشید می‌روند تا این بول را از او قرض بگیرند. جمشید از آن‌ها چیزی
به عنوان گرویی می‌خواهد. حضرت علی (ع) حسین را گرو می‌گنارد
و ...

Shabih Gardan: Ahmad Azizi

Shabih Khan(s): Ahmad Azizi, Rahmatollah Eskandari, Reza Lankarani, Mahmoud Mo'ini, Mehdi Aqaei, Hasan Aqiqi

Costume Designer: Taqi Azizi

Musicians: Ali Sadiqian, Mohammad Azizi, Milad Azizi, Mas'oud Azizi

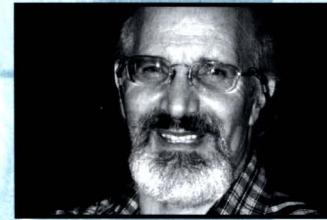
Duration: 60 mins.

Synopsis: The enemies of Imam Hosein at the presence of his followers in the mosque are talking and exaggerating about the war in Karbala.

Ahmad Azizi

Active for more than thirty-two years in Shabih Khani; as the student of Taqi Azizi





متولد ۱۳۲۹، سلطانیه زنجان
نویسنده، کارگردان، پژوهشگر
دانش آموخته‌ی رشته‌ی تئاتر در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران (۱۳۵۷)

تئاتر و کارگردانی نمایش‌های: سلطان مبدل، راز عروسک، نمایش منفع، تخت و خنجر، دختران فضل فروش، رام کردن زن سرکش، یوسف و زلیخا...
تئاتر مقالات و کتاب‌های متعدد در زمینه‌ی تعزیه، نقالی، شیوه‌های طنزآوری، موسیقی، تخت حوضی و... با همکاری افرادی چون هاشم فناض، محمدحسین ناصریخت، مرشد ترابی، رجایی زفره‌ای و...
از پایه‌گذاران گروه تئاتر تماشا
دیر و قائم مقام ده دوره‌ی جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی

داود فتحعلی بیگی

Davoud Fathali-Beigi

Born in 1950

Educated in Theatre, Faculty of Fine Arts (1978)
As both playwright & director in 'The Puppet's Secret', 'Yousef and Zoleikha', 'The King in Guise', 'The Forbidden Play', etc.
Writing books & articles on Ta'ziye, Naqqali, music, Takht-e Hozi, etc.
Co-operation with Hashem Fayyaz, Morshed Torabi, Rajaei Zofre'i, etc.
One of the founders of Tamasha (Vision) Theatre
Secretary & deputy secretary of ten festivals of traditional, ritual theatre



لاله تقیان

Laleh Taqian

متولد تهران
نویسنده، پژوهشگر، متقن تئاتر
شروع فعالیت مطبوعاتی از سال ۱۳۴۷ و همکاری با مجلات رویکی، آیندگان، تماشا و... به عنوان متقن و سردیر مجله‌ی نمایش (ماه‌نامه) و فصل‌نامه‌ی تئاتر
شرکت در سمینار آزادی مطبوعات (یونسکو) در آلام آتائی قراستان (۱۹۹۳) و سمینار بانک اطلاعات نمایش‌های سنتی آیینی آسیا - اقیانوسیه (یونسکو) در ژاپن (۲۰۰۰)
دیر و سینه‌نگار زنان نقاش آسیا - تهران (۱۳۷۶)
تئاتر مقالات و کتاب‌های متعدد در زمینه‌ی تئاتر
نویسنده‌ی بخش ایران در دایرة المعارف تئاتر معاصر جهان چاپ سال ۲۰۰۰ (جلد آسیا - اقیانوسیه)

Active since 1968 & co-operation with several magazines such as Roudaki, Ayandegan, Tamasha, etc.

As the critic & editor-in-chief of Namayesh Monthly Magazine & Theatre Quarterly Magazine

Participated in The Press Liberty Seminar (1993, Kazakhstan) & The Asian Traditional, Ritual Plays Data Seminar (2000, Japan)

President of Painters of Asia (1997, Tehran)

Writing several books & articles on theatre

The contributor of 'Iran' entry in The world Encyclopedia of Contemporary Theatre (2000)



علاءالدین رحیمی

Alaeddin Rahimi



نویسنده، کارگردان
متولد ۱۳۲۷، قم
لیسانس تئاتر از دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران و فوق لیسانس جامعه‌شناسی ادبیات از دانشگاه اسکس (انگلستان)
آغاز فعالیت هنری با تعزیه خوانی و سپس فعالیت در هنرکده‌ی تئاتر آنادیتا حضور در کلاس‌های ویژه‌ی تئاترکوکدان به سرپرستی 'دان لافون' و سپس فعالیت در این زمینه در کانون پرورشی هنری کوکان و نوچوانان
فعالیت به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان تلویزیونی از سال ۱۳۵۹
تولید پیش از پنجه اثر کوتاه و بلند داستانی و ده ساعت مستند تلویزیونی
فعالیت در زمینه‌ی درام مذهبی و تئاتر و کارگردانی آثاری چون: روایت عشق، میلاد، تنهاتین سردار، معصوم هقم، شاعر آوازه‌ای سبزو...

Born in 1948, Qom

B.A. in Theatre, Faculty of Fine Arts & M.A. in Socio-Literature, Essex University, England

Participated in children theatre classes taught by Don la Fonne & then active in the same field in The Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults
Active since 1980 as TV director and producer in more than fifty works

Active in religious drama & as both director & playwright in 'The Most Lonely Commander', 'Love's Narrative', etc.



Open Theatre

سنتی و آئینی
الملانی مایشورها
دواردهمین جشنواره
نمایش های میدانی

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003



حسین راضی

متولد ۱۳۲۲، شیراز

بازیگر، کارشناس، محقق

کارشناس و بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون؛ داوری

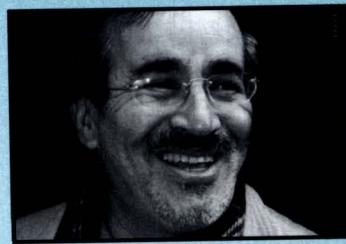
چندین جشنواره تئاتر

Hosein Razi

Born in 1944, Shiraz

As an actor in different plays & TV serials

As an expert & judge in various festivals



محمود فرنگ

Mahmoud Farhang

متولد ۱۳۲۲، تهران

نویسنده، کارگردان، بازیگر

مسئول کانون نمایش‌های خیابانی / عضو هیأت مدیره یونیما - مبارک / مسئول کارشناسی ادبیات نمایشی انتشارات مدرسه / عضو شورای کارشناسی تئاتر دفاع مقدس / نکارش و چاپ چندین نمایش نامه / کارگردانی و بازیگری دریش ازء، نمایش / اجرای نمایش‌های عروسکی فیل کوچلوا، ناستان طیف و بجه مرشد و ماریلاستیکی / شرکت در جشنواره بین‌المللی عروسکی کانادا - ایتالیا با نمایش عروسکی پروزان از قفس / کارگردانی چند سریال تلویزیونی کودک و نوجوان از جمله فرزندان ایران، پاییزه و تابستانه و ناستان‌های کوتاه تئاتر

Born in 1953

In charge of Open Theatre Centre

An expert in Dramatic Literature in Madreseh (School)

Publishing House.

As a member of UNIMA directorial board

Director, playwright & actor (more than forty plays)

An expert in the Sacred Defense Theatre

Participated in Canada - Italy International Puppet Theatre Festival



سید عظیم موسوی

Azim Mousavi

متولد ۱۳۳۸، فیروزکوه

نویسنده کارگردان، پژوهشگر تعزیه

شروع فعالیت هنری از سال ۱۳۵۴ / اجرای چندین نمایش و تعزیه در تالار

وحدت، مولوی و خارج از کشور / مسئول بخش تئاتر واحد فرهنگی بنیاد

شهید به مدت ۱۸ سال.

Born in 1959

Active since 1975

Performing several plays of Ta'ziye

in various halls

in charge of Bonyad - Shahid Theatre



بارگاه سلیمان (برگرفته از یک خیمه شب بازی قدیمی)

نویسنده، کارگردان و بازی‌دهنده: شهرزاد مبرهان
مرشد: سیاوش ستاری
نوازنده: شاه نوری
خلاصه: در بارگاه سلیمان جشنی برپاست ولی مبارک با شیرین کاری‌هایش مزاحم برگزاری جشن می‌شود و ...

Salim Khan's Court (based on Kheimeh-Shab Bazi)

Playwright, Director & Puppeteer: Shahrzad Mobarhan

Morshed: Siavosh Sattari

Musician: Shah Nouri

Synopsis: Mobarak interrupts Salim Khan's ceremony by making people laugh in his court and ...



تلین و جورین

برگرفته از یکی از آئین‌های ایل بختیاری
طراح و کارگردان: فرشید بزرگ‌نیا
بازیگران: پیمان بزرگ‌نیا، اکبر دانیالی، مهرداد حیدری، یاسر الله بخشی، محمد مرتضوی، عیسی مولوی، بهمن محمودی
موسیقی: زین‌العابدین حسینی مفراد، حمید حسینی مفراد
خلاصه: تلین و جورین در بین اهالی می‌گردند و کسانی را که با هم قهر هستند به وسیله‌ی نمایش و مضحكه آشتمی می‌دهند

Talayyon & Jourin (based on Bakhtiari rituals)

Playwright & Designer: Farshid Bozorg-Nia

Actors: Peiman Bozorg-Nia, Akbar Daniali, Mehrdad Heidari, Yaser Allah-Bakhshi, Mohammad Mortazavi, Isa Mowlavi, Bahman Mahmoudi

Music: Zeinol-Abedin Hoseini-Mofrad, Hamid Hoseini-Mofrad

Synopsis: Talayyon and Jourin by performing various comic shows reconcile those whose relationships are broken off .

بیچاره پهلوان

نویسنده و کارگردان: علی اصغر خطیبزاده

بازیگران: جواد احمدیان، سعید شاهچراغ

موسیقی: ابوالفضل باقریان

خلاصه: پهلوان حجت در آسایشگاه سالمندان دوران پیری را سپری می‌کند. او با همدمستی خلیل که پسر باغبان خانه سالمندان است فرار می‌کنند. پهلوان با گذشتہاش برای آنها معزکه می‌گیرد و عکس‌های جوانی خود را به مردم نشان می‌دهد ولی هیچکس آن را باور نمی‌کند و...

Pour Pahlevan!

Playwright & Director: Ali-Asqar Khatib-Zadeh

Actors: Javad Ahmadian, Sa'id Shah-Cheraq

Music: Abolfazl Baqerian

Synopsis: Pahlevan Hojjat accompanied by Khalil, the gardener's son, run away from the asylum but no one believes what he says about his past.

Davat (Kurdish dance of northern Khorasan)

Playwright & Director: Javad Radmard

Actors: Abbas Kazemian, Mehdi Fakhreddini, Javad

Radmard, Kazem Sarati, Mostafa Qadimi, Akbar

Emarlou, Ebrahim Foroudi, Mahmoud Khosravi

Music: Asqar Yousef-Khani, Mohsen Sazandeh

داوت (عروسوی)

براساس رقص‌ها و مراسم آیینی کُردهای شمال خراسان

نویسنده و کارگردان: جواد رادمرد

بازیگران: عباس کاظمیان، مهدی فخرالدینی، جواد رادمرد، کاظم صراتی،

مصطفی قیمی، اکبر عمارلو، ابراهیم فروضی، محمود خسروی

موسیقی: اصغر یوسف‌خانی، محسن سازنده



Mobarak & the Virus of 10000N Niayesh (Worship) Theatre

Playwright: Saqar Mokhtari

Director: Seyed Bahram Sarvari-Nezhad

Director Counsellor: Toufan Mehrdadian

Director Assistant: Akbar Qahremani

Costume Designer: Hasan Varasteh

Brochure Designer: Sahar Mokhtari

Actors: Seyed Bahram Sarvari-Nezhad, Ali-Reza Salehi, Amir Pour-Safa

Synopsis: Mobarak is not satisfied with the situation. An irony man enters.

After some time, we are told that he is a man of thousand years beyond.

مبارک و ویروس ۱۰۰۰۰

نویسنده: ساغر مختاری

کارگردان: سید بهرام سروری نژاد

مشاور کارگردان: طوفان مهردادیان

دستیار کارگردان: اکبر قهرمانی

طراح لباس: حسن وارسته

طراح بروشور: سحر مختاری

بازیگران: سید بهرام سروری نژاد، علیرضا صالحی، امیر پورصفا

خلاصه: مبارک از اوضاع زمانه گله‌مند است. مردی آهنی وارد می‌شود. بعد از

مدتی متوجه می‌شویم که او انسانی از هزار سال آینده است و...

کار از گروه فرهنگی و هنری نیایش

پهلوان و دیب

نویسنده و کارگردان: رجبعلی فلاخ

بازی‌دهنده: رجبعلی فلاخ مرشد: اسفندیار بهاری

موسیقی: خان‌آقا سید‌آبادی، مقیمی، فلاخ

خلاصه: دیوبه آبادی حمله کرده، دختر حاکم را سیر می‌کند. مبارک

برای مبارزه داوطلب می‌شود و به جنگ دیب می‌رود و...

Pahlevan & Dib

Playwright & Director: Rajab-Ali Fallah

Puppeteers: Rajab-Ali Fallah, Morshed Esfandyar Bahari

Music: Khan-Aqa Seyed-Abadi, Moqimi, Fallah

Synopsis: Dib attacks the village. He takes the princess captive. Mobarak is called to fight with the Dib.

یکه چوبه (تربت جام)

کارگردان: فاروق کیانی
مدت زمان: ۲۰ دقیقه

بازی یکه چوبی گرفته شده از حرکات رزمی، حماسی، دفاع، جنگ و گریز، تک و پاتک و نبردن به تن و حملات دسته جمعی است. این حرکات در گذشته برای آمادگی جسمی و روحی انجام می گرفته که با گذشت زمان از بین رفته است. بازیگران هر کدام بایک چوب وارد میان می شوند و رجز می خوانند و حریف می طلبند.

Yekkeh Choubeh (an Iranian regional dance)

City: Torbateh Jam (khorasan)

Director: Farouq Kiani

Duration: 15-20 mins.

Synopsis: This dance originates from wars, physical fights, combats and so forth. Each dancer comes on the stage with a wooden stick in his hand and then they start fighting with each other.

سمر و شیا

کاری از انجمن نمایش شهرستان اراک
طرح و کارگردان: محمد صمدیان
خلاصه:

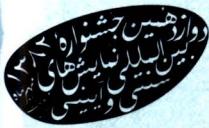
بازیگر نقش سیاه که به تعزیه علاقمند می شود وارد تکیه شده لباس نسخه خوان "شمر" را که مخالف وارد شدن او به تکیه است، می دزد و ...

Semr & shia

City: Arak

Director & Designer: Mohammad Samadian

Synopsis: The one who plays the role of Siyah has become interested in Ta'ziyeh. He steals Shemr's clothes but he understands and follows him to take back his clothes.





Music

نقل موسیقایی

دوارد همین و لاه
یین میلانی ما یش ره
سن تی و آیینی

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003



عاشقی یوسف اوهانس

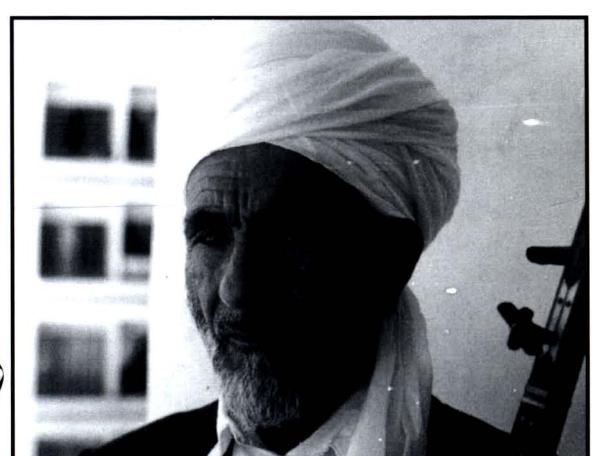
آخرین نسل از عاشیق‌های آسوری آذربایجان غربی است. از ده سالگی ساز می‌زنده و اینک در ۷۵ سالگی هنوز عاشیقی می‌کند و از صدای خوب برخوردار است. او تنها عاشیقی است که آوازهای آسوری را خوب می‌داند و در طی زندگی، ساز و عشق و تلاش را توامان به کار گرفته و تاکستانی دارد که لحظات تنهایی و خلوتش را در آنجا می‌گذراند. او روايتگر متبحری است که این هنر را از پدر آموخته و اینک بی‌هیچ ادعایی، در عزلت و تنهایی چونان شمع می‌سوزد اما نور خود را از دیگران دریغ نمی‌کند. او در این جشنواره روایت آصلی و کرم را خواهد گفت.

عاشقی حسن اسکندری

متولد ۱۳۲۶ در منطقه‌ی ارسپاران است. بیش از سی سال است که به طور ماهرانه و حرفة‌ای عاشیقی‌هارا مجرامي کند. آشنایی او به ردیف و دستگاه‌ها و نواهای آذربایجانی نسبتی نداشته است. او به هنگام اجرا به ساز نزدیک می‌شود و همین مسئله جمع مخاطب را به تفکر خاصی و امی دارد. او از بزرگانی چون عبدالعلی نوری، عزیز شهنازی و حاج علی عبادیان در جهت تکمیل هنر خود بهره برده و موفقیت‌های بسزایی در داخل و خارج از کشور داشته است. او در روايتگری استادی بی‌نظیری است. او در این جشنواره نقل کوراوغلى می‌گوید.

نور محمد درپور

۷۷ ساله است. از ۱۳ استاد تربیت جامی موسیقی آموخته که بیشتر این استادیاز خلیفه‌های نقشبندیه هستند و معروف‌ترین آن‌ها «ملایاند بلوچ» می‌باشد. او راوی حدود ۴۰ قصه‌ی مهم مذهبی است و بیش از ۳۰۰۰ بیت از حفظ دارد. تخصص او در آوازهای منطقه‌ی تربت جام است و اکثر استادان موسیقی امروز از شاگردان او بوده‌اند. نور محمد دوتار می‌نوازد. او در این جشنواره قصه‌ی شهر عجایب را روایت می‌کند.



دوزخهین جشنواره
دوزخهین جشنواره
دوزخهین جشنواره
دوزخهین جشنواره
دوزخهین جشنواره

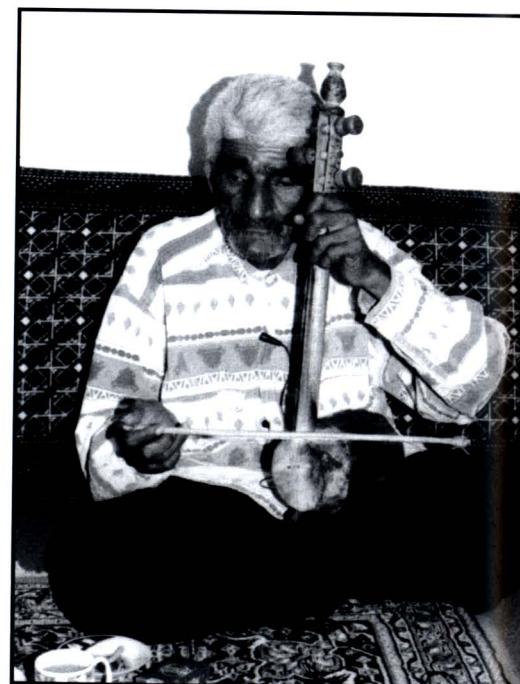
علی غلامرضاي الماجوقي

متولد ۱۳۱۰ است و از شاگردان حاج حسین يگانه، از يگانه دوتار نوازان قوچان، خود اهل چناران است و روایتگری می‌کند. او از خان محمد قیطانی نیز بسیار آموخته است. هفت منظمه‌ی ترکی و چهار منظمه‌ی کردی را ز حفظ دارد. چهل سال است که ساز می‌زند. او در این جشنواره از میدان رفتن حضرت عباس (س) می‌گوید.

قاله غريب

نام اصلی او قادر قادری است. پیری پرتوان که به همراه همسرش در روستای "بوگه بس" از توابع بوکان و نزدیک مرز کردستان عراق روزگار می‌گذراند. او بهترین بیت‌خوان کردی سورانی است و بر تمامی اشکال حیران‌خوانی نیز تسلط دارد. فرزندش را شرار منطقه به قتل رسانده‌اند و از آن زمان بیشتر به بیت‌های حماسی و حیران‌های حزن‌انگیز روی آورده. قاله غريب نزدیک به هفتاد و پنج سال سن دارد و باز همیشگی اش، «مره» بزرگترین و ماهرترین شمشال نواز کردستانی بوده است، اما اینکه ده سالی می‌شود که در اثیر یک اتفاق، بیت‌بیش (خواننده بیت) از شمشال نواز خود دور مانده. او تمامی رپرتوارهای حیران‌مکریانی، حیران رسول گردی، حیران سقزی و حیران بادینانی را با قدرت تمام به اجرا در می‌آورد. وی دو میان بار است که در یک جشنواره کشوری حضور می‌یابد و بیت می‌خواند. صدایی گرم و بهم دارد که حزن‌های تحریری اش جذابیت آن را بیشتر می‌کند. او در این جشنواره "بیت حتم" و "بیت شم" و "شم زین" می‌خواند.

عيسى فيوج



این پیر روایت‌گر ۹۰ ساله، اهل منطقه‌ی فاضل آباد است و تنها بازمانده‌ی نسلی است که آقا شیخ محمد علی بینات در منظمه‌ی میرپنج‌نامه‌ی خود از آنان به عنوان گودار قوّاً نام می‌برد. عيسى شاگرد یکی از معروف‌ترین استادان لوری‌منطقه‌ی گلستان بوده و سال‌هادر کنار او تلمذ موسیقی نموده و اینک در عسرت و تنگیستی در محله‌ی پشت پمپ بینزین فاضل آباد در کنار فرزندانش به زندگی حقیرانه‌اش ادامه می‌دهد. او راوی و پدیدآورنده‌ی منظمه‌ی "عباس گالش" است که شهرت و نواهای موسیقی آن طی پنجاه سال گیلان و بخش‌هایی از کویر ایران را پیموده و همه‌ی ساکنان شرق و غرب مازن و شمال و جنوب البرز ایانی از آن را در حافظه خویش دارد.

عيسى که در جوانی شهرهای موسیقی بوده امروز در پیری عزلت گزین شده و گاه در کنار خیابان‌ها سازی می‌زند و روایتش را می‌خواند. به سبب این کار، کمانچه‌ی قدیمی اش را هم شکسته‌اند تا روایت حماسی اش را نخواند. اما او باز هم به کار خود ادامه می‌دهد. عيسى را به سبب صفاتی باطنی اش به نام "عيسى دای" می‌شناسند. عيسى یک دیوان ترانه و روایت است که در حال فناست که اگر نباشد کسی نخواهد توانست حمامه‌های روای و ترانه‌های او را جرا کند ولی حیف که هیچ نگرشی بر او و آثارش نیست. او چون در زمان باغی‌گری عباس گالش، امنیه بوده و روابط پنهان او و دولتی‌ها را می‌دانسته، روایتی محکم پدیدآورده. به راستی چرا عيسى ها و روایت‌هایشان را به انگاره‌های پلید تقلیدی فروخته‌ایم؟ او در این جشنواره نقل "عباس گالش" می‌گوید.

اسماعيل حاجي، حسن مصطفى پور

اسماعيل محمدرشپور معروف است به اسماعيل حاجي. روایتگر بیت عزیز داسنی است که قصه‌ای سنت مریوط به تاریخ بختیاري، او حیرانی‌خوانی نیز می‌کند اما حرفه اصلی اش کوره چینی یا آجرپزی می‌باشد. صدای گرم اسماعيل حاجي را «وزله»‌ی حسن مصطفى پور همراهی خواهد کرد.



حسن خیوه‌چی

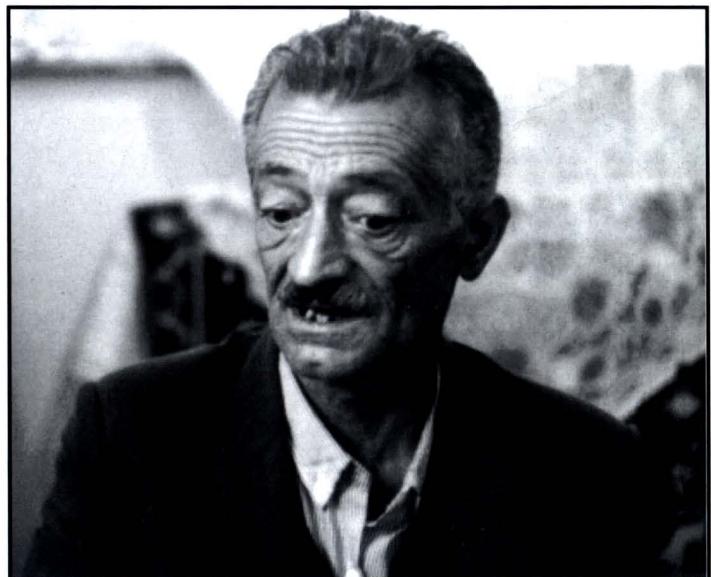
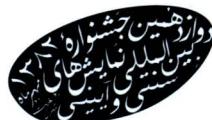
اورا خیوه‌چی هم می‌نامند. در سال ۱۳۰۸ متولد شده و از گنبد کاووس می‌آید. او یکی از پیشکسوتان سرشناس موسیقی سنتی ترکمن است و دو تار نواز بسیار متفجری است. او ۵۰ ساله است، دو تار می‌نوازد و داستان‌های محلی ترکمن را روایت می‌کند. شاید بتوان گفت که حسین خیوه‌چی تنها روایت‌گر داستان به همراه موسیقی در قوم ترکمن است. او در این جشنواره زندگانی امام حسین (ع) را می‌خواند.

سبزعلی درویشیان

پیری است ۶۹ ساله در لرستان که از ده سالگی به خوانندگی روی آورده و عمر خود را به اجرای ترانه‌ها و آوازها و روایت‌های حماسی گذرانده. او تبحر خاصی در شاهنامه‌خوانی دارد که سنت فراموش شده‌ای در هنر موسیقی لرستان است وی همچنین هنر خاصی را در نساجی دنیا کرده که به آن "مشته‌بافی" می‌گویند. محمدرضا درویشی در مورد ارزش‌های هنری او نوشتند:

«در زمان جنگ تحملی، ساریخانی‌های متعدد و غمگانه‌ای او پرسکوهترین نواهارا نثار شهیدان می‌کرد و هیچ مادر شهیدی نبود که عزیز از دست رفته‌اش را با صدای او تشییع نکند.» (اینه و آوار، ص ۲۳۶، سال ۷۶)

سبزعلی، راوی حماسه‌هایی است که در عصر موسیقی‌های بی‌هویت، رنگ باخته‌اند و رویه اضمحلال می‌روند. او در این جشنواره "خسرو و شیرین" را روایت خواهد کرد.



قسمت خانی

او نزدیک به پنجاه و پنج سال دارد و در روستای سکام خوشابر که یکی از توابع پولن‌تالش است، زندگی می‌کند. به گفته‌ی خودش بیشترین آوازها را از روحان قاسمی فراگرفته و با صدایی لطیف و بی‌نظیر دستون‌های تالشی را به اجرا در می‌آورد. او به تمامی شیوه‌های آوازخوانی منطقه‌ی تالش و گیلان آشنایی دارد و علاوه بر روایت‌گری، ترانه‌خوانی و حقانی‌های تالشی رانیز می‌خواند. وی تبحر بی‌نظیری در اجرای سبک‌های ماسالی دارد. او در جشنواره موسیقی آینه اول (۱۳۸۰) و موسیقی آینه دوم (۱۳۸۱) و موسیقی کوچ (۱۳۸۱) حضوری شایسته و پرفورت داشت. او در این جشنواره روایت " محمود به" و بخشی از "لوبه" را اجرا می‌نماید.

محمد رضا اسحاقی

استاد آوازهای بومی منطقه‌ی گرجی محله‌ی مازندران، سازندهی چیره‌دست ساز و متخصص در مؤلف خوانی تعزیه و متبحر در بازی‌های آیینی بخشی از مازندران و نوازندهی دوتار که علاوه بر این هنرها، تسلط فراوانی بر اجرای هنر روایتگری دارد. او دوازده روایت مازندرانی را در دفترهایی که دستنویس کرده و بر طاقچه‌ی خانه‌اش خاک می‌خورند، نگاشته و یکی از گله‌هایش همیشه این بوده که: "مرا به جشنواره‌ها می‌برند و می‌گویند ده دقیقه وقت داری ترانه‌هایت را بخوانی، در حالی که موسیقی منطقه‌ی ما، پایه‌اش روایت است."

استادان او مرحومین حسن علی‌پور و نظام شکارچیان بوده‌اند. به همین سبب، او علاوه بر آشنایی با شیوه‌های موسیقی شرق مازندران، روایت‌های گوداری (کولیان یک‌جانشین شده در منطقه) را به خوبی می‌داند. صدای طلیف و پنجه‌ی نرم او منحصر به فرد است. او با کمک فرزندانش گروه مشتاق را پدید آورده و تاکنون در جشنواره‌های موسیقی کشور حضوری فعال داشته است.

او در این جشنواره نقل "هوژیر سلطون" و "عباس مسکین" را خواهد گفت.



سهراب محمدی

نوازنده دوتار است و تخصصش لیلی و مجنون خوانی به شیوه ترکمن هاست. او در این جشنواره نقل «سردار عوض» و «زیلخا» می‌گوید.

شوق علی عارف

او که نام اصلی‌اش شوق علی ریسی است، به سبب گرایش به مضامین عارفانه و عاشقانه‌ی حکمت آموز و همین طور شیوه‌ی زندگی درویش مسلم‌کانه‌اش، از سوی مردم ایل قشقایی لقب عارف را گرفته و اینک از اعتبار استادی خاصی در این ایل برخوردار است. او اصالتاً جزو ایل محسوب نمی‌گردد چرا که اهل دز کرد فارس می‌باشد، اما هنرمند در روایتگری، ازوی هنرمندی محظوظ ساخته، وی پیش از این فقط یک بار در جشنواره‌ی موسیقی حمامی (۱۳۷۶) حضور داشته و دیگر به جشنواره‌ای دعوت نشده است. تبعراً او در شاهنامه‌خوانی و روایتگری را باید دید، سپس قضاؤت کرد. او متولد ۱۳۰۹ ه. ش است و هنرمند را از مرحوم استاد خلیل (پدرش) فرآگرفته است. وی باللاش و هماهنگی خاله پروین بهمنی در این جشنواره حضور یافته است.

او در این جشنواره "شاهنامه خوانی" خواهد کرد.

فهرست برنامه‌های نقالی در دوازدهمین جشنواره نمایشگاهی سنتی و آئینی

زمان اجرا	نام روابطگر	نام نقل و روایت	نام منطقه
سسه شنبه ۸۲/۷/۲۲	نورمحمد دربودر یوسف اوهانس محمد رضا اسحاقی عیسی فیروز	قصه شهر عجایب روایت اصلی و کرم هوژیر سلطون، عباس مسکین عباس گلائیش	دستای یادگار، تربت جام ازمیه گرجی محله بهشهر علی آباد، گرگان
چهارشنبه ۸۲/۷/۲۳	قسمت خانی حسن اسکندری علی غلام رضائی آلماجویی شهراب محمدی	دستون محمود و لیویه کوراغلی میدان رفتن حضرت عباس(س)	دوستای سکام خوشابر ثالث تبریز دوستای آلماجوی، چنان ران آشخانه بجنورد
پنجشنبه ۸۲/۷/۲۴	قاله غریب سیز علی درویشیان شوعلی عارف حسین خسرو چی و آق اویلی آقا	سردار عوض، زلینخا آشخانه بجنورد دستای بوگه بسی، بوکان لوستان، خرم آباد ذکر، قشتاقی، فارس گندکاوس، ترکمن	بیت حُم و بیت شَم و شِم زین خرس و شیرین شاهنامه خوانی زندگانی امام حسین(ع)

سنت و آئین میراث معنوی بشری



سنتی و آئینی الملانی مایش ها دوارده همین نواه

چنپی

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

نمایش‌های تجری

نقل سهراب

کاری از: امیر عطرچی
نقال: علی خوینیها
مرشد: آرش تمورزنزاد
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

Sohrab's Telling

By: Amir Atrchi
Naqqal: Ali Khoveiniha
Morshed: Arash Teimour-Zadeh
Duration: 30 mins.

مبارک به خواستگاری می‌رود (خیمه شب بازی)

کاری از: بهناز مهدیخواه
بازی دهنگان: بهناز مهدیخواه، امیر مشهدی عباس
کمانچه: علی جدیدی
مدت زمان: ۳۰ دقیقه

Mobarak as a Suitor

By: Behnaz Mehdi-Khah
Puppeteers: Behnaz Mehdi-Khah, Amir Mashhadi-Abbas
Musician: Ali Jadidi (Kamancheh)
Duration: 30 mins.

سیاه (نمایش بی کلام)

کاری از: هومن شباهنگ
بازیگران: هومن شباهنگ، مارال میزان
مدت زمان: ۲۰ دقیقه

Siyah (the black)

By: Houman Shabahang
Actors: Houman Shabahang, Maral Mizan
Duration: 20 mins.

نبرد سهراب و گردآفرید

کاری از: الهه مونسی
نقال: مهلاقا باقری
مدت زمان: ۱۵ دقیقه

The Fight of Sohrab & Gord-Afarid

By: Elaheh Mounesi
Naqqal: Mah-laqa Baqeri
Duration: 15 mins.

خوان ششم از هفت خوان رستم

نقال: سمیه برجی
مدت زمان: ۲۰ دقیقه

The Sixth Stage of Rostam's Seven Stages

Naqqal: Somayyeh Borji
Duration: 20 mins.

جی جی بی جی (نمایش عروسکی)

کاری از: رضا میرزا لی

بازی دهنگان: لیلا عباسی، رویا رشید دل، محسن ساسانی، افشنین تقی مشایی،
بازیگار نور علی شاهی، مارال حاجی زاده
مدت زمان: ۴۰ دقیقه

Ji Ji Bi Ji

By: Reza Mirzaei
Puppeteers: Leila Abbasi, Roya Rashid-Del, Mohnen Sasani, Afshin Taqi-Mashaei, Baziar Nour-Ali-Shahi, Maral Haji-Zadeh
Duration: 40 mins.



خیمه شب بازی **Kheimeh-Shab Bazi**
 کاری از: حسین ربیعی (a kind of marionette puppet play in tent)
 مدت زمان: ۳۰ دقیقه By: Hosein Rabi'i
 Duration: 30 mins.

بیژن و منیژه **Bijan & Manizheh**
 کاری از: سasan Mehr-Pouyan By: Sasan Mehr-Pouyan
 نقالان: رضا پاپی، ساقی عقیلی، فاطمه حبیبیزاد Naqqals: Reza Papi, Saqi Aqili, Fatemeh Habibizad
 مدت زمان: ۶۰ دقیقه Duration: 60 mins.

تفائلی بر نمایش «پرده خانه» اثر «بهرام بیضایی»
 کارگردان: مهدی رجبی
 بازیگران: ساقی عطایی، بهاره کاویانی، آذین ثابت سراب فرد، مونا صادقی،
 پریناز حق جو، مهرداد حق جو، ملینا عرب پوریان، سینا سعیدی، پانتهآ
 ساری اصلانی
 منشی صحنه: گیرااحسان پناه
 مدت زمان: ۴۵ دقیقه

A Glance Over ‘Pardeh-Khaneh’ by Bahram Beizaei
 Director: Mehdi Rajabi
 Actors: Saqi Ata'i, Bahareh Kaviani, Azin Sabet-Sarab-Fard, Mona Sadeqi, Parinaz Haq-Jou, Mehrdad Haq-Jou, Melina Arab-Pourian, Sina Sa'idi, Pantea Sari-Aslani
 Continuity: Gira Ehsan-Panah
 Duration: 45 mins.

نقالی حرفه

Sar-Dam Khani (Moreshed Vali-Allah Torabi) سردم خوانی (مرشد ولی الله ترابی)

Pardeh Khani (Kal-Yousef Bahari) پرده خوانی (کل یوسف بهاری)

Hamaseh Khani (Morshed Faramarz Najafi-Tehrani) حمامه خوانی (مرشد فرامرز نجفی تهرانی)

Shahnameh Khani (Davoud Jafar-Pour) شاهنامه خوانی (داود جعفر پور)

Naqqali (Morshed Seyyed Mostafa Sa'idi) نقالي (مرشد آسید مصطفی سعیدی)

Pardeh Khani & Sardam Khani (Abol-Hasan Mirza-Ali) پرده خوانی و سردم خوانی (ابوالحسن میرزا علی)

Shahnameh Khani (Javad Khosravi-Nia) شاهنامه خوانی (استاد جواد خسروی نیا)

Pardeh Khani (Morshed Vali-Allah Torabi) پرده خوانی (مرشد ولی الله ترابی)

**Tradition
and ritual,
The Man's
Spiritual Heritage**

سنّت و آیین، میراث معنوی بشری



سنتی و آیینی
الملانی ماشراھ
دوارد همین نواه
بپرگداشت

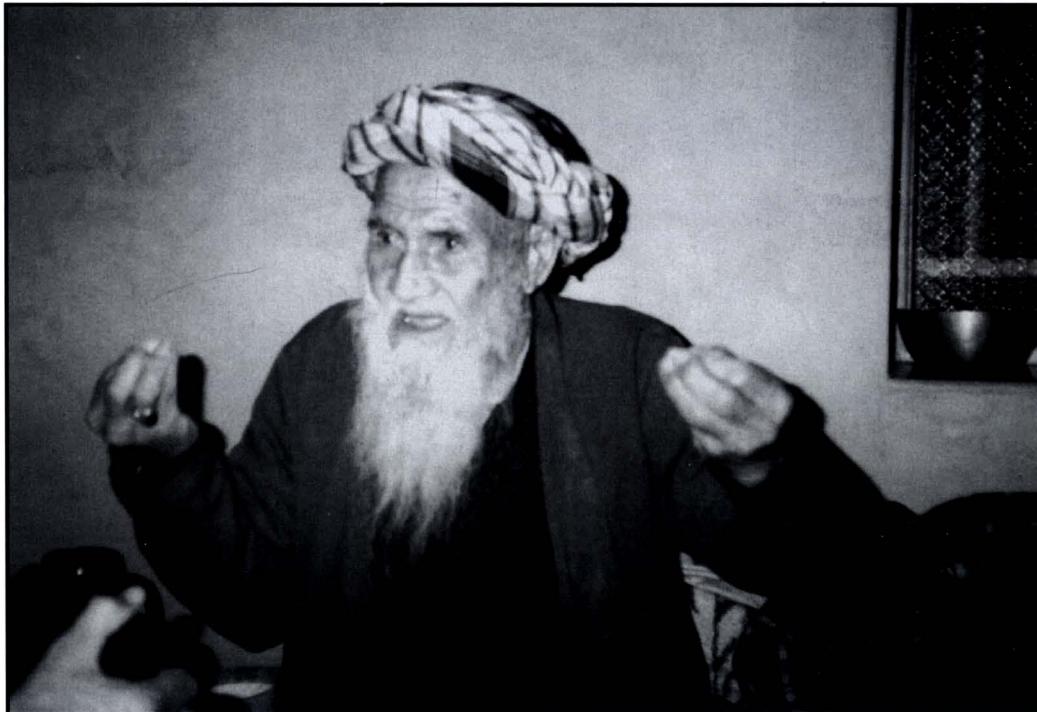
Homage

بپرگداشت

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

آق اویلی آقا (پَقَهْ)

Ceremony of Glorification Agh Oiley Agha (pagheh)

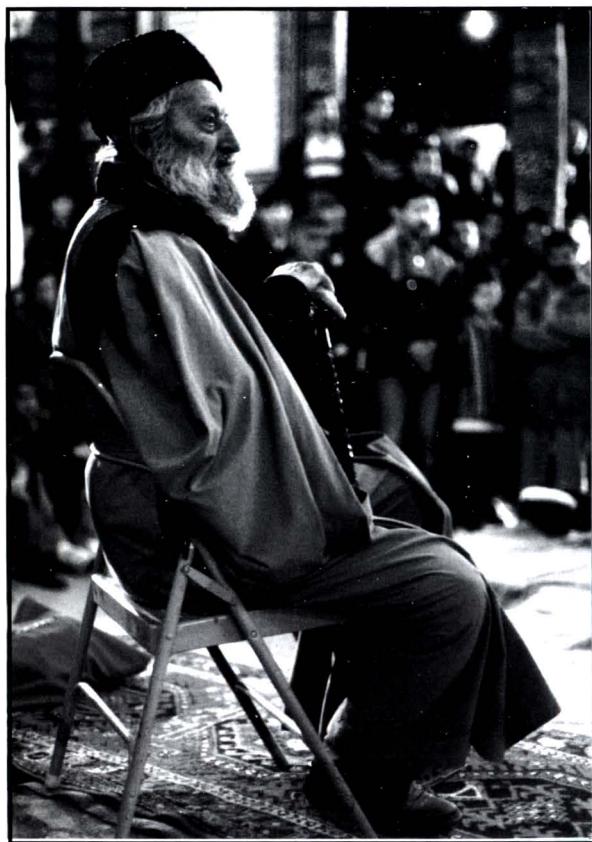


آق اویلی آقاتهاروایتگرسنی واقعه‌ی کربلا در منطقه‌ی ترکمن‌ها است. او ۸۶ سال سن دارد و در روستای «پیرواش» از توابع شهرستان آق قلا در استان گلستان زندگی می‌کند. وی داستان‌هایی را از حضرت رسول و اهل بیت روایت می‌کند. وی صوفی مسلک است و در روز ماه رمضان را در روستا به اعتکاف می‌نشیند. در هر مجلس از پیامبر می‌گوید و در مدح خلفای راشدین می‌سراید. او علی‌رغم بی‌سودایی از کوکنی تمام روایاتی را که از علمای شنیده به ذهنش سپرده است. روایت‌های او درباره امام حسین از کتاب منظوم و مثنوی ترکمن اقتباس شده است که و اصل آن از خیوه و بخارا آمده است. این کتاب هنوز هم در مکتب خانه‌ها به صورت جنبی تدریس می‌شده است.



Agh Oiley Agha is the only sonnite narrator of karbala's events in Turkmen area. Living in pirvash - a suburb of Agh-ghala in the province of Golestan - he is 89 and narrates the stories of Mohammad (peace be upon him) and his families.

He is a mystic and secludes in the village during ten days of Ramazan. Each time he talks regarding the Prophet and says poems in the honour of Rashedin leaders. Nevertheless his illiteracy, he has memorized all narrations heard from clergymen. He quotes his narrations regarding Imam Hossein from a poetical-prose Turkman book which has been originated from Khiveh and Bokhara and was meantime schooled book.



Hassan-E-Ganjali (famous as Hassan-E-Taziye-Khan or Taziye - narrator) was born in 1296 A.H and his father-Asadollah-E-Ganjali had a good voice usually reciting Azan*. He started Taziye like other famous Taziye-narrators from his childhood as Ali-Akbar (peace be upon him) and since 75 years ago is active in Taziye. He has been working with great Iranian Taziye-narrators like the deceased Mohammad oosta-Reza, Seyyed Ziah, Abbas-Reza Mirzabayati (cast as vicious people), Mollah Ibrahim Moin, Karbalaee Mohammad Ghafari.

Hossein-Ali Nakisayeh Bozorgh, Haj Rajab-Ali, Haj Mahmood (a tragedienne belonging to the period Ghajar), Seyyed Mohammad Amini, Mohammad Taghiyeh Haydari, Hossein-E-Norri (Trumpeter) and Karbalaee Ali-E-Bayati. His memories are as effective as his voice:

"I was cast as Hazrat-E-Abbas in my better days and in a triumph at the end of a fight, the sword struck my eye and my face got all bloody. In that clothe I yelled and wanted the help of Hazrat-E-Abbas. I felt no pain any more,"

"in Hazrat-E-Abbas Taziye on Moharam 9th a child -named Hossein Bab-Ali- from the roof of a house fell and became unconscious. I thought if the child would have not remain alive, I will never join Taziye. All of a sudden the child stood and lives yet."

Hassan Ganjali once dreamed Hazrat-E-Abbas who invited him to recite Taziye. He recited the same Taziye six months later.

* Recitation of some sacred lines before prayers.

استاد حسن گنجعلی (معروف به حسن تعزیه خوان) متولد سال ۱۲۹۶ هجری خورشیدی است پدر وی مرحوم اسدالله گنجعلی نیز دارای صدایی خوش بوده و اذان می گفته است. او تعزیه را مانند دیگر تعزیه خوان های معروف دیگر از سینم خردسالی آغاز کرده و از همان ابتدا شیوه علی اکبر علیه السلام را می خواند.

وی نزد اساتید بزرگ تعزیه ای ایران در تفرش شروع به کار کرده و نزدیک به ۷۵ سال است که به این هنر اشتغال دارد.

مرحوم محمد اوستارضا، مرحوم سید ضیاء، مرحوم عباس میرزا بیاتی (اشقیا خوان)، مرحوم ملا ابراهیم معین، مرحوم کربلایی محمد غفاری، مرحوم حسینعلی نکیسایی بزرگ، مرحوم حاج رجیلی، مرحوم حاج محمود (که از شیوه خوان های معروف دوره قاجار می باشد)، مرحوم سید محمد امینی، مرحوم محمد تقی حیدری، مرحوم حسین نوری (شیپورچی) مرحوم کربلایی علی بیاتی همگی اساتیدی هستند که او از آنها آموخته است. خاطرات اولین همچون صدایش قراو تأثیرگذار است:

«در ایام محروم که شیوه حضرت عباس بودم در حال جنگ مغلوبه، شمشیر به چشمم اصابت کرد و چشم‌ام پرخون شد. با همان حال که در لباس حضرت عباس بودم حضرت ابوالفضل را به امداد طلبیدم و دیگر دردی احساس نکردم.»

«در حسینیه ششنا و تفرش ایام محروم روز نهم، مراسم شیوه خوانی تعزیه حضرت عباس بود. از پشت بام حسینه کودکی بنام حسین باباعلی که از پشت بام مشغول دیدن تعزیه بود کم کم خوابش می برد و با سر به زمین می خورد. بچه بی هوش بود و مردم نگران. گفتم اگر این بچه زنده نشود من دیگر لباس نمی پوشم که یک باره کودک از جای خود برخواست و هنوز هم در قید حیات است.»

استاد حسن گنجعلی یک بار حضرت عباس را در خواب می بیند که او را به خواندن تعزیه دعوت می کند و ۶ ماه بعد در همان صحنه‌ای که در خواب دیده شیوه حضرت عباس را می خواند.

استاد حسن گنجعلی Hassan-e-Ganjali

محمود یکتا

محمود یکتا که در سال‌های اخیر بر صحنه‌ی تماشاخانه‌های ایران «سیاه» را بازی می‌کرد یک استعداد شگرف دوره‌ی انقراض بود و نقطه‌ی اختتامی برای یک دوره سنت و اصالت نمایشی که هرگز از طرف مدعيان روشن بینی به درستی شناخته نشد و از طرف مدعيان نمایشگری به راستی تأیید نشد و از طرف مدعيان نمایش شناسی آن چنان که بود یاد نشد، تمام شد.

(بهرام بیضایی، نمایش در ایران؛ ص۱۸۴؛ انتشارات روشنگران و مطالعات زنان)

محمود یکتا یکی از آخرین بازماندگان نسلی است که برای شکفتن لبخندها از جان خویش مایه نهادند.

سیاهی که صحنه‌هه هنوز آوازهای خوش او را از یاد نبرده است.

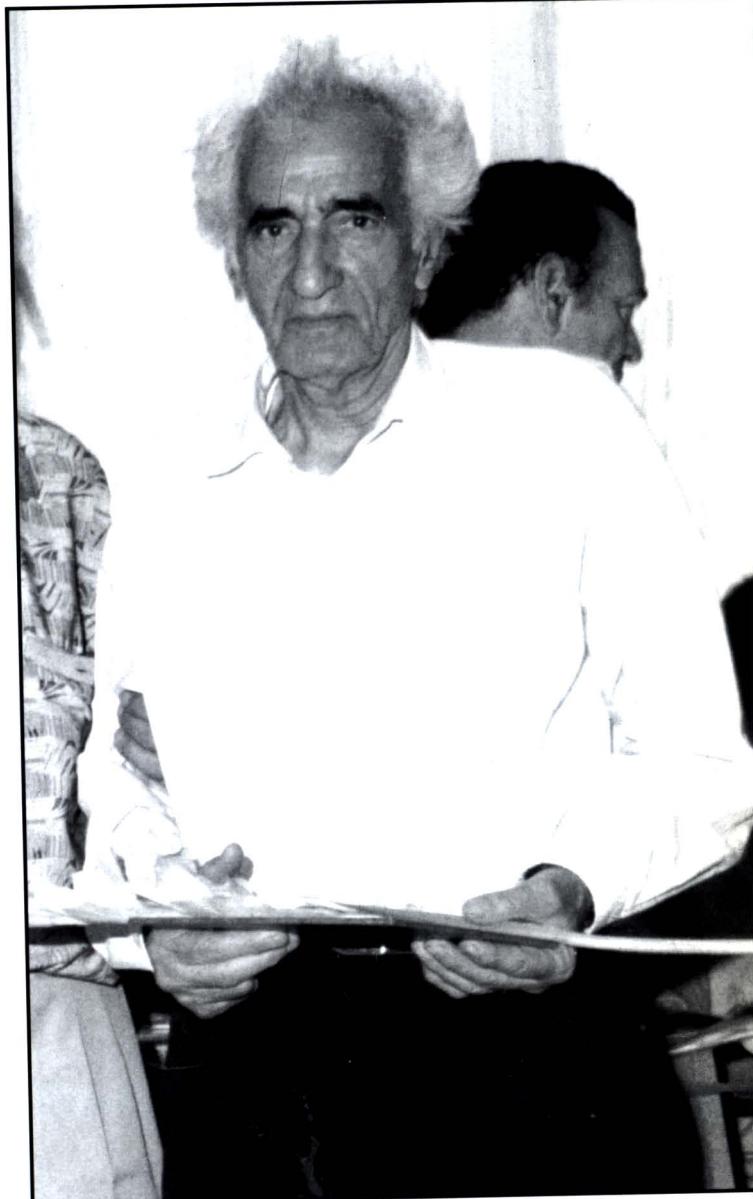
«محمود رجبی شمیرانی» معروف به محمود یکتا ز نسلی است که جز چند تنی انگشت شمار از آن‌ها، مدت‌هاست که رفته‌اند و صحنه‌ی از وجودشان خالی است. حسن شمشاد، ببراز سلطانی، عباس مؤسس، کوچک مؤبد، حبیب سلمانی، مهدی مسری، سیدحسین یوسفی، ذبیح‌اماهی، حسین حوله‌ای و... او سیاه‌بازی است که بارها در نقش غلامان شیرین سخن داستان‌های گوناگون در جشن‌ها و مراسم و در تالارهای نمایش ویژه‌ی اجرای نمایش‌های سنتی، که عمدتاً در مناطق فقرین‌شین تهران بزرگ مشغول به کار بودند، خنده را بر چهره‌ی علاقمندانش نشانده است.

یوسف و زلیخا، بیژن و منیژه، چهار درویش، هولا در هند، عاق و الدین، و... از نمایش‌های او بودند.

علاقمندان سیاه بازی محمود یکتا را با صدای خوبش می‌شناسند، سیاه بازی که گاه او را به سبب همین ویژگی مشترک با مرحوم سیدحسین یوسفی - که روانش شداد اشتباه می‌گرفتند، نکته‌ای که خود در مراسم یاد بود آن مرحوم نیز به آن اشاره نموده است.

محمود یکتا در اخلاق و هنر بازیگری نمونه است که در دورانی طولانی الگوی بسیاری از سیاه‌بازان پس از خود - و از جمله یکی از مشهورترین شان سعدی افشار - بوده است. سیاه بازی که بنایه گفته خود با دیدن نقش آفرینی محمود یکتا این راه را برگزید.

محمود یکتا در سال‌های اخیر کمتر امکان حضور بر صحنه‌های نمایشی را یافته است. اما حضور تأثیرگذار او در دوران اوج چنان بوده که هنوز نیز خاطره‌ی این سیاه‌پوش چابک و خوش آواز در کنار بزرگان بلا منازع نمایش‌های سنتی در ذهن‌ها باقی است.



Mahmoud Yekta

The stage has not yet forgotten the man who made everyone laugh while playing the role of 'Siyah'. Mahmoud Rajabi Shemirani, referred to as Mahmoud Yekta, had been among the generation of great men such as Mehdi Mesri, Babraz Soltani, Hasan Shemshad, Abbas Moasses and so forth whose 'Yousef and Zoleikha', 'Four Darvishes' and 'Bijan and Manijeh' will remain alive forever in the mind of those who know him and have seen his works. He was famous for his delicate voice. Recently he has been rarely on stage but during his honourable lifetime, he has always been an influential artist and a peerless human being.



دوارد همین نواه الملانی مایش ره سنگی و آیینی

ضمیمه ۱

مقالات

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003

گونه‌هایی از نمایش ایرانی

نشانه‌های نمادینی از اسرار میترایی در ایران هرگز دیده نشده است. مشهور است که از دوره‌ی ساسانیان (سده‌ی سوم تا هفتم میلادی) دلکان، تردست کاران، بندبازان، سیرک بازان، نوازندهان و رقصندگان همگی نقش مهمی در سرگرم کردن مردم داشته‌اند. در همین دوره، تاریخ نگاران سده‌های دهم و یازدهم به تفصیل از دسته‌های شادی‌بخش و مضحك بر نشستن کوسه (کوسه‌بر نشین) سخن گفته‌اند. این چنین که در واپسین روز سرد پیش از بهار، مردزشت^۱، بی‌ریش و نیمه‌برهنه‌ای را که تعدادی مراقب همراهی اش می‌کرند، بر دارگوشی می‌نشانند. مرد، زاغکی رادریک دست می‌گرفت و با دست دیگر بدن آغشته به روغن اش را بادمی‌زد. جماعتی که از پیشکش اش می‌آمدند، از یک سویخ و برفراش می‌زند و از سوی دیگر هدیه نداشتند، خود با گل و جوهر، به دست مراقبان مردی بی‌ریش هدف قرار می‌گرفتند. این حرکت نمادین (شادباش پایان زمستان و آغاز بهار) پیش از هزار و هفت‌صد سال دیر پایید. این مراسم حتی تانقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با هم‌مندی شبانی در هیئت بزرگوهی و به شیوه‌ی هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد نیز اجرا شده است. جالب‌تر آنکه کوسه در ترکیه (Kose/Kosa) نیز شخصیتی شناخته شده است.

ایین دی به مهر که در سده‌های دهم و یازدهم بـانام بـتی کـن ذکر شـرفـته است، به دوران پیش از اسلام (و پیش از سده‌ی هفتم) بازمی‌گردد. در این مراسم، آدمک‌هایی را که از خمیر یا گل ساخته بودند در معابر و بر آستانه‌ی درها می‌گذاشتند و عابرین آن چنان که گویی در برابر پادشاه‌اند، در برابر آن‌ها سربه خاک می‌ساییدند. سپس حلقه‌ی مراسم را کوچک و کوچک‌تر می‌کردند و پیکره‌های رادر میان میان می‌سوزانند. با پیدایی اسلام (سده‌ی هفتم میلادی) در ایران، این آئین "بت‌پرستی" شناخته و برچیده شد.

ایین میرنوروزی نیز ریشه در ایران باستان دارد. در این جشن کارناوال مانند، پادشاهی مضمحل برگزیده می‌شده است تا چند روزی حکمرانی کند. این آئین که پیشینه‌اش به ۱۳۲۵ و شهر بجنورد (در شمال شرقی ایران) برمی‌گردد، بسیار مشابه جشن شراب و یا جشن ابلهان و پدر ابلهان در سده‌های میانی اروپای غربی است. مراسم کوسه و میرنوروزی را به احتمال زیادتاً پایان سده‌ی شانزدهم، قبطی‌های مصری اجرا می‌کردند.

بر اساس آنچه در تاریخ آمده است، نوشاخی (سده‌ی دهم)، آئین سوگواری‌ای که آوازه‌ی ایش را کین‌سیاوش می‌نامند، هزاره‌اصل در بخارا^۲ (و اکنون در ازبکستان) اجرامی شده است. سیاوش، این شاهزاده افسانه‌ای پیش از دوره اسلامی، به ناحق به دست پدرزنش کشته می‌شود. نام دیگر این آئین، گریستن معنی است. تامیانه‌های سده‌ی نوزدهم، آئین سیاوشون در جنوب ایران و ایالت فارس وجود داشته است. پیوندهایی بسیار ناگستینی و عمیق میان سوگواری سیاوش، پهلوان معصومی که به ناحق کشته می‌شود، و قهرمانان آئین نمایشی تعزیه که هزارها سال پس از آن متولد شد، وجود دارد.

پیشینه‌ی هنر داستان سرایی، نفایی، به گوسان‌های پارتبازمی‌گردد.

باستان شناسان براین باورند که چند پیکره‌ی کوچک (بعضی در موزه‌ی بروکلین نیویورک و تعدادی در گالری آبرایت شهر بوفالو) به همراه مهرها و تمبرهایی از غرب ایران که به ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردند (وبر آن‌ها نقش مردانی است شاخ بز کوهی بر سر کرده بدن بالبوه موبو شانده، چاروچ‌هایی پوشیده بالنگشت‌های برگشته به سوی بالا و طوق‌هایی عریض در دست) می‌توانند بیانگر خذایان، استادان و نگاهبانان بازی و یا ساحران اساطیری در نقش چارپایان و حیوانات انسان نمایانند. این چنین نیز می‌توان تفسیر کرد که این نقش بازان نقاب دار نیم مقنیس - نیم کفر آمیز، نخستین بازیگران ایرانی‌اند. در اکتبر سال ۵۲۲ پیش از میلاد مسیح، مُغی که بر تخت پادشاهی ایران زمین تکیه زده بود، به دست داریوش هخامنشی کشته می‌شود و بدین ترتیب بنیان مُغ کُشی نهاده می‌شود. آن گونه که بقصد سال پس از آن، هرود و تونس می‌گوید: "هر سال، فارس‌ها چنین روزی را به عنوان روز مُغ کُشی جشن می‌گیرند... آن‌ها یکپارچه مراسم این روز را برگزار می‌کنند و پیش از هر روز دیگری در سال ارج‌اش می‌نهند... این روز، مقدس‌ترین روز برای تمام فارس‌هاست..."

پژوهش‌گرانی چند براین باورند که این ضیافت نیز همانند جشن‌های دیگری چون میرنوروزی^۳ دی به مهر، ... به همان شکل برگزار می‌شده است. در حقیقت، از زمان الکساندر تا دوران فرمانروایی پارتی‌ها در ایران، نمایش‌های یونانی به زبان اصلی برای جنگجویان الکساندر در چادر-نمایش خانه‌های موقعت اجرامی شده است. بومی تراز آن، گوسان‌ها، خیناگرانی هستند که در دوره‌ی پارتی‌ها (سده‌ی سوم پیش از میلاد مسیح تا سده‌ی سوم میلادی) همراه با سازه خوانده‌اند.

در چنین ضیافتی که در گورستان برگزار می‌شده است مدیحه سرایان، طنزپردازان راویان، نوازندهان، بیت‌کنندگان، دستاوردهای گذشت و تفسیر گران زمان همگی حضور داشته‌اند... آن‌ها که سرآمد زمان خویش بودند، به تنها ی در برابر پادشاه نقش می‌باختند؛ دیگران نیز یادبار گاه و یا حول میز بزرگ مردی، صندلی هارا گرد هم می‌آورند و ارکستری تشکیل می‌دادند. تعدادی نیز آشکارا در میان روستاییان و در حضور آنان، نانی و نامی برای خود دست و پامی کردند.

گوسان‌های پارتی در ارمنستان (gusan) و گرجستان (magosanni) نیز بوده‌اند. آن‌ها از اسباب و لوازم آن دوره همانند نقاب یونانی چون میمون نیز استفاده می‌کرده‌اند.

ایین میترا از سده‌ی چهاردهم پیش از میلاد تا سده‌ی پنجم میلادی و ایران و هند تا گلستان در اروپا و این سوتاچین در آسیا گسترش یافته بود. دستیابی به مراتب گوناگون میتراترایی، نیازمند آداب و اسراری است که در آن‌ها، پیروان شان شاید به تأثیر از رومیان و یونانیان در هیئت حیوانات گوناگونی چون شیر و زاغ، حرکات، غرش‌ها و نعره‌های شان را بازمی‌افرینند. بالین حال، چنین

فرخ غفاری، آریه آوانسیان، لاله تقیان

کردند. شخصیت‌هایی که در شبیده به تصویر کشیده شده‌اند، همان قهرمانان واقعه کربلا بودند. بی‌شک این واپسین مرحله از سیر تکاملی طولانی مدت این آیین، پیش از آغاز شکل‌های کلامی و نمایشی آن است.

گملین، گرددشگر روسی، در سال ۱۷۷۰ میلادی برای نخستین بار واژه‌ی "تئاتر" را برای چنین مراسم‌ی مذهبی به کار برد. اما در حقیقت، در سال ۱۷۸۷ میلادی بود که یک انگلیسی به نام **ویلیام فرانکلین** پس از دین این نمایش در شیراز، آن به عنوان نخستین اجراهای تعزیه نام می‌برد. واژه‌ی "تعزیه" که در اصل اشاره به سوگ و شیون و زاری دارد، سرانجام در تعزیه خوانی به کار گرفته شد؛ گرچه ترکیب شبیه‌خوانی به نظر درست نمی‌آید.

شاهان قاجار و به ویژه **ناصرالدین شاه** (۱۲۲۷-۷۵) تعزیه را پر و بال دادند و حمایت‌اش کردند. مردم نیز به سهم خود در پذیرفتن و پرداختن به آن نقش مهمی را لیفا کردند. ناصرالدین شاه همچنین تکیه‌ی دولت که محل برگزاری تعزیه‌های جدی و مفصل بود را بنا کرد. این گونه‌ی نمایش آیینی چنان آوازه‌اش فراگیر شد که سر لوییس پلی، ایران‌شناسی انگلیسی، درباره‌اش می‌نویسد:

اگر قضاوت‌مان را برای موقوفیت یک اثر نمایشی بر تأثیر آن بر روی مخاطبانش استوار کنیم، تاکنون هیچ ترازدی ای در دنیا ای در اسلام همتای آنچه درباره‌ی حسن و حسین نوشته‌اند، آقیده نشده است.

دیگر مردان انگلیسی همچون **ادوارد گیبنز**، **تی. بی. مکولی** و متی **یوآنولد** و فرانسوی‌هایی چون **گوینو** و **ارنسٹ رنان** نیز توجهی مشابه به نمایش‌های مذهبی ایرانی داشته‌اند.

بن‌مایه‌ی این نمایش‌ها را روایت‌سفرهای امام و پیروانش از مدینه به بین‌الملوک، جنگ‌های او و در نهایت شهادت اش تشکیل می‌دهند. نمایش‌نامه‌هایی نیز در دست است که در آن ها از حضرت محمد و خاندانش، امامان و معصومین شیعه و داستان‌های قرآن و کتاب مقدس سخن گفته شده است. شاخص‌ترین شخصیت تمامی این نمایش‌ها حسین است؛ کسی که نماد معصومیت است و شفاعت کننده‌ی پیروانش. پاکی و مرگ ناجوانمردانه‌ی او (در قیاس با شخصیت سیاوش و آین به خاک سپاری اش که بیشتر بدان اشاره شد) و سرسپردگی اش به تقدیر، همگی سبب شده تا دوست اش بدارند و سوابیش اش کنند. او (مانند مسیح) نه تنها عهده‌دار شفاعت انسان‌ها در روز قیامت است، بلکه باقیانی کردن خود، آزادی را برای مسلمانان به ارمغان آورده است. نویسنده‌گان تعزیه نیز برای آنکه بر تأثیر نمایش بیفزایند و اشک بر چشم تماس‌گران بنشانند، از کارهایی چون تغییر رویدادهای تاریخی و یادگرگوئی شخصیت‌های ابیانی ندارند. بازیگران، بهتر بگوییم بازخوانانی که در جمهوری حسین اند، لباس سفید و سبز بر تن دارند و شعرهای آوازی خوانند، و در مقابل، اشیاق قرمز می‌پوشند و نسخه‌ی خود را آوازی نمی‌خوانند. متن نمایش‌ها هم همواره به فارسی منظوم و اغلب به قلم نویسنده‌گانی گمنام نگاشته می‌شود. بازیگران نیز که هریک به

نقال‌های افسانه‌های حمامی و یارمانس‌های مقامه‌وار عامیانه‌ی خود را در بارگاه شاهان، چایخانه‌ها و یامکان‌های عمومی، آن چنان که امروزه نیز هست، با حلقه‌ای که دور خود می‌سازند، حرکات دست و تغییر آهنگ صدایشان بازمی‌گویند. کتاب **طراز الکبر** در سده‌ی هفدهم از هنر نقالی بسیار سخن گفته است. میان سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۴ و در هنگامه‌ی برگزاری چهار دوره جشنواره‌ی **طوس** در مشهد، تلاش‌هایی برای دمین جانی تازه به پیکره‌ی این گونه‌ی نمایشی صورت گرفت.

[...]

دوران بالندگی شعایل گردانی به احتمال زیاد به سده‌ی شانزدهم برمی‌گردد. در این آیین، مردم‌شمايل گردان، بانمایش تصاویر مقدسی از شهیدان شیعیگری که بر شیشه‌ی یابوم نقش بسته‌اند، به روایت سرنوشت آن‌ها می‌پردازد. شعایل گردانی یا پرده‌داری هنوز هم پیشه‌ی تعدادی از مردان ایرانی است. از زمان قتل امام حسین، شیعیان هر سال، سالروز شهادت اش را آشکارا به سوگواری نشسته‌اند. در سده‌ی پازدهم، روشنگری و پرده‌برداشتن از سرانجام جگرسوزنوهی پسری پیامبر اسلام جان گرفت. **حسین واعظ کاشفي** (۱۵۰۱) در کتاب اش **روضه الشهدا** که از دردها و رنج‌های امام و نیز مرگ او سخن گفته است به طوری که بعد از سخنوران با نقل گوشه‌هایی از این کتاب که سخن از مصیبت‌های رفته برخاندان پیامبر می‌گوید، بر چشم مؤمنان اشک می‌نشانند و بردل هاشان داغ این گونه‌ی نمایش را مروزه روزخوانی می‌نمند. صفويان (سده‌ی شانزدهم تا هجدهم) گذشته از آن که تمامی آین‌های ذکر شده را پاس می‌داشتند، از حامیان راه‌اندازی دست نیز بودند. جهانگردان اروپایی حدوداً به دهه‌های آغازین سده‌ی پانزدهم اشاره کرده‌اند و اورده‌اند که این مراسم در ده روز اول ماه محرم با کوییدن بر سینه، زنجیرزن و... آغاز می‌شود و در روز دهم که روز شهادت کربلا بیان است به اوج خود رسد. پرهیز کاری و سرافکندگی شن، نماد افسوس آن ها از نبودن در کنار حسین در میدان نبرد است. بعضی علم می‌کشند که با تیغه‌های فلزی انعطاف‌پذیر، فانوس و پرهاي بلند شتر مرغ تزیین شده است. بعضی دیگر گرم‌شخصیت بخشیدن به رویدادهایی از زندگی امام و یارانش (مانند سفر ایشان و پیانی غم‌انگیز نبردشان) هستند. حجله‌ی قاسم، عموزاده‌ی حسین، رابر شترهای نهند و تنه‌های عظیم نخل را که نماد تابت امام است صدها مرد بر دوش می‌کشند. مرثیه سرایان و نوحه‌خوانانی که بر خود می‌گویند، همراهان همیشگی چین دسته‌هایی هستند. از سده‌ی هفدهم، این دسته‌های جای خود را به تابلوهای قابل حمل دادند که تصاویر صامت وی حرکتی بر آن هانقش بسته بود. در نامه‌ای که ژان **کالمارد** به سال ۱۶۴۱ میلادی از جهانگردی فرانسوی به نام **دو موترون** چاپ کرده است سخن از گونه‌ای نمایش که در میدان امام اصفهان اجرا شده است" به میان آورده است. در این نامه، او از تعاذا یا نمایش محیطیت صحبت کرده است و واژه‌ی "بازیگران" را برای حاضران در این نمایش به کار برده است. در سال‌های ۱۷۲۲ و ۱۷۳۵ میلادی، دو گردشگر بانام‌های **سالامنزو وون** گوچ، این پرده‌های ارابه‌های چرخ داری دیده‌اند که بر آن‌ها شبیه نقش

بازیگرانی که به شدت پای بند مذهب اند را می‌توان در فاصله گذاری بر تولت
برشت نیز یافت.

گرچه چنین قیاسی را سیار محتاطانه به کار بسته‌ایم، اما اشاره به آن خالی از لطف هم نیست. اجرای تعزیه‌ای این گونه، در واقع پلی می‌سازد میان زمان و مکان. قدرت اش چنان است که احساس تماشاگر را، حتی اگر داستان را هم بداند، به بازی می‌گیرد و هر بار که ارایه می‌شود پیوندی میان اجرای جدید و جوهره‌ی رویداد پدیدمی‌آورد. چنین نیروی عظیم ارتباطی‌ای، توجه بسیاری از کارگردانان و پژوهشگران از جمله پیتر بروک (کارگردان انگلیسی) ویرژی گروتفسکی (پژوهشگر لهستانی) را به سوی این نوع نمایش جلب کرده است. در همان دوره‌ها، کمدی‌هایی همچون گوش و یا آن چنان که بعداً تغییر نام داد، شبیه مضمون نیز وجود داشتند. مشهورترین این کمدی‌ها، شست بستن دیو، مالیات گرفتن جناب معین‌البلاء و یاسر گذشت شیر افکن هستند. این نمایش‌ها هرگز پارافراز از چارچوب نمایش‌های دینی نگذاشتند تا اراده حیطه‌ی نمایش‌های ملی غیردینی و اصیل شوند. به هر حال، با ورود غربی‌ها و ساز و کار سرگرم‌کننده‌شان و در نتیجه توجه نکردن مردم به تعزیه، دوران زوال این گونه‌ی نمایش آینین آغاز شد.

در آغاز دهه‌ی ۱۳۰۹، همزمان با حکومت رضا شاه پهلوی (۱۳۰۴-۲۰) و گرایش گسترده‌ی توده‌ی مردم به زرق و برق زندگی غربی به بهانه‌ی دوری از "حرکات و حشیانه مردم در جشن‌ها و شادی‌ها"، و به دنبال حمایت از دولت سنی ترکیه، تعزیه تعطیل شد. از آن پس، این نمایش تنها به شکلی ضعیف در بعضی روستاهای دورافتاده آن هم در خفا اجرامی شد. شاید به نوعی جان گرفتن دباره‌ی آن رابتون به سال ۱۳۲۰، همزمان با بیداری احساسات دینی مردم و سرنگونی رضا شاه نسبت داد. تعزیه بار هم تا سال ۱۳۳۹ مهجو را باقی ماند تا اینکه افرادی شروع به فعالیت در این زمینه کردند - از جمله پرویز صیاد که گوش‌هایی از تعزیه را گردآوری کرد و در تئاتر بیست و پنج شهریور (سنگلچ فعلی) - به نمایش گذاشت و با پژوهش‌های علمی خود، روحی تازه به این هنر مدیند. در سال ۱۳۴۶ تعزیه‌ی حربه کارگردانی خجسته کیا (۱۳۱۴) و پرویز صیاد (۱۳۱۶) در جشن هنر شیراز به روی صحنه رفت. در همین جشن‌ها در سال ۱۳۵۵ بود که همایش‌هایی بین‌المللی درباره‌ی هنر به سرپرستی پی. جی. شلکوفسکی شکل گرفت. در شیراز و در روستایی نزدیک آن به نام کترک نیز محمد باقر غفاری (۱۳۲۵) چهارده‌ی اجر از هفت نمایش مصیبت را به روی صحنه برداشت. نمایش‌ها رایگان و با حضور یکصد هزار تماشاگر اجرا شد.

پیشینه‌ی چنین فعالیت‌های نمایشی در ایران به گذشته‌های بسیار دور، یعنی زمانی که شاهان دلتک یا مسخره داشتند، بازمی‌گردد. به عنوان نمونه، مجلس گردان شاه عباس، کل عنایت دلکی بسیار بالاستعداد بود. آن چنان که به‌هرام بیضایی (۱۳۱۷) آورده است، در قرون هفدهم دسته‌ی مطلب ها به خانه‌ی توانمندان می‌رفتند و بالباس‌ها و اسبابی که در صنوق داشتند، به اجرای نمایش‌های موزیکال خنده‌دار و عاشقانه‌ای می‌پرداختند که بایک جنجال نمایشی و چند تدقیق و گریز پایان می‌گرفت. نمایش بعدی، دلکی بازی‌های با

قشری از طبقات جامعه تعلق دارند، بیشترشان حرفه‌ای نیستند و تنها در چنین مراسم مقدسی پای در میدان نمایش می‌گذارند. نقاب‌هایی نیز مانند نقاب شیطان در این گونه نمایش به کار گرفته می‌شود.

به شکرانه‌ی روزه‌خوانی و به ویژه تعزیه، موسیقی دستگاهی ایران نیز تحت تأثیر مذهب قرار گرفت. تیپانی در اندازه‌های گوناگون، انواع مختلف ترمیت، کرنا و سنج از جمله سازهایی هستند که در این اجراهای به کار گرفته می‌شوند.

از سال ۱۸۰۸ میلادی، جهانگردان زیادی تعزیه را با نمایش اسرار و نمایش مصیبت اروپای سده‌های میانه مقایسه کرده‌اند. برای روش ترشی مطلب شایسته است به دو گونه‌ی اجرای تعزیه اشاره کنیم: گونه‌ی نخست، تعزیه حرکت و گونه‌ی دیگر تعزیه ایستانام دارد. در تعزیه حرکت، بازیگران همچنان که گرد می‌چرخند و بانگ بر می‌کشند، پرده‌هایی در پی نمایش را مجرامي کنند و گاه نیز به میان جماعت تماشاگر می‌روند. این دسته‌ها، نه تنها گونه‌های مشابهی در اروپای سده‌های میانه دارد، بلکه قرابت غربی نیز با جشن‌های هفت‌های مصیبت در گواتمالا، مراسم تشییع پیکر پدر روحانی در سیسیل و عیدپاک در سیزده رومانو (شهری نزدیک روم) دارد.

اجرای تعزیه، آدابی مخصوص به خود دارد: چرخیدن به دور سکو - پیاده و یا سوار بر اسب - نشان رفتن از جایی به جای دیگر است؛ مسابقه‌ی سواران چنگجو به دور سکون نماد نبرداشت؛ چرخش بازیگر به دور خود به معنای جابجایی و یا تغییر شخصیت است؛ حوض آب در میانه‌ی میدان، رود فرات را در ذهن تداعی می‌کند؛ و خار و خاشاک یاد اورش زارهای بین‌النهرین است. نقش زنان را در نمایش، همواره مردان را بنده پیچی بازی می‌کنند که قرار نیست به هیچ وجه، بازی‌شان رنگ و بوی زنانگی داشته باشد.

کارگردان تعزیه را معین‌البلاء و یا تعزیه گردان می‌نامند. او پیوسته بر صحنه حضور دارد و متن هارامیان بازیگرانی پخش می‌کند که تنها تعدادی از آن ها متن خود را از بُرند. او حتی گاه به ضرب چوب دستی اش به شخصیت‌های اصلی دور و برش خط می‌دهد. بردن و اوردن اسباب صحنه (مانند پرت کردن تکه‌ای پنجه‌ی آگشته به خون به میانه‌ی صحنه به نشانه‌ی بدن خونی) نیز از جمله وظایف اوست. تعزیه از آن جهت در خور توجه است که تلمیح به کار رفته در واقعه‌ی کربلا، گاه با تکنیک پس نگاه (flash back) در مجلس امیر تیمور و گاه با "پیش نگاه" (flash-forward) در موسی و درویش بیانی، جایی که پیامبر قوم یهود شاهد ناظر شهادت حسین است، روایت می‌شود.

وجود نداشتن چیزی به نام پشت صحنه و انتظار بازیگران برای ایفای نقش در اطراف صحنه و نیز ارتباط دائمی میان بازیگر و تماشاگری که حضور پر نگاش با کوشن بر سینه، گریستن هنگام غم و خنده‌ی دین و بی احترامی به اشقيا کامل‌آیه چشم می‌آید همگی نشان از وجود نوعی مدرنيسم ناخودآگاه در اجرای چنین نمایش‌هایی دارد. مهمترین سویه‌ی نمایش برای حاضرین در تعزیه، چه بازیگران و چه تماشاگران، سویه‌ی مذهبی و دینی آن است. آن چنان که بازیگران نقش اشقيا در ایفای نقش خویش احساس گناه می‌کنند و پیش از کشتن قربانی‌شان، باحالتی حزن‌انگیز طلب آمرزش می‌کنند و می‌گریند. چنین احساس دو گانه‌ی

روحوضی، لال بازی است که از رقص مایه گرفته است. این گونه کمدی‌های عامه پسند در سال ۱۲۹۶ در تهران به روی صحنه برده شدند.

از روحوضی گردانان مشهور دهه‌ی ۱۲۹۹ می‌توان به **اکبر سرشار، احمد مؤید و ببراز سلطانی** و دو سیاه برجسته به نام‌های **ذبیح الله ماهری و مهدی مسری** اشاره کرد. در این دوره شخصیتی به نام ذکلی وارد این نوع نمایش شد که کارش تمثیل ایرانی‌های غرب زده بود.

در سال ۱۳۰۹، به خاطر طبیعت سیاسی و گاه‌زننده‌ی بدهاهه‌پردازی‌های روحوضی، سانسور چیان رضاشاه پهلوی تصمیم به خواندن متن نمایش‌ها پیش از اجرای آن‌ها گرفتند. از آن‌جا که چنین کاری به کلی باروح بدهاهه‌پردازی در تعارض است، این نمایش سنتی بسیاری از جنبه‌های انتقادی اش را لذت داد. در واکنش به این حرکت، دست‌اندرکاران نمایش از بازیگران گرفته تا نوازندگان و عروسک‌گردانان باعنوان "دسته‌های مستقل" بساط خود را مقابل دکان‌های خیابان **سیرووس** تهران پهن کردند.

زنان نیز کمدی‌های بدهاهه‌پردازانه‌ی خود را داشتند. این اجراهایکه به طور خصوصی و در خانه اجرامی شد و نه تنه‌بازی‌گران (که نقش مردان را نیز بازی می‌کردند) بلکه تماشاگران نیز ببابر سنت، همگی زن بودند **رسیدابوالقاسم انجوی شیرازی**، فولکور شناس و پژوهش‌گر ایرانی، بازی‌های نمایشی نامیده است. این نمایش‌های نیز مانند روحوضی، هجوم‌آمیز و انتقادی بوده‌اند. گونه‌ی زنانه‌ی آن بیشتر متکی بر رقص و آواز است و باز همانند روحوضی، موقعیت‌های بنیادین قصه و شخصیت‌های ثابت آن از پیش به همگان معرفی می‌شوند.

این بازی‌های بدان جهت طراحی شده‌اند تا فرادی‌بیشتری بتوانند در آن‌ها شرکت کنند. به همین دلیل، داستان‌ها، پی‌ساخت‌ها، شعرها و رقص‌ها و حرکات، آسان و تکراری‌اند و براساس الگویی خاص بینان نهاده شده‌اند. بن‌مایه‌ی این نمایش‌ها چنان است که زن سنتی ایرانی آن را پسندد: جلب رضایت شوهر، خیانت، تولد فرزندان حرامزاده، اجبار و الدین به ازدواج دختر بامردی که یا دوست‌اش نداردو یانمی‌شناسد اش، درگیری‌های مداوم با مادر شوهر (که معمولاً تازه عروس‌ها با او زندگی می‌کنند) و بالاخره رفتار مناسب و دوراندیشه‌انه. دامنه‌دارترین این بازی‌ها، خاله‌رورو است که در آن، زن جوان به خانه‌ی خاله‌اش می‌رود (در فارسی، "خاله" و ازهای است که برای احترام به زن‌های مسن تر نیز اطلاق می‌شود) تا به او بگوید که یک ماه است ازدواج کرده و باردار است. در جریان بازی، زن جوان بالباشتن پارچه زیر لباس خود، سعی در تظاهر به حاملگی و سپس زیمان باقاعدگی هرچه بیشتر دارد. در صحنه‌ی تولد، قابل‌های سوار بر دارز گوشی (که نقش اش را زن دیگری بازی می‌کند) در حالی که جیغ می‌کشد و ناسازمی‌گوید، وارد می‌شود؛ چرا که قبله از حضور در چنین تولد مشکوکی ناخشون است. مادر جوان هم همچنان که دور می‌چرخد و می‌رقصد، سعی در یافتن پر بچه دارد. تاینکه سرانجام، او پارچه‌هارا از زیر لباس اش خارج می‌کند و معلوم می‌شود که خالی بوده است. سپس همگی با هم می‌خوانند: "همش بدیود".

برگفته از دانشنامه جهانی تئاتر معاصر (۴۰۰ جلد)

کلامی بود که به آنها تقليد می‌گفتند. **زان شاردن**، تاجر و جهانگرد فرانسوی، باشاره به بازیگران نقاب داری که هجوهای به مدت سه ساعت را جدا می‌کردند و در نهایت "بی‌شرمی" و "وقاحت" می‌رقصدند، توانایی بندبازان و شعبدیازان ایرانی را تحسین می‌کند.

نمایش‌های دیگری هم که بیشتر شناخته شده بودند، عبارت بودندار چلکبازی، بقالبازی و رویندبازی. در رویندبازی، بازیگران با برقوب پاهاراه می‌رفند و پراهن‌های بلند می‌پوشیدند. این گونه کمدی‌هادر مناسبت‌هایی چون تولد ازدواج و ختنه‌سوان در چایخانه‌ها و یاد رخانه‌های شخصی اجرا می‌شده است. کمدی‌هایی این گونه را که از نقاب نیز استفاده می‌کرند روحوضی می‌نامند. بدین ترتیب که منطقه‌ای مرکزی در مکان‌های عمومی و یا حیاط خانه‌های دارند نظر می‌گرفتند و روی حوض آبی که در همه‌ی خانه‌ها بود را با الوارهای چوب و فرش می‌پوشانند. نخستین این‌گونه اجراهای با چنین آرایش صحنه‌ای که به آن تخته روحوضی می‌گویند را در شیراز دوران کریم خان زند گزارش کرده‌اند. بنابراین اصطلاح "روحوضی" یا "تخته روحوضی" کم‌کم برای این‌گونه کمدی‌های سنتی و بدهاهه‌پردازانه‌ی ایرانی در شهرها و روستاهای کار گرفته شد.

شخصیت اصلی روحوضی سیاه است که پیشینه‌ی حضورش در نمایش مشخص نیست. کسی که سیاه را بازی می‌کند، صورت و دست‌هایش را بروغن و دوده سیاه می‌کند و همانند برگان سیاه ایرانیان پیشین، بی‌پرده و گاه‌زننده صحبت می‌کند (مانند همتاها یش در کمدی سنتی عربی، قه‌گوز و ازتا یوم ترکی و دلقک کمدی دلازمه). او آزادانه مقامات عالی رتبه، ثروتمندان و کاستی‌های اجتماعی را به بادان تقادمی گیرد و گاه مانند "فرزانگان ابله نما" در مکتب تصوف ایرانی، با عباراتی چون "بی‌مسئلت" و یا "سیاه‌احمق‌الله" خود را مسخره می‌کند. سیاه بسیار می‌کوشد تا خود را جسوس جلوه دهد. حاجی ثروتمند و سالخورده، همسر و پسر و دخترش و نیز خدمتکار او از دیگر شخصیت‌های این نوع نمایش هستند. روحوضی، مشابه کمدی دلازمه، بدون متن است و هر بازیگر براساس طرحی که به او گفته می‌شود، بدهاهه‌گویی می‌کند.

ناصرالدین شاه، مردی که هم به نمایش‌های سنتی ایران علاقه داشت و هم به تئاتر غربی، در بارگاه خود، دلقک‌هایی ماهر و مشهور داشت. شاخص ترین آن‌ها **کریم شیرهای** بود که تخصص اش بقالبازی بود و به اشتباہ مجموعه متن‌هایی که با عنوان **مقال بازی در حضور مشهور** است را به او نسبت می‌دهند. لازم به ذکر است که این کتاب، مجموعه‌ای گرانبهای درباره‌ی شیوه‌ی جرای کمدی است. دیگر لودهی مشهور دربار ناصرالدین شاه، **اسماعیل بزاز** بوده است که در اجراهایش (به تقلید از **مولیرو**) شخصیت سنتی بقال را به شخصیت‌هایی مانند طبیب دربار، سرهنگ و یا حتی ریس پلیس تهران که در سال ۱۲۶۲ او را دستگیر و مجازات کرده‌اند، تبدیل کرد.

در سده‌ی بیستم، گرچه در نمایه‌ی این نمایش‌ها بیشتر شبیه تاریخی شد، اما همچنان نشانه‌هایی از انتقادهای سیاه از اوضاع و احوال زمانه‌اش به چشم می‌خورد. او که با اربابش ریامی کند و جانب عاشق‌هارا می‌گیرد، نقش لال‌هارا بازی می‌کند و در پایان به تماشاگران درس اخلاقی می‌دهد. از زیرشاخه‌های

and even the chief of the Tehran police who in 1883 reacted and had him beaten.

In the twentieth century, these plays were filled with mainly pseudo-historical subject matter but included elements of contemporary criticism by the siyah, who double-deals his master, favours the lovers, plays dumb and at the end shows the audience the moral. A subgrouping of the *Ruhazi* is the pantomime genre, *lal bazi* (Play of the Mute), which emerged more from dance. In about 1917, popular comedies of this type began to appear in Tehran.

Famous purveyors of *ruhizi* in the 1920s were Akbar Sarshar, Ahmad Mo'ayed, Babraz Soltani, and two admirable: Zabiollah Mahari and Mehdi Mesri. During this period, a new character emerged who mocked westernized Iranians, the *fokoli* (from the French *faux col*, detachable collar).

Because of the often bawdy or political nature of improvised performances, in 1930, Reza Shah Pahlavi's censorship officers began demanding to see texts for *ruhizi* plays in advance. Against the spirit of improvisation, it severely restricted their critical aspects. In response, entertainers, actors, musicians and puppeteers would often call their performances 'private parties' and shows would take place in shop-fronts on Cyrus Avenue in Tehran.

Women also had their own improvised comic performances with entirely female casts (acting even the male parts). Privately performed in houses and traditionally viewed only by women, the most appropriate term for this type of play was coined by S.A. Enjavi Shirazi, an Iranian folklorist and literary scholar who called it *bazi-ha-ye namayeshi* (Theatre Games). Like the *ruhizi*, it is usually satirical and criticizes those with power. The women's

version relies more heavily Oil dance and patter songs; like *ruhizi*, the basic story situations and stock characters are known to everyone in advance.

These games are designed so that most, if not all, members may participate. For this reason, the stories, plots, verses, dances and movements may appear to be simple, formulaic and repetitive. The subject matter of these games indicate the types of issues that interest traditional Iranian women: keeping a husband's interest, infidelity, children born out of wedlock, being forced to marry a man one does not like or know and who has been chosen by one's parents, problems with female in-laws (with whom a young bride traditionally lives), proper and circumspect behaviour.

The most elaborate of the games is the one called *khaleh ro-ro* (Auntie ro-ro), an enactment by a young woman who comes to her maternal aunt (*Khale*, is also a term of endearment for any older woman) to tell her she is 'one month married and two months gone'. She is also unsure who the father is: 'the butcher, the baker or the candlestick maker'. During the course of the game, the woman stuffs her clothes with rags and with extreme verisimilitude she emulates pregnancy and eventually childbirth. The birth scene includes a midwife who enters riding a donkey (played by one of the other women), yelling, screaming and cursing. The midwife is unhappy at participating in such a dubious birth. The young mother dances round the circle of women speculating on who the father might be. Finally she unfurls the blanket showing it to be empty and chanting '*hamash bad bud*' ('it was empty')...

maskhareh (jesters and buffoons). Shah Abbas (1588-1629) had a celebrated entertainer, Kal Enayat (Enayat, the Bald), who was apparently an extremely talented clown. According to Bahram Beyza'i (b. 1938), in the seventeenth century troupes of *motreb* (musicians and dancers) visited rich houses, their costumes and paraphernalia in *sandoq* (trunks), performing amorous and comic musical sketches culminating in a staged brawl and an escape. Dialogued buffoonery called *taqlid* (imitations) came next. Jean Chardin, the French merchant and traveller (in Persia, 1664-77), admiring the ability of Iranian acrobats and conjurers, mentions actors wearing masks performing three-hour farces and dances full of 'insolence' and 'lewdness'. In the beginning of the eighteenth century, when the Shi'i clergy forbade the appearance of women as dancers and players, young boys with unbroken voices replaced them en travesti, creating much ambiguity.

Other shows are known from this earlier period, including *kachalak bazi* (The Play of the Bald), *baqqal bazi* (The Play of the Grocer) and *ruband bazi* (The Play of the Mask). In the latter, actors walk on stilts wearing long robes. These comedies were performed in teahouses as well as in private houses on occasions of marriages, births and circumcisions. Masks were used in such popular comedies which were known generally as *ruhozi*. Utilizing a central area in public places or courtyards of houses, the traditional pools of water were covered by wooden planks and carpets. This kind of arrangement, known as *takht-e hozi* (planks over the pool), was apparently first seen in Shiraz in the presence of King Karim Khan Zand (1750-79). So the term *ruhozi* (over the pool) or *takht-e hozi*

(planks over the pool) became generic names for these improvised Persian traditional comedies, both in cities and rural areas.

The principal character of *ruhozi* is the *siyah* (a man in black face) whose date of appearance is unknown. The actor playing him blackens his face and hands with soot and grease, talks with the accent of former Iranian black slaves using crude and obscene vocabulary (like his counter-parts in traditional Arabian comedies, Turkish *karagöz* and *ortaoyunu* and similar to Harlequin in *commedia dell'arte*). He freely criticizes dignitaries, rich men and social defects, and personally humiliates himself with the phrase: 'irresponsible, stupid simpleton Negro' (as the 'wise fools' in the tradition of Iranian mystics). He also manages to be very daring. Other characters in *ruhozi* are the rich and aged *haji*, his wife, son, daughter and her suitor. Similar to the *commedia dell'arte*, *ruhozi* has no written text and each player improvises on a given plot. In the beginning of the nineteenth century, Chodzko mentions that these plays mocked the mullahs including their acts of ablution and leeching.

Naser al-din Shah (1848-96), a man interested in both Iranian traditional performances and western-style theatre, had famous court jesters. The best known of his buffoons was Karim Shire'i (Karim the Sweet) who specialized in *baqqal bazi* and to whom was attributed a certain text erroneously called *baqqal bazi dar Hozur* (Baqbal Bazi in the Presence of the Shah). The text contains interesting information on comic acting. The other well known entertainer of the same Shah was Esma'il Bazzaz (Esmail, the Draper) who in his plays (unsuccessfully imitating Moliere) changed the classical *baqqal* (grocer) into other characters such as a court physician, a colonel,

remarkable in that the allusion to the tragedy of Karbela is sometimes shown in 'flashback' in the *majles-e Amir-Teymur* (T'amerlane Play) and other times as an event to come or a 'flash forth' as in *Musa va darvish-e biabani* (Moses and the Wandering Dervish) where the Jewish prophet foresees the martyrdom of Hosseyn.

The unintentional modernity of such drama is also apparent: the absence of a backstage, leaving the players to wait their turn on the sides; permanent contact between stage and audience, the latter, participating constantly by weeping and breast-beating in sign of sorrow, or laughing loudly and even molesting the villains. To be realized as well in *ta'ziyeh* is the fact that for those involved (both executants and audience) the religious ritual is primary: men acting villains feel guilty in their roles and, before killing their victims, weep in sorrowful apology. This double consciousness by the actors, who are deeply religious, can be compared to Bertolt Brecht's Verfremdungseffekt. Even if such a comparison is made with reservations, it is an interesting phenomenon to note. A *ta'ziyeh* performance in this sense bridges the gap between time and space. Its power is such that the audience, despite the fact that it knows the story by heart, participates in it emotionally and, every time it is presented, connects in every new production with the essence of the events. This profoundly communicative power of *ta'ziyeh* performances has attracted the attention of many contemporary stage directors and researchers including the English director Peter Brook and the Polish researcher Jerzy Grotowski.

Right from the beginning there were also comic plays included in the performances called *gusheh* or, as known much later, *shabih-*

e mozhek. The best known are *shast bastan-e div* (The Tying of the Demon's Thumb) or *maliyat gereftan-e jenab-e mo'in al-boka* (The Impositions of mo'in al-boka) or *sargozasht-e shirafkan* (The Adventures of Shirafkan). These plays, however, never broke away from religious drama to become an authentic secular national theatre. Instead, western entertainments arrived, and the *ta'ziyeh* entered an age of decay, eventually not attracting audiences at all.

In the early 1930s, during the rule of Reza Shah Pahlavi (1925-41) and a growing attraction towards western life, under the pretext of avoiding 'barbaric acts of mass exaltation' and in deference to the Turkish Sunni state, *ta'ziyeh* was banned. It survived but in a decayed and clandestine form in remote villages and resurfaced only with the revival of religious sentiment after the abdication of the shah in 1941. It remained in a poor state until the beginning of the 1960s, when intellectuals began scholarly research and gave encouragement to it by having the ban lifted and presenting fragments of *ta'ziyeh*, as compiled by Parviz Sayyad (b. 1937) in the *Bistopanj-e Shahrivar* Hall. A complete *ta'ziyeh* performance, *Ta'ziyeh-e Hor*, was finally presented during Shiraz Festival of Arts (1967) directed by Khojasteh Kia (b. 1935) and Parviz Sayyad. The same festival in 1976 initiated an international seminar on the art organized by P.j. Chelkowski. In Shiraz and a nearby village Kaftarak, fourteen performances of seven passion plays were organized by Mohammad Bagher Ghaffari (b. 1946). This was presented free of charge and was attended by 100,000 spectators.

Such theatrical activities in Iran go far back in time. Iranian shahs always had *dalqaks* or

Frenchmen such as Arthur Gobineau and Ernest Renan paid similar tributes to this Persian religious drama.

The contents of these plays narrate the journey of the Imam and his people from Medina to Mesopotamia, his battles and his martyrdom. There are also plays concerning the Prophet Muhammad and his family, the Shi'i saints and holy men, Quranic and biblical stories. The most prominent character in all is Hosseyn, who personifies innocence and is the intercessor of the believers. His purity and unjust death (compared with the character of *siyavosh* and his funeral ritual, mentioned earlier) and submission to fate causes him to be loved and worshipped. He is also (like Jesus) the intercessor for humanity on the day of judgement; for the redemption of all Muslims he sacrifices himself. To create effects and make people cry, it should be pointed out that authors of *ta'ziyeh* not only take liberties in changing historical facts but also transform characters.

[...]

Performers (more correctly termed 'Readers') playing the holy men and their followers in the *ta'ziyeh* are dressed in green or white, their adversaries (the villains) in red. The plays are always written in Persian and in verse, mostly by anonymous authors. The performers representing good characters sing the verse while those playing villains only recite it. The performers, not generally professional actors, come from all walks of life and play only on sacred occasions. Some masks, especially of the demon, are also used.

Thanks to the *rowze khani* and especially to the *ta'ziyeh*, Iranian classical music also survived under religious cover. Instruments used in performances include various sizes of

kettle-drums, several types of different trumpets, *karna* (an elongated horn heralding sorrow) and cymbals.

Since 1808 foreign travellers compared *ta'ziyeh* to the mystery and passion plays of the European Middle Ages. To make the comparison clearer, it should be said that there are two kinds of *ta'ziyeh* performances: the stationary ones and the mobile ones. In the latter, the executants roar around the streets playing consecutive episodes as they move through standing crowds. Such processions have not only medieval European resemblances but also an affinity with the Passion Week Celebrations in Guatemala; the Corpus Domini in Sicily and the Easter Procession at Sezze Romano, near Rome.

A performance of *ta'ziyeh* has special rules: circling around the *sakku* on foot or horseback means going from one place to another; a race around the *sakku* by armed horsemen symbolizes a battle; a person turning around himself means a change of place or character; a large basin of water represents the river Euphrates; and straw plays the role of the Mesopotamian desert sand. The parts of women are always played by veiled men who are not supposed to act in an effeminate manner.

The director of the performance is called *mo'in-al-boka* (the one who helps to bring tears) or *ta'ziyeh gardan* (*ta'ziyeh* director). He is constantly on the platform distributing written texts among the performers, who do not necessarily know them by heart. He also orders the protagonists around, sometimes even by prodding them with his club. He brings and removes the stage properties (for example, by clipping a piece of cotton wool in sheep blood and throwing it across the stage, he represents bloody flesh). The *ta'ziyeh* is

dramatic events are now known as *rowz-e khani* (Recitation of the Threnody).

The Safavid dynasty (sixteenth to eighteenth centuries) encouraged all of these above-mentioned rites and, in addition, patronized *dasteh* (elaborate religious processions). Beginning in the fifteenth century, European travellers remarked on and later described these processions which often took place on the first ten days of the Muslim month of Moharram, culminating on the tenth day with the martyrdom in Karbela. These *dastehs* beat their breasts, flagellated themselves with chains, attached locks to their flesh, and struck their heads with daggers (like the acts practised by Filipinos during Holy Week). At times, these *dastehs* fought with each other as well since they came from different neighbourhoods. Considered pious exercises and mortifications, they symbolize remorse for not being present to help Hosseyn. Some carry *alam* (big heavy metallic standards) decorated with tall flexible steel blades, lanterns and long ostrich feathers. Some personify events from the life of the Imam and his companions, such as their journey and tragic end. Camels might bear the bridal chamber of the unfortunate Qasem, nephew of Hosseyn, while decorated horses might carry *nakhl*, huge wooden structures, symbolizing the Imam's coffin. The biggest *nakhl*, in the city of Yazd, usually had to be carried by several hundred men. The entire procession was accompanied by dirge singers beating themselves.

Since the seventeenth century, these processions were transformed into mobile tableaux vivants. Jean Calmard has published a letter in which a French traveller in 1641, de Montheron, describes 'a kind of dramatic performance given in the Royal Square of

Isfahan'. He speaks of a *tamasha* or *Spectacle de Douleur*, and uses the word 'players' for the participants in these lively scenes.

In 1722 and 1735, two travellers, Salamons and Van Goch, saw these tableaux carried on wheeled chariots, showing *shabih*, personified silent characters representing the protagonists of the Karbela tragedy. This is clearly the last stage of the lengthy evolution of a ritual before it becomes verbal and takes dramatic form. In early 1770, Gmelin, a Russian traveller used the word theatre for the first time for these religious celebrations. But, in fact, it was in 1787 that an Englishman, William Franklin, saw in Shiraz and described what may be considered one of the earliest performances of *ta'ziyeh*. The word '*ta'ziyeh*' which originally referred to condolences and mourning, eventually came to mean tragic play, *ta'ziyeh khani*. In fact, the more correct term would be *shabih khani* (play of impersonation).

Ta'ziyeh progressed and flourished under the patronage of the Qajar shahs, particularly Naser - al- din Shah (1848-96) and was equally well received and actively supported by the general public. The same shah constructed *takiyah dowlat* in which the official and elaborate *ta'ziyeh* were performed. This ritual theatre genre became so renowned that an English Iranologist, Sir Lewis Pelly, wrote:

"If the success of a drama is to be measured by the effects which it produces upon the people for whom it is composed or upon the audience before it is represented, no play has ever surpassed the tragedy known in the Musulman world as that of Hassan and Hosseyn."

Other Englishmen, like Edward Gibbons, T.B. Macaulay and Matthew Arnold and

with gifts. The unfortunates who gave no donations were themselves splashed with ink and mud by the guards of the beardless man. This symbolic right of passage (celebrating winter's end and spring's beginning) survived for more than seventeen hundred years and was still seen up to the Islamic Revolution in 1979, performed by shepherds disguised almost like the ibex man of the fourth millennium BC. The *kuseh* character, it should be noted, is well known in Turkey as the *kose* or *kosa*.

The ritual of *day be mehr*, otherwise referred to in the tenth and eleventh centuries as *botikan* (Day of Idols) must also date back to pre-Islamic Iran (prior to the seventh century). Dummies made of mud or dough were left to harden against doorways in the streets, the passing crowds bowed to these as if to kings and brought the ritual to a close by burning effigies. With the advent of Islam in Iran (seventh century AD) this custom was deemed 'idolatrous' and banned.

The *mir-e nowrouzi* (The Prince of the New Year) ritual also originates from ancient Iran. In this carnival-like ceremony a farcical king was elected for a reign of just a few days. This rite, which survived until 1946 in Bojnurd (northeast of Iran), was very similar to the *Fete des Vignerons* or *Fete des Fous* of the western European Middle Ages with its *Pape des Fous* (Pope of Fools). The rites of *kuseh* and *mir-e nowrouzi* seem to have been practised by Egyptian Copts until the end of the sixteenth century.

According to the historian *narshakhi* (tenth century), a mourning ritual with songs called *kin-e siyavosh* (Revenge of Siyavosh) had been taking place in Bokhara (now in Uzbekistan) for 'millennia'. *Siyavosh* was a pre-Islamic legendary prince, innocently killed by his

father-in-law. This ritual is also referred to as *geristan-e moghan* (The Weeping of the Magi). Up to the mid-nineteenth century, the ritual of *siyavoshun* existed in the southern Iranian province of Fars. There are strong similarities between the mourning of *siyavosh*, a sinless hero killed unjustly, and the heroes of the *ta'ziyah* ritual drama which appeared some thousand years later.

The art of story-telling, *naqqali*, dates back at least to the Parthian *gosan*. In royal courts, public squares or tea houses the *naqqai* recounted, as he still does at the present time, tales of epic legends or popular picaresque romances by means of mime, hand gestures and varied vocal pitches. In the seventeenth century, *taraz-al-akbar*, a manual, was devoted to the art of *naqqal*. An attempt to revitalize this genre was made in Mashhad (in the northeast) during the four Festivals of Tus between 1975 and 1978.

[...]

The *shamayel gardani* (Holding of the Icon) probably evolved in the sixteenth century. This event, in which a man, *shamayel gardan*, would exhibit holy pictures painted on canvas or on glass, narrating the fate of the martyrs of Shiism - *Shamayel gardani* or *pard-e dari* is still practised in Iran.

Since the murder of Imam Hosseyn, the Shiis have mourned him officially on the anniversary of his martyrdom. In the eleventh century, preaching on the tragic end of the Prophet's grandson was instituted. In 1501 Hosseyn Va'ez Kashefi wrote his *rozat - al-shohada* (Garden of the Martyrs) on the sufferings and death of the Imam. Thereafter orators recited extracts of this book, drawing from the believers tears and lamentations or the calamities of the Prophet's family. These

Some Iranian Theatre Genres

Archaeologists believe that certain figurines (some in the Brooklyn Museum in New York and some in the Albright Art Gallery in Buffalo) along with seals and stamps from western Iran dating to late 4000 BC (depicting men with ibex-horned heads, hairy bodies, wearing shoes with turned-up toes and carrying wide collars which recede down their backs into birds' tails) could represent gods or 'masters and protectors of game' or 'mythical sorcerers playing the part of animals or humanized animals'. It is also possible, however, that they were masked actors, half sacred, half profane, who served as Iran's earliest entertainers.

In October 522 BC, a Magus who had usurped the Iranian throne was killed by Darius of the Achaemenian dynasty, thus beginning a general massacre of the Magi. One hundred years later Herodotus says, 'This day was celebrated each year as the feast of Magophonia or the day of the slaughter of the Magi ... the Persians observe this day with one accord, and keep it more strictly than any other in the whole year ... this day is the greatest holy day that all Persians alike keep...'

Certain scholars believe that this feast probably continued in the form of other celebrations like *mir-e nowrouzi*, *day be mehr*, and *omar koshan*. Indeed from the time of Alexander and later under the Parthians, Greek theatre was performed in the original language in Iran for Alexander's army in temporary tent theatres. More indigenous is the *gosan*, a mistral poet who sung accompanied by a musical instrument during the Parthian period (third century BC to third century AD).

"Present at the graveside and at the feast; eulogist, satirist, story-teller, musician, recorder of past achievements and

commentator of his own times ... some were the laureates of their age, performing alone before kings; others provided together chair or orchestra at court or a great man's table, and yet others, it is plain, won a humble livelihood and local fame among peasants and in public places."

Parthian *Gosans* were also in Armenia (*gusan*) and Georgia (*magosanni*). Objects from the same era also prove that animal masks were used, such as those of monkeys.

The Mithra god cult (from the fourteenth century BC to the fifth century AD) spread from India and Iran into Europe (as far as England) and Asia (China) adapting to the various locales. Access to the different hierarchies of Mithraism required rituals or 'mysteries' in which the believers would wear the guise and masks (perhaps due to Greek or Roman influence) of various animals (lions, crows, etc.) imitating their roars, cries and movements. Nevertheless there are no iconographical vestiges of Mithraic mysteries in Iran.

It is known that since the Sassanian period (third to seventh centuries AD) buffoons, jugglers, tightrope walkers, tumblers, musicians and dancers all played an important part in public entertainment. During the same dynasty, there existed the merry and grotesque procession of the *barneshastan-e kuseh* (The Ride of the Beardless Man), discussed at length by Iranian historians of the tenth and eleventh centuries. On a cold day just before spring, a half-naked beardless ugly man, accompanied by his guards, would mount an ass, his body covered with ointment, a crow in one hand and would fan himself with the other. The crowds trailing behind would throw snow and ice at him and at the same time bestow him



دوارد همنین واره یین جملانی مای شره سنتری و آئینی

۲ صمیمه

بے یاد گنسته

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003



آن همواره عزیز...

...علی حاتمی در حفظاً مثل های موزون و ترانه های لا ادری، حافظه‌ی بسیط داشت و اغلب زهر خبرهای آزار دهنده را بازممہی ترانه بی برطرف کرد.
آچه در این حکایت امده مستند است. به هنگام ساختن فیلم "بایشمل"، در سفر کاشان چمنان و کیف پول مدیر تهیه‌ی فیلم، به سرقت رفت. وقتی با هزار ترس و لرز، خبر را با علی حاتمی- به عنوان مسئول مستقیم اداره گروه- در میان گذاشتند، آن همواره عزیز، واکنشی نشان داد که در این حکایت می خوانید.

مقدمه

...و بدان که در سپس حاتم طالی، حاتمی دیگر پا به عرصه‌ی وجود گذاشت که چون حاتم دوم بود و از سخاوت هم دوچندان سیرت داشت، "حاتم دو طالی" نام بردار شد.

حکایت

در خبر است که ریزه خواران خوان بدل و فضولان اهل فضل، حاتم دوطالی را در معبر عام، بی وقعي به ازدحام، به تغفی دست افشار و به ترقی پایکوبان دیدند. پس مریدان، آن دو طالی حاتم را گفتند:

- پیر شما را مشتاق طلب همی انگاشتیم، نه مشاق طرب!
و زان بواججه سبب پرسیدند. خلیفه‌ی حلقه‌ی مریدان گفت:

- در خدمت پیر، به قافله طی مرحله می کردیم که شبانگاهان طراری زبردست همیان قافله سالار گشود و دینار ربود و بار خود را بست. به خبر هایل، خواب پیر زایل کردیم:

- چه غنوده‌ی که بردند

- شال و کشکول و کلاه شش منگول را بردند
- شال و کشکول و کلاه جهنم، خرقه و عبای ترمه را بردند

- خرقه و عبای ترمه جهنم، ره توشه و تنخواه راهمان را بردند.

ماز شفاعت بخت بدیار و خوف گرسنگی در این سفر غدار، جملگی نشسته بودیم به ماتم که ناگهان این دوطالی

حاتم به قهقهه کف به کف کویید و دست به دف یازید و بدین نمط که می بینید ترانه و طرب آغازید که:

حمومی آی حمومى

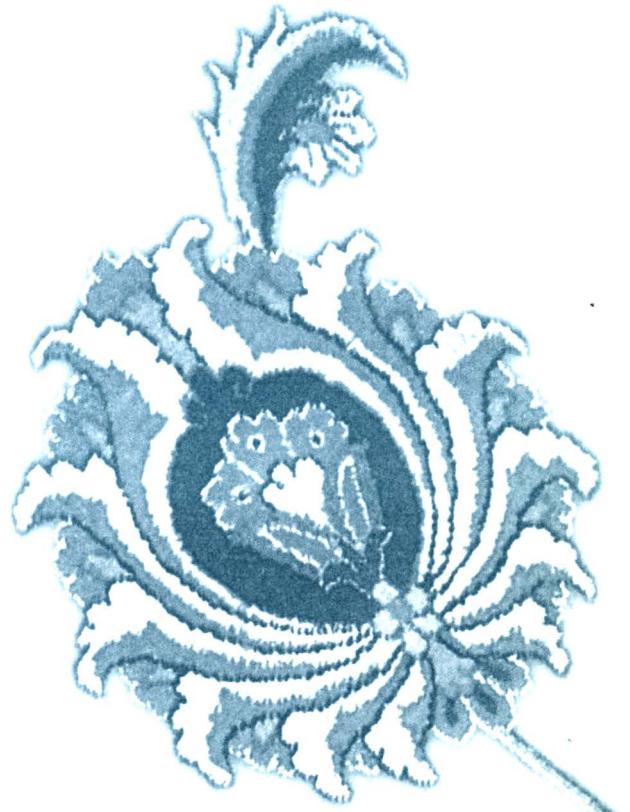
تاس و دو لچمام رو بردند

تاس و دو لچمام جهنم

لنج و قطیفه‌ام رو بردند...



محمود استاد محمد



برای آن که مانند او، فقط خودش بود: رضا زیان



هنوز، گاهی نیست دیگر صدایی که خنده‌ای باشد و گاه اشکی بر گونه‌هایمان؛ شیون کنان سینه می‌درایم و چهره پریشان می‌کنیم که چه نایی، عزیزی، دری به جهان پنهان داده‌یم. هنوز وقتی صدای میرنوروز تویی کوچه‌ها دوش را به صحیح سینه کش خوشیدم کنداز گذر کوچه‌ها، در انتظار صدای گرفته و بزرگ - فروتنه‌اش به غور مانده‌ایم که:

«سال نو مبارک! یه زینگ و زونگی به هم بزنیم».

فخر هم نفسی و هم قدمی با «آری آوانسیان»، «اسماعیل

خلج»، «بیژن مفید»، «گروه تئاتر کوچه» و

«گروه بازیگران شهر» رایشتر پنهان می‌کرد و به قامت نازک

و لا غر انداشم باسته نمی‌دانست و نسیان سال‌های نبودش در جهان [...] نخیله‌کش مان به صدای کودکانه‌ها و بازی

سازی‌های خردمندانه‌اش، نبودش را تلخ تر می‌کند.

«پژوهشی ژرف و سترگ...»، «ترس و نکبت رایش سوم»،

«جان نثار»، «قمر در غرب»، «باجه» و «موسستان با محبت» و

این آخری «عشق روی خریشته» یک از هزار بود که توانش

کمتر از هر ناتوانی نایابیگران به چهره - شهره رسیده‌ی عاشق

سینما و تلویزیون، مجال سیرابی به نسل فراموش زده‌ی مادر

فراموشانه‌ی ابدی تاریخ، کمتر به دست می‌رسید. برای

کودکان، بهترین کودکانه‌ها و در تلخ سازی و خنده اوری، در

پرده خوانی و نقل و تخت حوض و آهنگ کلام، خوش ترین

رنگ حکایت نسل خود حکایت می‌ساخت. بی‌شک این

هنوزه‌ها عمری بیش از انقلاب و پیش از آن و نسل‌های

پیش‌تر از آن داشت، که کلام و رفتارش بی‌هیچ بزرگی،

زیینده‌ی آراسته‌ترین صحنه‌های بود، که آرام و تنها و در تاریکی

تمام، به سکوت تاخی، همه را یک جا سپرد.

در «کارگاه نمایش» بازیگر نقش‌های نشدنی بود و هنوز هزار

و یک پرده‌ی دیگر داشت که نخواهند بود هنوز.

باور نمی‌کنی، باور نمی‌کنی آن صمیمیت و صدقی که در

سلام و ازهای بی تکلفش، در عبارت «ان شاء الله فردا»

همیشه‌اش حال دیگر رفته است و نیست؛ که همه چیز تمام

می‌شود و قطی هنوز ناتمام تو مانده‌ای، همه چیز بی خبر،

ناگهان از کنارت، از پیش چشمان شیفتنه ات پر پر می‌زند به

حسرت یک نگاه یک شنیدن صدای نفس‌های پر طین و

صلاشش که جهان کوچکش، جهانی بود، به پهنه‌ی آن چه نام

بازیگر و صحنه را به هم آمیزش می‌دهد؛ به پهنه‌ی بزرگی نامی

که مانداو، فقط خودش بود؛ رضا زیان...

«او»:

تعهد در تئاتر یا هنرمند متهد برای من در گذشته مفهومی

داشت همراه بالاحساس مسئولیت هنرمند «در مقابل مردم و

تماشاگران» و در نتیجه سیاسی بودن و تعهدات اجتماعی -

فرهنگی داشتن؛ ولی حالانمی دانم، چه طور می‌شود تعهد را به

این شکل معنی کرده در شرایطی که اغلب چهارچوب‌های

حرفه‌ای از هم پاشیده و یا شکل عوض کرده... چه طور

می‌شود به حرفة و مخاطبان که مردم باشند، متهد بود و از

شناخت اجتماعی، تاریخی، سیاسی در کنار هنرمند بودن

برخوردار بود و حتی گاهی هنر را کم رنگتر و سیاست را هدف

داشت و چنگ هنر برای هنر و یا هنر در خدمت مردم و جامعه

را زنده نگاه داشت و تجارت هنری را به دور از هنر تهاجمی تجارت

دانست... در گذشته حرتفی من، مثل حرتفی شریف

پژشکی سوگندامه داشت که همان تعهدات هنرمند بود ولی

حالا من تعریفی برای این ارزش ندارم. زمان و شرایط موجود

جامعه‌مان خیلی از ارزش‌هارا ازیر سوال برده و جایگزینی

معامل نیاورده و من حرفة‌ای بودن و شناخت از چهارچوب

حرفه و عمل کردن به آن را تعهد بودن می‌دانم. به امید گذر

پیروزمندانه از این دوره و...

خالیست صحنه آه
رفتست آن سیاه...

افسانه های شاه و وزیر و سیاه گول،
افسرده می شوند
گلخنده های سرخ،
در سایه های خاطره، پژمرده می شوند

باما بسی سیاه و سپیدست در گذار،
اما یک از هزار،
آن غمگسار نیست.
او هم ستاره بود که در شب نشست و رفت،
اما ستاره های چواوبی شمار نیست.

شمی بیاورید که خالیست صحنه آه
تا ما رسیده ایم
رفتست آن سیاه...

در رثای مهدی مسری
سیاوش کسرایی
فروردهن ۶۰

- فتوای کل نفوس تخت حوض می گه آقا مهدی چکیده بود منم می گم بود. می گه عصاره بود، شما هم بگو بود. ولی اگر بنده گفتم آقا مهدی اول و آخر تخت حوض بود، قبول نکن که گرون فروختم.
- ما خردباریم.
- گرون نخر!
- یعنی چی؟

- یعنی اگر قلم صنعت به حکم قضا از هفت قلم صنعت بازیگری شش قلمشو برآ آقا مهدی مهر کرده بود، پیش از آقا مهدی سیاه داشتیم که قلم هفتم ام به اسم خودش دستخط گرفته بود...
- کی؟

- اسمش تو خاطرم نمونه.
- عجیبه!

- عجیب نقش گردش ایامه!

- ولی با وجود گردش ایام، خاطرتون اسم مهدی مسری رو خوب حفظ کرده.
- چون "جوهر آقا مهدی" جوهر داشت، جوهر وجودش اسمشو یک جایی نوشته که دست گردش ایام پهش نمی رسه. مهدی مسری نقش "یاقوت" ش، تصور تختونه خر مهره نمی شستست، مهدی مسری فقط رو تخت حوض "مبارک" نبوده تو پرده زندگی "مبارک" بود.

مهدی مسری از تولد تا مرگ به نگاهی کوتاه:

نام واقعی: مهدی قربانی علی اکبر
 محل و سال تولد: تهران ۱۲۸۴
 آغاز کار نمایش: سال ۱۳۰۰ در راغ فردوس و مجالس شادی تهران و پس از آن در تماشاخانه‌ی مولوی، تئاتر ماه و...

نخستین بار که در نقش سیاه به صحنه رفت: شانزده سالگی در کاروانسرای کلاه‌دوزها.
کار پیش از بازیگری: شاگرد کفسشویی.

برخی همکاران قدیمی او: حسین حوله‌ای، تابش، یوسفی، حبیب سلیمانی، عباس مؤسس...

نمونه‌ای از نمایش‌هایی که در آن‌ها به صحنه رفت: امیر ارسلان، بیژن و منیزه قزل ارسلان، تازران، بارگاه کوروش و...

ازنوج: ۱۳۳۴ در چهل سالگی.

آغاز بیماری: ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۹ (شادروان مهدی مسری سال‌ها پیش از این گرفتار بیماری آب مروارید شد و رفته بینایی خود را از دست داد اما با این وجود هنوز به صحنه می‌رفت.)

روز مرگ: ساعت ۶/۵ غروب نهم فروردین ماه ۱۳۶۰ در ۷۶ سالگی.

علت مرگ: آنفاکتوس شدید.

گفتگویی با خاطرات

محمود استاد محمد

بازی مرد سیاه که در سیاه

عید فطر

تئاتر نصر در لاله زار

نمایش آرزوهای طلایی "بازی آفسین یکه"

سالن مملواز جمیعت

دوzen در میان جمیعت

خنددهای بی امان تماشاگران

سیاه می خنداند و می خنداند

از صحنه بیرون رفت تا برگرد

از صحنه بیرون ماند و بازنگشت

شارژ باطرب قلبش تمام شده بود

تماشاگر همچنان می خندید

به نمایشی که ادامه داشت

و یاران می گریستند در نمایشی که پشت صحنه

جزیران داشت

نوبت سیاه بود دوباره

اما او نبود که بازگردد

"رضامندی به روی صحنه رفت:

سیاه مرد!

سکوت مطلق بین تماشاگران

صدای جیغ یک زن و فریاد یک دختر

سکوت مطلق

او آرزو داشت روی صحنه بمیرد

روز عید

عیدی خود را از خدا گرفت

حسن عظیمی



نعمت همیشه خنان بود، در هر شرایطی خوشمزه بود و حاضر جواب. برای گفتن فکر نمی کرد و انگار

همیشه جوابی آماده داشت. او را از نوران کودکی همانگونه دیده بودم که آخرین بار در خیابان یوسف آباد.

فقط پرتر شده بود! همیشه می گفت می دانم آخر میرم و یک جوان اول بازی نمی کنم!

گفتم: اینورا؟

گفت: خودت که می دونی، بازم دنبال خونه‌ام.

حال برو بچه‌هایش را پرسیدم و گپ و گفتمی کوتاه و رفت؛ تاشنیدم رفت. خبر رفتش در هیاهوی مرگ

فردین گم شد. در تالار وحدت جمع شدیم؛ جایی که او هیچ وقت آرزوی به صحنه رفتش رانداشت.

بسیگان و دوستان و همکاران آمده بودند، عده‌ای علاقمند هم برای اضاءه گرفتن از زنده‌های معروف.

مدتی ایستادیم و طبق معمول کسانی راجع به خلق و خوو کردار و رفتار نعمت صحبت کردند که شاید

در تمام دوران حیاتش یک ساعت هم در کنار او نبودند. ناصر گیتی جا و محمد دورشوجی هم فقط گوش

می کردند! نعمت را بردمی بهشت زهرا و مراسم خاکسپاری...

کمدینی بی رقیب بود روی صحنه و برای خناندن مردم زور نمی زد. از دل آن ها بود و بر دل آن ها

می نشست.

نمایش هایش را در شهرستان ها هم اجرامي کرد. یک بار در راه بیرون در قهوه خانه‌ای عکس او را دیدم

که در کنار صاحب قهوه خانه عکس گرفته؛ نعمت هیچ وقت عینک دودی نمی زد که نشانشش.

روزهای آخر خیلی خسته بود و بیمار. و من هر قلت به یاد آن روزهای نعمت و رفتش می افتم این شعر

به یاد می آید:

از خستگی دل است آسودن ما

آن کاهش جان و این تن افزودن ما

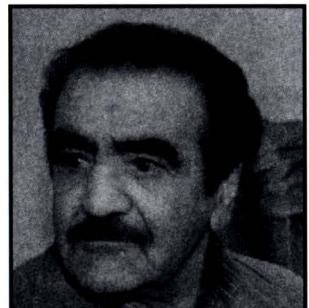
ای مرگ بیا، بهانه دیگر متراش

شد موی دماغ زندگی بودن ما

این راه هم بدانید که نعمت اگر آن روزهای نمرده بود، این روزهای غصه‌ی بسته شدن تئاتر نصر یا پارس
حتماً می مرد.

کامران ملک مطیعی

119



فراش پیر مدرسه‌ی بدر

به یاد نعمت الله گرجی





نبی الله فقیهی از اساتید بر جسته‌ی تعزیه‌ی اصفهان بود. در حبیب آباد برخوار زندگی می‌کرد. اهل ساخت و ساز تعزیه بود. گنجینه قابل توجهی از نسخ و ادوات و ابزار تعزیه مانند مجسمه «سر»، از کدو و بالهای برنجی برای فرشتگان (بویژه جبریل) داشت. او در گذشت.

حسن شاه پسندی از طنازان شهر اصفهان بازیگری را از نوجوانی آغاز کرد. از استادان بسیار آموخت و به جوانان بسیار آموزاند. از نمایش‌های او می‌توان به «سلام زندگی»، «سلطان و ذر»، «کیمیاگر»، «روز انتظار»، «شازده کریم»، «عزیز دردانه»، «ایستگاه آخر» و... اشاره کرد. در این اوآخر دچار بیماری سختی شد. او در گذشت.

حسن شمشاد قریب به پنجاه سال سابقه‌ی کار صحنه‌ای داشت. به غیر از تهران در بعضی شهرستان‌ها، در زمانی که هنوز تناترهای خصوصی دایر بود، بازی می‌کرد. یکی از تخصص‌های او در قلمروی نمایش تخت‌حوضی، شاه پوشی بود. در بیژن و منیزه رستم شده بود. نقل‌هم خوب می‌گفت. ذهن خلاق و قصه پردازی داشت. نزدیک به دو دهه با سعدی افشار همکار و هم بازی بود. آخرین نمایشی که بازی کرد «سلطان بدیل» بود. بعد از آن بیمار شد. او در گذشت.

آنها بودند

داود فتحعلی‌بیگی

حاج تقی میرزا علی معروف به «عشقی» مدت‌های مديدة در تکایا، محلات و کوچه‌پس کوچه‌های تهران تعزیه خوانی کرد. امام‌زاده داود پاتوقشن بود در فصل تابستان. در برابر مأمورین رژیم پهلوی می‌ایستاد؛ زمانی که تعزیه خوانی به بهانه‌ی تجمع و سد معبر ممنوع بود. بارها با مأمورین در گیر شد، کنک زد و کنک خورد، اما تعزیه را خواند. او در گذشت.

سیدرضا شاد از هنرپیشه‌های تناتر لاله‌زار بود. اغلب میان پوشی می‌کرد. بعضاً نیز نقش اول به او می‌دادند. یکی از نمایش‌های بر جسته‌ای که کار کردن نمایش سیاه بازی «میرزا عبد‌اللطیع و جنگ جهانی» بود. مرد متواضعی بود. پس از عمل غده‌ای که در سر داشت دیگر روی سلامتی ندید. در نهایت عسرت و تنگدستی سوخت. او در گذشت.



تهیه کارلو وزیر پوش زبردستی بود. از بازیگران پرسابقه‌ی گروه مهدی سنایی فرید و سعدی افشار بود. یار خوبی برای سیاه بود. علیرغم صفات باطنش، وزیر بدجنس بازی می‌کرد. بعد از انقلاب مدت‌ها از هوزه‌ی تناتر کناره گیری کرد. این اوآخر در بازگشتن دوباره‌اش به صحنه، در تناتر پارس حالش بهم خورد. او در گذشت.

سیدحسن خوش خمیر از مخالف خوانان بر جسته‌ی تهران بود. پدرش نقش ساز تکیه دولت بود. تجربه او نیز به تجارب تعزیه خوانان تکیه دولت می‌رسید. سیدحسن پیش از انقلاب نقل‌هم می‌گفت. او در گذشت.

صغر زمانی هم از کمدين‌های تناتر لاله‌زار بود. ترکی و فارسی کار می‌کرد و شگردهای خودش را داد. از جوانی در تناتر کار می‌کرد، از نقش‌های کوتاه شروع کرد تا رسید به نقش اصلی. اوآخر عمده‌ی نمایش‌هایش را خود طراحی می‌کرد. هر نقشی را با بازیگر آن جدآگانه یک دور تمرین می‌کرد. یک روز هم دسته جمعی تمرین می‌کرد و خلاص. پس از او، هیچکس نتوانست نمایش‌های اوراموفقیت‌آمیز اجرا نماید. او در گذشت.



دواردهمین نواده
یین مدلانی مایش راه
سنگی و آیینی

صمیمه ۳

صروری بر دوره های گذشته

12th International Ritual & Traditional Theatre Festival 12-18 oct-2003



چرا جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی؟

استفاده از شگردها و ساختار اجرایی نمایش‌های سنتی را هدف اصلی خود قرار داده است.

بخش "خارج از مسابقه" عمدتاً نمونه‌سازی در زمینه حفظ و ارایه‌ی نمایش‌های سنتی به شکل اصیل و نیز ارایه‌ی تجربیات هنرمندان پیش‌کشوت این عرصه را مدنظر دارد.

بخش "تعزیه" شناسایی و ضبط تجربه شیوه‌خوانان و شیوه‌گردانان پیش‌کشوت در اجرای مجالس غریب و ناشنای تعزیز را هدف قرار داده است.

در بخش "همایش" که هر ساله برگزار می‌گردد مجموعه‌ای از اشکال سنتی نمایشی معرفی و اجرامی گردند که امسال نیز "نقل موسیقایی" از استان‌های گوناگون موربد بررسی قرار می‌گیرد تابدین ترتیب این اجراهای جشنواره‌ای اسنادی باشند برای پژوهشگران و هنرمندان علاوه‌اند.

در "بخش جنبی" نیز هنرمندان و دانشجویان به تماشای مجالس نقالی، خیمه شب‌بازی، پرده‌خوانی و... می‌پردازنند از این نمایش‌ها باشند.

و این همه در جهت برآوردن نیازهایی می‌باشد که موجب شد تا عده‌ای در انجمن نمایش در سال ۱۳۶۷ کانون نمایش‌های سنتی آیینی را برای حفظ و احیای این نمایش‌ها، که خطر تابودی تهدیدشان می‌نمود، تشکیل دهند، کانونی که در طول تمامی دوره‌های جشنواره بر زیری و مشارکت در برگزاری جشنواره را بر عهده داشته و نتیجه فعالیت‌هایش را می‌توان در مطالعه منتشره در مجلات نمایش، فصلنامه‌های تئاتر، کتاب‌ها، دفاتر تعزیه و تصاویر موجود در واحد تلویزیونی مرکز هنرهای نمایشی یا آرشیو کانون و نیز در پایان نامه‌های راهنمایی شده توسط اعضا آن دید. این کانون همچنین اقدام به برگزاری دوره‌های آموزشی نقالی، خیمه شب بازی و تخت حوضی و... کرده است.

امسال اما جشنواره سنتی وارد مرحله‌ای جدید گشته است. سه گروه میهمان آسیایی از کشورهای چین، تبت و ژاپن به جشنواره امسال پامی نهند تا استواردهای نمایش گران سزه‌میں خود را باما قسمت کنند و این فرصتی است مناسب تا پژوهشگران، هنرمندان و دانشجویان تئاتر از نزدیک با پدیده‌هایی رویرو شوند که می‌توانند در شناخت تئاتر جهان و تعیین جایگاه ما در این عرصه مؤثر باشند. امیدواریم که این بخش در جشنواره بعدی گستردتر گردد و نمایش گران سنتی مادرسال‌های آنی به آرزوی دیرینه خود تأسیس مرکزی دایمی برای اجرای اصیل نمایش‌های سنتی با معماری و پژوه اجرای این نمایش‌ها بر سند و سرانجام روزی پژوهشکده‌ی نمایش‌های سنتی ایران نیز تأسیس گردد.

«مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کانون نمایش‌های سنتی آیینی به منظور حفظ و اشاعه‌ی نمایش‌های سنتی آیینی، دوازدهمین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی را برگزار می‌نماید.»

(قسمتی از فراخوان بخش مسابقه‌ی جشنواره)

شناسایی، حفظ و احیای نمایش‌های سنتی آیینی ایران عناوینی هستند که از مدت‌ها پیش، ذهن پژوهش‌گران و نمایش‌گرانی که دغدغه‌ی "تئاتر ملی" داشته‌اند را به خود مشغول کرده است، اما چرا؟ نمایش در ایران به گواهی تاریخ از مظلوم‌ترین هنرها بوده است، شاید آن را که انتقاد در ذات این هنر نهفته است و یا شاید به خاطر نیاز به برخورداری از امنیتی نسی و یا...

اما نمایش‌های سنتی آیینی ایران در تمامی طول تاریخ، حداقل از زمانی که نامی از آن‌ها برده شده و یا خواص بالطف خوبی اشاره‌ای به آن‌ها نموده‌اند، از ستمی مضاعف رنج برده‌اند. پریده‌های بوده‌اند که خواستگاه‌پدیدآورندگانشان از میان عوام بوده و از سوی خواص نیز همواره به آن‌ها بای اعتمایی شده است و هر از چند گاهی نیز به ممنوعیت‌ها و محرومیت‌های رسمی و غیررسمی چارگردیده‌اند. اما در کنار همه این نامرادی‌ها و بعیتی‌ها همواره بوده‌اند کسانی که به انگیزه‌های گوناگون به حمایت از این پدیده‌های بکتابی هنری پرداخته‌اند. گروهی ارتباط خوب و کارآمد این نمایش‌های هارا راهی برای برداشتن دیوارها و موانع موجودین مردم و هنر تئاتر دانسته‌اند، گروهی ایجاز و نمایش گرایی در این نمایش‌های استوده‌اند، گروهی حفظ آن‌ها را به عنوان نشانه‌هایی از یک فرهنگِ در حال نابودی مدنظر داشته‌اند و...

هر چند که این گروه‌های علاقمند شاید اندازه‌ی انگشتان دست بیشتر نبوده‌اند اما در نتیجه‌ی تلاش‌های پیگیر همین گروه‌های اندک، نخستین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی جهت شناسایی، حفظ و احیای این گونه نمایش‌ها در سال ۱۳۶۸ شکل گرفت. جشنواره‌ای که امسال دوازدهمین دوره‌ی آن به همت کانون نمایش‌های سنتی آیینی و مرکز هنرهای نمایشی به شکل منطقه‌ای و با حضور نمایش گران سه کشور کهن آسیایی - چین، تبت و ژاپن - برگزار می‌گردد.

این جشنواره شامل بخش‌های گوناگونی است که هر یک با انگیزه و قصدی خاص طراحی گشته است: بخش "مسابقه" که در آغاز به قصد ایجاد فعالیت در گروه‌های نمایش گر سنتی شکل گرفت اینک توجه به تجربه‌های جدید با

یازدهمین جشنواره

۱۳۸۰

یازدهمین جشنواره نمایش های سنتی آینینی از ۹ تا ۱۵ تیرماه ۱۳۸۰ برگزار شد. در این جشنواره ۷۳ نمایش توسط گروه هایی از تهران، شیراز، برازجان، رامهرمز، فارسان، تربت جام، مریوان، شیروان، یاسوج، خرم آباد، زابل، اراک، بیجار، قزوین، تفرش، الیگودرز، مهاباد، تبریز، خمین، اصفهان و بوکان در قالب تعزیه، خیمه شب بازی، نقالی، سیاه بازی، خیابانی، شاهنامه خوانی، سردم خوانی، پرده خوانی، حمامه خوانی و مولودی خوانی در مجموعه تئاتر شهر (سالان اصلی، چهارسو، سایه، شماره ۲، قشقایی) و فضای باز به اجرا درآمدند.

در این دوره همایش پیش پرده خوانی باشرکت و حضور پیشکسوتان پیش پرده خوانی ایران نظیر مرتضی احمدی، حمید قنبری و... به همت مرحوم رضا ژیان نیز از ۱۲ تا ۱۴ تیرماه در سالان اصلی برگزار شد و در تاریخ ۱۵ تیرماه جشنواره یازدهم در تالار اصلی به کار خود پایان داد.
دیرین دوره از جشنواره دکتر مجید شریف خدایی و قائم مقام آن نیز آقای داود فتحعلی بیگی بودند.

ماهی سیاه سحرآمیز

کارگردان: سعدی افشار

بازیگران: مهین بوجار، لیلا محمدی، هما زارع، سعدی افشار، حسین

رنگی وند، بهروز تقواوی، محمود بابوته، فرزین سمیعی

موسیقی: علی شاعری، ناصر کاظمیان

لباس: جعفر عرب

تدارکات: غلام بابوته

بارک در زبان

کارگردان: سعدی افشار

بازیگران: مهین بوجار، هما زارع، سعدی افشار، علی فتحعلی، بهروز تقواوی

محسن مقامی، غلام بابوته

هماهنگی: محمدرضا خازلی

لباس: جعفر عرب

تدارکات: محمود بابوته

افاده ها طبق طبق

گروه تماشا

باشه سازی براساس نمایش نامه‌ی "دختران فضل فروش" اثر "مولیر"

نویسنده: داود فتحعلی بیگی
کارگردان: لقمان نظری

دستیاران کارگردان: محمود صحرایی، ساسان مهرپویان

بازیگران: شفایق رهبری، نگین عیدی، علی خازنی، وحید شاهینی، سعید

درویش زاد، ابراهیم ابراهیمی، شهرام مسعودی، علی یبداللهی، داود داداشی

طراح صحنه: حامد قاموس مقدم

طراح لباس: بهیه خوشنویسان

دستیار طراح لباس و صحنه: پریسا فتوت

مدیر صحنه: سمیه بر جی

منشی صحنه: مریم نیک رفتار

موسیقی: عیسی زمچو، حسین فرزی پور، داود کاظمیان

طراح پوستر و بروشور: علی یبداللهی

خلیفه و صیاد

کارگردان: سعدی افشار

بازیگران: مهین بوجار، زهرا برومند، هما زارع، لیلا محمدی، سعدی افشار، علی فتحعلی، غلام بابوته، حسین رنگی وند محسن مقامی

هماهنگی: محمدرضا خازلی

لباس: جعفر عرب

تدارکات: محمود بابوته

حسین گرد شبستری

نویسنده و کارگردان: نادر شهسواری

بازیگران: سهیلا مستقیمی، مهسا سهامی پور، لیلا سنگابی، ژیلا جمالی، غزل

پور کاووه، محمود کلانترزاده، نادر شهسواری، اکبر کیانی، حسین آباده‌ی، روح الله

حسینی، یوسف جمالی، مجتبی کشاورز، علی مستقیمی، حسن فلاخ یاسر

ظاهر، محمدعلی طهمامی، رضا ضایایان، غلام شمس، محمد خسرو

مدیر صحنه: کاووس مؤمنی

گریم: حسن فلاخ

موسیقی: عزیز شکریزی، منصور ناصری، علی ناصری

کارستون

نویسنده و کارگردان: محمد نوروزی بابادی

بازیگران: زهره بهوند، فرشته امیری پور، غزل نوروزی، مهری خادمی، سیف الله

موجودی، محمد رسولی نژاد

طراح لباس: کبری طاهری

نور: پویان نوروزی

طراح پوستر و بروشور: مصطفی نورافروز

تدارکات: جبار بهوندی

مجلس هشام بن علقمه

شیوه‌گردان: علاء الدین قاسمی

شیوه‌خوانان: علاء الدین قاسمی، عباس جواهري، محمدرضا امامي

ابوالفضل منبت کار، رضا لنگرانی، محسن مؤمن زاده، مهدی قاسمی

نقش شیوه خوانی پارسای پیروز (زن پارسا)

گروه خوید

نویسنده و کارگردان: علی اصغر دشتی

بازیگران: مهرداد حجازی مهر، مسعود حجازی مهر، میثم امیراصلانی،

حسن عقیقی، علی عقیقی، ایمان ذوقی، علی سرور، علیرضا باقری، یونس

لطفي، حسین عقیقی

دستیار کارگردان: مسعود حجازی مهر

موسیقی: عباس صالحی، حمید معینیان

منشی صحنه: مریم مرادی

حسن ستوری گروه قصه

نویسنده: علی اصغر صفوی (صفی)
کارگردان: مصصومه تقی پور
دستیاران کارگردان: اکرم اسکندری راه مریم نیک رفشار
بازیگران: شهناز نامدار، میرا حکیم هاشمی، زری اماد، هون من برق نوره، امیر دلاوری، سعید تهرانی، افشین هاشمی، ارشیلر سهرابی، محسن ایل بیگی، ساسان مهرپویان، مهدی صیاغی، نصرت میر عظیمی، محمود با بوته، محمد رضا ایل بیگی

طراح صحنه، لباس و چهره پردازی: رضا شاپورزاده
مدیر صحنه: جعفر رجبی، کاظم گلجاریان
منشی صحنه: رضا پایی
اجرای دکور: سپهر گودرزی، روح الله صلوانی
طراح پوستر و پروشور: ماتا قاسملو
تدارکات: محمد رضانی نیا

مجلس عروسی سلیمان

شیوه گردان: رضا حیدرپور
شیوه خوانان: سید عبدالله طاهری، علیرضا حیدرپور، صمد شبانی، حسن صفائی و ...
نوازندگان: غلام رنجبر، قریب رنجبر

عاشق کشنون

گروه گالیا و استه به گروه تماشا
نویسنده: عزت الله مهرآوران
کارگردان: ساسان مهرپویان
بازیگران: ساقی عقیلی، ساسان مهرپویان

مشاوران کارگردان: یینوش تقی پور، علی فرهادی پور
دستیار کارگردان و طراح لباس: ساقی عقیلی
طراح حرکات موزون: نصرت الله طاهری شاعع
موسیقی: نیلوفر کوهستانی، نسیم کوهستانی، نگار کوهستانی، میثم یوسفی، بهروز رشیدی، حسین زاله
مدیر صحنه: ایمان فرهادی پور
منشی صحنه: نگین عیدی

یک نوکر و دوارباب

گروه پاپتی ها
براساس اثری به همین نام از کارلو گلدونی

نویسنده: آتیلا پسیانی
کارگردان و طراحی: حمید پورآذری

بازخوانی متن و اشعار: مجید حیدری، امیر رضا شفیعی
بازیگران: هدایت هاشمی، الهام عسکری شکیب، آتیه جاوید، فیروزه قاسمپور، امیر شفیعی، سینا رازانی، جواد پورزنده هادی عامل، نیماشکوهی، کریم بیانی، علی اصغر حیدری، حافظ آهنی، مجید صیادی، مسعود شیخی
دستیار کارگردان: جواد پورزنده

طراح لباس: سوسن نوروزی

مدیران صحنه: مسعود شیخی، الناز شبانیان

موسیقی: هادی عامل، امیر رضا شفیعی

عکاس: سارا شاهروodi

دختر چوپان

گروه تماشا

نویسنده: سوسن رحیمی

کارگردان: علی یادالله

بازیگران: شقایق رهبری، منیزه داوری، داود داداشی، علی خازنی، سعید درویش نژاد، حمید رضا مشیری، حمید وثوق، نوید فرج مرزی، جواد گلریز، شهرام مسعودی

دستیاران کارگردان: نگین عیدی

منشی صحنه: فروزان جلالی

مدیر صحنه: مریم عظیمی

طراح حرکات موزون: نوید فرج مرزی

سایر عوامل: کیوان هاشمی، حسین غربا

مجلس امام حسن مجتبی (ع)

شیوه گردان: محروم خانبابی

شبیه خوانان: حبیب خانبابی، حبیب خانبابی، ابراهیم بخشی و ...

نوازندگان: عباس صالحی، رمضان یوسفی

نمایش های آینینی تربت جام، مربیان، تورغه، چهارمحال
بختیاری، لرستان، زابل

میرزا می خود زن بگیره

گروه سهیل

نویسنده و کارگردان: پرویز سنگ سهیل

بازیگران: فهیمه اخوان، عاطفه قاسم زیبا، پرستو هاشمی، پریسا حسینی،

منصوره زارع، شهره رزاعتیان، فربیا حسینی فرشاد، محسن قبادی، پرویز

سنگ سهیل، امین سنگ سهیل، داریوش هاشمی، سید محسن تقییان، جواد

گلریز، محمد مقلیسی، صادق پدیدار، سعید شمس

دستیار کارگردان: سید محسن تقییان

مدیر گروه: مریم باطمی

مدیران صحنه: مریم بخشی، رضا عرب سرخی

طراح صحنه: صالح پناهی

طراح لباس: فرزانه ارس طلو

طراح پوستر و بروشور: فرهاد نقدعلی

موسیقی: محمد مقدس خراسانی، غلام رضا زندگانی، بابک رضایی

نقالدی

گروه نماد

نویسنده: سیدوحید فخر موسوی

کارگردان: خداداد خدام

بازیگران: خداداد خدام، سیدوحید فخر موسوی

مشاور کارگردان: وحید لک

دستیاران کارگردان: مریم نجاتی، آزاده خنجری

پرنیان هفت رنگ

گروه زنگ ببرگ

نویسنده و کارگردان: فربیا ریسی

بازی دهنگان: رکسانا بهرام هایده حسین زاده، زهره

نخاریان

توسکا واقنی، شبنم زنجانی، زهرا صبری، زهرا مریدی، الهه

سلیمانی، الهه زاده محمدی، آزاده دهقانی، نگین نادری، فرخناز نادری، سمیه

نادری

طراح صحنه: فربیا ریسی، افشنین رازی

موسیقی: فرهود احمدی پور

نور و صدا: افشنین رازی

مدیر صحنه: محمد امیری

هماهنگی: شیرین رضاییان

طراح پوستر و بروشور: آرش شریف زاده

تدارکات: رحیم نوروزی

بقال بازی

گروه نیایش

نویسنده و کارگردان: حسن وارسته

بازیگران: طوفان مهردادیان، بهرام سوروی نژاد

دستیار کارگردان: الهه چابک

طراح صحنه و لباس: آناهیتا وارسته

بی بی جان خانم

گروه بی جار

نویسنده و کارگردان: علیرضا همتیان

بازیگران: سعید شریتی، باقر سیروس آبادی، علی حسین افشاری، سمیرا

دوست یاری آنر، رسول شیخ اسماعیلی، طاهر رسولی

موسیقی: علی عبدل پاشا، سیروس دریالل

میرزا و طلب کار

گروه تئاتر شقایق

نویسنده: مجید افشار

کارگردان: سیامک بانیانی

بازیگران: علی خازنی، امیر مرزبان

دستیار کارگردان: محمد باقرزاده

طراح لباس: اکرم عباسی

موسیقی: احمد آزاد، پاشا فرزی پور

مجلس بی بی علوبه

گروه استاد هاشم فیاض

معین البارکاء: استاد هاشم فیاض

یوسف وزلیخا

گروه تعزیه تهران

شیوه گردان: احمد عزیزی

شیوه خوانان: حسین عیسی و نک ابراهیم شیوای، اسماعیل امیری، رضا

عزیزی، احمد عزیزی، محمدرضاei، خدایار کریمی، یوسف عزیزی، محمود

معینی، حسن برکتی، مرتضی صفاریان، رحمت اسکندری، حسن عقیقی،

علی صدیقیان، محمد عزیزی، میلاد عزیزی، مسعود عزیزی

فراری

گروه آسمان و جاودان

نویسنده و کارگردان: حامد حسین زادگان

بازیگران: مهدی مهدیون، جواد عزتی

دستیار کارگردان: آرش فتحی

مدیر صحنه: امیر اسماعیلی

طراح لباس: محمدرضا میرزا محمدی

مجلس مرحب

شیوه گردان: قدرت الله فتحی

شیوه خوانان: داود آبایی، نقی بیانی، پرویز آبایی، سیدولی امیرحسینی

«به نام خدا»

نمایش نامه‌هایی از گلدونی و مولیر هستند. دوستان عزیز نمایش نامه‌نویس اهم‌چنان که کمدی‌دلازه، با حضور نمایش نامه‌نویسان بزرگ به کمال رسید، مانیز در میان شما به انتظار نویسنده‌گانی از جنس گلدونی و مولیر نشسته‌ایم، بنگاهی ایرانی، برای نمایش ایرانی.

۴- از سوی دیگر مرکز هنرهای نمایشی و ادارات تابعه آن هم می‌تواند با اعزام استایده شهرستان‌های دور و نزدیک و آموزش کارهایی‌های نمایش نامه‌های سنتی، آینی در ترویج و تشویق این نمایش‌ها و نیز کشف استعدادهای جوان نقشی مهم و در خود ایفا کند. از این‌بریم که زمانه‌ی می‌گذرد و تجربه‌های قابل انتقال اگر جاری نشوند، در گذر زمانه، همچون آنی را کدر خود می‌گندند و از میان می‌روند، بی‌آنکه مردمی شوند بر تاول لب‌های تشنۀ، و از یاد نمیریم که دکات علّه، نشر آن است.

۵- اما آنچه در طول جشنواره با حیرت و تأسف شاهدش بودیم، بی‌توجهی و کم‌لطفي مطبوعات نسبت به برنامه‌های جشنواره بود. از یکی دو مصاحبه تحریف شده باهیات داوران که بگزیری، قحطی نقد و اطلاع‌رسانی به عنوان نمونه‌ای شگفت‌انگیز از مظلومیت فرهنگی هنر نمایش در عرصه مطبوعات این سال‌ها هرگز از خاطرمان نخواهد رفت.

در آخر یادگوییم، امید آن پرندۀ گمشده که از قلب‌هایان گریخته بود، چون کبوتری جلد به سوی مادرگشته است. امید به پاروتر شدن درخت هفت هزار ساله فرهنگ این مژه و بوم و شکوفه دادن و گل دادن شاخه‌ای از شاخه‌های سترش که نمایش‌های سنتی، آینی ماست.

آینینی راغنی تر سازدای چادزمینه‌ای مناسب برای پژوهش‌های علمی و نیز تأسیس مراکز تحقیقی و آموزشی برای تحويل بار امانتی است که به حکم روزگار باید از سینه پیشکسوتان به دل‌های جوان و جویی عشق راه یابد. ناگفته بینادست که تشکیل چنین مراکزی علاوه بر جذب هنرجویان و مشتاقان می‌تواند بر سیلۀ هنری تمثاگران نیز تأثیری شایسته و مطلوب گذارد.

۲- علاوه بر لزوم تأسیس مراکز تحقیقی و پژوهشی، راهنمایی تالارهایی خاص برای اجرای نمایش‌های سنتی، آینی نیازی است که بیش از پیش باید به آن توجه شود. با حمایت‌های مادی و معنوی از گروه‌های نمایش سنتی، آینی و استقرار آن‌ها در تالارهای ویژه می‌توانیم استقلال و تمرکزی بدان بخشیم که در سایه آن رشد کمی و گذینی نمایش ایرانی را شاهد خواهیم بود.

درین اگر این کاخ بلند از گزند باد مصون نماند.

۳- اینکه روی سخن مایا شمامست. شما گروه‌های نمایش تهران و شهرستان‌ها که با همه تلاش‌های صادقانه‌تان، هنوز گام‌های بلندی در زمینه ادبیات نمایشی و نمایش نامه‌نویسی برنداشته‌اید. در حقیقت بسیاری از نمایش‌های بخش مسابقه فاقد ساختمان نمایشی در خود را بودند و این می‌تواند زنگ خطری برای نمایش‌های سنتی آینینی مایاشد. صرف پرداختن به مناسک هرگز تباید ماراز شناخت و دریافت اصول، فنون و شگردهای نمایش نامه‌نویسی باز بازدارد. جای تأسف است که از میان اجراء‌های جشنواره‌تهنآثاری از منطق روابی و ساختار دراماتیک متناسب‌تری برخوردارند که از نظر متن و امداد

می‌مقدمه بگوییم روزی که برای داوری جشنواره سنتی، آینینی فراخوانده شدیم، نومید بودیم و بی‌انگیز با خود سخن آن استاد را زیر لپ‌زمزمۀ می‌کردیم؛ نمایش، هنری بزرگ است که به دست مأذمۀ کوچک افتاده، هرگز باور نداشتیم که در طول چند روز، این چنین از خود بیخود شویم و در مقابل آینین، آن بر قرق فراموش شده را در چشممان مان بازیابیم، می‌دانستیم کسانی در راهند، اما نمی‌دانستیم این چنین به سر منزل مقصود نزدیکند.

اینک شدام‌نیم، شادمان از بهار نشستن تمامی تلاش‌های هنرمندان، مدیران و دست‌اندرکاران نمایش‌های سنتی، آینینی که پی‌گیرانه و مستمر، گام در این راه نهادند، از سختی‌ها و کری‌ها و نبود امکانات نهادسیند و در تدبیادهای فراموشی و فترت، چراغ نیم‌فسرده نمایش ایرانی را روشن نگاه داشته‌اند. اعتراض می‌کنیم که از دین سیاری از نمایش‌های جشنواره امسال لذت برده‌یم، خط کردیم و قد کشیدیم، هرچند که از روزگار قدکشیدنمان بسیار گذشته است. اما پیرانه‌سری راچه با که رسم عاشقی، کهنسال و برنانمی‌شناسود و ماعاشقانه به مامایی عشق نشستیم. عشق به میراث فرهنگی این مژه و بوم، که تا دیروز دل نگران ویرانی اش بودیم و امروز ارزوی آبدانی اش را داریم.

با این همه، هیأت داوران در طول برگزاری جشنواره به نکته و نکاتی دست یافته که شاهره آن هاشاید بتواند راهی به سوی پریارتر شدن جشنواره‌های آئی و نیز اعتلای کیفی نمایش‌های ایرانی بگشاید.

۱- آنچه که بیش از همه می‌تواند اجرای نمایش‌های سنتی،

آرای هیأت داوران یازدهمین جشنواره نمایش‌های سنتی، آینینی

علی نصیریان

محمود استاد محمد

محمد رضا خاکی

فرهاد مهندس پور

محمد رحمانیان

کارگردانی

بخش نمایش‌های شادی آور

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "حمدید پور آذری" برای کارگردانی نمایش "یک نوکر و دو ارباب" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "علی یادله‌ی" برای کارگردانی نمایش "دختر چوپان" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "لقمان نظری" برای کارگردانی نمایش "آفاده‌ها طبق" از تهران

بخش نمایش‌های آینینی

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "حیدر ضاری شهری" برای کارگردانی نمایش "خین"

دارون" از شهرستان برازجان

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "علی اصغر دشتی" برای کارگردانی نمایش "زن پارسا" از تهران

بازیگری نقش «سیاه»

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "مجید افشار" برای نمایش "طلسم گمشده" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "لادود داداشی" برای نمایش‌های "آفاده‌ها طبق" و "دختر چوپان" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی

اهنای جوایز ویژه هیأت داوران

اهنای لوح سپاس و ۳ سکه بهار آزادی به "گروه بازیگران نمایش تک‌تک تی بل" از روسانی ده چشمۀ فارسان

اهنای لوح سپاس و ۳ سکه بهار آزادی به "گروه نمایش کارسون" از شهرستان رامهرمز

اهنای لوح سپاس و ۳ سکه بهار آزادی، به گروه بازیگران نمایش "یک نوکر و دو ارباب"

به "هنایت هاشمی" برای نمایش "یک نوکر و دو ارباب" از تهران

اهنای لوح سپاس به "نادر شهسواری" برای نمایش "حسین کرد شبستری" از سبزیار

اهنای لوح سپاس به "آردشیر سهرابی" برای نمایش "حسن ستوری" از تهران

بازیگران زن

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "نقایق رهبری" به خاطر بازی در نمایش "آفاده‌ها طبق" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "منیزه شهاب‌زاده" به خاطر بازی در نمایش "خین دارون" از برازجان

بازیگران مرد

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "علی خازنی" به خاطر بازی در نمایش "دختر چوپان" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "نصرت میر عظیمی" به خاطر بازی در نمایش "حسن ستوری" از تهران

اهنای دیلم افتخار، تدبیس جشنواره و ۵ سکه بهار آزادی به "سعید درویش نژاد" به خاطر بازی در نمایش "آفاده‌ها طبق" و "دختر چوپان" از تهران

اهنای لوح سپاس به "رضاعلوبی" به خاطر بازی در نمایش "طلسم گمشده" از تهران

دهمین جشنواره

دهمین جشنواره نمایش‌های سنتی آیینی از ۱۶ تا ۳۶ تیرماه ۱۳۷۸ برگزار شد. در این جشنواره ۳۶ نمایش توسط گروه‌هایی از تهران، یاسوج، شیراز، رامهرمز، شهری، زنجان، تنکابن، بروجن، تفرش، اراک، فارسان، اردبیل، بروجود، گند کاووس، همدان، ارسباران، بسطام، الیگودرز، ساری، بهشهر، اصفهان، گرمه خرقان و علی‌آباد کتول در قالب بخش‌های تعزیه، خیمه شب بازی، نقایل، سیاه بازی، مسحکه و خیابانی در مجموعه‌ی تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو، شماره ۲، قشقایی) و فضای باز به اجراء آمدند. در این دوره جلساتی با عنوان مجمع بزرگ نقایل و شاهنامه خوانان و همچنین سخنرانی پروفسور چلکوفسکی درباره‌ی پرسی تطبیقی توراندخت پوچینی و نقایل ایران در کنار اجرای نمایش‌ها برگزار شد و در تاریخ ۱۶ تیرماه در تالار اصلی تئاتر شهر این جشنواره به کار خود پایان داد. دبیر و قائم مقام دهمین جشنواره سنتی آیینی آقایان حسین سلیمانی و داود فتحعلی بیگی بودند.

مجلس سیاوش خوانی

نویسنده و کارگردان: امیر دژار

بازیگران: فخری خوروش، سیاوش تهمورث، جمشید اسماعیل خانی،

بهرام ابراهیمی، سپیده نظری پور، کامبیز دریاز، مرتضی زارع، مهدی

ناطقی، محمد رضا حیدری، فرانک نیک‌نژاد، الهام جمشیدی، حمید

وثوق، شهرام نجاتی، حسن سرجاهی

مشاور کارگردان: سعید کشن‌فلاح

مشاور نویسنده: نصرالله قادری

مدیر اجرا: اردلان شجاع کاوه

مدیر تولید: اونویروان ارجمند

دستیاران کارگردان: سپیده نظری پور، مهدی ناطقی، سعید قدسی‌راد

مدیر صحنه: فرانک نیک‌نژاد

منشی صحنه: الهام جمشیدی

مدیر تهیه و تارک: حسن سرجاهی

طراح صحنه: مجید میرفخرانی

دستیار طراح صحنه: مژگان علی‌زاده

ناظر فنی دکور: حسین عباسی

طراح لباس: حشمت حاج یوسفی

دوخت لباس: علی‌اکبر شکیبا

طراح چهره‌پردازی: عباس صالحی

طراح نور: علی صفری

اجرا چهره‌پردازی: کامبیز معماری، مهدی محمدی، بهمن صنیعی، پروین حاتم‌نژاد

مجلس شیشه ماهان

براساس منظومه‌ی هفت پیکر حکیم نظامی گنجوی

نویسنده و کارگردان: منوچهر یاری

بازیگران: علاء الدین قاسمی، مصطفی عبدالله‌ی، هما اسدی،

استاد رضا حیدری، و جمعی از هنرجویان تئاتر

طراح صحنه: علی اصغر مصوڑزاده

طراح لباس: ادنا زینیان

موسیقی: رامین آزاداور

طراح حرکات موزون: اصغر فریدی ماسوله

طراح عروسک و ماسک: قاسم رحمتی

ساخت عروسک: قاسم رحمتی، علی ابوالخیریان

دستیار: امیر بختیاری

منشی صحنه: مهرنوش شاهمرادی

مدیر تدارکات و مدیر صحنه: علی ابوالخیریان

شبی از شب‌های هزار و یک شب

نویسنده: خلعتبری

کارگردان: محمدمباق قنبری

بازیگران: علی رضایی، حسین چمارانی، حسین رکنی، آرش قنبری،

کیوان صبوری، مصطفی هدایتی، غلامرضا خلعتبری، حسن

محمودی، کیوان رحمتی، ریحانه راداژ، سمیه دریابی

زنگیر عدالت

نویسنده و کارگردان: عبادالله کریمی

بازیگران: شهناز نامدار، اردشیر سهرابی، بهروز تقوای، بهزاد حسین پور،

داریوش هاشمی، حمید وجданی، عبادالله کریمی

نوازندگان: علی ربانی (تبک)، منوچهر شیرازی (کمانچه)

طراح صحنه: استاد صالح پناهی

لباس: جعفر عرب

تدارکات: بهزاد حسین پور

مدیر صحنه: پریسا حسینی

تایتانیک

گروه تقلید معرفت
نویسنده: حسین کربلایی طاهر، فرهاد نقدعلی
طراح و کارگردان: حسین کربلایی طاهر، سیدمحسن تقیان
بازیگران: حسین کربلایی طاهر، سیدمحسن تقیان، حسین پروازی
نوازنده‌ان: حسین توتوچیان (ویلن)، حسن نقوی (تبک)، محمد
فرزام چهره‌گشا (تبک و دایره)، ابراهیم شریعتی (ارگ)
دستیار کارگردان: رضا عرب سرخی
مدیر صحنه: سعید انصاری
منشی صحنه: رضا خاون

آبی که مار می‌خورد، زهر می‌شود
گروه گوسان
نویسنده: آتیلا پسیانی
طراح و کارگردان: وحید عوضزاده
بازیگران: شیوا معبدو، رضا امامی
موسیقی: کوروش تهامی، وحید عوضزاده
دستیار کارگردان: هومن خدادوست
برنامه‌بری: شیوا معبدو
مدیر صحنه: مهربد مهرنوش
منشی صحنه: محمد جعفرنژاد
طراح چهارپردازی: عباس صالحی
طرح پوستر و بروشور: الهام ناظر
عکاس: وحید عوضزاده
گروه تدارکات: ناهید میانده‌ی، محمد جعفرنژاد

مهره‌ی مار

نویسنده و کارگردان: سیدیونس آرسلان
بازیگران: کوثر گودرزی، فروغ آرسلان
با کمک و همراهی: گروه نوازنده‌ان محلی و بازیگران گروه نمایش
میدانی تقماز یاسوج

طراح چهارپردازی: عباس صالحی
طرح پوستر و بروشور: الهام ناظر
عکاس: وحید عوضزاده
گروه تدارکات: ناهید میانده‌ی، محمد جعفرنژاد

غروب در دیاری غریب

گروه تئاتر شهر
نویسنده: بهرام یاضایی
کارگردان: نادر شهسواری
مشاور: کاظم صراطی
بازیگران: نادر شهسواری، سهیلا مستقیمی، امیر پور ضرغام، محمود
کالانتززاده بهنام ثمرده، فرخناز گوارا، نادیا امیری، نسیم شیرزادی،
انسیه علوی، افسین شهسواری، بابک شهسواری، بهروز ثمرده
حمدیرضا همتی
مدیر صحنه: محمود سلیمانی
موسیقی: صمد مظاہری (تار)، محسن خیراندیش (نی)، هوشنگ
سمیعی (تبک)، احسان تارخی (دف)

پستونامه
گروه پرچین
نویسنده و کارگردان: حمید امجد
بازیگران: بهروز بقایی، پرستو گلستانی، فقیهه سلطانی، جمشید
جهانزاده علی عمرانی، حسین رفیعی، محمد بنان، فرهنگ ملک، روح الله
ایرجی و امید شهبازی
دستیار کارگردان: امیر امجد
طراح صحنه و لباس: مهری عطایی
طراح بزک و صورتک: فرهنگ معیری
آهنگساز: فخر زرین کفش
نوازنده‌ان: بهرنگ بقایی (تار)، ایمان مشایخی (کمانچه)، سینا
خشکبیجاري (تبک)

مخمصه پهلوان

گروه نیایش
نویسنده و کارگردان: امیر آتشانی
بازیگران: مرjan صفابخش، سیدمحمد بالاحیدری، امیر آتشانی
دستیار کارگردان: مهسا هراتی
موسیقی: عبدالله آتشانی
مدیر صحنه: علی زنگار

سیاوش گل بدن

گروه اندیشه
طراح و کارگردان: حسن سرچاهی
بازیگران: حسن سرچاهی، لیلا برخورداری، مجید حیدری
موسیقی: رضا پارسا، مجتبی آقاماجانی، فرید قاسمی
طراح صحنه و لباس: پیام حسین سوری
طراح و ساخت صورتک و ماسک: امیراحمد معبد
طراح حرکات موزون: اصغر فردی ماسوله
گروه اجرایی: مرتضی آفاحسینی، رضا عطایی، احمد سلیمان‌نیا،
محمد رضا حیدری

گیرو دار پهلوان
نویسنده: حسن باستانی
طراح و کارگردان: قاسم امین بی طرف
بازیگران: فرهاد ارشاد، قاسم امین بی طرف
دور مركه: آرش امین بی طرف
موسیقی: محسن خیراندیش (نی)، وحید ایرانیان (تار و سه تار)، سعید
رفاهی (دف)، احسان تارخ (دف)، رسول باوقار (دف)
مدیر ارتهیه: مریم ابراهیمی
منشی صحنه: مریم پروین روح
طراح لباس: پروین کاووسی

واراس

نویسنده و کارگردان: محمد نوروزی بلادی
بازیگران: زهره عباس‌زاده فرشته امیری پور، فرشته اصلاحی، حسن
کردزنگه، علی رسولی، سیف‌الله موجودی، محمد رسولی
منشی صحنه: شهلا تنهایی
نور و تدارکات: لیلی مرادیان

موسیقی: محسن خیراندیش (نی)، وحید ایرانیان (تار و سه تار)، سعید
رفاهی (دف)، احسان تارخ (دف)، رسول باوقار (دف)
مدیر ارتهیه: مریم ابراهیمی
منشی صحنه: مریم پروین روح
طراح لباس: پروین کاووسی

ماه گرفته

برداشتی آزاد نمایش "ماه گرفته" نوشته‌ی م.ف. فرزانه"

کارگردان: وحیدلک

باهمکاری: پرویز سنگ‌سنهیل

بازیگران: وحید لک، شهرام ملکیان، محمد صمدیان، غلامرضا

چیت‌سازان: حمید حسین‌زاده زوین غازیانی، شهاب غزالی، معصومه بزرگ‌کار

مدیر صحنه: مهرداد اکبری

منشی صحنه: معصومه بزرگ‌کار

روابط عمومی: اکرم حاجی‌وند

طراح لباس: عصمت زنجیرانی

طراح آفیش و پروشور: وحیدلک

نوازنده‌گان: محسن دارسنجد مجید رحمتی

مدیر صحنه: زوین غازیانی

چهره‌پرداز: شهاب غزالی

مدیر تدارکات و هماهنگی: سیاوش قهریان

خیمه شب بازی بارگاه سلیمان خان

اجراکنندگان: استاد اصغر احمدی، علی‌اکبر احمدی، امیر علی‌زاده

خیمه شب بازی عروسی فرخ خان

مدیر گروه: رضا خمسه‌ای

اجراکنندگان: مرتضی خمسه‌ای

نوازنده‌گان: عیسی رزمجو (کمانچه)، علی جعفری (ضرب)

خیمه شب بازی

عروسک گردان: حسین ریبعی

نوازنده‌گان: جود وطنی (تبک)، افشین کاید (کمانچه)

تعزیه به چاه آنداختن حضرت یوسف

شیوه‌گردان: احمد عزیزی

موافق خوان‌ها: علی ترابی، احمد عزیزی، امیر صفری، یوسف عزیزی

نورعلی صفری، امید صفری، امیر مقدم، تقی عزیزی

مخالف خوان‌ها: رضا لنگرانی، رضا مینایی، ابوالفضل میرزا‌احمدی،

مرتضی نقاشی

نوازنده‌گان: عباس گرگانی (شیپور)، محمد عزیزی (طلب‌ریز)، امید

عزیزی (طلب‌بزرگ)، میلاد عزیزی (ستج)

متصدی لباس تعزیه: تقی عزیزی

گوسالگین

انجمن نمایش زنجان

کارگردان: حسین عباسی

بازیگران: فیاض حاجلو، حمیدرضا قزلبلاش، فرزاد ولی مقدم، عباس

زبانی، رضا حجتی، مهدیون، حمید شعاعی، رضا محبت‌لو، محمدرضا

محمدپور

موسیقی: حمید سقلی، سیروس بنایی، علی عسگرلو

طراح چهره‌پردازی: ابراهیم فریدراد

نقالی

علی‌اکبر اسدی (بسطام)

سیدناحمد حسینی (علی‌آباد‌کتوول)

قلیچ‌انوری (گند)، (کوراوغلی)، (گوگ‌تبه)

علی‌اکبر مرادی (کرمانشاه)

شیرعلی قاسمی (خرقان)

عاشقی قدرت میرزاپور (ارسان)

حسین طبی (ساری)

محمد رضا ساسحاچی (بهشهر)

عیسی فیوج (علی‌آباد‌کتوول)

قادر غریب خسروی (کردستان)

سیدی‌حیبی محبت (فارسان)

مرشد تقی سمعی (الیگودرز)

عسگر آقا‌جانیان میری (بابلسر)

جهانگیر نصیری اشرفی (ساری)

ابوالقاسم دهقانی (الیگودرز)

حسین سلاحدی (الیگودرز)

مرشد ولی اترابی (تهران)

غلام بزرگ حمل آبادی (اردبیل)

محمد‌قدیران زاده (اهر)

احمد عطایی گرجان (اردبیل)

خیمه شب بازی بارگاه سلیمان خان

گروه خیمه شب بازی تهران

کارگردان: شهرزاد مبرهن

مدیر گروه: سیاوش ستاری

بازیگر: سیاوش ستاری

عروسوک گردان: مریم اقبالی

نوازنده: شهباز بهاری (کمانچه)

تجربه‌ای بر مجلس علی‌اکبر (ع)

انجمن نمایش شهری

نویسنده: امیر آتشانی

کارگردان: عباس عبدی

بازیگران: شهاب راحله، عباس عبدی، غلامحسین هدیه‌لو، وحید

پیام‌دار، ابوالفضل خوش‌سیرت

رسن بازی

بازیگران: قربان صادقی، ابوذر صادقی، محمد علی فلاخ

نوازنده‌گان: مراد علی‌الیاسی (نقاره)، یوسف بایی ذغالچی (سرنا)

سحر مارافسای

نویسنده و کارگردان: علی اصغر خطیبزاده

بازیگران: علی اصغر خطیبزاده، مرتضی مشکات، سیدعلی شاهچراغ

موسیقی: ابوالفضل باقریان

کل علی گوشه

نویسنده و کارگردان: فرشید بزرگنیا

بازیگران: فرزاد صفری، محسن سلیمانی، مهدی جعفری، پیمان بزرگنیا، علی اکبر بلالی، مهرداد محمدی، مهدی حیدری، مهرداد حیدری، مسعود آگشته

موسیقی: زین العابدین حسینی، حمید حسینی

گمشده‌ی آبی

انجمان نمایش بروجن

نویسنده و کارگردان: احمد رضا رافعی

بازیگران: احمد رضا رافعی، احمد مردانی، قاسم اسماعیلی، رضا رافعی،

حمید امینی، بابک رافعی

نوازنده‌گان: بهزاد برچیان، هوشنگ پورنظری

مجلس تعزیه سوغاتی آوردن شمر

نویسنده و کارگردان: افشنین سخایی فرد

شیوه خوانان: جودا هانفی، محمود امین کار، سید داوود موسوی، جودا

پناهی، سید حسین موسوی، محسن نیکخواه

موسیقی: پرویز فخر، محمد صالح، سید ابراهیم موسوی

ناوک

گروه اندیشه

نویسنده و کارگردان: حسن سرچاهی

بازیگران: حسن سرچاهی، مجید حیدری، علیرضا دهقانی

طراح لباس: امیر احمد مبد

موسیقی: بهنام صالحی، حمید رضایی

تعزیه جنگ خندق

«نبرد حضرت امیر (ع) با عمرو بن عبدو»

معین البکاء: سیده اشام فیاض

شیوه خوانان: محمد الوندی، حسن فیاض، حسین صالحی، عباس

فیاض، رسول فیاض، سیدنا کبر هاشمی، اصغر هاشمی، حسین هاشمی،

ابوالقاسم صفری، جمال قاسمی

نَفَقَا

انجمان نمایش یاسوج

نویسنده و کارگردان: سید یونس آبسالان

بازیگران: حسین روحانی مقدم، مرتضی خادمی، جودا اسلامی، ایرج

شریفی، مسلم اسلامی نژاد، مسعود نیکپی، حمید غربی

طراح چهره پردازی و لباس: سید یونس آبسالان

موسیقی: اسفندیار بزم، موسی بزم

تعزیه مجلس وفات سلمان

شیوه گردان: رضا حیدری

شیوه خوانان: رضا حیدری، غلام تکلیف، محمدرضا امینی، رضا

نصرالله، رضا رحمنی، داد آبایی، عباس حیدری و ...

آینه بین

گروه زنده یاد استاد زاهد

نویسنده و کارگردان: پرویز رضایی

بازیگران: پرویز رضایی، اسماعیل خان محمدی، هادی خان محمدی

گروه تعزیه - ارک

گروه تعزیه نوجوانان استان مرکزی

شیوه خوانان: محمد مهدی معصومی، سید علیرضا میرحسینی،

حیدر رضا میرحسینی، محمود نوروزی، محسن زمانی، مهدی

کلانتری، یعقوب شاهحسینی، مجتبی معصومی، روح الله جبی، حسین

بابا علی، امیر زمانی، حسن گنجعلی، مصطفی شاهحسینی، نقی بیاتی،

نصر الله بابا علی، معصومه اسماعیلی، قدرت الله فتحی، مهرک فتحی

تعزیه رزم تبوک

شیوه خوانان: علاء الدین قاسمی، محمد رضایی، حسن برکتی، عباس

صالحی، ابوالفضل منبت کار، سید حسن گل ختمی، مهدی قاسمی،

حسن عقیقی، ابراهیم میرزا علی، خلیل رضایی، عنایت افاسنی، بهروز

میرزا علی، محمدرضا افاسنی

نهمین جشنواره

نهمین جشنواره نمایش‌های سنتی آیینی از ۱۷ تا ۲۰ آذر ماه ۱۳۷۶ در تهران برگزار شد. در این جشنواره ۲۰ نمایش توسط گروه‌هایی از تهران، بختور، بندرآزلی، شیراز، گرگان، شهریار، گرمسار و کاشمر در قالب بخش‌های تعزیه، پرده خوانی، خیمه شب بازی، نقالي، تجربی، سیاه بازی و خیابانی در مجموعه تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو، شماره ۲، قشقاوی) و فضای باز به اجرا درآمدند.

در این دوره جلساتی با عنوان گردهمایی با موضوعات تبررسی نمایش‌های سنتی آیینی، جایگاه نمایش‌های سنتی آیینی در دروس دانشگاهی و همچنین نمایش فیلم تعزیه و بحث و گفتگو در کنار اجرای نمایش‌ها برگزار شد و در تاریخ ۱۲ آذر ماه با اعلام برگزیدگان در تالار اصلی تئاتر شهر این جشنواره به کار خود پایان داد.

دبیری جشنواره نهم بر عهده حسین سلیمانی بود و داد و فتحعلی بیگی قائم مقامی جشنواره را بر عهده داشته است.

عروسي مبارک

نويسنده و كارگران: افшин سخاپي
بازيگران: افшин سخاپي، حسین رباعي

مجلس محروم نامه خسروي

نويسنده و كارگران: امير دژاكم
بازيگران: ارلان شجاع کاوم، انوشیروان ارجمند، محمد حاتمي، سپاه نظری پور، پیام رونق، لیلا اسعدی، حشمت حاج یوسفی
آهنگساز: سعید ذهنی

امير ارسلان نامدار

نويسنده و كارگران: نادر شهسواري
اجراكنندگان: محمود كلانترزاده، بهنام مژده، محمدرضا بهبود، سهيلا مستقيمي، ناديا اميري، سمیرا دادخواه، احمد امامي، افшин شهسواري، بابک شهسواري، فاطمه محمدی، آزادی، شمس الله پرنده، ايرج سلطاني، قاسم باوفا، امين فروزانی، کورش نبيزاده

سلطان مار

نويسنده: بهرام بیضایي
كارگران: گلاب آدينه
بازيگران: فقیهه سلطانی، شیوا معبد، مهسا مهجور، مهنوش صادقی، شاهعلی سرخانی، کورش تهامی، محمد ساریان، بهنوش صادقی، بهنام بستان دوست، هدا ناصح، مهتاب ناصری، پریسا و ثوقی، ناهید میانده، نازنین جواهری، علی مینوسيهر، بابک ناصرزاده، فخری سلطانی

مضحكه در مضحكه

نويسنده و كارگران: وحيد ترحمي مقدم
بازيگران: مجید فروغى، بابک والى، فتح الله طاهرى

معركه در معركه

نويسنده: داود مير باقرى
كارگران: جواد بخشى زاده
اجراكنندگان: اردوان بخشى زاده، محمد جواد بخشى زاده، صمد محمد ميان، جواد منوچهريان، سيما جعفرى، بروانه ميرزا خانى، جواد آشاني، محمد حسن رحими، هاجر فريزونى، افшин بخشى زاده، جعفر باباملك، کامران فخرنژاد، نامدار قرقانى، امرالله اکبرى، داريوش نعمت افروز

معركه اي ديگر

نويسنده و كارگران: امير آشاني، رضا حيدري، مليحه شفيق، على آشاني، مهسا هراتي، علی شاهشهاني، عباس دادگر

يا زر يا سر

نويسنده و كارگران: عط الله صفريور
اجراكنندگان: داود سعيدى، مهدى صفريور، ايرج قوشچى، سيروس نقى نژاد الله قلى نظرى، سعيد صفريور، موسى ابراهيم پور، حسن رستماني، علي رضا پور محمد، يحيى قاسمي، محمد ارجمند، قربان رحيمى، محمدرضا الحقى، دانيال كلاهدوزى، محمد حسین صفريور

مرغ هايي كه از تخمر مرغ پخته به دست مى آيند

نويسنده: محمد چرم شير
كارگران: سيروس كهوري نژاد
بازيگران: فرهاد بشارتى، آرش ميراحمدى، حميد ابراهيمى
دستيار كارگران: وحيد عوض زاده
طراح لباس: آذر طهماسب

شیرزاد

نویسنده و کارگردان: غلامرضا امیری
بازیگران: علی اکبر فخار بروجردی، علی اکبر فتحعلی،
محمد رضا ایل بیگی، جواد عباسخان تویسرکانی،
پخشعلی تقواوی، شیرین مجتبه‌دی، غلامرضا امیری،
اردشیر سهرابی، داود داداشی، ملیحه گلشن موسوی
نوازنده‌گان: عیسی رزمجو (کمانچه)، حسین فرضی پور
(تبنیک)

به دنبال آرزو

نویسنده و کارگردان: پرویز سنگ سهیل
اجراکنندگان: پرویز سنگ سهیل، حسین لطیفی،
سید محمد نصیبیان، حسین بابایی، هما زارع، مرضیه
گلزاری، داریوش هاشمی، شهرام ملکیان، حیدر لکه، حمید
ابراهیمی، محمدعلی اسدی، علی بنفشه، رحمان ریسی،
رضاعرب‌سرخی، فرزانه ارسسطو، شیوا ایوبی

توی (جشن عروسی)

نویسنده و کارگردان: منوچهر محمدپور
اجراکنندگان: منوچهر قلیزاده برات عصمتی، مجید
خرانلویی، رحمان زارعی، ولی پورحسینی، ابرح لعلی، بیلاله
علی آبادی، پیمان محمدپور، حسین علیزاده بیتان جیانی،
محمد خرمی، عباس باویلی، رضا ننگری، حمید
کوهستانی، محمود شکیبی علی نودهی، مجید زعیمی،
اکبر عزیزی، منوچهر محمدپور، علی بیزانی، منوچهر
بیزانی، رمضان طیبود، ابوالفضل مجیدی، ابوذر شاکری

بارگاه سلیمان خان

اجراکنندگان: علی اکبر احمدی، علی اصغر احمدی، امیر
علیزاده

تعزیه جابلسا

شیوه‌گردان: علی یوسفی
شیوه‌خوانان: علی یوسفی، قهرمان یوسفی، جعفر
فتحی زهرابی، غلامعلی بابایی، مصطفی رمضانی،
علی قلی قبری، حاج وهب رمضانی، علی قبری،
محمد رضا رمضانی، علی صارمی، مرتضی رمضانی، اکبر
فتحی زهرابی، علی اصغر فتحی زهرابی، حسن
فتحی زهرابی، حسن افشار

عروسوی گوله

نویسنده و کارگردان: علی اصغر کهن قنبریان
اجراکنندگان: رجب قلیزاده محمد رضا نسیمی، محمدعلی
علی اصغر کهن قنبریان، محمد رضا احمدی نسیمی،
شاهینختی، محمد رضا صنوبیری، مظفر زارع، ستار کهن
قنبریان، حسن سازنده بهمن حقیقی، بهمن شریفی، رضا
نعمیمی، سیده فاطمه حبیب محمدی، ستار اکبرزاده علی
حاج علی عسگری

تعزیه نارنمرودی

شیوه‌گردان: محمد رضا رجب‌زاده
شیوه‌خوانان: محمد رضا رجب‌زاده، غلامحسین رجب‌زاده
ملارضا فلاحتی، رجیلی رجب‌زاده، حسین قدرتی، حسن
طاهری، مجید رجب‌زاده، حجت‌الله فلاحتی، سید علی اصغر
رجب‌زاده، بیلاله عبدی، علی رجب‌زاده، محمد رضائی،
غلامعلی طاهری

تعزیه مباحثه قیصر با امام حسن (ع)

معین البکاء: هاشم فیاض
شیوه‌خوانان: نور علی صفری، رضا غلامی، ابوالفضل
میرزا‌الحمدی، ابوالقاسم صفری، داود صفری، حسن کمش،
امیر صفری، امید صفری، محمد پیرنام، قوام‌الدین قاسمی،
رسول فیاض، علی صدیقیان، رضا میناوندی، حسن
فیاض، عباس فیاض

تعزیه مولود کعبه

شیوه‌گردان: رجیلی معینیان
شیوه‌خوانان: محمد رضا ایل، رضا جباری، رمضان یحیایی،
سید رضا موسوی، مرتضی نمکی، اکبر ملکی، علیرضا
گودرزی، فرشاد معینیان، مجید معینیان عباس حیدری،
حمدی معینیان، علی اصغر معینیان، جمال موسوی، قدرت‌الله
گودرزی

هشتمین جشنواره جشنواره

هشتمین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آینی از ۱۹ تا ۲۳ آذرماه ۱۳۷۵ در تهران برگزار شد.
در این جشنواره ۲۴ نمایش توسط گروه‌هایی از تهران، قزوین، شیراز، شهریار، سمنان و یاسوج در قالب بخش‌های تعزیه، سیاه بازی، خیابانی و پرده خوانی به روی صحنه رفتند.

نوکری سواد

تهران

کارگردان و عروسک‌گردان: اصغر احمدعلی
(احمدی)

جعفر طیار

شهریار

نویسنده: میر عزا

شیوه‌گردان: قوام‌الدین قاسمی

شیوه‌خوانان: حسن کُمش، محمد پیرنام

حسین محقق، قوام‌الدین قاسمی، ابوالفضل

احمدی، علیرضا باقری

بعثت پیامبر

قزوین

نویسنده: رضا مشایخی

شیوه‌گردان: محمدرضا باباطبله‌ها

شیوه‌خوانان: رضا مشایخی، قهرمان یوسفی،

رمضان حیدری، محمدرضا باباطبله‌ها، باقر خلیلی

عروسوی مبارک

تهران

کارگردان و عروسک‌گردان: اصغر احمدعلی
(احمدی)

حلاج

تهران

معین الکاء: هاشم فیاض

شیوه‌خوانان: مظفر قربانی نژاد علی‌اکبر
قویدل، رضا حیدری، مرتضی صفاریان، رضا
میناآوند، هاشم فیاض

بارگاه سلیمان خان

تهران

کارگردان و عروسک‌گردان: اصغر احمدعلی
(احمدی)

پادشاهی یوسف

تهران

شیوه‌گردان: علی ترابی

شیوه‌خوانان: علی ترابی، احمد عزیز، حسن

برکتی، مهرداد حجازی، تقی عزیزی

سرماکشی

تهران

نویسنده و کارگردان: محمود فرهنگ

بازیگران: عقیل گلزار، سیروس همتی، عباس

عبدی، حسین چراغی

پرده خوانی

تهران

نویسنده و کارگردان: محمود فرهنگ
بازیگر: امیر آتشانی

سهراب گُشی

تهران

نویسنده: امیر دژاکام

کارگردان: سیپیده نظری پور

بازیگران: کرامت رودساز، سیپیده نظری پور

پهلوان کوچک

تهران

نویسنده و کارگردان: محمود فرهنگ

بازیگران: عباس عبدی، امیر آتشانی، عباس

آتشانی، سیروس همتی

انگشت هزار نگین

تهران

نویسنده و کارگردان: سید جلال الدین دری
بازیگران: مسعود سعیدی، رضا صمدپور، کاوه
اعظمی، پویک گل درمه افشین آقازاده

فرخ روز

تهران

کارگردان و عروسک گردان: اصغر احمدعلی
(احمدی)

تیه روی

یاسوج

نویسنده و کارگردان: سید یونس آرسلان
بازیگران: جواد اسلامی، مسعود نیکبی، ایرج
شریفی، حسین روحانی مقم و ...

خلیفه صیاد

تهران

نویسنده: مرحوم نعیم سبحانی
کارگردان: سعدالله زحمت خواه (سعی افشار)
بازیگران: غلامرضا بابوته، حامد تھصی، رضا
شاد علی فتحعلی، سعدی افشار

سه عیار

تهران

نویسنده و کارگردان: اصغر زمانی
بازیگران: رضا امیری، رضا عارفان، شیرین
امیری، اصغر زمانی، افشین یکه طاهره
سیرتی، ملیحه موسوی

راز عروسک

تهران

نویسنده و کارگردان: داود فتحعلی بیگی
بازیگران: لیلا عقبایی، ترانه طلیعه نوری، شبنا
بهارفر، مرجان صادقی، آریتا نوری وفا، زهره
رسنگار، رایان صیری، شهرناز شهبازی

شرف نامه یحیی تیره بخت

تهران

نویسنده: محمد چرم شیر
کارگردان: سیروس کهوری نژاد
بازیگران: مریم معینی، عباس غفاری، جمال
عباسی، هادی لشکری، هاله نیازی، ترانه جامه
گرمی، خسرو محمودی

طیب اجباری

شیراز

نویسنده و کارگردان: نادر شهسواری
بازیگران: رحیم بحیرانی، محمدرضا بهبود
مجید شناور، احمد امامی، سهیلا دادخواه
سهیلا مستقیمی، نادر شهسواری

مواظب کلاهت باش

تهران

نویسنده: محمد حسین ناصر بخت
کارگردان: داود فتحعلی بیگی
بازیگران: داود داداشی، مجید فروغی، برویز
سنگ سهیل، علی بلالی، شهرام ملکیان،
سید محمد بابا حیدری، حسن فتحعلی بیگی

حضرت ایوب پیامبر

سمنان - گرمسار

نویسنده: محمد رضایی
شبیه گردان: محمد رضایی - رجبعلی معینیان
شبیه خوانان: اکبر ملکی، سید رضا موسوی،
فرشاد معینیان، رجبعلی معینیان، حاج علی
همدانیان

عباس هندو

شبيه گرдан: رجبعلی معينيان
شبيه خوانان: تقى نبئى، رجبعلی معينيان، رضا موسوى، محمد بركتى، رمضانعلی يحيائى، سعيد نبئى، حميد معينيان، اکبر ملکى، بیژن معينيان

بارعام

(کاري از گروه فرهنگي و هنري نيايش)

نويسنده و کارگردان: حسن وارسته
بازيگران: محسن تابنده على صالحى، على افشارى، عليرضا اوليانى، داود برقى، مسلم آقاچانزاده جمال شمس، حسن وارسته، بهنام طوسى و امير سپهابلى

معركه در معركه

نويسنده: داود ميراقرى
کارگردان: حسن سرچاهى
بازيگران: حسن سرچاهى، مرتضى آفاحسينى، فرزانه ارسسطو، مجید حيدري

دزد مروايد

تنظيم و کارگردان: حسن عظيمى
بازيگران: سعدي افشار، حسن عظيمى، محسن افشار، مجید فروغى، افسانه ذاکرى، احمد محرابى، رضا رضامند، رضا شاد، احمد نصر، على تقوى

تعزيت

نويسنده: محمد چرمشير
کارگردان: رضا حداد
بازيگران: على سليماني، ركسانا عيوض زاده، كينوش ايزدی و ...

سفر دور و دراز سلطان

نويسنده: محمد چرمشير
کارگردان: سيروس كهورى نژاد
بازيگران: على ميلاني، عباس غفارى، فرهاد بشارتى، خسرو محمودى، هادى لشكري، جمال عباسى، مجتبى طباطبائى و ...

هفتمين جشنواره

هفتمين جشنواره نمایش های سنتی آینى از ۴ تا ۱۵ مهرماه ۱۳۷۴ در تهران برگزار شد.

در اين جشنواره ۲۵ نمایش توسيط گروه هاي از تهران، شيراز، شاهزاد، اصفهان، خوي، بهبهان، گرمسار، گرگان، رشت، کاشمر، اروميه، راه هرمهز در قالب بخش هاي مسابقه (نمایش های سنتی آینى و تعزیه)، ميهمان (نمایش سنتی آینى)، جنبي (خیاباني، قهوه خانه، نمایش های بداهه) در مجموعه تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو، شماره ۲) و فضای باز به اجرا دارد.

در اين دوره از جشنواره سميغارهاي با موضوعات ادبیات تعزیه، جنبه های نمایش روستایی از نگاه مردم شناسی، پیشینه روایی تعزیه، تطبيق و تفاوت تئاتر سنتی و حرفه ای، تأثیر متقابل تعزیه و موسیقی مازندران و پیش واقعه در تعزیه با سخنرانی استادی چون عنایت الله شهیدی، محمد میرشكاري، پرويز زاهدی، دکتر قطب الدین صادقی، دکتر مصطفی مختاراباد برگزار شد.

این دوره از جشنواره روز ۱۵ مهرماه با اعلام برگزیدگان در سالن اصلی تئاتر شهر به کار خود پایان داد.
دبیر جشنواره هفتم دکتر محمود عزیزی و قائم مقام آن على پویان بودند.

رقص بردگان

کارگردان: مجید افشار
بازيگران: مجید افشار، اسدالله خشيار، رضا رضامندى، محمود اوين

سياه در بارگاه کاسيوس

کارگردان: کامبیز صفرى
بازيگران: مصطفى عربزاده، سيدحسين یوسفى، افشين یکه، غلامحسين بهروزى، بهرام عليان

بازى نامه

نويسنده: فرهاد نقدعلى، حسين کربلاي طاهر
کارگردان: حسين کربلاي طاهر

بازيگران: سیدمحسن تقیيان، خسرو احمدی، على اصغر ملکيان، رضا عربسرخى، حسين کربلاي طاهر، سپیده انتظامى

کرييم پشه سلطان می شود

کارگردان: حسن شاهپسندى
بازيگران: حسن شاهپسندى، اصغر نصيري، محمدمجود سلطانيان، حسين پارچا، على اصغر کاتپورى، قاسمعلی ماني، عيسى طهماسبى، سیدمحمد سجادى، نعمت الله مناج، نيره صفا، مسعود بمانيان

به همراه نمایشهاي

سورپريز (پرويز سنگ سهيل)، مليك محمد (سليماني اقدم)، عاشق کشون (محمد نوروزى بابادى)، پريسا وشان (حسن رستماني)، تبل احمد، دوروي سکه، کمبل، تعزیه مالك اشترا، تعزیه حضرت قاسم، تعزیه احمد، تعزیه ذبح اسماعيل

ششمین جشنواره

ششمین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آینی از ۱۷ تا ۲۳ آبان ماه ۱۳۷۳ در تهران برگزار شد.
در این جشنواره ۲۰ نمایش توسط گروه‌هایی از تهران، گرمسار، شیراز، گرگان، اردبیل، کرج، سبزوار، تنکابن، بوشهر، کاشمر، همدان و بهبهان در قالب بخش‌های سیاه بازی (مسابقه)، تعزیه و نقالي در تالارهای تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو، شماره ۲)، فرهنگسرای بهمن (سالن بسم الله خان و شهید آوینی) به روی صحنه رفتند.

در این دوره جلسات نقد و بررسی و سمتینارهایی پیرامون نمایش‌های سنتی همه روزه صحیح‌ها در سالن شماره ۲ مجموعه تئاتر شهر برگزار شد و در تاریخ ۲۳ آبان ماه، ساعت ۱۸ با اعلام برگزیدگان، این دوره به کار خود پایان داد.

کور او غلی

بازنویسی: لطفعلی توده فلاخ

آهنگساز و کارگردان: حاج محمد خلیلی

بازیگران: محمد خلیلی، ایاز شجاعی، واحد حقی،

سهراب صفرزاده، یارعلی فتح‌زاده از بهرنیکوهام جلیل

حمدی، عزیز کرمی، شاهحسین حیدری، باب‌الله قبیمی،

اژدر افشار، قبله‌علی افشار، بهروز شجاعی

مجلس تعزیه «عابس و شودب»

کاری از گروه تعزیه روستای «ارغ» کاشمر

شیوه گردان: حاج محمد رضا رجب‌زاده

شیوه خوانان: حاج محمد رضا رجب‌زاده حاج رجبعلی

رجب‌زاده محمد هاشم رجب‌زاده حسین قربتی، حاج

حسن فلاحتی، مهدی فلاحتی، یلالله عبدی، حسین

طاهری، حاجی آقامیانی

نوازندگان: علی شهری، غلامحسین شهری

و نمایشهای:

انسان گیر آقالار

پاتیل حمزه قلی

مجلس تعزیه «مرحوب خیری»

کاری از گروه تعزیه خوانان تهران

معین الکاء: هاشم فیاض

سپریست: قوام‌الدین قاسمی

شیوه خوانان: قوام‌الدین قاسمی، گنجعلی صفری،

حشمت میناوندی، نورعلی صفری، داود کاظمیان،

اسماعیل میرزا‌احمدی، رضا میناوندی، ابوالفضل

احمدی (مناج)، هاشم فیاض، عباس ابراشی، اکبر

اسماعیل‌زاده

نوازندگان: اصغر گرگانی، رضا گرگانی، حمیدرضا

گرگانی، محمدرضا میرزا‌احمدی

لباس و تدارکات: تقی عزیزی

تعزیه نظام الدین قصاب

شیوه خوانان: حاج رضا نکرانی، محمد رضایی،

علاء الدین قاسمی، رجیلی معینیان، بیژن معینیان،

حیدر معینیان، مهدی قاسمی، مهران فرج‌الله‌ی

نوازندگان: ابراهیم میرزا‌علی (شیبور)، مهدی

میرزا‌علی (قره‌نی)

شیوه گردان: رجیلی معینیان، از گرمسار

کاری از تعزیه خوانان گرمسار

مضحکه خوابنامه

نویسنده و کارگردان: امیر آشانی

بازیگران: سید محمد بایحیری، امیر آشانی

تور تقی

کاری از گروه تئاتر «کوچه» (تنکابن)

نویسنده و کارگردان: صفرعلی اوجانی

بازیگران: علی رضایی، حسین خاوری، لیلی نوریان،

پرویز حسین علیان، شمس‌الدین مدنی، صفرعلی

أوجانی، کیوان ریحانی، ساره محربانی، ندا شاکری،

سعید حسین نژاد، مهرگان ریحانی، ندا اوجانی، هدی

رضایی، هادی رضایی و ...

نوازندگان: سید مرتضوی، شاهرخ مهgorی

مشی صحنه: زهره صارمی

موسیقی شعر و آوازها: صفرعلی اوجانی

مجلس تعزیه «وفات حضرت مریم (س)»

کاری از گروه تعزیه سبزوار

شیوه گردان: محمدعلی گودآسایی

ناظم الکاء: حامد فتحی

شیوه خوانان: حسین محفوظی، حامد فتحی،

محمدعلی گودآسایی، غلامحسین صالح‌آبادی،

محمد صالح‌آبادی، هادی خیرآبادی، مهدی خیرآبادی،

سید احمد حسینی، حاج موسی‌الرضا بشارتی مقدم

نوازندگان: مرادعلی نامجو (قره‌نی)، رضا فتحی

(شیبور)، مهدی خیرآبادی (طبیل‌بزرگ)، هادی

خیرآبادی (طبیل‌کوچک)، احمد یمیریان (سنچ)

شهر کچلا

کاری از گروه تاثر تالار فخرالدین اسدگر گانی
(گرگان)

نویسنده و کارگردان: عطاءالله صفرپور
بازیگران: حسن رستمی، علیرضا پورمحمد، داود
سعیدی، محمدعلی زیادلو، محمد ارجمند، ایرج
قوشچی باشی، جمشید کازرونی، امید قاسمی، مهدی
صفرپور، شهرام شعبانی، فوزان صفرپور، سعید صفرپور،
عطاءالله صفرپور

تاریخی

نویسنده و کارگردان: مجید افشار
بازیگران: مجید افشار، علی تقوا، محمدآقا محمدی،
راحله حدادی، محمد اوین، نازنین میلانی، سیدعلی
حسینی، مهدی ابراهیمی، عباس خسروی
نوازندگان: محمدرضا آقاجانی، محمدرضا زرجو

مضحکه امیر ارسلان

کارگردان: حسن عظیمی
بازیگران: علی تقوا، حسین رنگی وند، احمد نصر،
احمد مهرابی، رضا شاد حسن عظیمی، محمد عظیمی،
محسن افشار، مهین بوخار، افسانه ذاکری، سیما پرنور،
زهرا عمیدی

کاکا یوسف

نویسنده: حسین تجلی
کارگردان: حجت الله تجلی
بازیگران: نادیا زنگنه، فاضل شجاعت، مرتضی موفق،
مهرداد آراسته، شهرام جهاندیده، مریم هدایتی، فاطمه
قدم خیر، لیلا قدم خیر، فرحتاز سوروی، نجمه اقبالی

مضحکه «رستم و سهراب»

کاری از کانون نمایشی دانشکده سینما تاثر
تنظیم و کارگردان: امیر آشنایی
بازیگران: امیر آشنایی، سید محمد بابا حیدری، مهسا
هراتی، آرش خسروی، عیسی خان رزمجو، روشنک
درخشنان

سیاوش، سردار خاموش

نویسنده و کارگردان: علیرضا مهدی نیا
بازیگران: علیرضا مهدی نیا، کتابه افشار
طراح صحنه: پیام فروتن

فصل دَگر

نویسنده و کارگردان: عباس شاهپیری
بازیگران: مرتضی فیروزی، خانم صمدیان، عبدالرحمن
برزگر، رحمان قره گزلو، علی اصغر فرامرزی، مجتبی
فرامرزی، عبدالرسول فرامرزی، امیر دهباشی، علیرضا
بوریانی، عبدالرضا دروازه‌بان، هادی بریدی، رضا زیتونی

دو سلطان

نویسنده و کارگردان: ابوالقاسم پورشکیابی
بازیگران: ابوالقاسم پورشکیابی، علی حسن نژاد رنجبر،
احمد مرادی، رحمت الله صمدی، علی شهروندی،
امیر لشگر، مهدی بحری، علی ستوده علی زار
نوازندگان: پیام خلائق، علی مظاہری، الطافی، عزیز
شکریز

قصه باعِ زالزال

نویسنده و کارگردان: داود فتحعلی بیگ
دستیار: محمدرضا خزانی

بازیگران: محسن افشار، حمید بذرافشان، سید حسن
حسینیان، داود داداشی، افسانه ذاکری، علی شاهقلی،
محمود شیرافکن، مرjan صادقی، فتح الله طاهری، مجید
فروغی، ملیحه فروغی، حسن فتحعلی بیگ، مهران
هاشمی

ٹنک

نویسنده: الیزا اورامی
کارگردان: یبدالله کریمی
بازیگران: عاطفه نظری، نینا رضایی، آرزو خسروی،
نسیم نورزاد سیگارودی، شیوا ابراهیمی، کتابیون
اعظمی، مؤْگان محمدی، امیر طاهری، منظر اسکندری

سیاهنامه (همدان)

نویسنده و کارگردان: صادق عاشورپور
بازیگران: اسماعیل عیمده، مهدی چایان، مهدی
فضلی، مرتضی تحصیلی، عباس عباس پور، فرهاد
مسکوک، شیوا بلوریان، زهرا رنجبران، شهرام
معارفوند، کورش محسنی، مهرداد نصرتی، سیاوش
شیریان، مهدی یوسفیان، مسعود یوسفیان

پنجمین جشنواره

پنجمین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی از ۲۰ تا ۲۵ دی ماه ۱۳۷۲ در تهران برگزار شد. در این دوره از جشنواره ۲۲ نمایش توسط گروه‌هایی از تهران، کرمان، کاشمر، گرگان، نهاوند، شیراز، گرمسار، سنتنج، انزلی و بوشهر در قالب بخش‌های تعزیه، نقالی و سیاه بازی (مسابقه) در تالارهای تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو، شماره ۲) و تالار هنر به روی صحنه رفتند. مراسم اختتامیه این جشنواره روز ۲۵ دی ساعت ۵ بعداز ظهر در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار شد و با اعلام برگزیدگان به کار خود پایان داد.

خان بالا

نهاوند

نویسنده و کارگردان: فریدون سیفی

سرپرست گروه: مقدس عمرانی

بازیگران: فریدون سیفی، جلیل حسینی، ایرج مجیدپور، نصرالله

نصرتی، محبت‌الله روشن‌فکر، واحد موسوی‌زاده، پیمان حمیدی،

زهرا سمایی، اشرف سوری، زهرا بوترابی، لیدا ویسی

نور و صدا: محمد موسوی‌زاده

نوازنده‌گان: محمد امینی‌راد، احمد امینی‌راد، قربان سرعالی

تدارکات: حمید سلگی

شیطان و سیاه

گرگان

نویسنده و کارگردان: عطا صفریور

بازیگران: عطا صفریور، حسن رستماني، محمد صمیمی،

محمدعلی زیادلو، محمد ارجمند، پرویز صالحی، صفر روحی،

سعید صفریور

توروب تاماشاسی (نمایش تورب)

انزلی

براساس داستانی از "آلکسی تولستوی"، ترجمه‌ی "اسماعیلیان"

کارگردان: محمدرضا رضایی کاوه

بازیگران: محمدرضا رضایی کاوه، جمشید نوبری، شهناز

نور محمدی، نسرین خاله زرین، فاطمه کیوان، حسین

ابراهیمی، مریم نژاد، مژگان قنبری، بهار خوش‌بند، فرشته

رزاقی، مسعود رضایی، مرتضی کیوان، فرهاد محمدی

نوازندگان: غلامرضا قناعتی (آکار دون)، سیامک فتحی‌نیا

(کلارینت)، مهرداد جوانفکر (قولا)، سیف‌الله معصومی (نقاره)،

پالامیرزا رضایی (سرنا) حسین جمشیدی (آواز)

طراح لباس: شهرلار خوشی

نور: مهدی پیشوایی

دکور: منوچهر حقیقی

تدارکات: یونس رحمان‌پناه

همکار: حمید علیزاده

روایت اصلی و کرم

میانه

کارگردان: محمد خلیلی

راوی: ایلخان عسگری

بازیگران: عباس ستاری، احمد نوروزی، علی قاسمی، ازبهر

نیکخواه، حسن شکری، جلیل حمیدی، ایلخان عسگری

مضحکه‌ی سمندان دیو

کارگردان: رجبعلی معینیان

بازیگران: رجبعلی معینیان، بیژن معینیان، فرشاد معینیان،

مرتضی نمکی، محمد برکتی، منوچهر معینیان، عزیز افشار،

حمید معینیان، محمد ملاطائفی

موسیقی: مجید معینیان، سعید فلاحتی

مضحکه‌ی سلطان مبدل

نویسنده: داود فتحعلی بیگی

بازنویس و کارگردان: صفرعلی اوجانی

بازیگران: علی رضایی، حسین خاوری، پرویز عین‌علیان،

صفرعلی اوجانی، کیوان ریحانی، نیما اوجانی، وحید مرتضوی،

شهرام محراجی، سعید حسن نژاد، فریز شیخ‌حسنی، بیتا

اوجانی و ندا اوجانی

طلوعی دیگر

نویسنده و کارگردان: هوشنگ هدایتی

بازیگران: هوشنگ هدایتی، داود منفرد، محمد نصر،

داود نوترکش و ...

تعزیه خاتم بخشی (حضرت علی «ع»)

تهران

معنی الکاء: هاشم فیاض

شیوه خوانان: رضا حیدری، هاشم فیاض، علاءالدین قاسمی،
رضامیناوندی، قاسم مشکانه حشمت میناوندی، حسن فیاض
(طلب)، علی صدیقیان (شیپور)

تا شقايق هست

نویسنده: فرهاد نقدعلی، حسین کربلایی طاهر
کارگردان: حسین کربلایی طاهر
بازیگران: سیدمحسن نقیبیان، حسین کربلایی طاهر، علی
باقری

من نمی شکنم

شیراز

نوشته و کار: احمد علامه دهر

بازیگران: احمد علامه دهر، علی گلزاده نادر شهسواری،
مهدی بحری، مجید شناور، رحمت الله صمدی، علیرضا زارع،
ابوالقاسم پورشکیانی، محمد رضا عباییان، عبدالرسول
حسن نژاد عزیز شکرریز، جعفر بامملک

سلطان مار

تهران

نویسنده: بهرام بیضایی

کارگردان: گلاب آدینه

بازیگران: مهноش صادقی، مهسا مهgor، فقیهه سلطانی، لیلا
بروین، مهناز رجبی، مینا فنایی پور، رویا خلیلی، شیوا معبود

فرزانه حصاری، کتایون سلیمی، شهرلا شهرکی، بهناز جعفری،
کیانا تبریزیان

دستیار کارگردان: سیما تیرانداز

جزیره اسرارآمیز

تهران

نویسنده و کارگردان: مجید افشار

بازیگران: مجید افشار، اسدالله خشاپور، بابک والی، بهرام علیان،
نائزی گذری، فروغ علوی، رضا عطارات، فرید ابوالقاسم پور،
عباس خسروی، علی حسینی، رضا کنکاشی، محمد رضا
آقاجانی

((دزد مردارید)) یا ((علی موصلى))

تهران

بازنویس و کارگردان: حسن عظیمی

بازیگران: افشین یکه، فرزین سمعیعی، فاطمه شادیزاده

حسین رنگی وند، ارشید سهرابی، احمد نصر، حسن عظیمی،

حسین ایمانی، احمد محابی

عتر باز

سنندج

نوشته و کار: توفیق ملکی

دستیار کارگردان: کبری ملکی

بازیگران: سیروس بری، جلال بابازاده یوسف اسدی، دریا
طالبی، زاهد کریمی، عبدالله شریعتی، مظفر رحیمی، جبار
هوشمندی، عبید رستمی، بهمن مرادی، فواد اسدی، علی
مینوسرشت، رامین زندی، لیلا بابایی، سعدالله نصیری، شهریار
بهمنی

عاق والدین یا تیمور عرب

تهران

بازنویس و کارگردان: حسن عظیمی

بازیگران: سعدی افشار، حسن عظیمی، حسین رنگی وند

محسن مقامی، علی فتحعلی، احمد نصر، افسانه ذاکری، هما

مکرمی، ایران عسگری، مجید عظیمی، علی رضا حیدری،

سعید طاهری، حسین رحمنی

تعزیه مارد بن صدیف

کاشمر

شیوه گردان: محمدرضا رجبزاده

نویسنده: میرعزرا

شیوه گردان: محمدرضا رجبزاده افتاده فلاحتی، امینی،

عبدی، طاهری

ستاره و چوپان

نویسنده و کارگردان: کامبیز صفری

بازیگران: مصطفی عربزاده علی تقواوی، افشین یکه، کامبیز

صفری، بهروز تقواوی، بهرام علیان

و نمایش های: خوانستگاری، فرجم،
سیاه بازی خنده نداره، تعزیه بازار شام، شیوه
مضحك، مضحكه و معركه

تیزه تراز سیاه

نویسنده و کارگردان: هوشنگ هدایتی

بازیگران: سعید داخ، داود نوئرکش، محمد نصر، محمد

خواجوی، داود منفرد فریبرز واله، محمد جمیل، زهرا

یعقوبی، هوشنگ هدایتی و ...

سلطان و دزد

نویسنده و کارگردان: حسن شاهپسندی

بازیگران: علی اصغر کاتپوری، عیسی طهماسبی، حسین

پاپرجا، حسین شاکران، قاسمعلی مانی، محمود سجادی،

اصغر نصیری، علی محمد هارونی، سیدحسن موسوی،

فضل الله اسماعیلی، علیرضا شاهپسندی

بارگه داد

کارگردان: احمد علامه‌دهر

اجراکنندگان: قاسم امین بیطراف، جعفر بالامک، محمود

پاک‌نیت، کاظم روزی طلب، علیرضا اسدی، احمد

علامه‌دهر، بهرام حقیقی گردانه، کمال بقال‌پور، مهدی

ساجدی، حبیب بختیاری، علی روئین‌نق، رحیم هودی،

ابوالقاسم پورشکیبایی

شاهین طایی

نویسنده و کارگردان: مجید افشار

بازیگران: مجید افشار، اسدآخشایارزاد بخششی تقوانی،

اسفانه ذاکری، محمد آقامحمدی، علیرضا کمال‌آبادی،

نازی گذری، غلامرضا کاویانی، حسین گیتی، محمدرضا

آقاجانی اصفهانی، منصور باقری، حمید کاکاسلطانی

دیوانه‌ی پول

نویسنده: حسین مدنی

کارگردان: بهاء الدین صفوی

بازیگران: سیدجودا یوسفی، زهرا افشار، محمد کدخایی،

مژگان غیاثی، فربا حیدری، رحیم ارغمان، رضا غیاثی،

حسن بهروزی

بابا حیدر

کارگردان: ماشالله وحیدی

گروه نمایش سنتی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

مشهد

اجراکنندگان: ماشا وحیدی، احمد وحیدی، حسن چون،

کاظم قناده‌اه کاوری، صادق همتیان، حسن

ظهوریان، علیرضا کامیاب، محمود ثابت‌نیا، محمد ملتجمی،

حسین صمیمی

مسبّب کیه

کارگردان: محمد جواد کبوتر آهنگی

همدان

اجراکنندگان: صادق عاشوریور، محمد جواد کبوتر آهنگی،

مهدي چلاني، اسماعيل عميد، ايرج رنجبر، محمد

ممدوح، عباس نفری، ابراهيم جعفری، حسین نادری،

رجب حمیدي کيوان، كيانوش بهروزبور، مهرداد نصرتی،

كمال مدنی، كيومهر خليلي، ناصر صفاء، احمد بيكاريان،

محمد مبين، محمد بهاري

کدو اند کدو

کارگردان: سعید رسول زاده

اجراکنندگان: سعید رسول زاده احمد مینابی، اصغر

شريعه، علیرضا قاسمی، محمد طلايكي، علیرضا

رسول زاده مجید کريkan، جليل يزدي نژاد، عبدالجليل

حسين اسلامي

تعزیه خروج مختار

گروه تعزیه آمل

شبيه گردان: هدایتی

تعزیه جرjis

معین البکاء: هاشم فیاض

شبيه خوانان: رضا میناوندی، علاء الدین قاسمی،

قوام الدین قاسمی، حسن فیاض، رضا گرانی، احمد

حجتی نژاد، کیوان حاجتی نژاد، اکبر هاشمی، محمدالوندی،

سعید قاسمی، مهدی قاسمی، علیرضا میرزا حمدی،

ابوالفضل احمدی، محمدرضا میرزا حمدی

تعزیه اسیران نفع

گروه تعزیه گرمسار

شبيه گردان: رجبعلی معینیان

شبيه خوانان: رجبعلی معینیان، قدرت الله صائمی، منوجهر

صائمی، محمد على عرب، بیژن معینیان، حمید معینیان،

رضامؤمنی، حجت الله معینیان، فرشاد معینیان، سعید

صبوری، علی اصغر صبوری، جمشید فلاحتی، کریم

معینیان

عروسي غلامحسین خان

کارگردان: محمد جونیان

گروه نمایش ساری

اجراکنندگان: محمد جونیان، سیدکاظم حسینی، آزیتا

رزقی، آزیتا سليمانی، منصور علی اصغری، مهران زنجانی،

عباس شهبازی، علی شیلایی فر، حسن فرشاباف، سیدعلی

علوی، نادر ایرجي، میترا مسلمانی

سینمای ایران

مجلس سليمان وبليقين

قلای اول، سرای نخست
کارگردان: فریدون سیفی

سومین جشنواره

در این جشنواره ۱۶ نمایش از تهران، اصفهان، تنکابن، بجنورد، گرگان، گرمسار، نهاوند، شیرواز، ستندج، یاسوج، بوشهر و نیشابور در قالب نمایش‌های تعزیه، سیاه بازی و مضحکه در مجموعه تئاتر شهر (سالن اصلی، چهارسو) تالارهای محراج و سینگلچ و فضای باز به اجرا درآمدند.

در جشنواره سوم مسابقات اجرایی فی الدها به بین گروههای شرکت کننده در سالن شماره ۲ و سخنرانی علی نصیریان درباره تاریخچه نمایش‌های سنتی، مذهبی و آیینی در کنار اجرای نمایش‌ها برگزار شدند. دبیر جشنواره سوم داده فتحعلی بیگی بود.

حکایت حاجی فیروز

نویسنده و کارگردان: صفرعلی اوجانی
بازیگران: علی رضایی، باقر عبیری، محمود هاشمی،
محمد رضا صادق زاده، رامین شاپوری، نیما اوجانی،
موسی ناظریان

١٧

کارگردان: عطاءالله صفرپور

مضحكه هلو و لوه

نویسنده و کارگردان: سیدوحید ترحمی مقدم
بازیگران: حسین پرستار، افشین یکه، داوددادا
سیدحسن حسینیان، منوچهر صفرخانی، مهرداد
فریبا غلامی، شهرلا حجری، کیورث مرادی،
برغمدی، امیر میرزا علی
خراب: پرویز نوروزی
ستنی: محمّدعلی نوروزی

سپیدہ سیاہ

ویسنده و کارگردان: هوشنگ هدایتی

ازیگران: داود نوترکش، محمد نصر، سعید داخ، داود سنفرد، آزاده انصاری، حسن نریمانی، هوشنگ هدایتی

سنتور: محمدعلی نوروزی

تعزیه مسلم

کارگردان: رجبعلی معینیان

بنگاه تئاتر اسلام

نویسنده: علی نصیریان

کارگردان: شهره لرستانی

توفيقی، محمد آقامحمدی، عباس غفاری
بازیگران: مجید افشار، اسدالله خشایار، رضا عطاران، عباس

توروه فیروزه

کارگردان: منوچهر محمدپور

مادپنه دیو، یاد سرخ، دو دوست، شاخ شمشاد

خفتہ بخت

نویسنده و کارگردان: حسن اکلیلی
بازیگران: ابراهیم شمس، فاضل اجوری، مرتضی
کیواندانیریان، سیف الله نامداری، سعید محقق، سعادت نوری،
غلامرضا مجتبی، حسن اکلیلی

میر نوروزی

براساس طرحی از "عباس کمندی"

نویسنده و کارگردان: بهمن مرتضوی

بازیگران: بهمن مرتضوی، محمد بملکی، غلام پربار،

پرویز فاضل نژاد، محمد رستمی، خسرو مع

بارعام

نویسنده و کارگردان: حسین کارگری

شیخ صنعت و دختر توسا

نویسنده و کارگردان: منوچهر یاری
بازیگران: علاءالدین قاسمی، اکرم میرمحمدی،
سیلوحدت رحمی مقدم، رضا مینایی، جمال قاسمی،
احمد ابراهیمی

کوزه شکسته

تنظیم و کارگردان: حسن عظیمی
بازیگران: افшин یکه، حسن عظیمی، رضا شاد
مجید فروغی، محسن افشار، رضا رضامندی، اصغر
زمانی، یدالله گرامی، ملیحه حاجی‌لو، محمد عظیمی

تاریخ عوضی

نویسنده و کارگردان: محسن خالدزاده

اجلاس بزرگ

نویسنده و کارگردان: جواد انصافی
بازیگران: امیر پارسی، ناصر محمدی، محمدحسین
فرزانه، احمد آهسته، جواد انصافی و ...

کاکا سیاه

نویسنده و کارگردان: سعید خاکسار
بازیگران: سعید خاکسار، زاله صامتی، سهیلا
عزیزی، علیرضا شاگردی، سوزان جمشید، محمود
طاهری، امین عنایتی، سیروس اعوانی، اردشیر
صالح پور
موسیقی: پیمان شریعتی

تعزیه سوغات شمر

معین البکاء: هاشم فیاض
شیوه خوان: هاشم فیاض، علاءالدین قاسمی،
قوام‌الدین قاسمی، حسن فیاض، رضا میناوندی، رضا
گرگانی و ...

مسن

نویسنده و کارگردان: عبدالله کریمی
بازیگران: جلیل فرجاد، عباس محبوب، محمد
صرحابی، محسن مستقیمی، الناز هادی، عبدالله
کریمی

دومین جشنواره

دومین جشنواره نمایش‌های سنتی آیینی از ۷ تا ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ در تهران برگزار شد.
در این جشنواره ۱۱ نمایش تخت حوضی، سیاه بازی و مضمونه توسط گروه‌هایی از تهران (۷ نمایش)، اصفهان (۲ نمایش)، سبزوار و گنبد کاووس در تالارهای مجموعه تئاتر شهر (اصلی، چهارسو) تالار هنر و سنگلج به روی صحنه رفتند. داده‌فتحعلی بیگی دبیر جشنواره دوم بود.

شیر تو شیر

نویسنده: سعید محقق
کارگردان: حسن اکلیلی
بازیگران: حسن اکلیلی، سعید محقق، مسعود
نصیری، آسیه کلانی، ابراهیم کلانی، هوشنگ
حریرچیان

تب در مطب

کارگردان: حسن اکلیلی
بازیگران: فاضل اجوری، هوشنگ حریرچیان،
سیف‌الله‌نامداری، مرتضی کیوانداریان

مرگ موش

نویسنده: مازیار بازیاران
کارگردان: کامبیز صفری
بازیگران: مصطفی عرب‌زاده علی تقوا،
افشین یکه، کامبیز صفری، بهروز تقوا، بهرام علیان

نخستین جشنواره

نخستین جشنواره‌ی نمایش‌های سنتی آیینی از ۵ تا ۱۲ فروردین ماه ۱۳۶۸ در تهران برگزار شد.

در این جشنواره ۱۱ نمایش تخت حوضی (سیاه بازی و بقال بازی) توسط گروه‌هایی از تهران (۳ نمایش)، اصفهان (۴ نمایش)، گرگان، ساری و کاشان در دو بخش مسابقه و جنبی به روی صحنه رفتند. در این جشنواره داد و فتحعلی بیگی به عنوان دبیر و علی نصیریان به عنوان مسئول اجرایی همکاری داشتند.

جیجک علیشاه

نویسنده: ذبیح بهروز

کارگردان: عطاء‌الله صفرپور

بازیگران: عطاء‌الله صفرپور، حسن رستمانی و ...

مرده خور

براساس نمایش‌نامه‌ی "ولپن" اثر بن جانسون

نویسنده: مهدی ممیزان

کارگردان: حسن اکلیلی

بازیگران: فاضل اجوری، حسن اکلیلی، مرتضی

کیوان‌ناریان، اسکندر رفیعی، سعادت نوری، مسعود زنجانی،

زنجانی

آقامقیله

نویسنده: غلامحسین سرکوب

ویرایش: اسکندر رفیعی

کارگردان: حسن اکلیلی

بازیگران: اسکندر رفیعی، سعادت نوری، مسعود زنجانی،

حسن اکلیلی و ...

هفت سین

نویسنده: مهدی ممیزان

کارگردان: حسن اکلیلی

بازیگران: حسن اکلیلی، سعید محقق، سعادت نوری،

غلامرضا محبی، شهریار دخانی، هوشنگ

حریرچیان و ...

شهر وارونه

نویسنده و کارگردان: جواد انصافی

بازیگران: امیر پارسی، ناصر محمدی، محمدحسین

فرزنه، احمد آهسته، جواد انصافی و ...

بقال بازی (رمال و عطار)

نویسنده: غلامرضا قصاوی

کارگردان: حسن اکلیلی

بازیگران: حسن اکلیلی، غلامرضا محبی، هوشنگ

حریرچیان، اسکندر رفیعی و ...

شب امتحان

نویسنده‌گان: مازیار بازیاران، کیومرث ملک‌مطیعی

کارگردان: کامبیز صفری

بازیگران: محمود یکتا (محمود ماست‌بند)،

غلامعلی موسوی، غلامحسین بهروزی، بهرام

علیان، رحیم ارغمن، محمود آقاگلیان

بازی سازان

نویسنده و کارگردان: حسن عظیمی

بازیگران: مجید افشار، حسن عظیمی، محسن

افشار، اسدالله خشایار، اصغر زمانی، علی تقوای، مهین

بوخار، عبدالله محمدی، رضا شاد

کمدی خبردار

نویسنده: حسین عظری

کارگردان: کامبیز صفری

بازیگران: مصطفی عربزاده، غلامعلی موسوی،

عزت‌الله رمضانی‌فر، غلامحسین بهروزی، بهرام

علیان، رحیم ارغمن، محمود آقاگلیان

میرزا عبدالطمع و جنگ جهانی دوم

نویسنده: داود فتحعلی بیگی

کارگردان: محمد جونیان

بازیگران: محمد جونیان، سید‌کاظم حسینی، منصور

علی‌اصغری، مهران رنجانی، علی پارسی‌نژاد، علی

آذرلی، آزیتا رزقی، نگین کشاورز، آزیتا قرایان، آزیتا

سلیمانی، نوشین گلپایگانی، مهیار بریونی

عروسوی غلامحسین خان

نویسنده: داود فتحعلی بیگی

کارگردان: محمد جونیان

بازیگران: محمد جونیان، سید‌کاظم حسینی، منصور

علی‌اصغری، مهران رنجانی، علی پارسی‌نژاد، علی

آذرلی، آزیتا رزقی، نگین کشاورز، آزیتا قرایان، آزیتا

سلیمانی، نوشین گلپایگانی، مهیار بریونی



Tradition
and ritual,
The Man's
Spiritual Heritage

سنّت و آیین، میراث معنوی بشری



مرکز هنرهای نمایشی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

www.irannamayesh.com